مجموعه فرهنگ‌های
اصطلاحات علوم و معارف اسلامی
(۱)

دفتر پژوهش و نشر
سهروردی

فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی

فارسی - انگلیسی ● انگلیسی - فارسی

تهیه کنندگان: گروهی از پژوهشگران
ویراستار: سید محمود موسوی

با مقدمه و اصلاحات
سید حسین نصر



The Library of Glossaries
of the Islamic Sciences
(1)

A Glossary of Islamic Mysticism

(English - Persian)
(Persian - English)

Compiled by
A Group of Researchers

Edited by
Seyyed Mahmûd Mûsavî

With an Introduction and Corrections by
Seyyed Hossein Nasr



Suhrawardî
Research and Publication Center


ISBN 964-6980-31-7
9789646980310

قیمت: ۵۸۰۰ تومان

فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی

ویراستار: سیّد محمود موسوی

با مقدمه و اصلاحاتِ سیّد حسین نصر

Nº 14



بسم الله الرحمن الرحیم



مجموعه فرهنگ‌های

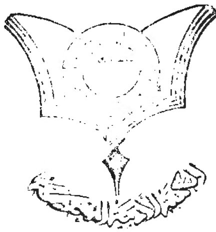
اصطلاحات علوم و معارف اسلامی

(۱)

فرهنگ اصطلاحات

عرفان اسلامی

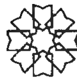
(فارسی ـ انگلیسی)
(انگلیسی ـ فارسی)



تهیّه کنندگان :
گروهی از پژوهش‌گران

ویراستار : دکتر سیّد محمود موسوی

با مقدّمه و اصلاحات
دکتر سیّد حسین نصر



دفتر پژوهش و نشر سهروردی
۱۳۸۲



دفتر پژوهش و نشر سهروردی
تهران، خیابان فتحی‌شقاقی، نرسیده به بزرگراه شهید گمنام، پلاک ۱۵۰
تهران، صندوق پستی: ۴۱۳ / ۱۵۸۵۵
تلفن و فکس: ۴ - ۸۰۲۸۹۵۳
E-mail: SuhrawardiPup@Hotmail.com

این اثر با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی ـ فارسی ـ انگلیسی و انگلیسی ـ فارسی / تهیه کنندگان: گروهی از پژوهش‌گران دفتر پژوهش و نشر سهروردی؛ با مقدّمه و اصلاحات سیّد حسین نصر؛ ویراستار: سیّد محمود موسوی. ـ تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۲.
۷۸۰ ص. ـ (مجموعه فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی؛ (۱))
ISBN 964-6980-31-7
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. ۴۸۱.
۱. عرفان ـ اصطلاح‌ها و تعبیرها. ۲. فارسی ـ واژه‌نامه‌ها ـ انگلیسی. ۳. زبان انگلیسی ـ واژه‌نامه‌ها ـ فارسی. الف. نصر، سیّد حسین، ۱۳۱۲ - ب. موسوی، سیّد محمود، ۱۳۴۰ - . ج. دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
1. 1. Persion Language - Dictionaries - English 2. English Language Dictionaries - Persion.
BP ۲۷۴ / ۳ / ۳۵۶ ف ۲۹۸ / ۸۰۳
کتابخانه ملّی ایران ۸۲-۸۰۵ م

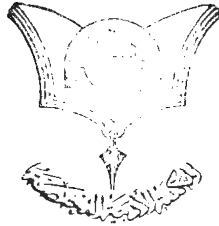
فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی

فارسی ـ انگلیسی و انگلیسی ـ فارسی

با مقدّمه و اصلاحات دکتر سیّد حسین نصر

تهیه کنندگان: **گروهی از پژوهش‌گران** ▪ ویراستار: **دکتر سیّد محمود موسوی**
صحافی و چاپ: **دیدآور** ▪ لیتوگرافی: **طیف‌نگار**
نوبت چاپ: **اوّل** ▪ تاریخ چاپ: **بهار ۱۳۸۲**
قیمت: **۵۸۰۰ تومان** ▪ تیراژ: **۵۰۰۰ نسخه**
شابک: ۹۶۴-۶۹۸۰-۳۱-۷ ▪ ISBN : 964-6980-31-7

فهرست مطالب



پیش‌گفتار دکتر سیّد حسین نصر

زبان عرفان زبان حال و مکاشفه و شهود است در قالب لسان بشری که عمدتاً زبان قال است و مفاهیم آن از تجارب حسّی و برونیِ انسان سرچشمه گرفته و واژه‌های آن با شعور و وجدان عادی او مرتبط است. موفّقیّت گفتار در بیانِ حقایق درونی به‌رغم به کار بردن قالب لسان ظاهراً عادی، در این است که در بطن زبان، معانی درونی مستتر است و منشأ کلام بشری عقل قدسی و کلام الاهی است که پس از تنزّل از مراتب وجود، به عالم ناسوتی قدم گذارده، ولی هنوز نیروی بازگشت انسان را به مراتب برین هستی در خود حفظ کرده است. بالاترین مثال این حقیقت، لسان وحی است و کلام پروردگار که در قالب زبان این‌جهانی، حقایق عالم معنا و مراحل اعلای وجود را بیان می‌دارد و اعجاز وحی نیز در همین حقیقتِ شگرف است. در اسلام عرفا با اتّکاء به وحی الاهی و لسان قرآنی و نیز قدرت رمز و تمثیل که در زبان وجود دارد، به‌تدریج زبان خاصّی برای بیان حقایق صوفیانه و عرفانی به وجود آورده‌اند که ظاهر آن در استفاده از واژه‌های زبان‌های متداول مانند عربی و فارسی با زبان عادی تشابه داشت، ولی باطن آن از عالمی دیگر حکایت می‌کرد. وانگهی

خواننده را در جست‌وجوی حقیقت، از عالم ظاهر به جهان درون رهنمون باشد.

طیّ چند قرن، یک فرهنگ غنیّ عرفانی در زبان فارسی به وجود آمد که در نوع خود در سطح جهانی کم‌نظیر و شاید بتوان گفت بی‌نظیر بود؛ چون زبان فارسی می‌توانست هم از واژه‌های قرآنی و ریشه‌های عربی و هم از واژه‌های زبان‌های ایرانی استفاده کند و چند، و نه یک نظام اصطلاحاتی برای بیان مطالب عرفانی به وجود آورَد. عرفای فارسی‌زبان، هم از حقّ و تجلّی و تعیّن و فنا و مَحق و محو سخن می‌گفتند و هم از خال و مو و ابرو، و هم از آتش و آتشکده و دیْر مغان، و هم از ساغر و مِی و جام. در نتیجه، یک فرهنگ بسیار غنّیِ اصطلاحات رمزی عرفانی به وجود آمد که پایه از برای تکوین ادبیّات عرفانی فارسی شد و آن را یکی از غنی‌ترین ادبیّات عرفانی و صوفیانه‌ی جهان ساخت.

سیر تکوین و تحوّل تاریخ زبان انگلیسی این چنین نبود. از یک جهت، زبان انگلیسی با زبان فارسی شباهت دارد و در یک امر مهمّ مشترک است و آن این که همان‌طور که زبان فارسی قادر است از واژه‌های عربی و مخصوصاً قرآنی و نیز کلمات مأخوذ از زبان‌های ایرانی و به‌ویژه دَری استفاده کند، زبان انگلیسی نیز توان اخذ واژه از زبان لاتین و نیز زبان‌های ژرمانیک را دارد و به همین جهت، از موهبت یک ادبیّات غنیّ و حتّی شاه‌کارهای مهمّ عرفانی برخوردار است. فرق اساسی این دو زبان از لحاظ عرفان، در این است که در چند قرن اخیر در انگلستان و سایر ممالک انگلیسی‌زبان چندان عنایتی به عرفان نشد و بسیاری از واژه‌های عرفانی مهجور و به فراموشی سپرده شد، در حالی که در بین فارسی‌زبانان، عرفان همواره زنده مانده است.

از قرن گذشته، نهضت ترجمه‌ی آثار صوفیانه و عرفانی که در سده‌ی نوزدهم مسیحی آغاز شده بود فزونی گرفت و بسیاری از متون مهمّ

عرفانیِ فارسی به زبان انگلیسی ترجمه شد، ولی بسیاری از مترجمان در مقابلِ مشکلات عدیده قرار گرفتند، مخصوصاً برای ترجمه‌ی متون عرفان نظری مکتب ابن عربی و پیروانش. این مشکلات، هم از به فراموشی سپرده شدن واژه‌هایِ موجود در دوران جدید در غرب سرچشمه می‌گرفت و هم از از بین رفتن ـ روح درک رمز و تمثیل، و نتیجتاً عدم توجّه به زبان رمزی عرفان و بالأخره هم از تفاوت بین ماهیّت عرفان مسیحی و عرفان اسلامی. ولی به هر حال، برخی از مترجمان با موفّقیّت قابل‌توجّهی روبه‌رو شدند و آثار پرارجی از خود به جاگذاشتند.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که فرهنگ دقیق اصطلاحات عرفانی دوزبانه به طبع رسد و آنان را که دست‌اندرکار ترجمه‌ی آثار جاویدان عرفان اسلامی از زبان فارسی هستند یاری کند. جهان امروز سخت محتاج ترجمه‌های دقیق و رسا با اسلوب سنگین ادبی است که از تمام امکانات زبان انگلیسی استفاده کند و برای تحقّق پذیرفتن این مهمّ، چنین فرهنگی کاملاً ضروری است. هم‌چنین برای غنای ادبیّات فارسی و ایجاد آگاهی بیش‌تر از فرهنگ‌ها، تمدّن‌ها و ادیان دیگر، لازم است شاه‌کارهای عرفانی دیگر ملل به زبان فارسی برگردانیده شود که این امر نیز محتاج به چنین فرهنگی است.

کتابی که از مدّ نظر خوانندگان محترم می‌گذرد، نخستین مجلّد از مجموعه فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی است که در حوزه‌ی علوم عقلی شامل: عرفان، فلسفه و کلام، اخلاق، منطق و در حوزه‌ی علوم نقلی شامل: فقه، اصول فقه، تفسیر و علوم قرآنی، رجال و درایه و ادبیّات عرب است و در راستای نیل به این هدف بنیادی فراهم آمده است و اوّلین قدم مهم در این زمینه به شمار می‌آید. امید است به خواست خداوند و در آینده‌ای نه چندان دور، معادل‌های اصطلاحات این مجموعه به دیگر زبان‌های مهم نیز فراهم آید.

فرهنگ حاضر عمده‌ی اصطلاحات عرفانی را در بر دارد و واژه‌های فارسی منتخب آن به‌دقّت برگزیده شده و انتخاب معادل‌های انگلیسی آن‌ها نیز به‌دقّت انجام یافته و در تهیه‌ی آن از بسیاری از پرارج‌ترین ترجمه‌های دهه‌های اخیر استفاده شده است.

این‌جانب صورت نهایی این فرهنگ را به‌دقّت مطالعه کرده و یکایک مدخل‌ها و معادل‌ها را از نظر گذرانده و معادل‌های بسیاری به آن افزوده و در مواردی نیز حکّ و اصلاح‌هایی در آن انجام داده‌ام. باید به دفتر پژوهش و نشر سهروردی و مدیر مسؤول محترم آن آقای صدری، در انجام این امر تبریک گفت و آرزوی موفّقیّت از برای ایشان و همه‌ی پدیدآورندگان این مجموعه، به‌ویژه دانشمند محترم آقای مصطفی ملکیان و نیز ویراستار محترم آن، آقای دکتر سیّد محمود موسوی، که در فراهم ساختن این مجموعه به‌ویژه فرهنگ حاضر زحمات فراوان کشیده‌اند، از درگاه احدیّت متعال توفیق مسألت داشت.

راقم این سطور یقین دارد که *فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی* کمک بزرگی برای مترجمان ایرانی خواهد بود و سهم بسزایی در بهتر برگردانیدن گنجینه‌های معرفت فارسی به جهان خارج خواهد داشت و وسیله‌ای ارزنده خواهد بود برای تبدیل کردن زبان انگلیسی به یک "زبان اسلامی"؛ یعنی زبانی که در آن معارف و ارزش‌های اسلامی، که در قلب آن عرفان قرار گرفته، به‌سهولت قابل بیان است و ادبیّات آن زبان، خود حامل جهان‌بینی اسلامی است. هنگامی که اسلام وارد بنگال شد زبان بنگالی و ادبیّات آن جزئی از عالم فرهنگی هندو بود، ولی دیری نپایید که همین زبان و ادبیّات، به صورت یکی از مهم‌ترین زبان‌ها و ادبیّات‌های اسلامی در آمد. چنین تحوّلی اکنون در زبان انگلیسی نیز مشهود است و امید است که به یاری ترجمه‌های اصیل، و نیز نگارش مطالب مربوط به عرفان و حکمت اسلامی به زبان انگلیسی، این تحوّل با موفّقیّت کامل به

مقصد رسد. در تحقّق یافتن این مهمّ یقیناً فرهنگ حاضر سهمی خواهد داشت و نیز کمک خواهد کرد تا مترجمان از تشتّت و پراکندگی در برگرداندن متون عرفانی رهایی یابند.

و اللّه أعلم بالصواب

سیّد حسین نصر

تیر ماه ۱۳۸۰

سخن ناشر

ضرورت تدوین فرهنگ اصطلاحات علوم اسلامی

امروزه با توجّه به اهمیّت گفت‌وگوی بین فرهنگ‌ها و آشنایی هر چه بیش‌تر و دقیق‌تر فرهنگ‌های گوناگون و تمدّن‌های زنده‌ی دنیا با منابع و متون یک‌دیگر و به‌ویژه با توجّه به اهمیّت گفت‌وگوی ادیان مختلف به عنوان یکی از مهم‌ترین ساحت‌ها و عناصر سازنده‌ی فرهنگ و تمدّن، ضرورت عرضه‌ی معارف بنیادین و متون معتبر دینی به زبان‌های گوناگون، بیش از پیش آشکار شده است. در این میدانِ رقابت، که پیروان همه‌ی ادیان به شکل‌های گوناگون در حال عرضه‌ی معارف دینی خویش‌اند، و امروزه گریزی از آن نیست، عالمان مسلمان باید در کنار عالمانِ دیگر ادیان زنده‌ی جهان خود را برای یک گفت‌وگوی جدّی و سرنوشت‌ساز آماده کنند. بدون شکّ، معرّفی ابعاد گوناگون فرهنگ غنیّ اسلام و نشان دادن زیبایی‌ها و جاذبه‌های آن به مردم دنیا جز از طریق ترجمه و انتقال مفاهیم اسلامی به زبان‌های دیگر امکان‌پذیر نیست.

بدیهی است که در این راستا، اطّلاع‌رسانی صحیح و بهنگام و تدوین فرهنگ‌های تخصّصی دو یا چندزبانه در حوزه‌ی هر یک از رشته‌های

مختلف علوم و معارف اسلامی از نقش کلیدی برخوردار است. چنین تلاشی البتّه اگر به‌درستی صورت پذیرد، می‌تواند تا حدود زیادی و اصولاً تا آن‌جا که محدودیّت‌های طبیعی ترجمه و انتقال مفاهیم از یک زبان به زبان دیگر اجازه می‌دهد، از ضعف‌ها و کاستی‌های زبانی و ادبیِ متون ترجمه شده بکاهد.

توجّه به رشد روزافزون جریان الحاد و معنویّت‌ستیزی در جهان که تخریب و ضدّیّت با همه‌ی ادیان و در رأس آن‌ها ادیان ابراهیمی و از آن جمله دین اسلام را هدف گرفته است از یک سو، و دشمنی‌ها و عنادهایی که به انگیزه‌های مختلف با دین اسلام بخصوصه می‌شود و چه بسا در پاره‌ای از موارد ناشی از بد معرّفی کردن فرهنگ اسلام و نتیجتاً بدفهمی آن باشد، می‌تواند بر اهمیّت چنین تلاش علمی‌ای بیفزاید و ضرورت آن را بیش‌تر نشان دهد.

در حال حاضر، در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر دنیا و به‌ویژه اروپا و آمریکا، دپارتمان‌های مطالعات اسلامی تأسیس گردیده و صدها استاد و پژوهش‌گر و دانش‌پژوه در گوشه و کنار جهان به کار مطالعه، تدریس و فراگرفتن مفاهیم و متون اسلامی مشغول‌اند و به‌جرأت می‌توان گفت حتّی یک فرهنگ معتبر و جامعِ دو یا چندزبانه که پاسخ‌گوی نیازهای آنان باشد و در امر تفهیم و تفهّم یاری‌شان رساند در اختیار ندارند.

البتّه از ده‌ها سال پیش، توسّط شخصیّت‌ها و مؤسّسه‌های مختلف در سراسر جهان، در این زمینه تلاش‌های پراکنده‌ای صورت گرفته و اکثر اصطلاحات رشته‌های مختلف علوم اِسلامی، به‌ویژه عرفان اسلامی و تصوّف، فلسفه، اخلاق، منطق، فقه و...، به‌درست و یا نادرست، دقیق و یا نادقیق، توسّط بسیاری از اندیشمندان، که عمدتاً از شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان بنام غربی هستند، به زبان‌های مهمّ اروپایی و به‌ویژه انگلیسی معادل‌گذاری شده است، که به‌حقّ تلاشی مبارک و قابل تقدیر

است. ولی آن‌چه مایه‌ی تأسّف است این است که نه تنها هیچ مؤسّسه و نهادی داخل کشور تاکنون به طور اصولی و بر اساس استانداردهای فرهنگ‌نویسی به این مهمّ نپرداخته است، بلکه تلاش درخوری نیز در جهت استقصا و استخراج مدخل‌ها و معادل‌های صحیح رشته‌های مختلف علوم و معارف اسلامی از منابع معتبرِ موجود، و سر و سامان دادن و پیرایش و ویرایش آن‌ها و ارائه‌ی روش‌مند آن‌ها در قالَب یک فرهنگ چندزبانه و یا چند فرهنگ دوزبانه صورت نگرفته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بنیان‌گذاری نظام دینی در کشور خودمان و به‌ویژه بعد از تشکیل برخی نهادهای عریض و طویل دولتی که متولّی و متصدّی سر و سامان دادن به کارهای دینی و فرهنگی مربوط به خارج از کشور شدند، این انتظار می‌رفت که بخش ناچیزی از بودجه‌ی فراوان خویش را به این کار اختصاص دهند و از سفره‌ای که از ده‌ها سال پیش توسّط دیگران گسترده شده، بهره‌ی لازم را ببرند و دست کم در کنار سفارش پی در پی ترجمه‌ی کتاب‌های دینی و چاپ و ارسال فلّه‌ای آن‌ها به خارج از کشور، به چنین تلاشی نیز دست زنند و در حدّ توان خویش، قدری از آشفتگی بازار این متاع بکاهند، ولی با کمال تأسّف، گویا آنان تاکنون اولویّت چنین کاری را احساس نکرده‌اند و یا امکانات‌شان اجازه‌ی انجام چنین کاری را به آنان نداده است!

به هر حال، افزون بر آن‌چه ذکر گردید، در دسترس بودن فرهنگ‌های تخصّصی دوزبانه در حوزه‌ی اصطلاحات مربوط به رشته‌های مختلف علوم و معارف اسلامی، می‌تواند فوائد بسیاری را به دنبال داشته باشد که در این‌جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

اوّلاً: می‌تواند علاوه بر فراهم آوردن زمینه‌ی مناسب برای ترجمه‌ی متون کلاسیک در حوزه‌های گوناگون علوم اسلامی، که به‌حقّ از سرمایه‌های بزرگ فرهنگ و تمدّن اسلامی به شمار می‌آیند، مترجمان

تازه‌کار را در امر ترجمه‌ی متون اسلامی و به‌ویژه متونی که بیش‌تر جنبه‌ی تبلیغی دارند، یاری دهد و از میزان خطاهای آنان بکاهد و حتّی‌الامکان گره از کار آنان بگشاید.

ثانیاً: می‌تواند در امر تثبیت معادل‌های صحیح که در گوشه و کنار توسّط برخی از اندیشمندان به کار برده شده و حاکی از تمام بار معنایی مفاهیم اسلامی است نقش مؤثّری را ایفا کند.

ثالثاً: می‌تواند بستر مناسبی باشد برای آن‌که اسلام‌شناسان و محققّان برجسته با ارائه‌ی معادل‌های هر چه دقیق‌تر برای اصطلاحات استخراج شده به‌تدریج از ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در این حوزه بکاهند.

رابعاً: می‌تواند در امر یکسان‌سازی معادل‌ها و جلوگیری از تشتّت و آشفته‌کاری در به کار گرفتن معادل‌های گوناگون و بعضاً با بار معنایی ناکافی مفید واقع شود.

با توجّه به این نکته که اندیشمندان، اسلام‌شناسان و قرآن‌پژوهان برجسته‌ی دنیای غرب از دیرباز در زمینه‌ی علوم و معارف اسلامی تحقیقات مهمّ و فراوانی انجام داده و کتاب‌های ارزش‌مندی را به زبان انگلیسی پدید آورده‌اند، روایت «انگلیسی ـ فارسی» این مجموعه نیز می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای ترجمه‌ی فارسی متون یاد شده فراهم آورد و از این رهگذر جامعه‌ی فرهنگی کشورمان و به‌ویژه فرهیختگان حوزه و دانشگاه را از یک سو، با دیگر قرائت‌های مربوط به حوزه‌های مختلف علوم و معارف اسلامی که از اتقان نسبی نیز برخوردار است آشنا سازد و از سوی دیگر، آنان را برای پاسخ‌گویی به بدفهمی‌ها و کج‌اندیشی‌ها بیش از پیش آماده کند.

به هر حال، ناشر با توجّه به اهمّیّت و ضرورت انجام چنین کاری، به عنوان اوّلین تجربه‌ی خویش در زمینه‌ی پژوهش و نشر به فکر افتاد تا

آن‌چه را که به خاطرش خطور کرده و ضرورتش را احساس کرده است خود با دست خالی جامه‌ی عمل بپوشاند.

اندیشه‌ی تهیّه و تدوین مجموعه‌ی ***فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی*** که کتاب حاضر نخِستین مجلّد از مجلّدات نه‌گانه‌ی آن است و به اصطلاحات عرفان اسلامی و تصوّف اختصاص دارد، به حدود هفت / هشت سال پیش (سال ۱۳۷۴ ه ش)، باز می‌گردد. در آن هنگام که نگارنده به اقتضای اشتغال اداری خویش، کم و بیش با ترجمه و مترجمان کتاب‌های اسلامی سر و کار داشت، به این حقیقت پی برد که بعضی از مترجمان محترمی که دستی در این کار دارند، هرچند با ادبیّات زبان مبدأ و مقصد تا حدودی آشنایند، ولی اطّلاع چندانی از مفاهیم دینی و اصطلاحات رشته‌های مختلف علوم اسلامی ندارند و همین نقیصه باعث شده است تا برخی از کتاب‌های ترجمه شده، نه تنها اثر مثبتی در پی نداشته باشد، بلکه گاه در اثر ترجمه‌ی نادرست پاره‌ای از اصطلاحات و مفاهیم کلیدی آن‌ها، نارسا و ناکارآمد و بعضاً خنده‌آور از کار در آید.

البتّه نقد و بررسی ترجمه‌های متون اسلامی و به‌ویژه متونی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی با شتاب هر چه بیش‌تر به زبان‌های گوناگون و مهم‌تر از همه به زبان انگلیسی ترجمه شده است، خود داستان دیگری است و از حوصله‌ی این مقدّمه خارج است. امید است این مهمّ روزی جامه‌ی عمل به خود گیرد و از این رهگذر، تجربه‌ها آموخته شود.

سابقه‌ی تدوین فرهنگ‌های تخصّصی

سابقه‌ی تهیّه و تدوین فرهنگ‌های تخصّصیِ دوزبانه (فارسی ـ انگلیسی و یا عربی ـ انگلیسی) در حوزه‌ی رشته‌های مختلف علوم و معارف اسلامی در کشور ما و نیز دیگر کشورهای اسلامی چندان زیاد نیست. شاید بتوان

گفت تعداد ریز و درشت این قبیل فرهنگ‌ها، چه آن‌هایی که به یکی از رشته‌های علوم اسلامی اختصاص یافته و چه آن‌هایی که به چند یا چندین رشته پرداخته و منتشر شده‌اند، مجموعاً کم‌تر از بیست عنوان باشد، که مشخّصات کتاب‌شناختی برخی از آن‌ها که دارای اعتبار نسبی بوده و در این مجموعه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، در ضمن فهرست منابع اختصاصی هر یک از رشته‌های نه‌گانه‌ی این مجموعه آمده است.

خوشبختانه در سال‌های اخیر در کشور خودمان ایران از سوی اشخاص و یا مؤسّسه‌های پژوهشی، چند عنوان فرهنگ از این دست تهیّه و منتشر گردیده است. یکی از آخرین فرهنگ‌هایی که در این زمینه انتشار یافته، *فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدّن اسلامی* است که توسّط گروه «ترجمه‌ی بنیاد پژوهش‌های اسلامی» وابسته به آستان قدس رضوی تهیّه و منتشر شده است. فرهنگ یاد شده که در دو جلد و در دو روایت «فارسی ـ انگلیسی» و «انگلیسی ـ فارسی» تدوین شده مهم‌ترین و جامع‌ترین فرهنگ تخصّصی دوزبانه در حوزه‌ی علوم و تمدّن اسلامی است که تاکنون درکشور ما چاپ و منتشر شده است. این فرهنگ هرچند که به لحاظ حوزه‌های مختلف علومی که مدّ نظر قرار داده و نیز از به لحاظ شمار مدخل‌هایی که در حوزه‌ی هر یک از علوم در خود جای داده است، نسبت به دیگر فرهنگ‌هایی که در این زمینه در سال‌های اخیر منتشر شده، از مزیّت‌های زیادتری برخوردار است، و در نوع خود تلاشی است قابل تقدیر، ولی دارای نقطه‌ضعف‌هایی است که بر اهل فن پوشیده نیست.

تنگناها و مشکلات

کسانی که حتّی از دور دستی در کار فرهنگ‌نگاری و تهیّه و تدوین فرهنگ‌های دوزبانه به‌خصوص در زمینه‌ی علوم و معارف اسلامی داشته

و دارند، از تنگناهای آن به‌خوبی اطّلاع دارند. کسانی که این مسیر پُرپیچ و خم و ناهموار را هرچند برای مدّتی کوتاه و حتّی در حوزه‌ای محدود پیموده و مشکلات آن را تجربه کرده‌اند، به‌خوبی می‌دانند که در جریان انجام چنین کارهایی ناشر با چهِ مشکلاتی رو به رو خواهد بود. کوچک‌ترین مشکل، که خود کوهی بزرگ و غولی وحشتناک است و هر روز در برابر دیدگان انسان ظاهر می‌شود، پشتیبانی کار و فراهم آوردن هزینه‌های مادّی آن است و مهم‌ترین مسأله، فراهم آوردن نیروی انسانی باصلاحیّت است؛ یعنی دست یافتن به چندین پژوهش‌گر (گروه واژه‌گزینان و ویراستاران) مسلّط به زبان مبدأ و مقصد، آشنا با مفاهیم رشته‌های مختلف علوم اسلامی، آشنا با شیوه‌ی فرهنگ‌نگاری و معیارهای آن، دارای روحیّه‌ی تحقیق و فراغت لازم برای انجام یک کار درازمدّت و...

روشن است جذب و گزینش یک فرد، تا چه رسد به گروهی از این دست افراد، چه میزان دشوار و توان‌فرسا است. بر اهل فنّ نیز پوشیده نیست که نادیده گرفتن ویژگی‌های یاد شده و یا تسامح در گزینش افرادِ واجد صلاحیّت، چه مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت و چه فرصت‌ها و چه سرمایه‌هایی را به هدر خواهد داد و جبران آن، چه میزان سخت خواهد بود.

پدیدآورندگان

مجموعه‌ی فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی، که کار معادل‌گذاری اصطلاحات رشته‌های مختلف علوم اسلامی را دنبال می‌کند، حاصل تلاش و کوشش و مساعدت ده‌ها نفر و چند هزار ساعت کار دشوار و پی در پی آنان است.

گروهی از پژوهش‌گران این دفتر، کار فیش‌برداری و واژه‌گزینی از

بیش از ۳۰۰ اثر را به عهده داشته‌اند. پدیدآورندگان این مجموعه که عمدتاً از پژوهش‌گران حوزوی و دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، تا کنون (زمان انتشار کتاب حاضر) عبارتند از آقایان:

دکتر سیّد محمود موسوی
دکتر حسینعلی شیدانشید
دکتر قاسم کاکایی
علی ملّاحسینی
حمیدرضا شاکرین
محمّدجعفر صدری
دکتر رضا برنجکار
احمدرضا جلیلی
حسین عشّاقی
دکتر مصطفی ملکیان
مرتضی کریمی‌نیا
دکتر محمود کریمی
دکتر محمّدعلی شمالی
دکتر محمّدباقر ملکیان
سعید عدالت‌نژاد
محمّد فتحعلی‌خانی
عباسعلی براتی

تشکّر و قدردانی

اکنون به لطف خداوند و به همّت گروهی از دانش‌پژوهان فرهیخته، نهالی که بیش از هفت سال پیش در زمین نشانده شد، به بار نشسته و طلیعه‌ی ثمرات آن نمودار گشته است، ناشر از این بابت خدا را سپاس می‌گوید و وظیفه‌ی خویش می‌داند که از همه‌ی کسانی که در رشد و شکوفایی آن سهیم بوده و در این راستا نقشی ایفا کرده‌اند تشکّر و قدردانی کند و از درگاه خداوند متعال برای همه‌ی آنان توفیق روزافزون آرزو کند.

به‌ویژه لازم می‌داند از استاد **مصطفی ملکیان** که در طول این مدّت، با معرّفی منابع مورد نیاز، تأیید اعتبار برخی از منابع ارائه شده و بعضاً با در اختیار قرار دادن آن‌ها و نیز مطالعه و بازبینی کارهای آماده شده و ارائه‌ی تذکّرات و راهنمایی‌های سودمند، ناشر و ویراستار را یاری رسانده‌اند تشکّر کند.

هم‌چنین ناشر وظیفه‌ی خویش می‌داند از برادر گرامی **حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر سیّد محمود موسوی** که مسؤولیّت ویراستاری نخستین حلقه‌ی این مجموعه، یعنی ***فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی*** را بر عهده داشته و در بهینه‌سازی هرچه بیشتر آن از هیچ کوششی فروگذار نکرده و با دقّت و حوصله‌ی تمام کار را به انجام رسانده است نیز تشکّر و قدردانی کند.

پس از انجام مراحل گوناگون کار و تهیّه و تدوین ***فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی***، صورت نهایی مدخل‌ها و معادل‌های فراهم آمده جهت ملاحظه و ارزیابی در اختیار **متفکّر عالی‌قدر و دانشمند گران‌مایه جناب آقای دکتر سیّد حسین نصر** قرار داده شد. ایشان نیز بیش از آن مقدار که انتظار می‌رفت، با بزرگواری هر چه تمام، علی‌رغم مشغله‌های فراوان خویش که بر فرهیختگان پوشیده نیست، تمام فرهنگ را به‌دقّت مطالعه کرده و یکایک مدخل‌ها و معادل‌ها را از نظر گذرانده و معادل‌های جدیدی را بر آن‌ها افزودند و در مواردی نیز در مورد پاره‌ای از معادل‌های ارائه شده، حکّ و اصلاح‌هایی انجام داده و از این رهگذر، به‌حقّ بر غنای این فرهنگ افزوده‌اند. ناشر از ایشان نیز کمال تشکّر و سپاس‌گزاری را دارد.

در جریان تهیّه‌ی منابع مورد نیاز این مجموعه که عمدتاً در ایران از کتاب‌های کم‌یاب به شمار می‌آیند، ناشر به‌ناگزیر دست نیاز به سوی شخصیّت‌های حقیقی و حقوقی بسیاری دراز کرده و بارها و بارها از این کتابخانه به آن کتابخانه مراجعه نموده و گاه با دست خالی و گاه با دست پر باز گشته، زمانی با گشاده‌رویی و تشویق و مساعدت مسؤولان مربوط و زمانی دیگر با ترش‌رویی و شنیدن پاسخ منفی آنان رو به رو شده است. به هر حال، در این راستا با بسیاری از شخصیّت‌ها و مجامع فرهنگی و دوستان خویش در داخل و خارج کشور و از آن جمله: آمریکا، انگلستان، کانادا، لبنان، سوریه، عربستان سعودی، هند، پاکستان و... مکاتبه و

گفت‌وگو کرده و منابع ارزش‌مندی را از این طریق به دست آورده است.

در این رابطه، جا دارد از دوست گرامی **حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای مهندس حسن طارمی**، معاون محترم علمی بنیاد دائرةالمعارف اسلامی که با فراهم ساختن امکان استفاده از کتابخانه‌ی غنیّ آن بنیاد، سهم بسیار زیادی در دست‌یابی به منابع مورد نیاز این طرح داشته‌اند، تشکّر و قدردانی کنم.

اساتید گران‌قدری هم‌چون **دکتر مهدی محقّق** و **دکتر هوشنگ اعلم** ناشر را در انجام این کار، راهنمایی و مورد تشویق و لطف خویش قرار داده‌اند و اساتید و سروران عزیز دیگری نیز علاوه بر راهنمایی‌های خود، با فراهم آوردن زمینه‌ی مساعد برای استفاده از کتابخانه‌های تحت مدیریّت خویش، این جانب را یاریِ بسیار کرده‌اند که بدین وسیله از همه‌ی آنان به‌ویژه **جناب آقای دکتر غلامرضا اعوانی** در مورد کتابخانه‌ی انجمن حکمت و فلسفه، **جناب آقای کامران فانی** و **سرکار خانم پوری سلطانی** در مورد کتابخانه‌ی ملّی، **جناب آقای دکتر نصرالله پورجوادی** در مورد کتابخانه‌ی مرکز نشر دانشگاهی (و نیز به خاطر در اختیار قرار دادن برخی از کتاب‌های شخصی خویش)، **جناب آقای فرّخ امیرفریار** در مورد کتابخانه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، **جناب آقای حاج‌کریمی** در مورد کتابخانه‌ی دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، و **جناب آقای سرلک** در مورد کتابخانه‌ی بنیاد دائرةالمعارف اسلامی تشکّر و قدردانی می‌کنم.

در پایان، وظیفه‌ی خویش می‌دانم از **جناب آقای احمد مسجدجامعی**، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، و **آقای سهراب حمیدی**، مشاور محترم ایشان که با مساعدت‌های خود راه تولید آن را هموار ساختند، تشکّر و قدردانی کنم.

جناب آقای مهندس احمد یوسفی کار برنامه‌نویسی کامپیوتری این

مجموعه را بر عهده داشته‌اند و نیز آقای محسن یزدیان و سرکار خانم مرضیّه توکّلی کار تایپ مدخل‌ها و معادل‌ها و وارد کردن اطّلاعات را انجام داده‌اند که از آنان نیز تشکّر و قدردانی می‌شود. خداوند به همه‌ی آنان پاداش خیر عطا فرماید.

و ما توفیقی الاّ باللّه و الحمد للّه ربّ العالمین

۲۲ / ۱۱ / ۱۳۸۱

محمّد جعفر صدری

پیش‌گفتار ویراستار

کسانی که از دور و نزدیک دستی در کار فرهنگ‌نگاری دارند به‌خوبی می‌دانند که پیمودن این راهِ پُرپیچ و خم کاری است بس دشوار. از این رو، چه‌بسا استفاده از تجربه‌ی دیگران بتواند قدری راه را برای کسانی که قصد دارند در این مسیر قدم بگذارند، هموار سازد و از دشواری‌های آن بکاهد و بر کیفیّت و غنای حاصل تلاش‌شان بیفزاید. در همین راستا و به منظور رفع پاره‌ای از ابهام‌ها، مطالبی را به‌اختصار به اطلاع علاقه‌مندان گرامی می‌رسانیم

محدوده‌ی واژه‌گزینی

همان‌گونه که عنوان اصلی این مجموعه (***فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی***) نشان می‌دهد، محدوده‌ی کار آن عبارت است از استخراج «اصطلاحات» «علوم و معارف اسلامی» و معادل‌گذاری آن‌ها. در این‌جا لازم است قبل از هر چیز، توضیحی کوتاه درباره‌ی مقصود از واژه‌ی «اصطلاح» و «علوم اسلامی» ارائه دهیم:

مراد از «علوم اسلامی» و «اصطلاح»

مراد ما از «علوم اسلامی» در این مجموعه عبارت است از علومی که به

نحوی در ارتباط با گزاره‌های دینی است، اعم از علومی که به طور مستقیم مربوط به دین و متشکّل از گزاره‌های دینی‌اند و یا آن دسته که به طور مستقیم مربوط به دین نیستند، ولی انسان را در فهم گزاره‌های دینی و متون مقدّس آن یاری می‌رسانند. بنابراین، علاوه بر علم اخلاق، علم کلام و علم فقه که در حوزه‌ی هر دینی معمولاً یافت می‌شوند، علومی مانند اصول‌الفقه، فلسفه، منطق، ادبیّات (صَرف، نحو، معانی، بیان و...) و رجال و درایه را می‌توان از مصادیق علوم اسلامی به معنای دوّم به حساب آورد.

البتّه به یک اعتبار سوّمی هم می‌توان معنای دیگری برای علوم دینی و از آن جمله علوم اسلامی در نظر گرفت که دامنه‌ی آن از معنای دوّم نیز فراتر می‌رود و علاوه بر علوم دسته‌ی اوّل و دوّم، علوم دیگری را نیز در برمی‌گیرد و آن عبارت است از علومی که متدیّنانِ به یک دین، در باب آن تلاش کرده و با مایه‌های دینی آن را توسعه داده‌اند. بنابراین، علوم اسلامی به این معنا، علاوه بر علوم دسته‌ی دوّم، شامل علومی مانند: معماری، خطّاطی، ریاضیّات قدیم، نجوم و... می‌گردد.

مراد ما از علوم اسلامی در این‌جا، علوم اسلامی به معنای دوّم آن است که به دو دسته‌ی کلّی قابل تقسیم است: **علوم عقلی** شامل: عرفان و تصوّف، فلسفه، کلام، اخلاق، منطق، و **علوم نقلی** شامل: فقه، اصول فقه، تفسیر و علوم قرآنی، رجال و درایه و ادبیّات (صرف، نحو، معانی و...).

پدیدآورندگان این مجموعه در صدد بوده‌اند اصطلاحات مربوط به هر یک از این علوم را در حدّ توان استقصا و معادل‌گذاری کنند.

واژه‌ی «اصطلاح» نیز دارای معانی متعدّد است، ولی مراد ما از «اصطلاح» در این‌جا عبارت است از کلیدواژه‌ها و کلماتی که در هر یک از رشته‌های مختلف علوم اسلامی تداول بسیار دارد، اعمّ از آن که در هر یک از رشته‌های مورد نظر دارای معنای خاصّی باشد و یا اگر معنای خاصّی ندارد، عالمان آن حوزه برای بیان آن مفهوم از واژه‌ی خاصّی

استفاده کرده و می‌کنند. در محدوده‌ی این معنا می‌توان واژه‌های دیگری را نیز جای داد که موضوع و محور احکام و مباحث هر یک از این علوم قرار می‌گیرند.

بنابراین، واژه‌ی «**اصطلاح**» در این کتاب شامل موارد زیر می‌گردد:

۱ ـ واژه‌هایی که در حوزه‌ی هر یک از رشته‌های مختلف علوم اسلامی، دارای معنای خاصّی غیر از معنای لغوی آن‌ها است.

۲ ـ واژه‌هایی که در عرف عالمان رشته‌ی خاصّی از علوم اسلامی تداول بسیار دارند، هرچند دارای معنای اصطلاحی ویژه‌ای نیستند.

۳ ـ واژه‌هایی که محور و موضوع احکام و مباحث یک علم واقع می‌شوند، اگرچه معنای اصطلاحی خاصّی ندارند.

در این‌جا لازم است این نکته را یادآور شویم که با توجّه به تداخل و هم‌پوشی برخی از رشته‌های علوم مورد نظر با یک‌دیگر از یک سو، و کاربرد برخی از واژه‌ها در معانی خاصّ از سوی برخی از ارباب علوم از سوی دیگر، نمی‌توان اصطلاحات برخی از رشته‌های علوم اسلامی را کاملاً از هم تفکیک و مرز دقیقی میان آن‌ها مشخّص کرد. از این رو، به‌ناچار تعدادی از مدخل‌ها در برخی از رشته‌های این مجموعه مانند عرفان و فلسفه، اخلاق و عرفان، اصول فقه و کلام و... تکرار شده است.

مراحل انجام کار

پس از مشخّص شدن محدوده‌ی انجام کار و تعیین رشته‌های گوناگون علوم اسلامی مورد نظر، نخست به سراغ شناسایی و گزینش منابع معتبر در هر یک از رشته‌های یاد شده رفتیم.

الف ـ شناسایی و گزینش منابع

در گزینش منابع، علاوه بر احراز دقّت و آشنایی صاحب اثر با مفاهیم و

اصطلاحات حوزه‌ی کار و آشنایی کافی وی با زبان مبدأ و مقصد، که ویژگی همگانی تمام منابع بوده است، اولویّت‌های زیر مدّ نظر بوده است.

۱ ـ شناسایی فرهنگ‌های تخصّصی دوزبانه (فارسی ـ انگلیسی و عربی ـ انگلیسی) در زمینه‌ی هر یک از رشته‌های یاد شده.

۲ ـ شناسایی متونی که در زمینه‌ی هر یک از رشته‌ها، از زبان فارسی و یا عربی به زبان انگلیسی ترجمه شده است.

۳ ـ شناسایی متونی که در زمینه‌ی هر یک از رشته‌های مورد نظر از ابتدا به زبان انگلیسی نگاشته شده است.

در مواردی که منابع دسته‌ی اوّل و دوّم وافیِ به مقصود نبود، از منابع دسته‌ی سوّم استفاده شده است.

فهرست منابع هر یک از رشته‌های یاد شده، به‌تفکیک در پایان هر یک از مجلّدات نه‌گانه‌ی این مجموعه خواهد آمد.

علاوه بر این، در ارتباط با گزینش منابع، لازم است به نکاتی اشاره کنیم:

۱ ـ در تدوین و تنظیم نهایی مجموعه‌ی واژگان مربوط به هر یک از رشته‌ها، از ذکر منابع و مآخذی که برای استخراج تک‌تک معادل‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، تعمّداً و به دلایل زیر، خودداری کرده‌ایم:

الف ـ با توجّه به منابع متعدّد و فراوان مربوط به هر یک از رشته‌ها، کدگذاری آن‌ها و ذکر همه‌ی کدها در جلوی هر یک از معادل‌ها چندان خوشایند به نظر نمی‌رسید. مثلاً ممکن بود در مقابل برخی از معادل‌های اصطلاحات عرفانی ناچار شویم که کد بیش از ۳۰ منبع را ذکر کنیم و بدیهی است که چنین کاری جالب به نظر نمی‌آید، هرچند نیک می‌دانیم در پاره‌ای از موارد، ذکر مأخذ و یا مآخذ معادل یک اصطلاح برای مراجعه کننده جالب و مفید باشد.

ب ـ تلاش پدیدآورندگان بر این بوده است که کلیه‌ی معادل‌های

مناسب را در اختیار قرار دهند تا مؤلّفان و مترجمان به سلیقه‌ی خود از میان آن‌ها بهترین و مناسب‌ترین را برگزینند. گفتنی است پاره‌ای از معادل‌های استخراج شده که نادرست می‌نمودند، از این مجموعه حذف شده و در پاره‌ای از آن‌ها تغییراتی صورت گرفته است؛ هم‌چنان که در برخی از موارد، با توجّه به معادل‌های موجود برای بعضی دیگر از مدخل‌ها معادل ساخته‌ایم.

۲ ـ با توجّه به تطوّر دائمی زبان و هموارتر شدن تدریجی مسیر ترجمه و نگارش متون اسلامی به زبان انگلیسی، و نیز غنی‌تر و دقیق‌تر شدن واژگان علوم اسلامی، در حدّ امکان تلاش گردیده تا منابع گزینش شده، از لحاظ زمانی متنوّع باشد و آثار مترجمان و نویسندگان قدیم و جدید، هر دو مورد استفاده قرار گیرد.

۳ ـ هم‌چنین تلاش شده است حتی‌الامکان در هر یک از رشته‌های یاد شده، از آثار مترجمان و نویسندگان متعدّد، و با سلیقه‌های گوناگون و دارای ادیان و مذاهب و ملّیّت‌های مختلف استفاده شود. این امر می‌توانست بر توان ویراستار در انتخاب معادل‌های مناسب بیفزاید.

۴ ـ با توجّه به این که برخی از رشته‌های علوم اسلامی مورد نظر (مانند فلسفه) دارای مکتب‌های گوناگون هستند، کوشیده‌ایم تا منابع منتخَب، ناظر به همه‌ی مکاتب موجود در آن رشته باشد تا واژگان به دست آمده از غنای لازم برخوردار باشد.

۵ ـ برای دقّت و اتقان هرچه بیش‌تر کار، سعی گردیده است تا آن‌جا که در امکان بود، کار فیش‌برداری از منابعِ مربوط به هر یک از رشته‌ها، توسّط پژوهش‌گران متعدّد انجام شود، تا مَبادا اصطلاحی از قلم بیفتد.

ب ـ واژه‌گزینی

پس از شناسایی منابع معتبرِ موردِ نظر، کار واژه‌گزینی و استخراج

مدخل‌ها و معادل‌ها آغاز شد. همان‌گونه که پیش از این یادآور شدیم کار واژه‌گزینی در اولویّت اوّل مبتنی بر استفاده از فرهنگ‌های تخصّصی دوزبانه و در اولویّت دوّم مقابله‌ی متون فارسی و عربی با ترجمه‌ی انگلیسی آن‌ها بوده است.

پس از انجام فیش‌برداری و استخراج مدخل‌ها و معادل‌ها از منابع دسته‌ی اوّل و دوّم، در صورتی که موارد استخراج شده ناکافی تشخیص داده می‌شد، برای تکمیل کار به منابع دسته‌ی سوّم مراجعه می‌شد. در این راستا، از طریق:

۱) مطالعه‌ی اثر مورد نظر از ابتدا تا انتها و استخراج کلیه واژه‌ها و پیداکردن معادل فارسی آن‌ها (بعضاً با مراجعه به فرهنگ‌های معتبر انگلیسی ـ فارسی)؛

۲) مراجعه به ایندکس و نمایه‌ی موضوعی کتاب‌ها؛

۳) کمک گرفتن از آوانویسی اصطلاحاتی که در کنار آن‌ها ذکر شده است.

هرچند منابع مورد استفاده، از قبل بر اساس موضوعات مورد نظر از یک‌دیگر تفکیک شده بود، ولی به هنگام فیش‌برداری از منابعِ اختصاصیِ هر یک از رشته‌ها، به منظور هر چه غنی‌تر کردن واژگان دیگرِ رشته‌ها، در صورتی که به اصطلاحات مربوط به دیگر رشته‌ها برخورد می‌شد، آن‌ها نیز استخراج می‌گردید.

به هر حال، به همّت تنی‌چند از پژوهش‌گران کار فیش‌برداری و واژه‌گزینی از ۳۰۰ اثر به زبان فارسی، عربی و انگلیسی (مربوط به رشته‌های نه‌گانه‌ی این مجموعه)، بیش اَز ۲ سال به طول انجامید و در پرتو آن، حدود ۷۵,۰۰۰ مدخل به همراه معادل‌های آن‌ها به دست آمد.

ج ـ ویرایش

پس از به انجام رسیدن کار واژه‌گزینی، انجام پاره‌ای اصلاحات، هم در

ناحیه مدخل‌ها و هم در ناحیه‌ی معادل‌ها ضروری می‌نمود. مهم‌ترین کارهایی که در این مرحله در مورد اصطلاحات عرفانی صورت گرفته به‌اختصار عبارت است از:

الف ـ در ناحیه‌ی مدخل‌ها

۱ ـ حذف مدخل‌های نامربوط و اضافه کردن آن به مجموعه‌ی واژگان رشته‌های مربوط و یا حذف آن از کلّ مجموعه در صورتی که مربوط به هیچ‌یک از آن‌ها نبود.

۲ ـ مراجعه به منابع مربوط، اعمّ از فرهنگ‌های تخصّصیِ یک‌زبانه، اصطلاح‌نامه‌ها و متون تخصّصی و دست یافتن به اصطلاحات از قلم‌افتاده.

۳ ـ فارسی‌سازی مدخل‌ها و یکسان‌سازی رسم‌الخط و شیوه‌ی ضبط آن‌ها؛ در این رابطه باید توجّه داشت که اساس کار در ناحیه‌ی مدخل‌ها ذکر صورت مفرد اصطلاحات بوده است، ولی در موارد زیر صورت جمع یک اصطلاح نیز آمده است:

الف) در مواردی که صورت جمع یک کلمه خود موضوعیّت داشته و اصطلاح به حساب می‌آمده است، اعمّ از این که کلمه‌ی مورد نظر اصلاً مفرد نداشته باشد و یا اگر دارد، صورت مفرد آن اصطلاح نیست، مانند اَبدال، اوتاد و مانند آن.

ب) در مواردی که هم صورت مفرد و هم صورت جمع آن تداول دارند و یا این که صورت جمعِ معادل یک اصطلاح با شیوه‌هایی غیر از افزودن «s» جمع بسته می‌شوند، مانند متّقین [the godwary =]، متوکّلین [=the trustful] و...

ج) در مواردی که صورت جمع یک کلمه، معنایی غیر از معنای مفرد آن را دارا باشد، مانند واژه‌ی «صلوات» که علاوه بر این که جمع

«صلاة» است، به معنای «درود بر پیامبر و اهل بیت او (ع)» نیز هست.

۴ ـ در مواردی که برای واژه‌گزینی، بین دو متن مقابله صورت گرفته و نثر متن اصلی، به سبک فارسی قدیم بوده است، برای استفاده‌ی بیش‌تر مترجمان مدخل استخراج شده در نسخه‌ی فارسی - انگلیسی به همان شکل اصلی آن آمده است، هرچند شکل امروزی آن را نیز در جای خود آورده‌ایم.

۵ ـ در مورد واژه‌های مرکّب عربی (صفت و موصوف) که در زبان فارسی تداول فراوان دارند، معیار در ضبط املای آن، همان صورت متداول آن در زبان فارسی بوده است، هرچند از نظر عربی اشتباه باشد. مانند ترکیب‌های اسماءالحسنی، حجرالأسود و مشعرالحرام که صورت صحیح آن الحجر الأسود و المشعر الحرام است.

۶ ـ از اضافه کردن الف و لام در ابتدای مدخل‌هایی که ریشه‌ی عربی دارند و در سیاق متون عربی معمولاً همراه با الف و لام به کار می‌روند اجتناب کرده‌ایم، مانند تمامی اسماء و صفات خداوند. در این گونه موارد تنها به ذکر کلمه‌ی خداوند در جلوی آن‌ها در داخل قلاب [ ] اکتفا کرده‌ایم. البتّه در پایان هر دو بخش از کتاب حاضر، اسماء و صفات الاهی را به صورت مستقل آورده‌ایم.

۷ ـ از درج صورت فعلی مدخل‌ها (و به‌تبع، معادل‌ها) خودداری شده است، ولی در موارد معدودی که درج آن‌ها سودمند به نظر آمده با علامت مصدری to مشخّص گردیده‌اند.

۸ ـ ترتیب مدخل‌ها طبق حروف الفبا است، ولی در مواردی مانند عالِم عالَم و نظایر آن که با اختلاف حرکت معانی مختلفی پیدا خواهند کرد، و نیز با وصف‌های متعدّد می‌توانند به کار روند، ترتیبی اتّخاذ شده است تا پس از ذکر یک مدخل با کلیّه‌ی وصف‌های مربوط به آن، مدخل دیگر درج شود.

۹ ـ در نسخه‌ی انگلیسی ـ فارسی برای سهولتِ دست‌یابی به واژه‌ها و کارایی هر چه بیش‌تر این فرهنگ، ترکیب‌های وصفی علاوه بر درج آن‌ها به ترتیب الفبایی، در ذیل مدخل اصلی (موصوف) مربوط به عنوان مدخل فرعی که با تورفتگی مشخّص گردیده درج شده‌اند.

۱۰ ـ در نسخه‌ی انگلیسی ـ فارسی، برای یک‌نواختی ترتیب الفباییِ مدخل‌ها، حرف تعریف the و علامت مصدری to به آخر آن‌ها انتقال یافته و در ترتیب الفبایی به حساب نیامده‌اند.

۱۱ ـ هم‌چنین در این نسخه مدخل‌هایی که با حروف بزرگ نوشته می‌شوند و تفاوت معنایی و یا کاربردی دارند، هم‌چون Good, Eminent به عنوان مدخل مستقل درج شده‌اند.

ب ـ در ناحیه‌ی معادل‌ها

۱ ـ بررسی صحّت و سقم هر یک از معادل‌ها و حذف معادل‌های ناصحیح، جای‌گزینی معادل‌های صحیح و احیاناً تصحیح آن‌ها.

۲ ـ کنترل معادل‌هایی که لازم است در ابتدای آن‌ها حرف تعریف «the» اضافه شود.

۳ ـ بررسی و تصحیح و یکسان‌سازی مواردی که لازم است حرف نخست معادل‌ها بزرگ [capital] باشد.

۴ ـ در مواردی که معادل یک مدخل واژه‌ای دخیل، اعمّ از لاتین، عربی و غیره بوده است، کلمه‌ی مورد نظر به صورت ایتالیک نگاشته شده و در صورت لزوم آوانویسی شده است.

۵ – در مواردی که در مقابل یک مدخل بیش از یک معادل ذکر گردیده است، ترتیب معادل‌ها صرفاً بر اساس رعایت حروف الفبا بوده است نه اولویّت آن‌ها.

۶ – در مواردی که املای یک واژه در زبان انگلیسی بریتانیایی و

انگلیسی آمریکایی متفاوت بوده است، انگلیسی بریتانیایی را ترجیح داده‌ایم.

تذکّر یک نکته در این‌جا لازم می‌نماید و آن این که با توجّه به بار معنایی بسیاری از اصطلاحات و نارسایی معادل‌های آن‌ها در زبان انگلیسی (و نیز در دیگر زبان‌ها)، امروزه بسیاری از پژوهش‌گران و مترجمان برجسته، در بسیاری از موارد همراه با معادل‌های انگلیسیِ اصطلاحات، صورت آوانویسی شده‌ی آن‌ها را نیز ذکر می‌کنند. استفاده از صورت اصلی اصطلاحات کلیدی که تا حدودی در همه‌ی زبان‌ها امری متداول است می‌تواند در تثبیت هرچه بیشتر کلیدواژه‌های علوم اسلامی و گسترش فرهنگ غنیّ اسلام نقش مهمّی را ایفا کند.

در پایان، یادآور می‌شود به رغم کوشش‌های فراوانی که در جهت ارائه‌ی هر چه بی‌عیب ونقص‌تر کتاب حاضر به عمل آمده، بدون شکّ حاصل کار خالی از ضعف وکاستی نیست و این امر با توجّه به نو بودن کارِ معادل‌گذاری اصطلاحات علوم و معارف اسلامی هرچند غریب نمی‌نماید، ولی هر از چندگاه بازنگری و تجدیدنظر و توسعه‌ی کمّی و کیفی مدخل‌ها و معادل‌های ارائه شده را می‌طلبد. امید است بتوانیم در این راستا با استفاده از نقطه‌نظرها، پیشنهادها و انتقادهای سازنده‌ی همه‌ی فرهیختگان و صاحب‌نظران در چاپ‌های بعدی از نقاط ضعف کار بکاهیم و بر نقاط قوّت آن بیفزاییم. انشاءالله.

* * *

نخستین مجلّد از این مجموعه که به اصطلاحات عرفان اسلامی اختصاص دارد، در بخش فارسی ـ انگلیسی حدود ۶۵۰۰ مدخل و ۱۲۰۰۰ معادل و در بخش انگلیسی ـ فارسی حدود ۹۵۰۰ مدخل و ۱۳۰۰۰ معادل را در خود جای داده است.

مدخل‌ها و معادل‌های به دست آمده حاصل فیش‌برداری از حدود ۷۰ عنوان کتاب، اعمّ از فرهنگ‌های اصطلاحات تخصّصی دوزبانه و متون عرفانی است که از زبان فارسی و یا عربی به زبان انگلیسی ترجمه شده و یا از ابتدا به این زبان نگاشته شده است. پدیدآورندگان این منابع، عمدتاً دانشمندان و اسلام‌شناسانِ دنیای غرب و از مترجمان بنامی هستند که سال‌ها در زمینه‌ی عرفان و تصوّف قلم زده و آثاری را ترجمه کرده‌اند و چهره‌های سرشناسی هم‌چون سیّد حسین نصر، هانری کُربَن، رینولد نیکلسون، ویلیام چیتیک، حامد الگار، آرثور آربری، تیتوس بورکهارت، مارتین لینگز و... در میان آنان به چشم می‌خورد. مشخّصات کتاب‌شناختی منابع یادشده در پایان فرهنگ آمده است.

تقدیر و تشکّر

در این جا بر خود لازم می‌دانم که از تمامی کسانی که در پدید آوردن این اثر ایفای نقش نموده‌اند، به‌ویژه همکاران گرامی که در گردآوری اوّلیّه‌ی واژه‌ها زحمت مقابله‌ی متون را بر خود هموار ساخته‌اند، خصوصاً جناب آقای دکتر حسینعلی شیدانشید که برای تکمیل مدخل‌های عرفان نظری و تصوّف زحمت مضاعفی را متحمّل شده‌اند صمیمانه تشکّر و قدردانی کنم. هم‌چنین این بنده وظیفه‌ی خود می‌داند مراتب سپاس و امتنان خود را از استادگران‌قدر جناب آقای دکتر مصطفی ملکیان که با رهنمودها و نکته‌سنجی‌های خود ما را یاری رسانده‌اند و نیز از دانشمند محترم جناب آقای دکتر سیّد حسین نصر که در مراحل پایانی کار مجموعه‌ی حاضر را به رغم تمامی اشتغالات علمی از نظر گذرانده و با اصلاحات و افزوده‌های خویش بر ارزش کار افزوده‌اند ابراز داشته و توفیق آن جنابان را از ایزد منّان آرزو نمایم. نیز از ناشر محترم جناب آقای محمّد جعفر صدری که با همّت بلند خویش به فکر تهیّه و تدوین این

مجموعه‌ی عظیم افتادند و با پیگیری‌های مستمرّ خویش کار را به این مرحله رساندند صمیمانه سپاس‌گزارم. توفیق ایشان را در زمینه‌ی نشر معارف دینی و گسترش فرهنگ اسلامی از خدای عزّ و جلّ خواهانم.

و آخر دعوانا ان الحمد للّه ربّ العالمین

سیّد محمود موسوی

زمستان ۸۱

فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی

آ

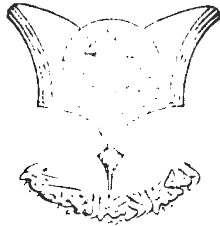
water of immortality; water of life	آب حیات
	آب حَیَوان ← آب حیات
water of Tavern	آب خرابات (کنایه از صفا و یکرنگی)
water of *Khiḍr*	آب خضر (نیز ← آب حیات)
	آب زندگانی ← آب حیات
water of favor	آب عنایت (کنایه از رحمت متواتر الاهی)
exalted fathers; high fathers	آباء عِلْوی
dignity; esteem; honour	آبرو
fire	آتش (کنایه از لهیب عشق الاهی)
hell-fire	آتش دوزخ
fire of love	آتش عشق
fire of love	آتش محبّت
fire-temple	آتشکده (کنایه از عالم عشق)
effects; traces	آثار
engendered effects; existential effects	آثار کَونیّه
	آثم ← گناه‌کار
hereafter	آجِل (= آخرت)

the Last	آخِر [خداوند]
last days	آخرالزّمان
hereafter; next world; ultimate life; the world to come	آخرت
disciplines; manners; moral rites qualities; morals;	آداب
religious duties of Islam	آداب‌الاسلام
internal disciplines; internal rules	آداب باطنی
manners of Sufi monastery	آداب خانقاه
rules of ascetic discipline	آداب ریاضت
manners of sheikh	آداب شیخ
manners of companionship	آداب صحبت
external rules (of discipline)	آداب ظاهری
etiquette	آداب معاشرت
customs	آداب [و رسوم]
Adam of spirits	آدم ارواح
Original Adam	آدم اصلی
Angelic Adam	آدم جبروتی
True Adam	آدم حقیقی
earthly Adam	آدم خاکی
Spiritual Adam	آدم روحانی
man of Angelic World	آدم ملکوتی
man of corporeal world	آدم مُلکی
Adam of the age	آدم وقت
Adamic	آدمی [وصف]
composure; equanimity; serenity; tranquillity	آرامش

desire; wish; yearning	آرزو
unending desire; vanity	آرزوی دور و دراز
avarice; covetousness	آز
trial; try	آزمایش
threshold	آستان
sacred threshold	آستان قدس
sky of the Unseen	آسمان غیب
acquaintance; knowledge	آشنایی
dwelling; nest	آشیانه
bosom; embrace	آغوش
horizons; macrocosm; vacant regions	آفاق
blight; harm	آفت
evil of worldly people	آفت اهل زمانه
canker of the soul; evil of the soul	آفت نفس
sun of eternity	آفتاب ازل
sunlight of revelation	آفتاب تجلّی
sunlight of the soul	آفتاب جان
sunlight of glory	آفتاب جلال
sunlight of the Truth	آفتاب حقّ
sunlight of the spirit	آفتاب روح
sunlight of dignity	آفتاب عزّت
sunlight of the intellect	آفتاب عقل
sunlight of grandeur	آفتاب کبریا
sunlight of gnosis; sunlight of knowledge	آفتاب معرفت
sunlight of existence	آفتاب وجود

sunlight of existence	آفتاب هستی
benefactions; blessings; favours; graces	آلاء
excrement; pollution; stain	آلودگی
polluting	آلودن
	آلهه ← اله
desires; wishes; yearnings	آمال
to be absolved; to be forgiven	آمرزیده شدن
Amen; May it be so	آمین
instantaneous	آنیّ
song; sound	آواز
sigh	آه
	آیات ← آیه
phenomena of nature	آیات (= نشانه‌ها)
signs upon the horizons	آیات آفاقی
Divine signs; *vestigia Dei*	آیات الاهی
signs upon the souls; signs (with)in themselves	آیات انفسی
signs of faith	آیات ایمان
clear signs; perspicuous signs	آیات بیّنات
anthropomorphic signs; signs of similarity	آیات تشبیه
signs of contemplation	آیات تفکّر
God's signs; signs of the Truth	آیات حقّ
traditionally transmitted signs	آیات سمع
signs of the intellect	آیات عقل
signs of knowledge	آیات علم

آیات کبریٰ	supreme signs
آیات متشابه	ambiguous verses
آیت ← آیه	
آینه	mirror
آینهٔ آفاق و انفس	mirror of horizons and souls
آینهٔ جان	mirror of the soul
آینهٔ جمال	mirror of beauty
آینهٔ جمال‌نما	beauty-displaying mirror
آینهٔ خدانما	God-displaying mirror
آینهٔ صافی	burnished mirror
آینهٔ کلّ	universal mirror
آینهٔ وجود	mirror of existence
آینهٔ هستی	mirror of existence
آیه (= پدیدهٔ خارق‌العاده)	extraordinary event
آیه [قرآن]	verse
آیه (= معجزه)	miracle (of prophet)
آیه (= نشانه)	phenomenon of nature; portent; sign; token
آیهٔ نور	Light Verse
آیین (= دین)	faith; religion
آیین (= راه و روش)	method; way
آیین (= رسم)	custom
آیین (= عقیده)	doctrine



ا

coalition	ائتلاف
	ائمّه ← امام
Leaders of the Names	ائمّۀ اسماء (= امّهات اسماء)
Leaders of the Attributes	ائمّۀ صفات
First Father	اب اوّل (= حقیقت محمّدی)
Second Father	اب ثانی
Real Father	اب حقیقی
Father of all things	اَب کلّ
delimited Father; qualified Father	اَب مقیّد
permission	اباحه
antinomism; libertinism	اباحه‌گری
libertine; licentious	اباحیّ
antinomians; Libertinists	اباحیّه
trial; try	ابتلاء (= آزمایش)
affliction	ابتلاء (= گرفتاری)
bliss; ecstasy; happiness	ابتهاج

bliss of perfection	ابتهاج کمالی
lament	ابتهال
eternity; eternity to come; eternity without end; post-eternity; post-temporality	اَبَد [اسم]
all eternity	ابدالآباد
	ابدُالابد ← ابدالآباد
endless; everlasting	اَبَدی
act of showing; manifestation; manifesting	ابداء
innovation; original creation; origination	ابداع
(advanced) saints; Substitutes	اَبدال
seven Substitutes	اَبدال سبعه
the pious; the righteous	ابرار
brow; eye-brow	ابرو (کنایه از حاجب ذات)
virgins of the Unseen World	اَبکار عالم غیب
the Devil; *diabolus*; Iblis; Lucifer; Satan	ابلیس
full of cunning Iblis	ابلیس پرتلبیس
son of the present state	ابن‌الحال
man of the moment; son of the moment	ابن‌الوقت
all-comprehensive son	ابن جامع
wayfarer	ابن سبیل
followers of the truth	ابناءالحقیقة
gateways	ابواب
doors to gratuitous bounty	ابواب تفضّل
gateways to proximity	ابواب تقرّب
gateways to obedience	ابواب طاعات
doors to Divine Knowledge	ابواب علم الاهی

gateways to luminous chambers	ابواب غُرفات نور
gateways to vision	ابواب مکاشفت
Father of the spirits	ابوالارواح (= حقیقت محمّدی)
Father of mankind	ابوالبشر
awe	ابهت
compliance	اتّباع
absorption; unification; union	اتّحاد
supreme union	اتّحاد اعلیٰ
high union	اتّحاد عالی
unio mistica	اتّحاد عرفانی
vastness	اتّساع
Divine vastness	اتّساع الاهی
becoming qualified	اتّصاف
be joining; joinedness	اتّصال (≠ انفصال)
absorption; connectedness	اتّصال (= به هم پیوستن)
connection; junction	اتّصال (= پیوند)
attainment	اتّصال (= رسیدن)
corporeal union	اتصال جسمانی
imaginative union	اتّصال خیالی
visionary union	اتصال شهودی
existential union	اتصال وجودی
being wary	اتّقاء
certitude; perfection; solidness	اتقان
dependence on God	اتّکال به خدا
affirmation	اثبات (≠ محو)
effect; mark	اثر

اثم ← گناه	
اثنینیّت	dualism; duality
اجابت (= اعطاء ناشی از پذیرش خواهش)	granting
اجابت (= پاسخ)	answer; reply; response
اجازه	certificate; permission
اجتماع	coming together; concentration; conjunction
اجتناب	abstinence; keeping away
اجتهاد	effort
اجر	recompense; reward
اجساد	corporeous bodies; corpses
اجسام	corporeal beings; (corporeal) bodies
اجسام ناری	bodies of fire
اجسام نوری	bodies of light
اجل (= پایان)	end
اجل (= سرآمد)	appointed hour; appointed time; term
اجل (= مدت حیات)	life span; portion
اجل (= وقت مرگ)	end of life; lease of life; moment of death; one's time
اجل آدمی	man's term
اجل مسمّی	a named term
اجل ناگهانی (= مرگ مفاجات)	instantaneous death; sudden death
اجلال	glorification
اجمال	undifferentiated mood

in summary fashion; in undifferentiated mode	به نحو اجمال
prophetic sayings; traditions	احادیث
sacred sayings; sacred traditions	احادیث قدسی
encompassing knowledge; total knowledge	احاطه (= علم کامل)
covering; embracing; encompass; encompassing; encompassment	احاطه (= محیط بودن)
perfect encompassing	احاطهٔ تامّ
imperfect encompassing	احاطهٔ غیر تامّ
sovereign encompassment	احاطهٔ قیّومی
friends	احبّاء
beloved ones	احباب (= یاران)
concealment; veiling	احتجاب (≠ تجلّی)
abstinence	احتراز
burning	احتراق
courtesy; veneration	احترام
pomp	احتشام
precaution	احتیاط
the Alone; the One; the Unique	اَحَد [خداوند]
Unity of the One	احدیّت احد
Unity of the States	احدیّت احوال
Unity of the Names	احدیّت اسماء
Unity of the Dependence	احدیّت تعلّق
Unity of the Bringing Together	احدیّت جمع
Unicity; Unity	احدیّت [خداوند]

احدیّت ذات	Unity of the Essence
احدیّت عین	Unity of the Entity
احدیّت کثرت	Unity of multiplicity; Unity of the Manyness
احدیّت کلمه	Unity of the Word
احدیّت مشیّت	Unity of the Will
احرار	the free; nobles
احسان	beneficence; benevolence; doing good; doing the beautiful; donation; generosity; goodness; kindness; virtue; well doing
احسان [مرحله‌ای پس از اسلام و ایمان]	spiritual virtue
احسان [در عبادت]	perfect worship; sincerity in worship
احضار	evocation; summoning
احضار قلبی	evocation by heart
احکام (= آثار)	properties
احکام حقیقت (≠ احکام شریعت)	rules of the Truth
احکام شریعت	rules of Law
احکام قضا و قدر	decrees of fate and destiny
احوال ← حال	
احیاء	revival; revivification
احیاء داشتن	to keep up awake
احیاء کردن	to revive; to revivify
احیاء مردگان	bringing of the dead to life; restoring the dead to life; resurrection
احیاء موتیٰ ← احیای مردگان	

bringing news; report-giving	إخبار
Divine reports	أخبار الاهی
trial; try	اختبار (= آزمایش)
confinement; specification	اختصاص
election	اختصاص (≠ کسب)
hiddenness; occultation	اختفاء
intercourse; mixture	اختلاط
intercourse with men	اختلاط خلق
diversity in states	اختلاف احوال
ego-centric-willing; free will; self-willing	اختیار (= آزادی عمل)
choosing; option; selecting	اختیار (= انتخاب)
on one's will; optional; volitional; voluntary	اختیاری
Divine punishing	اخذ الاهی (= مؤاخذه)
taking of the Covenant	اخذ میثاق
other-worldly; pertaining to the afterlife	اُخروی
admonition	اخطار
concealment	اخفاء (≠ اظهار)
the most hidden	اخفیٰ
devotion; faithfulness; purifying one's self; purity; sincere consecration; sincere devotion; sincerity	اخلاص
ethics; manner of character; morality; moral traits	اخلاق
character traits of God	اخلاق الاهی

اخلاق‌الله ← اخلاق الاهی

morals of paganism	اخلاق جاهلی
good morals	اخلاق خوب
bad character qualities	اخلاق رذیله
virtues	اخلاق فاضله
commendable characteristics; virtuous character	اخلاق محموده
good morals	اخلاق نیک
brothers	اخوان
Brethren of Purity; Brothers of Pure heart	اخوان‌الصّفا
brotherhood of catharsis	اخوان تجرید
brotherhood	اخوّت
the chosen	اخیار (= برگزیدگان)
the good; the righteous	اخیار (= نیکان)
discharge; fulfilment	اداء
code of conduct; comportment; correct attitude towards God; correct behavior; correctness of manner; courtesy; decorum; discipline; (good) manners; politeness; proper conduct; right conduct; rule of conduct; spiritual comportment; training in good conduct	ادب
culture	ادب (= فرهنگ)
courtesy of the Truth	ادب حقّ
courtesy of service	ادب خدمت
courtesy according to the Law	ادب شریعت

ادباء (= اهل ادب)	the courteous
ادبار (≠ اقبال)	misfortune
ادراک اجمالی	general knowledge; undifferentiated knowledge; vague perception
ادراک باطنی	inner perception
ادراک بدیهی	self-evident perception
ادراک تفصیلی	differentiated perception
ادراک ذوقی	intuitive perception
ادراک ظاهری	external perception; sense perception
ادراک واضح و جلیّ	evident hierophanic knowledge
ادّعا	claim; pretence; pretension
ادعیه ← دعا	
ادلال [مقام]	presumptuousness
ادیب	courteous
ادیب الاهی	Divine man of courtesy
ادیب عشق	lover's master
اذکار ← ذکر	
اذلال	misguiding
إذن	authority; permission
اذن‌اللّه	God's permission; leave of God
ارائه	display
ارادت	benevolence; devotion; discipleship

اراده	act of will(ing); desire; normative will; volition; wanting; will
ارادهٔ ازلی	Eternal Will
ارادهٔ الاهی	Divine Will
اراده کردن	resolve; to intend; to will
ارادهٔ گزاف	arbitrary will
ارادی (= اختیاری)	volitional; voluntary; willingly
ارادی (= عمدی)	intentional; purposeful
ارباب احوال	ecstatic men; possessors of spiritual states
ارباب اختصاص	people of specification
ارباب تصوّف	Sufis
ارباب تقوی	men of piety; the pious
ارباب حال	mystics; those who possess mystical states
ارباب حالات	possessors of spiritual states
ارباب راز	people of secret
ارباب سلوک	people of wayfaring; wayfarers
ارباب سلوک و معرفت	wayfarers and gnostics
ارباب علوم	possessors of learning; possessors of the sciences
ارباب فضل	men of learning

holy men	ارباب قدسی
the magnanimous; people of the hearts	ارباب قلوب
lords of liberality	ارباب کرم
those engaged in the inner spiritual warfare; votaries of self-mortification	ارباب مجاهدت
men of chivalry	ارباب مروّت
mystics; possessors of spiritual realities	ارباب معانی
possessors of unveiling	ارباب مکاشفه
possessors of ecstasies	ارباب مواجید
the perspicacious and experienced	ارباب نظر و تجارب
men of the Path	اربات طریقت
possessors of ecstasy	ارباب وجد
high-minded persons; men of noble aspiration	ارباب همّت
forty days (of spiritual retreat)	اربعینیّات
communication; communion; relationship	ارتباط
communication with God; relationship to God	ارتباط با خدا
to be nourished; to receive provision	ارتزاق کردن
the Most Compassionate of the compassionate	ارحم‌الراحمین [خداوند]
sending (forth) the messengers	ارسال رسل
guidance; instruction	ارشاد
celestial Earth	ارض ملکوت
elements; pillars	ارکان

Four Pillars	ارکان اربعه (= اوتاد اربعه)
articles of faith	ارکان ایمان
Pillars of the religion	ارکان دین
Pillars of the Law	ارکان شرع
principle of purification	ارکان طهارت
Let me see	أَرِنی
	ارواح ← روح
particular souls; particular spirits	ارواح جزئیه
holy spirits	ارواح قدسی
embodied souls; embodied spirits	ارواح متجسّد
fiery spirits	ارواح ناری
luminous spirits	ارواح نوری
irhâs(laying the foundations)	ارهاص (= نوعی خرق عادت)
eternity; eternity without beginning; pre-eternity; pre-temporality	ازل
eternity of the eternities; the very eternity	ازلِ آزال
aveternal; eternal; pre-eternal; primordial	ازلی
eternity; pre-eternity	ازلیّت
dragon; serpent	اژدها (کنایه از نفس امّاره)
bad manners; discourtesy	اسائهٔ ادب
captivity	اسارت
secondary causes	اسباب
cause of perturbation	اسباب تفرقه
master; mentor; shaykh; Sufi master	استاد
delight	استبشار
contemplative vision; meditation	استبصار

	with insight; seeking insight
استتابه	asking for forgiveness; asking for recantation
استتار	occultation; veiling; obscurity
استجابت (= اعطاء ناشی از پذیرش خواهش)	granting
استجابت (= پاسخ)	answering; responding
استحسان	preference
استحضار	evocation
استحقاق	capacity; right; rightful claim
استخفاف	derision; frivolity; slighting
استخلاف	vicegerency
استداره	circularity
استدبار	turning back to
استدراج	becoming more remote from God; being led on step by step; Divine deception; drawing somebody little by little
استدعا	invitation; request
استعاذه	seeking refuge
استعاری	metaphorical
استعانت	aid
استعباد	enthralling
استعداد	aptitude; capacity; predisposition
استعفاف	to practise abstinence
استغاثه	cry for help

absorbing; engrossment; immersion; total absorption	استغراق
immersive	استغراقی
asking God for forgiveness; asking pardon of God; formula to ask God for forgiveness; petitioning of pardon; seeking of forgiveness	استغفار
to ask pardon; to beg to be forgiven; to seek forgiveness	استغفار کردن
detachment; independence; indifference; needlessness; self-confidence; self-sufficiency	استغناء
rectitude; resistance; righteousness; spiritual steadfastness; steadfastness; straight-for-wardness; uprightness; walking aright	استقامت
inward rectitude	استقامت باطن
outward rectitude	استقامت ظاهر
facing towards	استقبال
rest	استقرار
absolute authority; independence	استقلال
independently; on its own	بالاستقلال
abasement	استکانت
arrogance; pride	استکبار
completion; increase; perfecting; perfection	استکمال
seeking help	استمداد
wailing column (of the Prophet	استن حنّانه

Mosque in Medina)	
sitting	استواء
sitting upon the Throne	استواء بر عرش
equanimity	استواء دل
act of derision; derision; sneering	استهزاء
annihilation; destruction	استهلاک
conquest; making oneself master of	استیلاء
Dominion	استیلاء [خداوند]
night journey of the Prophet (from Mecca to Quds); spiritual journey	إسراء
Divine Secrets	اسرار الاهی
secret thoughts	اسرار (= اندیشه‌های نهانی)
Divine Mysteries; Divine Secrets	اسرار خداوند
mysteries; secrets	اسرار (= رازها)
Divine Mysteries	اسرار ربّانی
esoteric meaning of rites; mysteries of worship	اسرار عبادات
hidden mysteries of the World of the Unseen	اسرار مکنون غیب
Seraphiel	اسرافیل
four journeys	اسفار اربعه
	اسفار چهارگانه ← اسفار اربعه
the lowest depth of degradation; the lowest hell; the lowest of the low	اسفل السّافلین
rejection of all accessories	اسقاط الاضافات
the greatest (Divine) Name;	اسم اعظم

	the greatest Name (of God); the Highest Name; Supreme Name
اسم باطن	esoteric name
اسم جامع (= اسم اعظم)	all-comprehensive Name
اسم خفیّ	hidden name
اسم ظاهر	external name; manifest name
اسم‌الاسم	Name of the Name
اسماء	Names
اسماء احصاء	Names for enumeration
اسماء افعال	Names of Divine Acts
اسماء الاهی	Divine Names
اسماء الاهی جزئی	particular Divine Names
اسماء الاهی کلّی	universal Divine Names
اسماءالحسنیٰ ← اسماء حسنیٰ	
اسماء تشبیهی خداوند	immanent Names of God
اسماء تقدیس	Names for magnification
اسماء تنزیه	Names for declaring incomparability
اسماء تنزیهی خداوند	transcendent Names of God
اسماء جلال	Names of Majesty
اسماء جمال	Names of Beauty
اسماء چهارگانهٔ الاهی ← امّهات اسماء	
اسماء حُسنایِ خداوند	God's most Beautiful Names; the most Beautiful Names of God
اسماء حسنیٰ	Beautiful Names; the Most Beautiful Names; the most perfect Names; Names of perfection

creaturely Names	اسماء خَلقیّه
Names of the Essence	اسماء ذات
Lordly Names; Names of suzerainty	اسماء ربوبی
qualitative Names	اسماء صفات
accidental names; Names indicating accidents	اسماء عَرَضی
Names of severity	اسماء قهر
Names of Gentleness; Names of Mercy	اسماء لطف
(Divine) Names and Attributes; Names and Qualities	اسماء و صفات
Names of the Names	اسماءالاسماء
example; exemplar	اسوه
a good example; an excellent exemplar; a perfect model	اسوهٔ حسنه
	اشارات ← اشاره
peculiar symbolism; subtle allusions	اشارات لطیف
allegory; allusion; allusive meaning; indication; mystic sign	اشارت
advice	اشارت (= توصیه)
allegory; indication; symbol; symbolic allusion; symbolic utterance	اشاره
allusion	اشاره (≠ تفسیر)
advice	اشاره (= توصیه)
sharing in names; sharing of Names	اشتراک در اسم
sharing of terminology	اشتراک در لفظ
sharing in expression;	اشتراک لفظی

sharing in verbal form	
desire; enthusiasm; longing; yearning	اشتياق
brilliance; dawning; effusion of light; illumination; raying-out of light	اشراق
Illuminationists	اشراقيان
the most noble of all creatures	اشرف مخلوقات
the most wretched	اشقى‌الاشقياء
the damned; the wicked; the wretched	اشقيا
attestation; witnessing; causing to witness	اشهاد
Fingers of the All-Merciful	اصابع‌الرحمٰن
companions; disciples; folk	اصحاب
possessors of spiritual states	اصحاب احوال
folk of allusion	اصحاب اشارت
	اصحاب افكار ← اهل فكر
folk of first degrees; people of first degrees	اصحاب بدايات
Companions of the Prophet	اصحاب پيامبر (ص)
companions of theophany; companions of the Self-Disclosure	اصحاب تجلّى
Sufis	اصحاب تصوّف
preachers of God's Unity	اصحاب توحيد
polemicists	اصحاب جدل
folk of Bringing Together; people of Bringing Togetherl	اصحاب جمع
folk of the Garden; people of the Garden	اصحاب جنّت

اصحاب جهنّم	folk of the Fire; people of the Fire
اصحاب چپ	those on the left
اصحاب حدیث	traditionalists
اصحاب خلاف	folk of disagreement; people of disagreement
اصحاب دل	people of the heart
اصحاب راست	those on the right
اصحاب رسول	Companions of the Messenger
اصحاب رسوم	formalists
اصحاب سماع	folk of the spiritual concert; people of the Hearing
اصحاب سرّ	people of the secret
اصحاب سکر	people of intoxication
اصحاب شریعت	people of the Law
اصحاب شقاوت	the wicked
اصحاب شمال	Companions of the Left (Hand)
اصحاب عدد	arithmeticians
اصحاب عقول	disciples of the rational intellect; perfect among the Sufis
اصحاب فتوّت	folk of the spiritual chivalry; people of the Chivalry
اصحاب فتوح	folk of revelation
اصحاب قلوب	folk of the hearts; people of the hearts; the perfect among the Sufis
اصحاب قوّت	folk of strength; people of strength
اصحاب کرامت	folk of the charismatic act;

people of the charismatic act

اصحاب کرم	folk of generosity; people of the generosity
اصحاب کشف و شهود	folk of visions; people of the visions
اصحاب کلام	theologians
اصحاب کیاست	people of ingenuity; people of sagacity
اصحاب مجاهدت	people of inner spiritual warfare; votaries of self-mortification
اصحاب مشاهدات	folk of visions; people of the visions
اصحاب معانی	folk of the inner realities; people of the inner realities
اصحاب مکاشفات	folk of the inner discoveries; people of the visions
اصحاب نار	folk of the Fire; people of the Fire
اصحاب نبیّ (ص)	Companions of the Prophet
اصحاب نظر	folk of considerative thinking; people of considerative thinking; people of reason; rational theoreticians
اصحاب نقل	authorities in the transmission of *Ḥadîth*
اصحاب نهايات	folk of the last degrees; people of the last degrees
اصحاب وجد	ecstatics
اصحاب وحی	people of revelation
اصحاب یقین	people of certainty

اصحاب یمین	Companions of the Right (Hand)
اصطفاء (= برگزیدن)	choice; choosing; election
اصطلاح	terminology
اصطلام (= وَلَه وارد بر قلب و مسلّط بر آن)	being consumed; loss of consciousness; passion
اصفیاء	intimates
اصل	principle; root; stock
اصل الاهی	Divine root
اصلاح	amelioration; conciliation; establishing peace; establishing wholesomeness; making whole; making wholesome; putting in order
اصلاح بین مردم	creating concordance among men
اصلاح ذات‌البین	compromising disputes among people; reconciliation between Muslims; settling disputes
اصلح	greater advantage; the greatest advantage; more befitting; the most befitting
اصنام	idols
اصول اعتقادی	principles of faith
اصول دین	dogmatics; fundamentals of religion; principles of religion; roots of religion; true principles of religion
اضافات (≠ عین وجود)	attributions; correlations; relationships
اضافه (≠ عین وجود)	attribution; correlation
اضطراب	agitation; being distraught; distraction;

trembling; vacillation	
confused dreams	اَضغاث احلام (= خواب‌های آشفته)
more misguided	اضلّ
leading astray; misguidance	إضلال
complying; obedience	اطاعت
infants of the Path	اطفال طریقت
application; ascription	اطلاق (= اسناد)
absoluteness; nondelimitation; unboundedness	اطلاق (= مطلق بودن)
in a nondelimited sense	علی الاطلاق
absoluteness of being; unboundedness of being	اطلاق وجود
assurance; resting; serenity; tranquillity	اطمینان
calmness of the heart; tranquility of the heart	اطمینان قلب
aspects; grades	اطوار
conditions of man	اطوار بشریّت
aspects of heart; conditions of heart	اطوار دل
making apparent; manifestation; manifesting	اظهار
to show self-conceit	اظهار رعونت نفس
great ones; outstanding men	اعاظم
crossing over	اعتبار
metaphorical interpretation; taking heed	اعتبار (≠ تفسیر)
equilibrium	اعتدال

اعتذار	pleading of excuses
اعتراف کردن	to confess; to realize
اعتصام	cling; holding fast
اعتقاد	belief; believing; faith
اعتقادات	articles of faith; beliefs
اعتکاف	devotions; pious retirement; prayer in seclusion; (religious) retreat; retiring into a mosque for devotion; retreating into seclusion; seclusion in mosque; spiritual retirement; spiritual retreat
اعتماد	confidence; reliance
اعتناء الاهی	Divine concern
اعجاز	inimitability; miracle
اَعراس (= تجلّیات روحانی الاهی)	spiritual brides
اعراض از حقّ	turning away from the Truth
اعراض از نفس	renunciation of the self
اعراف	the Heights
اعزاز	dignity; honour; might
اعطاء	bestowal; granting
اعقاب	ancestors; heels
اَعلام	signposts; waymarks
اِعلام	knowledge-giving
اَعلام غیوب	signposts of the Unseen
اعلیٰ	the most exalted; supreme
اعلیٰ علّیّین	the highest of heavens; the highest of the high; supreme zenith

acts; deeds	اعمال
agents	اعوان
crookedness	اعوجاج
	اعیان ← عین
archetypes of the names; entities of the names; essences of the names	اعیان اسماء
archetypes; eternal hecceities; eternal *hexeities*; fixed entities; immutable archetypes; immutable entities; immutable essences; permanent archetypes; unalterable essences	اعیان ثابته
entities of the attributes	اعیان صفات
multiple essences	اعیان کثیره
engendered beings; existentiated essences	اعیان کَونیّه (≠ اعیان ثابته)
allurement; seduction; temptation	اغراء
desires; interests; motives	اغراض
worldly desires	اغراض دنیوی
selfish motives	اغراض نفسانی
allurement; enticing; seduction; temptation	اغوا
intruders; others; outsiders; strangers; unrelated people	اغیار
diffusion; effusion; emanating; emanation; flowing; issuance; pouring; pouring forth	افاضه
abasement	افتادگی

calumny; sladering	افترا
scattering; separation	افتراق
being in want of God; dependence; indigence; need; neediness; state of being dependent on God	افتقار
individual Sufis	افراد
working corruption	افساد
depressed nature; sluggish nature; sluggishness	افسردگی طبع
divulging of secrets	افشاء سرّ
Divine Acts	افعال الاهی
horizon	افق
annihilating	افناء
subsistence through God	اقامت به حقّ
advance; advancing; approach; welcome	اقبال
following; imitation	اقتدا
authority	اقتدار
confession (of faith); confirming; professing	اقرار
Poles	اقطاب
Muhammadan Poles	اقطاب محمّدی
great ones	اکابر
the elder Sufi; the foremost among the Sufis; the great Sufi	اکابر صوفیّه
the Great; the Greatest	اکبر [خداوند]
becoming draped	اکتساء
acquisition	اکتساب

satisfaction	اکتفا
bounty; generosity	إکرام
abhorrence	اکراه
the Most Generous of the Generous	اکرم الاکرمین [خداوند]
elixir	اکسیر
grand alchemy; great elixir	اکسیر اعظم
elixir of the Law	اکسیر شریعت
elixir of gnostics	اکسیر عارفان
	اکوان ←کَون
dense engendered beings	اکوان کثیفه (= اشیاء عالم حسّ)
subtle engendered beings	اکوان لطیفه (= اشیاء عالم مثال)
Divine	الاهی
divine sciences; Divine things; theology	الاهیات
Divine ones; mystical theosophists; mystics; theosophers	الاهیّون
intellects; people of inner vision	اَلباب
seeking refuge with; solicitation	التجاء
enjoyment	التذاذ
concern	التفات
compulsion	الجاء
entreaty; nuisance	الحاح
atheism; denying God; deviation; doubting God's existence; heresy	الحاد
atheistic	الحادی
obligatory	الزامی

the Primordial Covenant	آلَست (= عهد ازلی)
hidden graces	الطاف خفیّه
the exhalations of Dominical Favour; Lordly graces	الطاف ربّانی
cancellation	الغاء
affinity; companionship; familiarity; intimacy	الفت
casting; casting away; expulsion; instruction	القاء
Divine inspiration	القاء الاهی
Satanic suggestion	القاء شیطانی
angelic inspiration	القاء مَلَکی
fiery inspiration; inspiration of the jinn	القاء ناری (= القاء جنّی)
pain	اَلَم (≠ لذّت)
divinity	الوهه
Divine nature; divinity; Godhead	الوهیّت
deity; god	اله
God	اله [خداوند]
(Divine) inspiration; God's inspiration; inspiration; minor revelation; teaching through Divine inspiration	الهام
Divine inspiration	الهام حقّ
Divine inspirations; Lordly inspirations	الهامات ربّانی
inspirationists	الهامیان
Elias	الیاس (کنایه از قبض)
Mecca; Mother of the Cities	امّ‌القری
Archetypal Book; Mother of the Book	امّ‌الکتاب

mother of wisdom; source of wisdom	امّ حکمت (= معرفت نفس)
mother of all woes; mother of iniquities	امّالخبائث (کنایه از شراب)
possession of command	اِمارَت
commanding	امّاره
commanding to evil	امّارهٔ به سوء
head; Imam; leader of the Muslim community; prototype	امام
esoteric Imam	امام باطن
exoteric Imam	امام ظاهر
the Hidden Imam	امام غایب
manifest Imam	امام مبین
infallible Imam	امام معصوم
awaited Imam; expected Imam	امام منتظر
direction of the religious community; leadership of the religious	امامت امّت
trust	امانت
trust of knowledge	امانت معرفت
wishes	امانیّ
community of Islam; community of Muslims; nation; people; religious community	امّت
the beastly community; community of dumb beast	امّت بهیمه
community of love	امّت عشق
conforming	امتثال

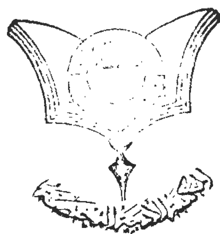
امتحان	ordeal; test; testing; trial
امتزاج	commingling; mixture
امتناع (= خودداری)	self-restraint
امتنان	compassion; free gift; gratuitous kindness
امثال	likenesses; parables
امحاء نفس	effacement of self; self effacement
امداد	assistance; Divine assistance; help
امر	bidding; command; commanding; commandment; injunction; order
امر (≠ خلق)	affair; command
امر ارادی	Command of the Desire
امر ازلی	eternal command
امر الاهی	Divine Command; Divine *Fiat*; Divine order
امر ایجاد	"Be" of existentiation; Command of Creation
امر تشریعی	command of revealed Law; revealed command
امر تکلیفی	command by intermediary; prescriptive command
امر تکوینی (= حکم تکوینی)	command without intermediary; engendered command; existential command
امر خفیّ (= حکم خفیّ)	hidden commandment
امر ربّانی	Divine Affair
امر شرع (= حکم شرع)	commandment of the Law
امر معقول	intelligible being; intelligible entity
امراض احوال	blights of states; diseases of states

امراض اعتقادات	blights of beliefs; diseases of beliefs
امراض افعال	blights of deeds; diseases of deeds
امراض اقوال	blights of sayings; diseases of sayings
امراض بدن	the bodily diseases; physical illnesses
امراض نفس	psychological illnesses; soul's sicknesses
امراللّه	Command of God
امساک	abstinence
امضاء	ratification
امل ← آرزو	
املاء	dictation
امن	peace; safety; security; tranquillity
اُمَناء	heads of craft guilds; trustees; the trustworthy; the trusty
امنیّه ← آرزو	
امور عدمی	nonexistent entities; nonexistent matters; nonexistent qualities
امور وجودی	existential entities; ontological entities; ontological qualities
امّهات	major categories; mothers
امّهات اسماء	Leaders of the Names; Mothers of (Divine) Names
امّهات حقایق	mothers of realities; sources of realities
امّهات سُفلیٰ	low mothers
امهال	postponing
اُمّی	illiterate; unlettered

hopeful	امیدوار
hope of union	امید وصال
trustee; trustworthy; trust	امین
I am God; I am the Truth	انا الحق
conversion; recurrence; repeated turning; repentance; returning; returning to God; turning	انابه
egoism; narcissism; self assertion; selfishness	انانیّت
amiability; deployment; expansion; extension; gladness; joy; slackness of demeanor	انبساط
informality	انبساط (≠ تکلّف)
to become expansive; to relax	انبساط یافتن
excitement; issuing forth; motivation	انبعاث
prophets among the friends; prophets of the saints	انبیاء اولیاء
awakening; waking up	انتباه
to abstract; to draw away	انتزاع کردن
passage; transfer	انتقال
spiritual affinity; spiritual attraction	انجذاب روحی
deviation; disequilibrium	انحراف
decadence	انحطاط
being wrapped; interpolation	اندراج
advice	اندرز
distress; grief; sorrow	اندوه
warning	انذار
causing to descend	انزال

solitude	انزوا
affability; attachment; familiarity; intimacy; intimate familiarity	اُنس
intimacy with God	اُنس با خدا
human being; man	انسان
	انسان ارفع ← انسان کامل
original man; primordial man	انسان اصلی
	انسان اوّل ← انسان کامل
complete man	انسان تامّ
real man; true man	انسان حقیقی (نیز ← انسان کامل)
animal human being	انسان حیوان (≠ انسان کامل)
microanthropos; microcosm; small human being	انسان صغیر
virtuous man	انسان فاضل
Ancient Man; Primordial Man	انسان قدیم
anthropos teleios; Perfect Man; Universal Man	انسان کامل
great human being; Great Man; macroanthropos; macrocosm	انسان کبیر
universal man	انسان کلّی
absolute man; generic man	انسان مطلق
humanity	انسانیّت
disinterestedness	انسلاخ (= قطع علایق)
configuration; creation	انشاء
expansion of the breast; expansion of the chest; openness of spirit	انشراح صدر

انصاف	equitable balance; equitableness; to be just
انصاف‌پروری	nurturing of equity
انصداع (= فرق بعد از جمع)	separation after unification
انفاس خلائق	breaths of the creatures
انفاس خلق	breaths of men
انفاس خوش	fragrant tidings
انفاس قدسی	holy breaths
انفراد	isolation; separateness
أنفُس	selves; souls
انفصال	parting; separateness; separation
انفعال	being acted upon; passivity; receptivity
انقباض	contraction
انقطاع	cut-off; detachment; devotion through separation from the world; isolation; separation; separation from creatures; severance; vanishing
انقطاع از خلق	isolation from men
انقطاع اسباب	detachment of worldly causes
انقطاع الی‌الله	attachment to God; being alone with God; detachment by attaching to God
انقلاب	being overthrown; revolution
انقیاد	acquiescence; obedience; submission; submissiveness
انکار	censure; denial; unbelief
انکر منکرات	the most deniable of the deniables; the most indefinite of the indefinites



انکسار	humility; meekness
انوار ← نور	
انوار ازلیّه	pre-eternal lights
انوار اسفهبدیّه	Lights of Divine Commandment; Lordly Lights; signeurial lights
انوار بیّنات	lights of evident truths
انوار قاهره ← نور قاهر	
انوار عِلْوی	supernal lights
انوار غیبیّه	rays of the Hidden
انوار مجرّد	detached lights; lights free of any locus
انوار محرقه	the burning lights
انوار هدایت	lights of guidance
انوثت	femininity
انهماک	engrossment
انّیّت	Being; *haecciety*; Ipseity; this-ness
انیس	intimate
اوّاب	penitent
اوامر و نواهی	commands and prohibitions
اوتاد	Pegs; Pillars; Supports
اوتاد اربعه	Four Pillars; Four Supports
اوج امکان (کنایه از مقام خلافت الاهی)	high peak of possibility
اوج کبریا	apex of grandeur; apex of magnificence
اوراد	litanies
اوساط (= متوسطان در سلوک)	Sufis of intermediate rank
اوصاف الاهی	the Attributes of the Divinity; Divine Qualities

اوصاف بشری	attributes of human nature
اوصاف جمیله	fair attributes
اوصاف حمیده	laudable qualities; praiseworthy qualities
اوصاف ربوبی	the Attributes of Lordship; the characteristics of God as the Lord; Lordly Attributes
اوصاف عبودیّه	attributes of servanthood; man's attributes as a servant of God
اوعیه	containers
اوّل [خداوند]	the First
اوّل اعلیٰ	Supreme First
اولواالابصار	possessors of eyes; possessors of eyesights
اولواالالباب	possessors of inner meaning; possessors of mind; possessors of the kernel
اولواالامر	leaders; rulers; those charged with authority
اولواالعزم	possessors of firmness and determination; possessors of firm resolve; possessors of steadfastness
اولواالعلم	learned men; possessors of knowledge
اولویّت	primacy; priority
اُولیٰ (≠ آخرت)	here-before; this world
اولیاء	saints
اولیاءاللّه ← اولیاء خدا	
اولیاء خدا	friends of God; God's saints; holy people; saints of Allah; saints

	of God; those devoted to Allah
اوّليّت	firstness; primacy; primality; primordiality
اوهام ← وهم	
اهانت	insolence
اهتداء	orientation
اهتمام	concern; effort
اهل آخرت	people of hereafter
اهل اباحت	antinomians
اهل احسان	men of spiritual virtue
اهل احوال	folk of spiritual states; people of spiritual states
اهل اختصاص	folk of specification; people of specification
اهل ادب	the courteous
اهل اذواق	folk of tastes; intuitive people; people of tastes; the voluptuary
اهل ارادت	men of discipleship
اهل اسباب	folk of secondary causes; people of secondary causes
اهل استدراج	men of Divine deception
اهل اسراء	folk of the spiritual journey; people of spiritual journey
اهل اسرار	people of secrets
اهل اشارت	men of allusion
اهل اشاره	people who learn through allusion

اهل اصطفاء و قبول	people of choice and acceptance
اهل اعتبار	those who can see warnings
اهل اعتراف	people of confession
اهل اقرار	people of confession
اهل‌التّقوی [خداوند]	the Worthy of pious fear
اهل‌الصفوه	the pure
اهل‌القربه	people of proximity
اهل‌اللّه	folk of Allah; folk of God; the initiated; men of God; people of Allah; people of God; those who follow God
اهل امانت	folk of trustworthiness; people of trustworthiness; people who can be trusted
اهل انس	intimates
اهل انصاف	folk of equity; people of equity
اهل انقطاع	people of detachment
اهل انکار	people of rejection
اهل انوار	folk of lights; people of lights
اهل ایثار	the self-giving; the unselfish
اهل ایمان	the faithful; people of belief; people of faith
اهل باطل	followers of the wrong; people of falsity
اهل باطن	esotericists; esoterists
اهل بحث (≠ اهل ذوق)	people of argument
اهل بدایات	folk of first degrees
اهل بِدَع	innovators
اهل بدعت	people of innovation

people of demonstration; people of proof	اهل برهان
folk of insight; insightful people; people of insight	اهل بصیرت
people of tears; the tearful	اهل بُکاء
the afflicted	اهل بلا
people in the Garden; people of paradise	اهل بهشت
Household (of the Prophet); people of the Household	اهل بیت (ع)
people of inner interpretation	اهل تأویل
people of catharsis	اهل تجرید
scholars; theosophers; verifiers	اهل تحقیق
people of advance; people of progress	اهل ترقّی
anthropomorphists; immanentists	اهل تشبیه
Sufis	اهل تصوّف
people of disunity; separatists	اهل تفرقه
imitators; people of imitation	اهل تقلید
people of descending	اهل تنزّل
affirmers of God's Unity; Unitarians	اهل توحید
people of Sovereignty	اهل جبروت
folk of Bringing Together; people of Bringing Together	اهل جمع
folk of the Garden; people of the Garden; those in Paradise	اهل جنّت
those who exert themselves for God	اهل جهاد
people of mystical state	اهل حال
the veiled	اهل حجاب

اهل حضور	contemplatives; people of presence
اهل حقّ	adherents of the Truth; followers of the Truth; people of Truth
اهل حقیقت	mystics; people who adhere to the Truth; philosophers
اهل حکمت	people of wisdom; theosophers
اهل خانقاه	people of cloister
اهل خدمت	people of service
اهل خشوع	the humble; people of humility
اهل خلوت	men of solitude
اهل درد (= شیفتگان وصال)	people of pain
اهل دل	men of heart; people of the heart
اهل دلیل	people of proof
اهل دنیا	worldings; the worldly; worldly men
اهل دین	men of religion; people of religion; the religious; religious people
اهل ذکر	folk of remembrance; invokers; people of Remembrance
اهل ذوق	folk of taste; the people of intuition; people of taste; the voluptuary
اهل راز	the initiated; possessors of Divine secrets
اهل رسم ← اهل رسوم	
اهل رسوم	the exoteric; exoterists; people attached to externals
اهل رضا	the satisfied
اهل ریّ	people of quenching

people of hypocrisy	اهل ریا
the blessed; the happy	اهل سعادت
people of spiritual journey	اهل سلوک
people who hear from God in the Jcreatures; those who experience the spiritual concert	اهل سماع
braggarts	اهل سمعه
inmates of the heavens	اهل سموات
the orthodox; people of orthodoxy	اهل سنّت
folk of Law; people of Law; people who follow the Law	اهل شرع
folk of *shirk*; people of *shirk*	اهل شرک
folk of healing; healers; people of healing	اهل شفا
people of wretchedness; the wicked	اهل شقاوت
people of intuition; visionaries	اهل شهود
people of companionship	اهل صحبت
the sober	اهل صحو
the truthful	اهل صدق
minor sinners; people who commit minor sins	اهل صغایر
people of Purity	اهل صفا
people of the Bench; people of the Portico; people of Veranda	اهل صفّه
people of monastery	اهل صومعه (کنایه از قطع علایق مادی)
people of Laughter	اهل ضحک
people of idle talks	اهل طامات (= خودنمایان)

اهل طریق ← اهل طریقت

اهل طریقت	folk of the Path; men of the Way; people of the Path; the Sufis
اهل طلب	people in search
اهل ظاهر	followers of formal religion; formalists
اهل عافیت	health seekers
اهل عرفان	gnostics; mystics
اهل عشق	people of love
اهل علم	the learned; religious scholars; scholars; theologians
اهل عنایت	people of blessing; people of concern; people of favour
اهل غیرت	the jealous; people of jealousy; the zealous
اهل فتوّت	the chivalrous
اهل فتوح	folk of revelation; people of revelation
اهل فرقان	people of differentiation; people of discernment
اهل فضل	man of excellence; the eminent
اهل فکر	people of meditation; people of reflection
اهل قرآن	folk of the Koran; followers of the Koran; people of Koran
اهل قلوب	men of hearts
اهل قهر	people of severity
اهل کبایر	mortal sinners; people who commit grave sins
اهل کتاب	folk of the Book; people of the Book

men of charismatic acts; saints	اهل کرامت
intuitive mystics; people of unveiling	اهل کشف
people of perfection; the perfect	اهل کمال
followers of night; people of night	اهل لیل
folk of gatherings and speech; folk of sitting place and the speaking; people of sitting place and the speaking	اهل مجالس و حدیث
lovers; those given to love	اهل محبّت
folk of self-examination; people of self-examination	اهل مراقبه
gnostics; people of knowledge	اهل معرفت
the intelligent; men of the inner world	اهل معنا
the Worthy of pardon	اهل مغفرت [خداوند]
people of spiritual stations	اهل مقامات
the covetous	اهل منیه
people of criteria	اهل موازین
people of the fire; those condemned to hell fire	اهل نار
considerative thinkers; people of reasoning; people of vision; rationalists	اهل نظر
the imperfect; people of imperfection	اهل نقص
ecstatics; people of ecstasy	اهل وجد
people of finding	اهل وجود
people of unity	اهل وحدت
people of piety; the pious	اهل ورع

people of union	اهل وصول
people of fidelity; the faithful	اهل وفا
frivolous imitators; scoffers	اهل هزل
the magnanimous	اهل همّت
people of capricious desire	اهل هوا
people of awe	اهل هیبت
people of certainty; people of certitude	اهل یقین
aptitude; competence; dignity	اهلیّت
carelessness	اهمال
capricious winds	اهواء
fears; terrors	اهوال
days of life; worldly existence	ایام حیات
Days of God	ایام‌الله
altruism; bestowal; munificence; preferring others to oneself; self-giving; selflessness; unselfishness	ایثار
bestowal of existence; bestowing; existence-giving; existentiation	ایجاد
existentiating a non-existent thing	ایجاد معدوم
God	ایزد
Divine	ایزدی
being; existence	ائیس (= وجود)
	ایقان ← یقین
	ایماء ← اشاره
believing; religious belief; (religious) faith	ایمان
firm faith	ایمان استوار

inner faith; interior faith	ایمان باطنی
belief in eschatology; belief in the afterlife	ایمان به اخرویات
certain faith; sure faith	ایمان قطعی
belief with the heart; interior faith	ایمان قلبی
secure	ایمن
locatedness; whereness	اَینیّت
court	ایوان

ب

gate of gates	باب‌الابواب
gate of the Garden	باب‌الجنّه
way to Allah	باب‌اللّه
gate of the heart	باب قلب
morning breeze	باد صبا (کنایه از نفحات رحمانی)
wine	باده (کنایه از غلیان عشق)
cup of gnosis	بادهٔ عرفان
cup of love	بادهٔ عشق
cup of intoxication	بادهٔ مست
pure wine	بادهٔ ناب
wine-worshipper	باده‌پرست
wine-seller	باده‌فروش
wine-drinkers	باده‌نوشان
desert	بادیه [گذرگاه دشوار در سیر و سلوک]
burden of the trust; load of deposit	بار امانت
rain of inspiration	باران الهام

flash	بارقه
Divine flash	بارقهٔ الاهی
burden of favour	بار منّت
the Author; the Creator; the Maker; the Producer	باری [خداوند]
market	بازار
market of love	بازار عشق
market	بازار (کنایه از مقام تجلّیات انوار الاهی)
market of blame	بازار ملامت
return to God	بازگشت به سوی خدا
	بأساء ← بلا
the Donator; the Extender; the Open-Handed; the Outspreader	باسط [خداوند]
false; unreal	باطل
esoteric aspect; esoteric counterpart; esoteric dimension; the inner; inner aspect; inner being; inner dimension; inner disposition; inner intention; innermost secret; inner reality; inner self; inner state; inside; the interior; internal aspect; inward dimension; the inward state; spiritual self	باطن [اسم]
the Concealed; the Hidden; the Inward; the Occult	باطن [خداوند]
inward aspect of the Koran	باطن قرآن
esoteric meaning; hidden meaning;	باطن [معنا]

	inner meaning; inward sense
باطن [وصف]	esoteric; hidden; inherent; interior; inward; latent; nonmanifest; private
در باطن	inwardly
باطنی	esoteric; interior; internal; inward
باطنیّه	*Bâtiniyyah*; esotericists
باعث [خداوند]	the Resurrector
باغ	garden
باغ ملکوت	garden of Angelic World
باغستان (کنایه از عالم ملکوت)	garden plot
باقی	enduring; eternal; permanent; subsistent
باقی [خداوند]	the Abiding; the Enduring; the Everlasting; the Immortal; the Permanent; the Subsistent
باقیات الصّالحات	lasting righteous deeds
بالاستقلال	on its own
بالاشتراک	homonymous
بالاصاله	at root; by principle
بالحقیقه	in reality; in truth
بالغ	adult; mature
بالمآل	finally; in the end
بالمجاز	figurative(ly); in a metaphorical sense
باور قلبی	belief in the heart; belief with the heart
بایستِ دنیا	worldly demand
بایستِ نفسانی	want of the carnal soul

idol	بت
idolater; idolatrous; idol-worshipper	بت‌پرست
idolatry; idol-worship	بت‌پرستی
idol-house; idol-temple; temple of idols	بت‌خانه (کنایه از عالم لاهوت)
idol-breaker	بت‌شکن
idol-temple; temple of idols	بتکده (کنایه از باطن عارف کامل)
ocean; sea	بحر
eternal sea	بحر ابدی
pre-eternal sea	بحر ازلی
sea of inspiration	بحر الهام
limitless ocean	بحر بلاشاطی(= دریای بی‌کران)
limitless ocean	بحر بی‌پایان
limitless ocean	بحر بی‌کران
sea of revelation	بحر تجلّی
sea of dominion; sea of Sovereignty	بحر جبروت
sea of bounty	بحر جود
sea of the Truth	بحر حقیقت
sea of manifestation	بحر ظهور
sea of love	بحر عشق
sea of gift	بحر عطا
sea of vision	بحر عیان
sea of grandeur	بحر کبریا
God-given sea	بحر لدنّی
encompassing sea	بحر محیط
sea of existence	بحر هستی

bounty; disbursing; generosity; indulgence; remission	بخشش
generosity; liberality; munificence	بخشندگی
munificent	بخشنده
meanness; miserliness; niggardliness; stinginess	بخل
avaricious; miserly-stingy; niggardly	بخیل
evil	بد
origin of primordiality; primordial state	بدایت فطرت
bad temper; evilness of temper	بدخویی
full moon	بدر
heretic; heterodox; innovator	بدعت‌گذار
disloyalty	بدعهدی
evil-doer	بدکار
	بُدلاء ← ابدال
ill-fame	بدنامی
body	بدن
Universal Body	بدن کلّی
evil; vice	بدی
the Incomparable; the Innovator	بدیع [خداوند]
disbursing; impart; imparting; lavishness; liberality; outlay; readiness to sacrifice; sacrificing	بذل
spiritual sacrifice	بذل روح
goodness of character; innocence; virtue; virtuousness	بِرّ
kindliness; kindness	برّ [اسم]

the Righteous	برّ [خداوند]
guiltlessness; innocence	برائت (= بی‌گناهی)
Burâq	بُراق
Burâq of the inhalation	بُراق نفخه
Burâq of the soul	بُراق نفس
chilliness of certainty	بردالیقین
endurance; meekness	بردباری
imaginal world; intermediary place; intermediate stage; intermediate world; interstice; intervening stage; interworld; isthmus; third world	برزخ
supreme *Barzakh*	برزخ اعلیٰ
the Highest *Barzakh*	برزخ اعلیٰ (= نفس‌الرّحمٰن)
isthmus of isthmuses	برزخ‌البرازخ
intermediary; interval	برزخ [وصف]
imaginal; somewhere in between the spiritual and the physical	برزخی
flash; light; lighting	برق
lighting of union	برق وصال
benediction; blessing; Divine blessing; grace; spiritual presence	برکت
Muhammadan grace	برکت محمّدی
the Elect of Allah	برگزیدگان خدا
leading authorities on religion	بزرگان دین
great ones among the people; great ones of the Folk	بزرگان قوم [طائفه]

grandeur; pride	بزرگی
banquet; feast	بزم
plain of intimacy	بساط انس
plain of mercy	بساط رحمت
feast of proximity; plain of propinquity	بساط قرب
plain of union	بساط وصل
awe-inspiring plain	بساط هیبت
	بسایط ← بسیط
rose garden	بستان
dilation; ease; expanding; expansion; outspreading; proliferation; relaxation; spiritual expansion; unrestraint	بسط
noncompound; not divisible; simple	بسیط
cheerful	بشّاش
alacrity; joyfulness	بشاشت
humanity; man; mortal; mortal man	بشر
	بُشریٰ ← بشارت
humanity; human nature; human state; mortal nature	بشریّت
	بصائر ← بصیرت
eye; vision; sight	بصر
endowed with vision; insightful; seeing	بصیر
the All-Seeing; the Clairvoyant; the Seeing; the Seer	بصیر [خداوند]
clairvoyance; discernment; inner eye;	بصیرت

insight; intellectual vision; intuitive intelligence; luminous inner vision; mental vision; perspicacity; power of perception; sagacity; spiritual eye; vision	
spiritual vision	بصیرت ربّانی
vanity; wastefulness	بطالت
insolence	بطر (= اهانت)
inward aspect of the Koran	بطن قرآن
bellies; inner dimensions; inward aspects	بطون
resurrection; sending forth; the Uprising	بعث
the specific sending forth; the specific Uprising	بعث خاصّ
general sending forth; general Uprising	بعث عامّ
distance (from God); farness; remoteness	بُعد (≠ قرب)
sensual distance; sensual remoteness	بعد حسّی
spiritual distance; spiritual remoteness	بعد معنوی
the Distant	بعید [خداوند]
hatred; rancour	بغض
abiding; continuance; duration; permanence; perpetuation; persistence; subsistence; superexistence; survival	بقا
subsistence with God	بقاء باللّه
abiding of abiding; subsistence of subsistence	بقاءالبقاء

بقا (= خلود)	immortality
بُکاء	crying; weeping
بکّائین ← اهل بُکاء	
بلا	affliction; calamity; misfortune; temptation; torment; tribulation; trouble
بلا (= آزمون)	test; trial
بلاغ	communication
بلاکش	afflicted
بلبل	nightingale
بلیّات ← بلیّه ← بلا	
بند جاه	bond of rank
بند مال	bond of property
بند هیولی	bond of hylè
بندگی	adoration; bondage; servanthood; service; servitude
بنده	servant; slave
بندهٔ خدا	God's bondsman; God's servant; God's slave
بنی آدم	descendants of Adam
بواعث نفسانی	psychological influences; sensual influences
بؤس (= گرفتاری)	adversity; trouble
بوستان	flower-garden; rose garden
بوی آشنایی	fragrance of familiarity
بهاء	adornment; brilliance; lustre; splendour

Glory	بهاء [خداوند]
bewilderment	بُهت (= تحیّر)
happiness; joy	بهجت
supreme joy; supreme splendor	بهجت کبریٰ
selfish interest	بهرهٔ نفسانی
Garden; paradise	بهشت
eternal Garden; Garden of Immortality	بهشت جاوید
people in the Garden; people of paradise	بهشتیان
animality	بهیمیّت
wilderness	بیابان
without choice	بی‌اختیار
ill-mannered	بی‌ادب
unworthiness; worthlessness	بی‌ارزشی
faithless; unbelieving	بی‌ایمان
disbelief; unbelief	بی‌ایمانی
incomparable	بی‌بدیل
void of knowledge; void of news; void of vision	بی‌خبر
in ecstasy	بی‌خودی (= مقام سکر)
selfless	بی‌خویش
heartlessness; loss of heart	بی‌دلی
sincere; without hypocrisy	بی‌ریا
impatient; restless	بی‌قرار
to become restless; to lose all self-control	بی‌قرار شدن
recklessness	بی‌مبالاتی

incomparable	بی‌مثال
incomparable	بی‌نظیر
unconsciousness	بی‌هوشی (= مقام طمس)
explanation; explication; speech	بیان
house of sorrows	بیت‌الأحزان
God's House; God's sanctuary; House of God	بیت‌اللّه
house of wisdom	بیت‌الحکمه
house of service	بیت‌الخدمه
house of hope	بیت‌الرجاء
noble house	بیت‌الشرف
house of worship	بیت‌العباده
house of dignity; house of grandeur	بیت‌العزّه
Inhabited House	بیت‌المعمور
Holy House	بیت‌المقدس
ancient House	بیت عتیق
spiritual wakefulness	بیداری (= صحو)
allegiance; homage; initiation oath of allegiance; pledge	بیعت
strangeness	بیگانگی
stranger	بیگانه
fear; trepidation	بیم
disease of the soul	بیماری روح

پ

ascetic	پارسا
pious men	پارسا مردان
asceticism	پارسایی
holy; pure	پاک
having lost one's all; staking one's all	پاک‌بازی
pure of skirt	پاک‌دامن
purity; sanctity	پاکی
clean; purified	پاکیزه
refinement of the soul	پالایش نفس
(spiritually) mature	پخته (= بالغ)
divided attention; mental dispersion	پراکندگی خاطر
the cunning	پرتلبیس
screen; veil	پرده (= حاجب میان حقّ و بنده)
screen of thought	پردهٔ پندار
screen of imagination; veil of imagination	پردهٔ خیال
screen of chastity	پردهٔ عصمت

screen of Cloud	پردهٔ عماء
curtain of jealousy	پردهٔ غبطه
veil of the Unseen; screen of the hidden	پردهٔ غیب
screen of jealousy	پردهٔ غیرت
screen-holder	پرده‌دار
full of feeling; full of life	پرشور
compass of existence	پرگار وجود
moth	پروانه
abstemious; ascetic	پرهیزگار
asceticism; piety	پرهیزگاری
agitation; confusion; distress	پریشانی
base; chaff; indecent; sordid; vile	پست
baseness; sordidness	پستی
praiseworthy; valuable	پسندیده
wearing of wool	پشمینه‌پوشی
regret; repentance	پشیمانی
bridge of trial	پل بلویٰ
defiled; unclean	پلید
to take shelter in	پناه بردن به
delusion; imagination; thought	پندار
arrogant fancy; arrogant thought	پندار مغرورانه
exterior of Law	پوست شریعت
husk; shell	پوسته (≠ هسته)
cup; wine-vessel	پیاله
apostle; messenger; prophet	پیامبر

the Blessed Messenger; the Blessed Prophet	پیامبر اکرم (ص)
unlettered Prophet	پیامبر امّی (ص)
curve of tress	پیچ زلف
manifest	پیدا
master; sage; saint; saintly man; spiritual director; spiritual guide; spiritual master; spiritual preceptor; spiritual teacher; Sufi master	پیر
Pîr of Tavern	پیر خرابات
Pîr of monastery	پیر دیر
Pîr of companionship	پیر صحبت
perfect Pi,,r	پیر کامل
Pîr of Canaan	پیر کنعان
Magian spiritual teacher; perfect murshid; Pîr of Magians; Pîr of wine-seller; the old Magian	پیر مغان
Pîr of wine-tavern	پیر میخانه
	پیرو ← مرید
presence	پیشگاه
before God	پیشگاه خدا
exemplar; leader	پیشوا
leadership	پیشوایی
apostle; messenger; prophet	پیغمبر
messenger	پیک
body; corpse; image	پیکر

pledge; vow	پیمان
cup	پیمانه
bond; connect; connection	پیوند

ت

penitent; repentant	تائب
twist	تاب
attendant; function; subordinate	تابع
mystic emotions	تأثرات عرفانی
sensuous effect; sensuous impression	تأثیر شهوانی
delay	تأخیر
showing courtesy	تأدب
breeding; chastening; discipline	تأدیب
correcting the limbs	تأدیب جوارح
fresh-faced	تازه‌روی
imitation	تأسّی
pain; suffering	تألّم
becoming God-like; deiformity	تألّه
contemplation; meditation; reflection; speculation	تأمّل
to contemplate; to ponder; to reflect	تأمّل کردن

تأویل	esoteric commentary; esoteric exegesis; esoteric interpretation; explaining away; hermeneutic interpretation; spiritual hermeneutics; symbolic interpretation; taking the word back
تأویل عقلی	intellectual interpretation; rational interpretation
تأویل قرآن	Koranic hermeneutics
تأویلات ← تأویل	
تأیید	affirmation; support
تأیید آسمانی	heavenly affirmation; heavenly support
تأیید الاهی	Divine affirmation; Divine support
تأیید ربّانی	Divine affirmation; Divine strengthening; dominical aid; dominical support
تبتیل (= انقطاع کامل)	complete devotion; total devotion
تبختر	pompousness; strutting
تبدّل	change; transformation
تبرّع	donation
تبرّک	blessedness; blessing
تبرّک و تیمّن	blessedness and auspiciousness
تبرّی	exemption
تبشیر (= بشارت‌دهی)	annunciation; bringing of glad tidings
تبلیغ	preaching; propagating
تُتُق (= پرده، حجاب)	covering ; veil

veil of majesty; veil of splendour	تُتُقِ جلال
covering of dignity; veil of dignity	تُتُقِ عزّت
covering of the Unseen; veil of the Invisible	تُتُقِ غیب
trinity; triplicity	تثلیث
Christian trinity	تثلیث عیسوی
Muhammadan triplicity	تثلیث محمّدی
apophasis; dubitation; mystic dubitation	تجاهل عارف
haughtiness; tyranny	تجبّر
renewance	تجدّد
renewal of opposites	تجدّد اضداد
renewal of essences; renewal of likes	تجدّد امثال
recurrence of the creative act; renewal of creation	تجدید خلق
recurrence of similititudes; renewal of Platonic Ideas	تجدید مُثُل
visionary experience	تجربه شهودی
catharsis; detachment	تجرّد
detachment from worldly matters	تجرّد از شواغل دنیوی
purging the inner being of love of the world	تجرّد باطن از محبّت دنیا
celibacy	تجرّد (≠ تأهّل)
catharsis; denudation; disassociation; disengagement; divestiture; isolation; stripping	تجرید
purgation from desire	تجرید از هوا
denudation of the spirit	تجرید روح

تجسّد	corporealization; embodiment
تجسّد ارواح	corporealization of the spirits
تجسّم	corporealization
تجسّم اعمال	embodiment of deeds
تجسیم	corporealization
تجلّی	epiphany; illumination; manifestation; revelation; self-disclosure; self-manifestation; self-revelation; theophany; transfiguration; unveiling
تجلّی اسمائی	Self-disclosure of Divine Names; theophany of Divine Names
تجلّی افعال	Self-disclosure of Divine Acts; theophany of Divine Acts
تجلّی اقدس	Self-disclosure of the Most Holy; theophany the Most Holy
تجلّی اقهر	Self-disclosure of the Most Omnipotent; theophany of the Most Omnipotent
تجلّی الاهی	Divine unveiling; theophany
تجلّی الوهیّت	manifestation of Divinity
تجلّی اوّل (= فیض اقدس)	First Self-disclosure
تجلّی ایجادی	existentiating theophany
تجلّی ثانی (= فیض مقدّس)	Second Self-disclosure; Second theophany
تجلّی جلال	manifestation of Glory; theophany of majesty
تجلّی جمال	manifestation of the Beauty;

theophany of the Beauty	
manifestation of sensation	تجلّی حسّ
special Self-disclosure; special theophany	تجلّی خاصّ
manifestation of imagination	تجلّی خیال
manifestation of the Essence; theophany of the Essence	تجلّی ذات
manifestation of the Divine Essence; theophany of the Divine Essence	تجلّی ذات الاهی
essential theophany	تجلّی ذاتی
essential theophany of love	تجلّی ذاتی حبّی (= تجلّی علمی غیبی)
manifestation of dominicality	تجلّی ربوبیّت
spiritual manifestation	تجلّی روحانی
	تجلّی شهادت ← فیض مقدّس
manifestation of the visible; visible manifestation	تجلّی شهود
theophany of the Attributes	تجلّی صفات
disclosure of conjectures	تجلّی ظنون
manifestation of the invisible	تجلّی غیب (= فیض اقدس)
manifestation of the heart	تجلّی قلب
to disclose; to epiphanize; to reveal	تجلّی کردن
existential manifestation	تجلّی وجودی (= فیض مقدّس)
shining	تجلیه
	تجوّز ← مجاز
alteration	تحریف
actualization	تحصیل

تحفه	gift
تحقّق	realization; self-realization
تحقیق عرشیّ	research inspired by the Divine Throne
تحکّم	governing control
تحلّم	displaying gentleness
تحلّی	adorning; affectation; imitation of praiseworthy people in word and deed
تحلیه	adornment; beautification
تحمّل	endurance
تحمید	eulogizing
تحوّل	metamorphose; transmutation
تحیّر	amazement; bewilderment; confusion; perplexity
تحیّز	spatial confinement
تخصّص	specification
تخصیص	specification
تخلّف	discrepancy
تخلّق	adopting character traits as one's own; assuming traits; assumption of traits
تخلّق الاهی	Divine exemplification
تخلّق به اخلاق الاهی	acquisition of God's characteristics
تخلّق به اخلاق‌الله	assuming the character traits of God; imitating the character of God
تخلّق به اخلاق حقّ	assuming the Divine character
تخلّق به اخلاق ربوبیّت	assumption of dominical traits
تخلّق به اسماء الاهی	assuming the traits of God's Names

تخلّی ← تخلیه	
تخلیص ← نجات	
تخلیه	relinquishment; vacating; withdrawal
تخیّل	imaginalization
تخییل	imaginative creation
تداخل	interpenetration
تدانی (= معراج مقرّبین)	approach; drawing close
تدبّر	contemplation; meditation; reflection
تدبیر	design; destiny; disposing; foresight; forethought; governance; planning; regulation; self-direction; self-willing
تدبیر امر	governning the affair
تدبیر منزل	economics; governance of the domicile
تدلّی (= نزول حقّ به سوی مقرّبین)	coming close
تدلیس	concealing
تدیّن	piety; religiosity; religiousness
تذکّر	admonition; recalling; recollection
تذکره	reminding
تذلّل	abasement; humility; lowliness
تربیت	nourishment; training
تربیت نفس	cultivation of the soul
تربیع	quaternity
ترتیب حِکْمی	wise hierarchy
ترتیب عالم	hierarchy of the cosmos
ترجمان‌الاسرار	interpreter of mysteries
ترحّم	compassion; pity

to take pity; to treat with compassion	ترحّم کردن
hesitation; vacillation; wavering	تردّد
fear; terror	ترس
disquieting fear; heart piercing fear	ترس پریشان‌زا
agitating fear	ترس هیجان‌انگیز
Christian; monk	ترسا
Christian lad; young Christian	ترسابچه (کنایه از جاذبهٔ روحانی)
Christianity	ترسایی (کنایه از تجرید و تفرید از خلق)
self-exaltation	ترفّع
ascension; ascent; climbing	ترقّی (≠ تنزّل)
avoidance; discarding; foregoing; leaving; missing; neglecting; renunciation	ترک
abandoning fear	ترک خوف
abandonment of the world	ترک دنیا
abandonment of sin	ترک زلّت
non-performance of *ṣalât*	ترک صلات
renunciation of enjoyment	ترک لذّت
abandoning the examination (of conscience)	ترک مراقبت
compoundedness; mountedness	ترکیب
immaterialization; spiritualization	تروّح
spiritualization of the corporeal bodies	تروّح اجسام
futilities	تُرَّهات (= یاوه‌ها)
great antidote	تریاق اعظم
being purified	تزکّی
purging; purification; refinement	تزکیه

refinement of the heart; refinement of the soul; self-purification	تزکیهٔ نفس
declaration of self-purity	تزکیهٔ نفس [به معنای مذموم]
deceit	تزویر
forgery	تزییف
artificial intoxication; pretended intoxication	تساکر (= خود را به مستی زدن)
indulgence; lenience	تساهل
calling upon the holy; exaltation; glorification; praise; praising	تسبیح
connivance	تستّر
indignation; resentment	تسخّط
controlling	تسخیر
quietening the mind	تسکین فکر
infinite regression	تسلسل
acceptation; assent; resignation; submission; subordination	تسلیم
to surrender oneself to God	تسلیم حقّ تعالی شدن
surrendering to God	تسلیم خدا
to succumb	تسلیم شدن
abandonment	تسلیم (= واگذاری)
a fountain in Paradise	تسنیم
insinuation	تسویل
insinuation of Satan	تسویل شیطان
deceit of the Devil	تسویل شیطانی
enticements of the soul	تسویل نفس

تسویه	proportioning
تشابه	mutual similarity
تشبّه	assimilation; participation; becoming similar
تشبّه به باری تعالیٰ	resemblance to the Divine
تشبیه	affirming similarity; anthropomorphism; anthropomorphosis; similarity
تشتّت خاطر	mental distraction
تشریع	Law-giving
تشریف	bestowal of honour; coat of honour; ennobling; honouring
تشکّل	assuming shape; taking shape
تشویر (= ندامت)	remorse; shame
تشویش خاطر	confusion of one's mind
تشویش شیطان	tribulation of Satan
تشویش نفس	tribulation of the soul
تصبّر	exhibiting patience; forbearance
تصدیق	adhesion of faith; affirming the truth; attesting; bearing testimony
تصدیق به دل	verification by the heart
تصدیق دل	confirmation of the heart
تصدیق قلبی	acceptance by the heart; assent by the heart
تصدیق مطلق	pure verification
تصرّف	dominion; free activity; free disposal; holding sway; influence; personal initiative; working

effect of the rapturous Divine states	تصرّف جذبات الوهيّت
effect of His rapture-bestowing grace	تصرّف جذبات عنايت
operation of the senses on sense objects	تصرّف حواسّ در محسوسات
inflecting; inflection	تصريف
discharge; purification	تصفيه
purification of the heart	تصفيهٔ دل
artifice	تصنّع
conception; conceptualization	تصوّر
concept and judgement	تصوّر و تصديق
Sufism	تصوّف
practical Sufism	تصوّف عملى
imaginal conformity with God	تضاهى الاهى خيالى
entreat; entreaty; humbling; lament; self-abasement; showing humility; supplication	تضرّع
optional religious practices; voluntary prayer	تطوّع
optional; supererogatory; voluntary	تطوّعى
purgation; purification	تطهير
purifying the heart	تطهير قلب
feigning; ostentation	تظاهر
transcendence	تعالى
Sufi teachings	تعاليم صوفيّه
weariness	تعب
(external) obedience; subservience; true service	تعبّد
on authority; on faith	تعبّداً

interpretation; transposition	تعبیر
interpretation of dream	تعبیر رؤیا
to interpret	تعبیر کردن
manyness; multiplicity	تعدد
ameliorating; balancing	تعدیل
punishing	تعذیب
objection; self-presentation	تعرّض
God's making Himself known to someone; introduction; self-revealing; self-revelation	تعرّف
characterization	تعریف (≠ تنزیه)
bestowing of Divine knowledge; Divine knowledge giving; God's giving knowledge; granting of gnosis; informing gnosis; instruction	تعریف (= دانا ساختن)
dignity; power	تعزّز
haughty seclusion	تعزّل (= خلوت تفرعن‌آمیز)
mourning song	تعزیت
wooing	تعشّق
prejudice	تعصّب
inclining	تعطّف
agnosticism	تعطیل [در معرفت]
ineffectuality; inoperativeness	تعطیل [در وجود]
exaltation; glorification; magnification; magnifying; proclamation of the Divine greatness; reverence; veneration	تعظیم
magnifying religious waymarks;	تعظیم شعائر

revering the waymarks	
magnifying God's waymarks	تعظیم شعائرالله
attachment; belonging; belongingness; cleaving; clinging; co-dependence; connection; connexion; interdépendence	تعلّق
full attachment; full binding	تعلّق تامّ
corporeal attachments	تعلّقات جسمانی
worldly attachments; worldly ties	تعلّقات دنیوی
to account for	تعلیل کردن
Divine teaching	تعلیم الاهی
God-given teaching	تعلیم لدنّی
deepening one's thought; pondering; speculation	تعمّق
self-exertion	تعمّل (≠ اختصاص)
	تعوّذ ← استعاذه
incantation; talisman	تعویذ
concrete determination; designation; entification; individuation	تعیّن
essential determination	تعیّن ذاتی
entifications	تعیّنات
Divine determinations	تعیّنات الاهی
angelic world of determinations; determinations of spirits; individuations constituting the spirits; spiritual determinations	تعیّنات روحی
determinations of souls;	تعیّنات نفسانی

individuations constituting the souls; psychic determinations

تعیین مراتب	designation of levels
تغابن	suffering injustice
تغیّر	change of expression; transformation; variation
تغیّر احوال	change of states
تفاخر	boastfulness; ostentation; pretentiousness
تفاضل [نظریّهٔ ابن عربی]	ranking in degrees of excellence; surpassing others
تفرّد باطن	separation of the inner being
تفرّس (= فراست)	inherent spiritual knowledge
تفرقه (≠ جمع)	causing division; differentiation; dispersion; distraction; distribution; separation
تفرقهٔ دل	distraction of one's heart
تفرقهٔ همّت	dispersion of will
تفرید	loneliness; separation
تفرید باطنی	inner separation
تفریغ محل	freeing the locus; freeing the place
تفریق	dispersion; division
تفسیر (≠ اعتبار)	commentary
تفسیر قرآن	Quranic commentary
تفضُّل	being gratuitously bountiful; benevolence; bounteousness; condescension; favour; gratuitous bounty

God's favour	تفضّل الاهی
to take inquiry of the welfare	تفقّد کردن
acquiring knowledge of religion	تفقّه در دین
contemplation; meditation; pondering; reflection; speculation; thinking	تفکّر
abandonment; absolute delegation of power; delegation; free will; renunciation; submission; yielding	تفویض
entrusting the affair	تفویض امر
to delegate; to entrust	تفویض کردن
confrontation; contrariety	تقابل
sainthood; sanctity	تقدّس
precedence; priority	تقدّم
necessity preceding existence	تقدّم وجوب
determination; Divine decree; Divine providence; general measurement; predestination; predestiny; predetermination; pre-measurement; pre-ordination; providence	تقدیر
Divine determination; God's destiny	تقدیر الاهی
predestined by God	تقدیر حقّ
Divine destiny; Divine predestination	تقدیر ربّانی
glorification; sanctification; sanctifying	تقدیس
sanctifying the heart	تقدیس قلب
coming closer; proximity	تقرّب
drawing nigh to the presence of God	تقرّب به حضرت عزّت

تقرّب به خدا	approach to God; drawing close to God; nearing God
تقرّب به فرائض	approaching to God with obligatory rituals
تقرّب به نوافل	approaching to God with supererogatory works and rituals
تقرّب جستن	to draw close; to draw close\nigh; to seek nearness
تقسیم خاطر	divided attention
تقشّف	asceticism
تقلّب	deceit; fluctuation
تقلیب (= دگرگونی)	fluctuation
تقلید	following authority; imitation
تقوا	dutifulness; fear of God; god-consciousness; god-fear; godfearing; godfearingness; godliness; godwariness; good conduct; guarding against evil; piety; pious fear of Divine chastisement; reverential fear
تقوی‌القلوب	godwariness of the hearts
تقیّ ← متّقی	
تقیّد	delimitation; determination
تقیید	binding; delimitation; qualification
تکالیف شرع	the Law's obligations
تکبّر	arrogance; pride
تکرار تجلّی	repetition of self-disclosure; repetition of theophany

ennobling; reverence	تکریم
anathema; excommunication	تکفیر (= کافر شمردن)
burdening oneself; effort; taking trouble	تکلّف
artificial effort; discomfort; self-constraint	تکلّف (≠ انبساط)
imposing obligation; injunction; prescription; religious capacity and responsibility; religious obligation	تکلیف
inflecting on one what is beyond one's capacity	تکلیف به مالایُطاق
coming to be; existentiation	تکوّن
bringing things into being; bringing things to be; bringing to be; creation; engendering	تکوین
explanation of how	تکییف (= بیان کیفیّت)
ambiguity; concealing; deception; deluding; obscuration	تلبیس
taking pleasure	تلذّذ
purification	تلطیف
receiving	تلقّی (≠ القاء)
investiture of the robe	تلقّی خرقه
disciple; pupil; student	تلمیذ (≠ شیخ)
agitation; change; changing colouration; changing of states; variation; variegation	تلوین (≠ تمکین، تقلّب حال)
completeness; completion	تمام
mutual impeding	تمانع

animal enjoyments	تمتّعات حیوانی
worldly and otherworldly enjoyments	تمتّعات دنیوی و اخروی
apparition; appearing; appearing (in likeness); imaginalization	تمثّل
to appear	تمثّل یافتن
example; symbolic figuration; typification	تمثیل
admiration	تمجید
sneer	تمسخر
confirmation; establishment; firmness; fixity; peace of mind; rank of fixity; rest; stability (of one's inner state) ; steadfastness; strengthening	تمکین (≠ تلوین، دوام کشف)
cupidity; desire; frivolity; longing	تمنّی
distinction	تمیّز
discernment	تمییز
conflict among the Names	تنازع اسماء
metempsychosis; reincarnation; transmigration	تناسخ
metempsychosist; reincarnationist	تناسخی
reproduction	تناسل
mutual aversion	تنافر
admonition	تنبیه
anger; violence of disposition	تندخویی
descent; redescent from the Divine Reality	تنزّل
Divine Descent	تنزّل الاهی

imaginal Descent	تنزّل مثالی
Five Descents	تنزّلات خمس
spiritual visitations	تنزّلات روحانی
incomparability; transcendence	تنزّه
declaration of incomparability; declaring incomparability; isolation; *remotio*; remotion	تنزیه
God's transcendence	تنزیه خداوند
showing piety	تنسّک
taking enjoyment	تنعّم
blessing	تنعیم
straitenedness	تنگ‌دستی
constricted abode of this world	تنگنای زندان سرای دنیا
variation	تنوّع
variation of Laws	تنوّع شرایع
desolation; loneliness; solitude	تنهایی
the Acceptor of repentance; the Relenter; the Relenting	توّاب [خداوند]
artificial ecstasy; ecstatic state; exhibition of ecstasy; inviting ecstasy; sympathetic ecstasy; trying to reach ecstasy	تواجد (= اظهار حالت وجد)
courtesy; humbleness; modesty; submission; submissiveness	تواضع
propagation	توالد
succession of self-disclosures; succession of theophanies	توالی تجلّیات

attrition; penitence; repentance; turning	توبه
repentance of shame	توبهٔ استحیاء
repentance of return	توبهٔ انابه
repentant	توبه کار
to repent; to return to God	توبه کردن
repentant	توبه کننده
sincere repentance; unswerving repentance	توبهٔ نصوح
rebuking the self; rebuking the soul	توبیخ نفس
attentiveness; face-turning	توجّه
Divine attention; projection of the Divine Will	توجّه الاهی
directing oneself toward God; turning toward God	توجّه به حقّ
direction toward God; turning to God	توجّه به خدا
out-of-love face-turning	توجّه حبّی
absolute unification; absolute Unity; affirmation of God's Unity; belief in God's Oneness; belief in God's Unity; declaration of God's Unity; Divine Unity; God's Oneness; God's Unity; Monotheism; Oneness of Ultimate Reality; profession of God's Unity; Unicity; Unitarianism; Unity of God; upholding the Unity of Godhead	توحید
Unity of Divine Acts	توحید افعال
Unity pertaining to Divine Acts	توحید افعالی

Unity of the Divine; Unity of the Divinity	توحید الوهه
unification of Divinity	توحید الوهیت
unification of humanity	توحید بشریّت
singleness of worship and devotion	توحید در عبودیّت
Unity of Divine Essence	توحید ذاتی
Unity of Divine Attributes	توحید صفات
unification of the heart	توحید قلب
absolute oneness; absolute unification	توحید مطلق
unity of the Necessary Being	توحید واجب
unity of being	توحید وجود
loving	تودّد (= محبت)
the Torah	تورات
expansiveness; vastness	توسّع
Divine expansiveness; Divine vastness	توسّع الاهی (= اتّساع الاهی)
entreaty; supplication	توسّل
to entreat; to make mediator	توسّل جستن
stead of the soul	توسن نفس
deluge of calamity	توفان بلا
deluge of sea	توفان قلزم
deluge of wrath	توفان قهر
storm of gnosis	توفان معرفت
assistance; bestowal of success; Divine aid; Divine assistance; Divine blessing; efficient grace; success given by God	توفیق
Divine assistance; Divine succour	توفیق الاهی

توفیق دادن	to give success; to make successful
توفیق یزدانی	Divine aid; Divine assistance
توقیع الاهی	Divine signature; Divine signing
توکّل	confidence; handing in everything to God; pleading; reliance; resignation; trust; trustfulness; trusting; trust in God
توکّل به خدا	confidence in God; depending on God; reliance upon God; relying on God; trust in God
توکّل کردن	to have confidence; to place confidence in; to trust
تولّی	association; befriending; loyalty
تولیت	guardianship; rulership
تولیت (≠ عزل)	appointing
توهّم	apprehension; illusion
تهجّد	night-watching; nocturnal orisons; vigil
تهذیب	correction; cultivation; refinement; refining
تهذیب اخلاق	improvement of morals; refinement of character; refinement of morals
تهذیب قلب	refinement of the heart
تهذیب نفس	purification of the carnal soul; self-discipline; self-purity
تهلیل	praising Allah by saying: "There is no god but Allah"
تُهمت	accusation; suspiciousness

تهیّؤ ← استعداد

تیقّن	certitude
تیمّن	auspiciousness
تیه ضلالت	wilderness of misguidance; wilderness of misguidedness

ث

fixity; permanence; stability	ثبات
fixity; immutability; permanence	ثبوت
external immutability	ثبوت خارجی
mental immutability	ثبوت علمی
two weighty ones	ثقلان (= جنّ و انس)
laud; laudation; praise	ثنا
dualist	ثنوی
Divine recompense; Divine reward; recompense; reward	ثواب
abundant reward	ثواب جزیل

ج

جاحد	denier; refuser
جادهٔ صواب	highway of rectitude
جاعل [خداوند]	the Appointer; the Instaurer; the Maker
جام (کنایه از قلب عارف سالک)	cup
جام الاهی	Divine cup
جام ایمان	cup of faith
جام جهان‌بین	world-viewing cup
جام جهان‌نما (کنایه از قلب عارف کامل)	magic cup; world-displaying cup; world-revealing bowl
جام شهود	cup of Witnessing
جام ضمیر	cup of inner self
جام محبت	cup of love
جام می	cup of wine
جام نیستی	cup of non-existence
جام وصال	cup of union

جامع	bringing together; complete; embracing
جامع بودن	to embrace
جامع [خداوند]	the Gatherer
جامعیّت	all-comprehensiveness
جامهٔ صوفی	Sufi garb; woolen garment
جان	life; soul; spirit
جان آدمی	human soul
جان دل	soul of the heart
جان روحانی	spiritual animus
جان مهجور	desolate soul; veiled soul
جانان	the beloved; loved one; sweetheart
جان‌فشانی	sacrificing life
جاودان	eternal; everlasting; immortal
جاویدان خرد	*philosophia perennis*
جاودانگی	eternity; everlastingness; immortality
جاودانه	abiding; everlasting
جاوید	eternal; everlasting; immortal
جاه خلق	worldly honour
جاه (= منزلت)	dignity; fame; grandness; honour; power; prestige; reputation
جاهل	ignorant
جاهل متنسّک	the fool who adopts asceticism; the ignorant who adopts asceticism
جاهلیّت	age of ignorance; pre-Islamic period; pre-Islamic state; state of ignorance; time of ignorance

جبّار [خداوند]	the All-Dominating; the All-Powerful; the Almighty; the Awful; the Compelling; the Dominator; the Overbearing; the Overpowering
جبّاریّت [خداوند]	Dominion; Magnificence
جبر	absolute determination; compulsion; predestination; predetermination
جبرئیل	Gabriel
جبر محض	pure determinism; sheer compulsion
جبر و اختیار	compulsion and volition; predestination and free will
جبروت	constraint; domination; dominion; invincibility; magnificence; majesty; might; power; superbness
جبروت [خداوند]	Magnificence
جبریل ← جبرئیل	
جبل طور سینا	Mount Sinai
جبلّت	natural disposition; original disposition
جبّه	apparel; robe; woolen tunic
جحد	denial; refusal; ungratefulness
جحود	scepticism; skepticism
جِدّ	earnest; over-earnestness; seriousness
جدایی	separation
جذبه	attraction; attraction by God; rapture; rapturous state
جذبی	ecstatic

crimes	جرائر
to discredit	جرح کردن (≠ تعدیل کردن)
the Bell	جرَس (کنایه از خطاب الاهی وارد بر قلب)
draught	جرعه
draft of wine	جرعهٔ می
sin	جُرم
intrepid	جریٔ (= جسور)
world's record	جریدهٔ عالم
crime	جریره
recompense; requital	جزا
lack of fortitude	جَزَع
(corporeous) body	جسد
corporal form	جسد عنصری
(corporeal) body; corporeal frame	جسم
elemental body	جسم عنصری
Universal Body	جسم کلّی
subtle body	جسم مثالی
corpora; corporeal	جسمانی
corporeal bodies	جسمانیّات
corporeality	جسمیّت
intrepid	جسور
corporeal	جسیم
curl; ringlet	جَعد (= پیچش مو)
cause upon an effect; cause upon the caused; effect of the agent; instauration; making	جعل

ill-treatment; oppression; outrage; unkindness	جفا
glory; grandeur; greatness; magnificence; majesty; Majesty (of God); Rigour (of God); splendour	جلال
Glory of the Unity; Majesty of the Unity	جلال احدیّت
Majesty of the Unity of Essence	جلال احدیّت ذات
Divine Majesty; Rigour of God	جلال الاهی
Majesty of God; Rigour of God	جلال خدا
splendour	جلالت
manifestation; presence in society	جَلْوت (≠ خلوت)
occupying the throne; sitting	جلوس
manifestation	جلوه
the Disclosed	جلیّ [خداوند]
companion; sitting companion	جلیس
the Majestic	جلیل [خداوند]
inanimate being; inanimate thing	جماد
beauty; gracefulness	جمال
Divine Beauty	جمال الاهی
Divine Beauty	جمال خداوندی
all-comprehensiveness; concentration; congregation; gnostic synthesis; synthesis; union; unitedness	جمع (≠ فرق)
coincidence of opposites; *coincidentia oppositorum*	جمع اضداد
last stage of union; perfect union; union of union	جمع‌الجمع

concentration of religious ambition; concentration of spiritual will	جمع‌الهمّه
unification after separation	جمع بعد از فرق
all-comprehensiveness; composure; concentration; synthesis	جمعیّت
phrase; sentence	جمله
society of mankind	جملهٔ خلق
beautiful; fair; generous	جمیل
the Beautiful	جمیل [خداوند]
demon; elemental spirit; genie; invisible entity; jinn	جنّ
Divine Side	جناب الاهی
Garden; Paradise	جنّت
Garden of Specification	جنّت اختصاص
Garden of Deeds	جنّت اعمال
Garden of the Real	جنّت حقّ
Garden of Eternity; Garden of Immortality	جنّت خلد
Garden of Vision	جنّت رؤیت
Garden of Eden	جنّت عدن
Garden of Paradise	جنّت فردوس
Sensible Garden	جنّت محسوس
Intelligible Garden	جنّت معقول
Spiritual Garden	جنّت معنوی
Garden of Inheritance	جنّت میراث
Garden of Bliss; Garden of Delight	جنّت نعیم
soldiers of the heart	جنود قلب

lunacy; madness	جنون
generous; liberal	جواد
the Generous; the Munificent	جواد [خداوند]
neighborliness; proximity	جوار
neighborhood of God; proximity of God	جوارالله
organs	جوارح
chivalrousness; chivalry; manliness; manly nobility	جوانمردی
generosity; liberality	جوانمردی (= سخاوت)
bounty; generosity; lavishness; munifisence	جود
essential generosity	جود ذاتی
tumult and shout	جوش و خروش
hunger	جوع
religious warfare; strife; struggle	جهاد
lesser holy struggle; lesser holy war; smaller holy struggle	جهاد اصغر
greater (holy) struggle; greater war; struggle against the desires (of the carnal soul)	جهاد اکبر
fight with one's own self; spiritual combat; spiritual warfare	جهاد با نفس
exertion; diligence	جهد
ignorance; nescience	جهل
Gehenna; hell; inferno	جهنم
devoid of knowledge; ignorant	جهول

چ

the Well Zamzam	چاه زمزم
pit of the chin	چاه زنخدان
lamp	چراغ
lamp of the eye	چراغ چشم
inner eye; inner sight	چشم باطن
eye of discernment; eye of insight; illuminating sight; spiritual eyesight	چشم بصیرت
eye of sorcery	چشم جادو
truth-perceiving eye; truth-perceiving sight	چشم حقیقت‌بین
sick eye	چشم خمار
eye of heart; eye of intelligence; heart's eye	چشم دل
eye of sorcery	چشم سحرانگیز
outward eye	چشم ظاهر
bold eye	چشم مخمور

intoxicated eye	چشم مست
Fountain of Life; Spring of Life	چشمهٔ حیات
	چشمهٔ حیوان ← چشمهٔ حیات
fountain of life; spring of life	چشمهٔ زندگانی
a forty-day (period of) seclusion	چلّه
undergoing a forty-day period of seclusion	چلّه‌نشینی
cross	چلیپا
sward	چمن
face	چهره
red face	چهرهٔ گلگون
external dimension; external face	چهرهٔ مُلکی

ح

حاجب	concealer; veil; veiler
حادث	created being; created in time; ephemeral; newly arrived thing; occurrence; phenomenon; temporally produced
حاسب [خداوند]	the Reckoner
حاضر [خداوند]	the Present
حاضران	people of presence
حافظ [خداوند]	the Guardian; the Preserver
حاکم [خداوند]	the Conditioner; the Dominant; the Judge; the Ruler
حال	a transitory spiritual state; ecstasy; feeling; inner state; inward experience; mystical state; mystic state; passing state; positive disposition; spiritual experience; spiritual feeling; spiritual state; state of spiritual changes

dwelling; imanent; incarnate	حالّ
state of sobriety and composure	حال صحو و تمکین
state of loss	حال فقد
state of internal revelation and contemplation	حال کشف و شهود
engendered state	حال کَوْنی
state of gain	حال وجد
condition; demeanour	حالت
inner state	حالت باطن
ecstatic state	حالت وجد
instantaneous state	حالت وقت
one who praises; praiser	حامد
bearers of the Throne	حاملان عرش
carriers of the Koran	حاملان قرآن
cherishing; friendship; love	حُبّ
Divine love	حبّ الاهی
love of God	حبّاللّه
Firm Cable; strong rope	حبلالمتین
love of power	حبّ جاه
love of this world; love of worldly gain	حبّ دنیا
spiritual love	حبّ روحانی
love of authority; love of rule	حبّ ریاست
love of passions	حبّ شهوات
natural love	حبّ طبیعی (= حبّ عوام)
popular love	حبّ عوام (= حبّ طبیعی)
love of the carnal soul; self-love	حبّ نفس

jugular vein	حبل ورید
core of the heart; recess of the heart	حبّةالقلب (= سویدای دل)
beloved of God; friend of God	حبیب‌الله
the Beloved	حبیب [خداوند]
friend; lover	حبیب (= محبّ)
beloved; friend	حبیب (= محبوب)
a veil covering God; barrier; curtain; screen; veil; veiling	حجاب
emergence from the veil	از حجاب بیرون آمدن
from behind the veil	از ورای حجاب
within the screen	در حجاب
the greatest barrier; the greatest of the veils	حجاب اعظم
the nearest of the veils	حجاب اقرب
veil of humanity; veil of mortality	حجاب بشریت
veil of remoteness	حجاب بُعد
veil of directions	حجاب جهات
veil of imagination	حجاب خیال
veil of reasoning	حجاب دلیل
veil of essence	حجاب ذات
veil of remembrance	حجاب ذکر
veil of covering	حجاب رینی
veil of time	حجاب زمان
veil of attributes	حجاب صفات
natural veil; veil of nature	حجاب طبیعی

veil of darkness	حجاب ظلمانی
veil of dignity	حجاب عزّت
veil of knowledge	حجاب علمی
veil of favour ; veil of concern	حجاب عنایت
veil of forgetfulness; veil of negligence	حجاب غفلت
veil of the Unseen	حجاب غیب
veil of jealousy	حجاب غیرت
veil of clouding	حجاب غینی
confounding veil	حجاب فاتن
veil of the heart	حجاب قلب
veil of Majesty	حجاب کبریا
veil of gnosis; veil of knowledge	حجاب معرفت
veil of place	حجاب مکان
veil of the self	حجاب نفس
natural veil of the self	حجاب نفسی طبیعی
luminous veil; veil of light	حجاب نورانی
veils	حُجُب
Divine veils	حُجُب الاهی
established veils	حُجُب موضوعه
luminous veils; veils of lights	حُجُب نور
proof	حجّت
proof of God	حجّةاللّه
conclusive argument; decisive argument; evident proof	حجّت بالغه
intellectual proof; rational proof	حجّت عقلی
interdiction	حَجر (= منع)

bound; limit	حدّ
(limit of) equilibrium	حدّ اعتدال
boundary of the Presence	حدّ حضرت
frontier of placelessness	حدّ لامکان
impetuosity; irritability; vehemence	حدّت
contingency; new arrival	حدوث
Divine limits	حدود الاهی
essential limits	حدود ذاتی
ḥadîth; prophetic saying; tradition	حدیث
byword; conversation; discourse; novelty; statement; story	حدیث (= سخن)
tale of love	حدیث عشق
sacred locution; sacred saying	حدیث قدسی
conversation of the soul; psychic conversation; talking to oneself	حدیث نفس
free	حرّ
juridically forbidden; unlawful	حرام
straitness	حرج
cupidity; eager desire; gluttony; greed	حرص
letter; speech	حرف [هر جزئی از هر موجود]
glowing passion; inward glow	حرقت (= سوز درون)
ardent love; glow of love	حرقتِ محبّت
ecstatic movements	حرکات وجدی
movement of ardent desire	حرکت شوقی
holy sanctuary; sacred fold; sacred precinct	حَرَم

Sanctuary of God	حرم خدا
sacred fold of the beloved	حرم یار
frustration; loss	حرمان
dignity; honour; respect; reverence; sanctity	حرمت
letters	حروف (کنایه از حقایق بسیطه)
lofty letters; subtle letters	حروف عالیات
freedom; liberty	حریّت
an avid person; miser	حریص
rival	حریف
sanctuary; fold	حریم
fold of the dignity	حریم حرمت
distress; grief; sad element; sadness; sorrow; tragic element	حُزن
sense	حسّ [ظاهر و باطن]
account; reckoning	حساب [قیامت]
envy	حسادت
envy; jealousy	حسد
consolation; regret; repent; sorrow	حسرت
beauty; comeliness; excellence; goodness; loveliness; virtue	حُسن
beautiful character traits; virtuous character	حسن اخلاق
good comportment; good manners	حسن ادب
God-given beauty	حسن خداداد
beauty of disposition; good character	حسن خُلق

	good disposition
حسن ذاتی (≠ حسن زائد)	essential goodness; essential virtue
حسن زائد (≠ حسن ذاتی)	non-essential goodness
حسن طاعت	goodly obedience
حسن ظنّ	entertaining good notion; fair thought; good thinking
حسن ظنّ به خدا	good thoughts about God
حسن و قبح	the beautiful and the ugly
حسنات ← حسنه	
حسنه	beautiful act; good action; good attribute; good thing; good work; merit; righteousness; virtue
حسیب [خداوند]	the Reckoner
حشر	assemble; the mustering; resurrection
حشمت	majesty; pompp; repugnance
حضرات ← حضرت	
حضرات اسماء	Presences integrating the Names; Presences of the Names
حضرات خمس	Five Divine Presences; Five Presences
حضرت ابداع	Presence of innovation
حضرت اتّصال	Presence of union
حضرت احدیّت	Presence of absolute Unity
حضرت احکام	Presence of properties
حضرت اختصاص	Presence of specification
حضرت اختیار	Presence of free will

Presence of concealment	حضرت اخفاء
Presence of courtesy	حضرت ادب
Presence of the Names	حضرت اسماء
Presence of the Names and Attributes	حضرت اسماء و صفات
Presence of absoluteness; Presence of nondelimitation; Presence of unboundedness	حضرت اطلاق
Presence of Bringing Back	حضرت اعاده
Presence of Individuals	حضرت اَفراد
Presence of Acts	حضرت افعال
Presence of engendered beings	حضرت اکوان
Divine Presence	حضرت الاهی
Presence of "Am I not Your Lord?"	حضرت اَلَسْت
Presence of Allah	حضرت اللّه
Divine Presence	حضرت الوهیّت
Presence of Command	حضرت امر
human presence	حضرت انسانی
Presence of existence-giving	حضرت ایجاد
intermediate Presence; Presence of *Barzakh*	حضرت برزخی
Presence of Magnification; Presence of sanctity	حضرت تقدیس
Presence of Imaginalization	حضرت تمثّل
Presence of the imaginal	حضرت تمثیل (= عالم مثال)
Presence of Immutability	حضرت ثبوت

all-comprehensive Presence; global Presence	حضرت جامع
Presence of Glory; Presence of Majesty	حضرت جلال
Presence of Glorious Majesty	حضرت جلّت
Presence of Beauty	حضرت جمال
absolutely encompassing Presence; Presence of All-Comprehensiveness; Presence of Bringing Together	حضرت جمع
integral Divine Presence	حضرت جمعیت
Presence of (Sense) Perception	حضرت حسّ
Presence of sensation and witnessing; Presence of the Sensation and the Witnessed	حضرت حسّ و شهادت
Presence of Life	حضرت حیات
Presence of wonder	حضرت حیرت
the Almighty; God (Almighty and Glorious)	حضرت خداوندی
Presence of Address	حضرت خطاب
Presence of Creation	حضرت خلق
Active Imagination; imaginal Presence; imaginal world; the imaginative Dignity; imaginative Presence; Imaginatrix; Presence of the Imagination	حضرت خیال
imaginal Presence; imaginative Dignity	حضرت خیالیّه

Presence of the Essence	حضرت ذات (= عالم غیب مطلق)
Divine Presence	حضرت ربّانی
Presence of Lordship	حضرت ربوبیّت
Presence of messengerhood	حضرت رسالت
Presence of Doubts	حضرت شکوک
absolute Divine Presence; Divine Presence in the Absolute; Presence of the Absolute Manifestation	حضرت شهادت مطلق
Presence of Witnessing	حضرت شهود
dignity; majesty; plane (of being); Presence	حضرت (= عالَم، مرتبه)
Presence of Justice	حضرت عدل
	حضرت عزّ ← حضرت عزّت
Mighty Presence; Presence of the Almighty	حضرت عزّت
Presence of Knowledge	حضرت علم
Presence of the Cloud; Presence of the Chaos	حضرت عماء
Presence of the Manifest; Presence of Vision	حضرت عیان
Presence of Jesus	حضرت عیسویّه
Presence of Entity	حضرت عین
Presence of Wealth and utter Freedom	حضرت غنا
Presence of the Absent	حضرت غیب
Presence of the relative	حضرت غیب مضاف

non-manifestation	
Presence of the Absolute non-manifestation	حضرت غیب مطلق
Presence of the Relative Non-manifestation	حضرت غیب مقیّد
Presence of Singleness; Presence of Singularity	حضرت فردانیّت
Presence of Singleness	حضرت فردیّت
Presence of Power	حضرت قدرت
Presence of Sanctity	حضرت قدس
Presence of Proximity	حضرت قرب
Presence of Wrath	حضرت قهر
Presence of Grandiloquence	حضرت لَسَن
Presence of the Imagination	حضرت مثال
Presence of Images	حضرت مُثُل
Muhammadan Presence; Presence of Muhammad	حضرت محمّدی
Presence of the Named	حضرت مسمّی
Presence of the Kingdom	حضرت مُلک
Presence of Moses	حضرت موسویّه
Presence of Marriage	حضرت نکاح
Presence of Light	حضرت نور
Presence of Plural-Unity	حضرت واحدیّت
Presence of All-Embracingness	حضرت واسع
Presence of necessity by another	حضرت وجوب بالغیر
Presence of Essential Necessity	حضرت وجوب ذاتی

Presence of Being; Presence of Existence	حضرت وجود
Presence of Unicity	حضرت وحدانیّت
presence; readiness	حضور
Divine Presence	حضور خداوند
	حضور دل ← حضور قلب
alertness of the heart; awareness; conscious awareness; presence of consciousness; presence of the heart	حضور قلب
in the right spirit; with cordial presence	با حضور قلب
depths of the human state	حضیض بشریّت
vanities of the world	حطام دنیا
enjoyment; interest; pleasure; share	حظّ
pleasure of the soul; selfish interest; selfish pleasure; sensual pleasure	حظّ نفس
Domain of Holiness	حظیرهٔ قدس
protection; safeguard	حفظ
observing the rules of religion	حفظ آداب شریعت
guarding trust; protecting trust	حفظ امانت
the Guardian	حفیظ [خداوند]
rightful due	حقّ
God's right	حقّ‌الله
man's right	حقّ‌الناس
apodicticity; certain truth; real certitude; reality of certainty; reality of certitude;	حقّ‌الیقین

	truth of certainty; truth of certitude
حقّ (≠ باطل)	right
حقّ (= حقیقت)	reality; truth
حقّ [خداوند]	Divinity; God; *Ḥaqq*; the Real; Reality; the Real One; the True; the Truth
حقّ [وصف]	real; true; veritable
حقّ متخیَّل	imaginary reality; imaginary truth
حقّ (= محقَّق)	realized
حقّ مطلق	absolute Truth
حقّ حقیق [خداوند]	the Veritable Reality
حقایق	realities; spiritual truths; verities
حقایق اسماء	realities of the Divine Names
حقایق ایمان	realities of faith; verities of faith
حقایق ربّانی	Lordly realities
حقایق روحانی	spiritual truths
حقایق مثالی	imaginal realities
حقیقت	esoteric true reality; esoteric truth; immediate reality; reality; verity
حقیقت (≠ خطا)	truth
حقیقت (= ماهیت)	essence
حقیقت ایمان	truth of faith
حقیقت دنیا	reality of the world
حقیقت روحانی	spiritual reality; spiritual truth
حقیقت عرفانی	gnostic reality; gnostic truth; mystical reality; mystic truth
حقیقت عنصریّه	elemental reality

universal reality; universal truth	حقیقت کلّیه
imaginal reality; imaginal truth	حقیقت مثالی
Muhammadan Reality; pure Muhammadan Essence; Reality of Muhammad	حقیقت محمّدی
intelligible reality; intelligible truth	حقیقت معقول
unique truth	حقیقت واحده
hidden reality; Reality of the realities; Truth of the truths	حقیقةالحقایق
real; true; veritable	حقیقی
literal; true	حقیقی (≠ مجازی)
recounting; story	حکایت
commandment; regulation; ruling property	حُکم
God's pre-eternal decree; pre-eternal decree; pre-eternal dictate	حکم ازلی
principle of Divine deception	حکم استدراج
properties of the Divine Names	حکم اسماء
Divine decree; God's command	حکم الاهی
	حکم‌الله ← حکم الاهی
inner decree; inner judgement	حکم باطن
judgement of separation	حکم تفریق
the Arbitrator; the Judge	حَکَم [خداوند]
commandment of the Law; decree of the Law	حکم شرع
outer judgement; outward decree	حکم ظاهر
judgement of intellect	حکم عقل

decree of fate and destiny	حکم قضا و قدر
	حکماء ← حکیم
metaphysics; philosophy; *theosophia*; theosophy	حکمت
sapience; wisdom	حکمت (= دانایی)
providential purpose	حکمت (= غرض)
moral philosophy; moral wisdom	حکمت اخلاقی
illuminationist philosophy; Oriental philosophy; Oriental theosophy; Oriental Wisdom; theosophy of Light	حکمت اشراق
Divine wisdom; metaphysics; theosophy	حکمت الاهی
comprehensive theosophy	حکمت جامعه
true wisdom	حکمت حقیقی
perennial philosophy; *philosophia perennis*; *Sophia Aeterna*; *Sophia perennis*	حکمت خالده
God's Wisdom	حکمت خدا
Divine Wisdom; Providential Wisdom	حکمت خداوندی
Divine wisdom; Lordly wisdom	حکمت ربوبی
Christic *Sophia*; Christic Wisdom	حکمت عیسویّه
unknown theosophy	حکمت مجهوله
unexpressed theosophy	حکمت مسکوت عنها
philosopher; sage; wise	حکیم
the All-Wise; the Wise	حکیم [خداوند]
allowed; lawful; permissible;	حلال

	religiously allowed
حلاوت	sweetness
حلاوت ایمان	sweetness of faith
حلاوت ذکر	sweetness of invocation; sweetness of remembrance
حلاوت وجود	sweetness of being; sweetness of existence
حلقهٔ بندگی	ring of service
حلقهٔ ذکر	circle of remembrance; Sufi circle of invocation
حلقهٔ زلف	ringlet
حلقهٔ صوفیانه	circle of the initiated; initiatic circle; Sufi circle
حِلم	forbearance; forbearing; meekness; mildness; patience
حلم‌ورزی	displaying gentleness
حلول	dwelling; immanence; incarnation; indwelling; infusion; inherence; localisation; transfiguration
حلول کردن	to become incarnated; to dwell; to implant
حلول [مکتب]	incarnationism
حلولی	incarnationist; transubstantiated
حلولیان ← حلولیّه	
حلولیّه	adherents of incarnation; incarnationists
حلیم	gentle
حلیم [خداوند]	the Clement; the Gentle

حمد	praise
حمل امانت	carrying the trust
حَمَلهٔ عرش ← حاملان عرش	
حَمَلهٔ قرآن ← حاملان قرآن	
حمیّت	ardour; fervency; manly zeal; zeal
حمید [خداوند]	the Laudable; the Praiseworthy
حمیم [در جهنم]	scalding water
حَنان	loving care; tenderness
حنّان [خداوند]	the Compassionate
حنیف	one with primordial faith; primordialist
حنین خدا	Sigh of God
حواس باطن	inner senses; internal senses
حواس ظاهر	external senses; outer senses
حور	houri
حول ← قوّه	
حیّ [خداوند]	the Alive; the Eternally Living; the Ever-Living; the Living; the Living One
حیا	bashfulness; contrition; decency; diffidence; embarrassment; modesty; shame
با حیا	bashful
حیات	life
حیات ابدی	eternal life; everlasting life; life of endless eternity
حیات باطنی	esoteric life
حیات جاوید	eternal life; immortal life
حیات دائم	permanent life

حیات دنیا	the closest life; earthly world; lower life; terrestrial life; worldly life
حیات عاجل	hasty life
حیات قلب	life of the heart
حیاریٰ ← حیران	
حیران	astonished; astounded; bewildered
حیرانی ← حیرت	
حیرت	amazement; astonishment; bewilderment; confusion; disorientation; perplexity
حیرت شیطانی	satanic perplexity
حیطه	scope
حیلت ← حیله	
حیله	cunning; machination; trick
حیلهٔ شیطانی	demonic cunning; demonic intrigue
حیوانی	animal
حیوانیّت	animality

خ

خائب ← نومید	
خائف	affrighted; fearful; scared
خاتم‌النبیّین ← خاتم انبیاء (ص)	
خاتم انبیاء (ص)	the Last of the Prophets; Seal of the Prophets
خاتم اولیاء	Seal of the Friends; Seal of the Saints
خاتم اولیاء محمّدی	Seal of Muhammadan Friends; Seal of Muhammadan Saints
خاتم پیامبران ← خاتم انبیاء (ص)	
خاتم نبوّت	Seal of prophethood
خاتم ولایت محمّدی	Seal of Muhammadan Sainthood
خادمان (= مقیمان خانقاه)	servants
خاسر	dismayed; loser; lost
خاشع	humble; humble-minded; lowly
خاصّ	elect; elite
خاصّ‌الخاصّ	the elect among the elect; the elect few; super-elect

خاصّ (≠ عامّ)	specific
خاصّ و عامّ	noble and common
خاصّان	the chosen; the elect
خاصةالخاصه ← خصوص‌الخصوص	
خاصّگان حقّ	the chosen of God
خاضع	humble; subjected; submissive
خاطر	arriving thought; incoming thought; inspiration; passing thought; stray thought; thought; vain thought
خاطر الاهی	coming from the Divine
خاطر اول	first thought
خاطر ثانی	second thought
خاطر ربّانی	coming from the Lord
خاطر شیطانی	satanic thought
خاطر مَلَکی	angelic thought
خاطر نفسانی	ego-centric thought; passing thought of the self; selfish passing thought
خافض [خداوند]	the Abaser; He-Who-Puts-Down
خاک مذلّت	dust of abasement
خاکی	earthly
خال سیاه (کنایه از عالم غیب)	dark mole
خال (کنایه از نقطهٔ وحدت)	mole
خالص	pure; sincere
خالق [خداوند]	the Creating; the Creator
خام [آنکه در بدایت سلوک است]	novice; (spiritually) immature
خاموشی	silence

crudeness; immaturity	خامی
cloister; dervish monastery; Sufi centre; Sufi hospice; Sufi meeting place; Sufi monastery	خانقاه
inhabited house; prosperous house	خانهٔ آباد
house of immortality	خانهٔ بقا
ruined house	خانهٔ خراب
house of wine-keeper	خانهٔ خمّار (کنایه از مقام بی‌رنگی)
house of the heart	خانهٔ دل
evil; impurity; loathsome; malice	خبث
vileness of beliefs	خبث عقیدت
bad; evil; malicious	خبیث
cognizant; experienced	خبیر
the Aware; the Informed	خبیر [خداوند]
	ختم اولیاء ← خاتم اولیاء
Seal of command; consummation of command	ختم امر
Seal of saintship	ختم ولایت
shame	خَجَل
beseeching God; calling upon God	خدا را خواندن
god-fearing	خداترس
deceit	خُداع
God the Exalted	خداوند تعالی
master of time	خداوند وقت
masters of inwardness	خداوندان باطن
masters of time; possessors of time	خداوندان وقت
Divinity	خداوندی

theos agnostos; unknowable God	خدای ناشناختنی
intrigue; stratagem; swindling	خدعه
Satanic intrigue	خدعهٔ شیطانی
service (of God)	خدمت
abandoning; abandonment	خذلان
abode of destruction	خرابآباد
Tavern(s); vintner's house	خرابات
tavern of the world	خرابات دنیا
tavern of the spirit	خرابات روح
lover's ruined tavern	خرابات عشق
Tavern of Magians	خرابات مغان
tavern-frequenter	خراباتی
superstition	خرافه
intelligence; reason; wisdom	خِرَد
sage; wise	خردمند
violating the Law	خرق شریعت
abnormal phenomenon; breaking the habit; habit-breaking; miracle	خرق عادت
cloak; dervish-frock; dervish mantle; mantle; patched garment; patched (Sufi) frock; rag; ragged mantle; woolen garment	خرقه
robe of discipleship	خرقهٔ ارادت
cloak of blessing	خرقهٔ تبرّک
sound cloak	خرقهٔ صحیحه
torn cloak	خرقهٔ ممزّقه

khirka-wearer	خرقه‌پوش
tearing one's garment	خرقه دریدن
cloak of sainthood	خرقهٔ ولایت
harvest	خرمن
treasures of the Unseen	خزائن غیب
hidden-treasures of the Unseen	خزائن مکنون غیب
storehouse; treasury	خزانه
storehouse of imagination; treasury of imagination	خزانهٔ خیال
storehouse of nature	خزانهٔ طبیعت
treasury of the Unseen	خزانهٔ غیب
storehouse of senses	خزانهٔ محسوسات (= خیال)
treasurers	خَزَنَه (= نگهبانان)
treasurers of Paradise	خَزَنَهٔ بهشت
storehouse; treasury	خزینه
storehouse of secrets	خزینهٔ اسرار
storehouse of humanity; treasury of humanity	خزینهٔ انسانیّت
baseness; paltriness; vileness	خسّت
base nature; vileness of nature	خسّت طبع
shattered heart	خسته‌دل
eternal loss	خسران ابدی
self defeating	خسران نفس
humble adoration; humbling; humility; lowliness; submission; submissiveness	خشوع
awe; dread; fear	خشیت

fear of God	خشیت [از خدا]
desirable characteristics; praiseworthy qualities	خصال پسندیده
reprehensible characteristics; reprehensible qualities	خصال ناپسند
character	خصلت
the elect few; the elect of the elect	خصوص‌الخصوص
enmity	خصومت
Khaḍir; *Khiḍr*	خضر (کنایه از بسط)
doing homage; humble subjection; humility; modesty; submission	خضوع
astray; error; going astray	خطا
error-covering	خطاپوش
Divine address	خطاب الاهی
	خطایا ← خطیئه
	خطرات ← خواطر
occurrence	خطور
currents of thought	خطورات ذهنی
delinquency; fault; sin	خطیئه
hiddenness	خفا (≠ ظهور)
debasement; lightness of disposition	خفّت
arcane; hidden; mysterious	خفیّ
the Hidden	خفیّ [خداوند]
the Void	خلأ (≠ ملأ)
paragon of being; summary of existence	خلاصهٔ موجودات

خلافت الاهی	Divine vicegerency
خلّاق [خداوند]	the Ever-Creating
خلّت	sincere friendship; friendship; friendship with God; intimacy; love
خلد	immortality
خلد برین	lofty Paradise
خلسه	ecstasy
خلع	removal
خلع نعلین	doffing of the Sandals; Removal of the Sandals
خلعت	coat of honour; dress of honour; garment of honour; robe of honour
خلعت نور	robe of light
خُلق	character; character quality; character trait; disposition
خُلق حسن	good character; good disposition; virtuous quality
خُلُق عظیم	mighty morality; sublime character; sublime morality; sublime morals; sublime nature; tremendous character; tremendous nature
خُلق کریم	generous disposition
خُلق مذموم	blameworthy character; blameworthy disposition
خُلق نیکو	good disposition; good nature
خَلق (= آفرینش)	creation

creation; creatures	خلق (= مخلوقات)
creation of deeds	خلق اعمال
creation as existentiation	خلقِ ایجاد (≠ خلق تقدیر)
creation as determination	خلق تقدیر (≠ خلق ایجاد)
new creation; recurrent creation	خَلق جدید
permanent creation	خَلق دائم
	خلقت ← خلق
cell-door; isolation; privacy; retirement; seclusion; solitary life; solitude; spiritual retreat; utter exclusion	خلوت
cell of seclusion; place of seclusion	خلوت‌خانه
adytum of the pure	خلوت‌خانهٔ پاکان
adytum of *tawhîd*	خلوت‌خانهٔ توحید
adytum of the friends	خلوت‌خانهٔ دوستان
adytum of proximity	خلوت‌خانهٔ قرب
secluded pavilion of the heart	خلوت‌سرای دل
place of retreat	خلوت‌گاه
secluded shrine	خلوت‌گاه خاصّ
sitting in solitude	خلوت‌نشین
absolute seclusion; absolute solitude	خلوت مطلق
bound retreat	خلوت مقیّد
limpidity; sincerity	خلوص
sincere intention	خلوص نیّت
successor of the Messenger; vicegerent of the Messenger	خلیفةالرسول
Divine Vicegerent; Steward of God;	خلیفةالله

Vicegerent of God
Divine Vicegerent; — خليفهٔ الاهی
Vicegerent of the Divine
God's Vicegerent — خليفهٔ خدا
intimate friend — خليل
beloved friend of God; friend of Allah; — خليل‌الله
friend of God; intimate friend of God
curve of tress — خم زلف
jar — خُم (کنايه از بدايت سلوک)
intoxication; wine-sickness — خُمار
Vintner; wine-keeper; — خمّار (کنايه از عاشق سرگردان)
wine-merchant
cellar; wine-house — خمخانه
خمستان ← خمخانه
abating passions — خمود شهوت
silent — خموش
ferment — خميره
slumber of heedlessness — خواب غفلت
God's Will; providence; Will of God — خواست خدا
sensual desire — خواستهٔ نفس
connoisseurs; rank of the few; selected ones — خواصّ
the elect; the elite — خواصّ (≠ عوام)
the selected among the selected ones — خواصّ‌الخواصّ
elect servants; the elite among servants — خواصّ‌العباد
the elect among the saints; elect saints — خواصّ اولياء
currents of thought; fancies; ideas that — خواطر

suddenly come into one's heart or mind; incoming thoughts; passing thoughts; promptings; random thoughts; stray thoughts; thoughts; transient states; transient things

خواطر پراکنده	dispersed thoughts; extraneous suggestions
خواطر شیطانی	satanic incoming thoughts
خواطر مَلَکی	angelic incoming thoughts
خواطر نفسانی	ego-centric thoughts; passing thoughts of the self; selfish passing thoughts
خواطف	voices from the Unseen
خوان فراق	tray of separation
خوان کرم عامّ	universal feast of generosity
خوبان	lovely ones
خود	ego; self; soul
خودآگاهی	consciousness; self-awareness
خودبین	self-centred; self-conceited; self-satisfied
خودبینی	egoism; self-conceit; self-regard
خودپرست	selfish; self-worshipper
خودپرستی	selfishness; self-worship
خودرأیی	obstinancy
خودفروش	Self-seller
خودکامی	self-interest
خودی	selfhood

sweet of song	خوش الحان
contentment	خوش‌دلی
sheaf	خوشه
awe; fear; terror	خوف
agitating fear; restless fear	خوف بی‌قرار
fear of account	خوف حساب
fear of punishment	خوف عذاب
fear of death	خوف مرگ
	خوف مُقْلق ← ترس پریشان‌زا
	خوف مقلقل ← ترس هیجان‌انگیز
fear and hope	خوف و رجاء
heart's blood	خون دل
self-centred; self-conceited	خویشتن‌بین
apparition; dream; fancy; imagination; imagining	خیال
vain fancy; vain imagining	خیال باطل
real imagination; true imagination	خیال حقیقی
imaginal faculty	خیال (قوّه)
microcosmic world of imagination; conjoined Imagination; contiguous Imagination	خیال متّصل
absolute theophanic Imagination; absolute unconditioned Imagination; nondelimited Imagination	خیال مطلق
conditioned Imagination; delimited Imagination	خیال مقیّد
autonomous Imagination; detached	خیال منفصل

Imagination; discontiguous Imagination; dissociable Imagination; macrocosmic world of imagination

خیالات ← خیال

خیالات فاسد	corrupt fancies
خیالات واهی	vain fancies
خیالی	imaginal; imaginary
خیانت	deceiving; disloyalty; treachery
خیبت (= یأس)	being thwarted; disappointment
خیر	boon; good; goodness; interest
خیرالماکرین [خداوند]	the Best of the Deceivers
خیر [خداوند]	the Good; the Goodness
خیر کثیر	great boon; great good
خیر محض	sheer good; sheer goodness
خیر مطلق	absolute good; absolute goodness; pure good
خیرات	charitable gifts; good works; pious acts; welfare
خیرخواه	benevolent

د

cycle of prophecy; prophetic cycle	دائرهٔ نبوّت
circle of existence; circle of *wujûd*	دائرهٔ وجود
cycle of initiation; cycle of sanctity	دائرهٔ ولایت
constantly present	دائم‌الحضور
constantly engaged in invocation	دائم‌الذکر
constantly engaged in *ṣalât*	دائم‌الصلاة
the Lasting	دائم [خداوند]
abode; kingdom; realm; world	دار
abode of the hereafter; last abode	دار آخرت
abode of trial	دار ابتلاء (= دنیا)
Abode of the All-Merciful	دارالرحمٰن
Abode of Islam; House of Islam	دارالاسلام
Abode of Peace; Paradise	دارالسلام
abode of permanence; kingdom of eternity	دارالقرار
Kingdom of Allah	داراللّه
abode of abiding; abode of subsistence; everlasting abode	دار بقاء (= آخرت)

abode of obligation	دار تکلیف
abode of discernment	دار تمییز (= آخرت)
abode of glory	دار جلال
abode of the living	دار حَیَوان
abode of the world; the closest abode	دار دنیا
abode of good pleasure	دار رضوان
abode of felicity; abode of happiness	دار سعادت
abode of pride; deceptive world; house of delusion; house of vanity	دار غرور
abode of annihilation; transient world	دار فانی (= دنیا)
abode of annihilation; transient world	دار فنا (= دنیا)
abode of generation and corruption	دار کون و فساد
inciter; missionary; prompter	داعی
impulse; motive	داعی (= داعیه)
missionaries; propagandists	داعیان
impulse of longing	داعیهٔ شوق
snare of deceit	دام تزویر
snare	دام (کنایه از جلوه‌های فریبندهٔ دنیا)
expulsive	دافع
judge	داور
circle of possibility	دایرهٔ امکان
Great Circle	دایرهٔ کبریٰ (= ولایت)
Anti-Christ; *Dajjâl*	دجّال
interference; intrusion	دخل
pearl	دُرّ
pearl of speech	دُرّ سخن

در میخانه	tavern-door
درهای بهشت	gates of the Paradise
در قبضهٔ خدا	in God's grip
درجات	ascending degrees; degrees; degrees of ascent
درجات اهل یقین	degrees of the people of certainty
درجات عُلیا	lofty degrees
درجات نجات	high degrees of salvation
درجه	degree; rank; stage; step
درجهٔ رفیع	exalted rank
درجهٔ سعادت	high degree of felicity
درجهٔ عیان	rank of direct vision
درجهٔ کمال	degree of perfection
درد اشتیاق	pain of longing
درد طلب	painful longing of the quest
درد فراق	pain of separation
دُرد	dreg
دُردکشان (کنایه از صوفیان یکرنگ)	dreg-drinkers; drinkers of wine-dregs; drinking of wine-dregs
دُرد نوشان ژنده‌پوش	ragged drinkers of dregs
دردمندان	the afflicted
دردناک	painful
درست (≠ نادرست)	correct; sound
درست (= صادق)	true; veracious
درستی	righteousness; truthfulness
درّةالبیضاء ← عقل اوّل	
درْک	attainment; comprehension; grasp

the lowest abyss	دَرَک اسفل
degrees of descent; descending degrees; low degrees	درکات
abasements of loss	درکات خسران
degrees of hell; degrees of hellfire; descending degrees of hell	درکات دوزخ
low degrees of wretchedness	درکات شقاوت
court; threshold	درگاه
Divine Portal; Divine Threshold	درگاه الاهی
Court of God	درگاه خدا
dervish; mendicant; Sufi	نومیدی،درویش
within the screen	درون پرده
pauper	درویش (= فقیر)
(spiritual) poverty	درویشی (= فقر)
encompassing sea	دریای محیط
ocean of light	دریای نور
searching hand	دست طلب
commands; regulations	دستورات
plain of Resurrection	دشت قیامت
call; calling; calling God; individual prayer; invitation; invocation; petition; private liturgy; saying prayer; supplication; supplicatory prayer	دعا
good invocation; prayer of goodness	دعای خیر
midnight-prayer	دعای نیمه شب
pretence; pretension	دعوا

دعوای خدایی کردن	to claim divinity
دعوت	call; calling; incitation
دعوت بندگان به حقّ	summoning men unto God
دعوت [به آیین]	call (to conversion)
دعوت به حقّ تعالیٰ	calling to God; call towards God
دقایق اعمال	subtleties of actions
دقیقه	secret; subtlety
دقیقه‌ای عظیم	a great subtlety
دقیقه‌ای لطیف	a subtle point
دل	heart; soul
دل‌آرام	delighter of hearts
دل‌بر	heart-ravisher; heart-render; sweetheart
دل‌بند	captivator of hearts; heart-binding
دل به دنیا بستن	to attach the heart to worldly things
دل‌پذیر	heart-pleasing
دل خراب	ruined heart
دل خسته	wounded heart
دل‌داده	devoted
دل‌دار	heart-possessor
دل‌داری	affection; consolation
دل‌ربا	heart-ravishing
دل رنجور	afflicted heart
دل‌ستان	beloved; heart-ravisher; ravisher of hearts; sweetheart
دل‌سوخته	bereaved
دل سودا زده	distraught heart

commiserate	دل‌سوزی
heart of night	دل شب
disappointment	دل‌شکستگی
heart-broken	دل‌شکسته
broken hearted	دلِ شکسته
distraught heart	دل شیدا
heart-allurer	دل‌فریب
alluring; heart alluring	دل‌کش
wounded heart	دل مجروح
wretched heart	دل مسکین
concern; preoccupation	دل‌مشغولی
ruined heart	دل ویرانه
denotation	دلالت
argument; proof; reason	دلیل
the Guide; the Indicator	دلیل [خداوند]
legal proof; legal reason	دلیل شرعی
argument from providence	دلیل عنایت
breath; moment	دَم
abjection; lowliness; vileness	دنائت
extreme nearness	دنوّ
sordid	دنیّ (= پست)
lower world; this world with its passions; world; world in a profane sense; worldly gains; worldly interests; worldly things	دنیا
mammonism; seeking this world; worldliness	دنیاطلبی
deceitful world	دنیای غدّار

دنیوی	mundane; worldly
دواعی ← داعی	
دواعی شوق	promptings of longing
دواعی شهوانی	sensual promptings
دوام	perenniality; perpetuation; perpetuity; persistence; subsistence
دوام سکوت	constant silence; perpetual silence
دوام صمت	constant silence
دوام صوم	constant fasting; perpetual fasting
دوام وضو	constant ablution
دُوری	distance; remoteness
دوری جستن	to distance oneself; to keep aloof from; to keep away
دوست	beloved; comrade; friend; lover
دوستدار	lover
دوستی	friendship; love
دوستی دنیا	worldliness
دوش	last night
دولت	auspicious fortune; good fortune; worldly power
دونهمّت	low-minded
دونهمّتی	low aspiration
دهر	Aeon; aveternity; Time
دهر اوّل ← دهرالدّهور	
دهرالدّهور (= دهراوّل)	Aeon of Aeons; first Aeon
دهریّون	Aeonists; materialists

astonishment; confusion; stupefaction	دهشت
country; homeland	دیار
abode of abiding; abode of permanence	دیار باقی
the Retributer	دیّان [خداوند]
country of Friend	دیار دوست
religiosity	دیانت
bird's eye	دید اجمالی
vision of generosity	دید فتوّت
spiritual vision	دیدن با قلب
gaze of the people of the world of the Unseen	دیدهٔ اهل غیب
eye of vision	دیدهٔ بصیرت
soul-seeing eye	دیدهٔ جان‌بین
beauty-perceiving eye	دیدهٔ جمال‌بین
world-seeing eye	دیدهٔ جهان‌بین
truth-perceiving eye	دیدهٔ حقیقت‌بین
cloister; country; hermitage; monastery	دیْر
Magians' cloister	دیر مغان
cell and church	دیر و کنشت
eternity; everlastingness; persistence	دیمومیّت
faith; religion; theology	دین
religion-nurturing	دین‌پرور
cultivation of religion	دین‌پروری
devout; god-fearing; pious	دیندار
primordial faith	دین حنیف
pure religion; religion of purity	دین خالص

دیوانگی	lunacy; madness
دیوانه	distraught; lunatic; madman

ذ

ذات احديّت	Essence of Divine Unity
ذات باری	Essence of Creator
ذات حقّ [تعالیٰ]	Divine Essence; Essence of the Real
ذات خداوند	Essence of God
ذات قديم	uncreated essence
ذات متعالی	transcendent essence
ذاتاً	by nature; essentially; in nature; naturally
ذاكر	invoker; praiser of God; recollector; rememberer
ذخيرهٔ الاهی	Repository of God
ذروهٔ عبوديّت	summit of servitude
ذكر	act of remembrance; call; evocation; formula of remembrance; invocation; invocation of God; invoking; orison; recalling; recitation of God's Names; recollection (of God); remembering; remembrance of God; reminder

invocation of God; remembrance of God	ذکرالله
open invocation; open remembrance	ذکر جلیّ
invocation of God; mentioning the name of God	ذکر حقّ
secret invocation; secret remembrance	ذکر خفیّ
invocation with the imagination	ذکر خیالی
invocation with the tongue	ذکر زبانی
invocation with the heart; invocation with the spirit	ذکر قلبی
invocation with the tongue	ذکر لسانی
invocation with words	ذکر لفظی (≠ ذکر نفسی)
spiritual invocation	ذکر معنوی (= ذکر قلبی)
invocation with the soul	ذکر نفسی (≠ ذکر لفظی)
masculity	ذکورت
	ذُلّ ← ذلّت
abasement; dishonour; humiliation; humility; lowliness; self abasement	ذلّت
worldly debasement	ذلّت دنیا
base; humble	ذلیل
blamable	ذمیم
crime; guilt; misdeed; sin; vice	ذنب
beings endowed with spirit	ذوات‌الرّوح
Lord of Splendor; the Majestic; the Possessor of Glory	ذوالجلال [خداوند]
possessor of the Two Eyes	ذوالعینین [عالی‌مقام‌ترین عارف]
direct experience; discernment; experience;	ذوق

	flavour; immediate tasting; intimate taste; intuition; intuitive experience; mystic perception; sapiential knowledge; spiritual leaning; spiritual taste; taste; tasting
ذوق انسی	taste of intimacy
ذوق جمال	taste of beauty
ذوق شهود	taste of God's witnessing; taste of witnessing
ذوق قربت حقّ	taste of proximity to God
ذوق محبّت	taste of love
ذهول	forgetfulness of the exterior world; oblivion



fragrance of existence	رائحهٔ وجود
interconnecting factor; interconnector	رابط
intertying; link; relation	رابطه
	راجی ← امیدوار
delight of certainty	راحت یقین
eternal ease; everlasting ease	راحةالابد
the Merciful	راحم [خداوند]
mystery; secret	راز
the Nourisher; the Nourishing; the Provider	رازق [خداوند]
beginning of wisdom	رأس‌الحکمه
righteous; walking straight	راست‌رو
honest conduct; righteous conduct	راست‌کرداری
honest speech; veracity	راست‌گفتاری
the firm in knowledge; those firmly rooted in knowledge	راسخان در علم
acquiescent; approving; content; satisfied	راضی

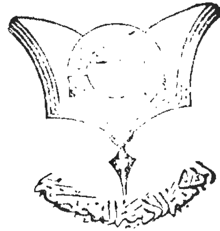
to approve; to be satisfied	راضی بودن
beseecher; desirous	راغب
clemency; compassion; mercy; pity	رأفت
the Exalter	رافع [خداوند]
path; road; way	راه
Path to God; way of Truth	راه حقّ
Divine Path; Path of God	راه خدا
path of perdition; wrong way	راه ضلالت
way and usage	راه و رسم
path of guidance; right way	راه هدایت
monk	راهب
guide; road-guide	راهبر
knower of the Path	راه‌شناس
beacon; guide; waymark	راهنما
orthodoxy	رأی جمهور
correct opinion; perspicacious opinion	رأی صائب
direct observation; direct vision	رأی‌العین
the Lord	ربّ
Supreme Lord	ربّ اعلیٰ
Lord of all being; Lord of the universe; Lord of the world; Lord of the worlds	ربّ‌العالمین
the Guardian Lord; the Lord; the Master	ربّ [خداوند]
man of mystical state	ربّ حال (= صاحب حال)
spiritual father	ربّ روحانی
Lord of the Lords; the Lord Supreme	ربّ‌الارباب

رباط (کنایه از دنیا)	dwelling of Sufis; Inn; monastery; Sufi centre; Sufi convent
ربّانی	dominical; heavenly; Lord-like; Lordly; rabbinical
ربّانیّت	Lordliness
ربوبیّت	Attribute of God that controls and nourishes the universe; Deity; Divine Lordly condition; Divine Lordship; Divinity; Lordliness; Lordly State; Lordship; Sovereignty; suzerainty
رتبه	degree; standing
رتبهٔ مکانت	level of degree; level of rank
رجاء	hope
رجال اشتیاق	Men of the Yearning
رجال‌اللّه ← مردان خدا	
رجال امداد	Men of the Help; Men of the Succour
رجال اَنفاس	Men of Breaths
رجال ایّام ستّه	Men of the Six Days
رجال حدّ	Men of the Limit
رجال حسّ باطن	Men of the inner Sense; Men of the Nonmanifest Sense
رجال حسّ ظاهر	Men of the Manifest Sense; Men of the outward Sense
رجال حیرت	Men of the Wonder
رجال روائح	Men of perfumes; Men of Scents
رجال طریقت	Men of Path; Men of spiritual path

Men of the Inability	رجال عجز
Men of Number	رجال عدد
Men of the Absent; Men of the invisible world	رجال غیب
knowledgeable men; Men of the Overview	رجال مطّلع
Men of Intentions	رجال نیّات (= نیّاتیّون)
filth; impurity	رجس
parousia; return	رجعت
voluntary return	رجوع اختیاری
compulsory return	رجوع اضطراری
Divine return	رجوع الاهی
manliness	رجولیّت
commiserate; mercy	رحم
compassionate; Divine; merciful	رحمانی
clemency; compassionateness	رحمانیّت
benediction; benevolence; blessing; clemency; compassion; compassionateness; mercy; sympathy	رحمت
mercy of the Names	رحمت اسمائی
Divine mercy	رحمت الاهی
gratuitous mercy	رحمت امتنانی
all-spreading mercy	رحمت انتشاری
God's mercy	رحمت حقّ
special mercy; specific mercy	رحمت خاصّ
mercy of God	رحمت خدا

رحمت ذاتی	essential mercy
رحمت رحمانی ← رحمت عامّ	
رحمت رحیمی ← رحمت خاصّ	
رحمت عامّ	all-inclusive mercy; general mercy
رحمت واجب ← رحمت خاصّ	
رحمت واسعه	all-embracing mercy
رحمت وجوبی	essential mercy
رحمةالله	Divine mercy; God's mercy
رحمٰن [خداوند]	the All-Compassionate; the All-Good; the All-Merciful; the Clement; the Compassionate; the Merciful
رحیم [خداوند]	the Compassionate; the Infinitely Merciful; the Merciful; the Mercy-Giving; the Most Merciful
رحیق	pure wine
رحیمیّت	mercifulness
رخ	cheek; face
رخ یار	face of the Beloved
رخصت	permission
رِداء	cloak; gown
رذائل	vices
رذیلت	evil; vice
رزّاق [خداوند]	the All-Provider; the Provider; the Sustainer
رسالت	message; messengerhood; mission; vocation
رسالت الاهی	Divine message; Divine mission;

Divine vocation	
resurrection	رستاخیز
freed; saved	رستگار
deliverance; salvation	رستگاری
	رُسُل ← رسول
formality	رسم
ambassador; envoy	رسول
Messenger of God	رسول‌الله
practices	رسوم
God's direction; guidance	رشد
jealousy	رشک
the Guide to the Right Path	رشید [خداوند]
acceptance; acquiescence; approval; cheerful submission; consent; content; contentment; favour; good pleasure; inner contentment; inner joy; pleasure; quietism; satisfaction; spiritual pleasure; submission to God's pleasure; to be pleased with God; total submission	رضا
acceptance of destiny; contentment with destiny; contentment with the decree of God	رضا به قضا
God's approval; pleasure of God	رضای الاهی
God's pleasure	رضای خدا
(Divine) pleasure; good pleasure; paradise	رضوان
anxiety; fear; panic	رعب
tremble	رعشه



رعونات ← رعونت	
رُعونت	feebleness; folly; frivality; laxity; thoughtlessness; vanity; weakness
رعونت طبع	feebleness of human nature; weakness of human nature
رعونت نفس	feebleness of the soul; folly of the soul
رعیّت	the subject; those committed to somebody's charge
رغبت	desire; longing; urge; yearn; yearning
رغبت ذوق	stimulus of joy
رغبت شدید	concupiscence; strong longing
رفع اسباب	removal of secondary causes
رفع حجاب	lifting a screen; lifting of the veil; unveiling
رفعت	exaltation; lifting up; up-lifting
رفق	clemency; comfort; considerateness; gentleness; kindliness; kindness; mercy; showing mercy
رفیع	elevated
رفیع [خداوند]	the Lofty; the Up-lifter
رفیع‌الدّرجات [خداوند]	the Up-lifter of the degrees
رفیق	companion; comrade; friend
رفیق اعلیٰ	Great Friend
رقائق ← رقیقه	
رقّت	delicacy; gentleness
رقّت دل	tenderness

dance; dancing	رقص
the Surveyor; the Vigilant; the Watcher; the Watchful	رقیب [خداوند]
intangible reality; tenuity	رقیقه
abjection; ignominy	رکاکت
pillar of religion	رکن دین
bowing down; profound inclination	رکوع
reliance	رکون
cipher; hidden meaning; secret sign	رمز
the Ramaḍan	رمضان
afflicted; experienced pain	رنج‌دیده
distressed; vexed	رنجه‌دل
debauchee; libertine; spiritual wanton; profligate	رِند
profligate of Tavern	رند خرابات
the libertine	رندان
debauchery; dissipation; sinfulness; profligacy	رندی
to practise profligacy	رندی کردن
colour	رنگ
to becolour	رنگین کردن
chamber of vision	رواق منظر
stenches of the Hell; stenches of the Fire	روائح نار
soul; spirit	روان ← روح
ease; freshness; grace; repose	رَوْح (= بسط)
soul; spirit; *spiritus*; vital spirit	روح

spirit of the Devil	روح ابلیس
ascribed spirit; attributed spirit	روح اضافی [مثل روح‌الله]
Supreme Spirit	روح اعظم
Faithful Spirit; Gabriel	روح الامین
Divine Spirit	روح الاهی
Gabriel; Holy Ghost; *Madonna Intelligenza*; Spirit of Holiness; Spirit of Saintity; Spirit of Sanctity	روح‌القدس
Spirit of Allah; Spirit of God; *Spiritus Dei*	روح‌الله
command spirit	روح امری
human spirit; spirit of man	روح انسانی
spirit of faith	روح ایمان
human spirit	روح بشری
pure Muhammadan spirit	روح پاک محمّدی
partial spirit; particular spirit	روح جزئی
spirit of the jinn	روح جنّ
animal soul	روح حیوانی
imaginal soul	روح خیالی
rebellious spirit	روح سرکش
lower spirit	روح سُفلیٰ
spirit of Satan	روح شیطان
spirit of devotion	روح عبادت
higher spirit	روح عِلْوی
spirit of the act; spirit of the deed	روح عمل
holy spirit	روح قدسی
Universal Spirit; universal spirit	روح کلّی

subtle spirit	روح لطیف
immaterial soul; pure spirit	روح مجرّد
Muhammadan Spirit	روح محمّدی
governing spirit	روح مدبّر
ascribed spirit; attributed spirit	روح مضاف [مثل روح‌اللّه]
sanctified spirit	روح مقدّس
spirit of the angel	روح مَلَک
angelic spirit	روح مَلَکی
spirit breathed in by God	روح منفوخ
vegetable spirit; vegetative spirit	روح نامیه
spirit of ritual prayer; spirit of *ṣalât*	روح نماز
spiritual	روحانی
spiritual beings; spiritual realities	روحانیات
sainthood; spirituality	روحانیّت
Day of *Alast*	روز اَلَست
day of assembling	روز حشر
Day of Judgement; Judgement Day	روز قیامت
time of union	روزگار وصال
garden; gardenplot; paradise	رَوْضه (= باغ)
celestial garden	روضهٔ اخروی
fear; terror	رَوْع (= خوف)
the Affectionate; the Clement; the Kind	رؤوف [خداوند]
lovely face	روی زیبا
dream-vision	رؤیا
Divine dream-vision	رؤیای رحمانی
satanic dream	رؤیای شیطانی

رؤیای صادقه	veridical dream
رؤیای صالحه	sound dream
رؤیای مَلَکی	angelic dream
رؤیت	vision; visualization
رؤیت الاهی	vision of God
رؤیت به دل	heart vision; vision by the heart
رؤیت به قلب	heart vision; vision by the heart
رؤیت خداوند	beatific vision; *visio Dei*; vision of God
رؤیت علمیّه	intellectual vision; mental vision
رؤیت عینیّه	ocular vision
رؤیت قلبی	vision by the heart
رؤیت ملائکه	vision of the angles
رؤیةالعین	ocular vision
رؤیةاللّه ← رؤیت خداوند	
رهایی	absolution; emerging from; salvation
رهایی‌بخش	deliverer; setting free
رهبان	monk
رهبانیّت	monasticism
رهبت	awe; dread; horror
رهبر	leader
رهرو	traveller along the path; wayfarer
رِیّ	quenching
ریا	bigotry; dissemblance; dissimulation; duplicity; hypocrisy; making a show; ostentation; showing off; show of honesty
ریاکار	braggart; double-faced; hypocrite;

impostor; ostentatious; two-faced	
authority; leadership; mastership	ریاست
abstinence; act of self-denial; ascetic discipline; asceticism; ascetic practice; austerity; discipline; exercise of self-discipline; mortification; self-discipline; self-mortification; severe austerity; spiritual exercise; strenuous effort; training	ریاضت
ascetic practice according to Shari'ah; ascetic practice derived from Shari'ah	ریاضت شرعی
to mortify; to mortify oneself; to practise asceticism	ریاضت کشیدن
chastening of the soul; self-mortification; training the soul	ریاضت نفس
ascetic combat; asceticism and ascetic combat	ریاضت و مجاهدت
ascetic; austere	ریاضت‌کش
asceticism; austerity	ریاضت‌کشی
hesitation	ریب
support of life; well-being	ریحان
rust	رِیْن (= حجاب کفر و ظلمت)

ز

pilgrim	زائر
rebuking	زاجر
pure	زاکی
cloister; hermitage; Sufi centre	زاویه
abstainer; abstemious; abstinent; anchorite; ascetic; hermit; recluse; saintly man	زاهد
choice of creatures	زبدۀ کاینات
cream of the world	زبدۀ عالم
augury; prohibition	زجر
worldly adornments	زخارف دنیا
adornments of this world	زخارف دنیوی
transient adornments; transient allurements	زخارف فانی
worldly bliss and its trappings	زخارف نعیم دنیوی
pure; virtuous	زکیّ
backsliding	زلّت

curl; lock (of hair); ringlet; tress	زلف
nearness; proximity	زُلْفیٰ (= قرب)
fault	زلل (= لغزش)
Zulaikha	زلیخا
invisible instant; solitary time; unique time; unit of time	زمان فرد
separated time; *tempus discretum*	زمان منفصل
	زمرّد ← نفس کلّی
Green Emerald	زمرّدةالخضراء (= نفس منبعث از عقل اوّل)
	زنادقه ← زندیق
Christians' belt; Christians' girdle religious cord; *zunnâr*	زُنّار
chin	زنخدان
atheism; disbelief; impiety	زندقه
alive; living	زنده
to enliven; to restore to life; to resurrect	زنده کردن
atheist; free-thinker; miscreant; unbeliever	زندیق
rust; taint	زنگار
rust of denial	زنگار انکار
rust of heart	زنگار دل
rust of instinct nature	زنگار طبیعت
excess of lights in the heart; unnecessary things	زوائد
destruction; evanescence; perdition	زوال
loss of faith	زوال ایمان
loss of lust; removal of lust	زوال شهوت
destruction of the soul	زوال نفس

زوج	couple; spouse
زوجیّت	coupleness; marriage
زُهّاد ← زاهد	
زهد	abnegation; abstemiousness; abstinence; ascetic devotion; asceticism; austerity; continence; renouncement; renunciation (of the world); self-denial
زهد در آخرت	being indifferent towards the life hereafter
زهد در دنیا	being indifferent towards the world
زهد ورزیدن	to practise asceticism; to renounce
زهوق صفات باطل	vanishing of false attributes
زیاده‌روی	excess; self-indulgence
زیارت	pilgrimage
زیغ (= گمراهی)	perversity
زینت	ornament

س

asking by capacity	سؤال به استعداد
asking by being in a state	سؤال به حال
verbal asking	سؤال به لفظ (= دعا)
asking by being in a state	سؤال حال
asking by one's essence	سؤال ذاتی
the foremost; preceders	سابقون
magician; sorcerer	ساحر
shore of sobriety	ساحل صحو
pure; unobstructed	ساذج
camel-driver	ساربان
melody	ساز
cup of wine; goblet	ساغر (= جام)
cup-bearer	ساقی
abiding; stationary	ساکن
holy traveller; initiate; novice; one who actually treads upon the Path; traveller (on the Road); traveller on the	سالک

	spiritual path; travelling; voyager in the Path; wayfarer; wayfarer (on the Path)
سالک خارج	outside wayfarer
سالک داخل	inside wayfarer
سالک مجذوب	attracted wayfarer
سالکان حقّ	pilgrims on the way to the Truth; those who are travelling the road to God
سامری	Sameritan
سامع [خداوند]	the Hearer; the Hearing; the Listener
ساهی	negligent
سایر ← سالک	
سایه	shade; shadow
سبب	mediate cause; occasion; secondary cause
سُبُحات	flashing glories; glories; splendours
سبحان‌الله	Glory be to God
سبعیّت	predatoriness
سبک‌باران	light-burdened ones
سبک‌روح	light-hearted; light-spirited
سبو	jar
سبّوح [خداوند]	the Glorified
سبّوحی و قدّوسی	glorified and sanctified
سبیل	the right path; the road
سبیل‌الرشاد	Path of guidance
سبیل‌الله	Divine Path; Path of God
سپاس	gratitude
سپاس گزاردن	to praise

grateful; thankful	سپاس‌گزار
gratefulness; thankfulness	سپاس‌گزاری
veiler	ستّار
the Concealer of sins	ستّار [خداوند]
concealing; covering; curtain; curtaining; occultation; veil	ستر
prayer-mat	سجّاده
prostration	سجده
prostration	سجود
prostration by essence; prostration of the essence	سجود ذاتی
prostration of the heart	سجود قلبی
last night-hours	سَحَر
morning-riser; morning-rising	سحرخیز
magic; sorcery	سِحْر
perdition	سَحْق (= فنا)
generosity; liberality; munificence	سخاوت
hard-heartedness	سخت‌دلی
hardship of separation	سختی هجران
anger; disapproving; wrath	سخط
Word of God	سخن خدا
the Generous	سخیّ [خداوند]
rectitude	سداد
Lote Tree	سدرة
Lote Tree of the Limit; Lotus of the Limit	سدرةالمنتهی

سر زلف	tress-tip
سر کوی	head of the street
سرّ	conscience; contemplative consciousness; heart; inmost heart; inmost of the heart; inmost self; inner dimension; inner self; secret; secret centre; secret domain; secret heart; Self
سرّ (= راز)	mystery; secret
سرّ اخلاص ← سرّ قدر	
سرّ الاهی	Divine Mystery
سرّالسرّ	the most secret; secret of secrets
سرّاللّه	Divine Mystery
سرّ حشر	secret of Resurrection
سرّ خفیّ	hidden secret
سرّ ربّانی	Divine Mystery; Lordly Mystery
سرّ ربوبیّت	secret of Divine suzerainty; secret of suzerainty; secret of the Godhead
سرّ سرّ ربوبیّت	secret of the secrets of suzerainty
سرّ شریعت	inner meaning of the Law
سرّ قدر	mystery of Destiny; mystery of measuring out
سرّ نفس	secret of the soul
سرّ وجود (نیز ← حقیقت محمّدی)	mystery inherent in being; mystery of existence
سراب	mirage
سراپرده	chamber

chamber of secret	سراپردهٔ راز
chamber of love	سراپردهٔ محبت
	سرائر ← سریره
Lamp; lantern	سراج
pavilions	سرادقات
everlasting abode; mansion of eternity	سرای باقی
plain of catharsis	سرای تجرید
transient abode	سرای فانی
to suppress one's lusts	سرکوب کردن هواها
head-revolving	سرگردان
being perplexed; being puzzled; bewilderment	سرگشتگی
distracted; perplexed; wanderer	سرگشته
eternal; everlasting; immortal; unceasing	سرمد
ecstatic; intoxicated; self-intoxicated	سرمست
cypress	سرو
song of assemble	سرود مجلس
happiness; joy	سُرور
commander; leader; master	سَرْوَر
eminence; leadership	سَرْوَری
communication; infusion; permeation	سریان
to penetrate; to permeate	سریان داشتن
penetration of the light; permeation of the light	سریان نور
permeation of existence;	سریان وجود

	spreading of existence
سریان یافتن	to become permeated; to communicate
سریره	conscience; consciousness; heart; innermost heart; innermost secret of man; intimate of the soul; intimate thought; mindedness; secret; secret heart; secret of the soul; secret thought
سریع‌الحساب [خداوند]	the Swift in reckoning
سریع‌العقاب [خداوند]	the Swift in punishing
سَطوت	assault; awesome blow; onslaught; penalty; severity; vengeance
سعادت	beatitude; bliss; felicity; good fortune; good luck; happiness; prosperity
سعادت ابدی	eternal bliss; eternal felicity; eternal happiness
سعادت اخروی	other-worldly bliss; other-worldly happiness
سعادت عظمیٰ	supreme bliss; supreme happiness
سعادت وصال	auspicious union; bliss of union
سعادتمند	felicitous; fortunate; happy; lucky
سعداء	the blessed; the felicitous
سعهٔ صدر	expansion of the chest; openness of the chest; openness of vision
سعهٔ قلب	openness of heart; vastness of heart
سعهٔ وجودی	existential openness; ontological vastness
سعید	auspicious; blessed; blest; blissful;

felicitous; happy	
journey	سفر
spiritual journey	سفر روحانی
Divine envoys	سفرای حقّ
	سفرهای چهارگانه ← اسفار اربعه
low	سُفلیٰ
Divine envoy	سفیر حقّ
drunkenness; inebriety; intoxication; rapture; swoon	سُکر
silence; speechlessness	سکوت
contentment; repose; stillness; tranquility	سکون
stillness of the soul; tranquility of the soul	سکون نفس
Divine Peace; peace; quiet(ness); repose; rest; sanctuary; tranquillity	سکینه
peace	سلام
the Peace; the Source of Peace	سلام [خداوند]
to greet	سلام گفتن
on whom be peace	سلام‌اللّه علیهم
blamelessness; health; safety; welfare	سلامت
health of one's being; security of mind	سلامت صدر
chain of spiritual masters; initiatic chain	سلسله
Sovereign of Names	سلطان اسماء
the Authority; the Sovereign	سلطان [خداوند]
king of love; monarch of love	سلطان عشق
sovereign of Jealousy	سلطان غیرت
sovereign of Time	سلطان وقت

سلطنت	kingship; monarchy; power; reign; sovereignty
سلطنت سرمدی	abiding monarchy; eternal kingship; eternal sovereignty
سلطه	power; sovereignty; sway
سَلَف	all the early Muslims; forefathers
سَلَف صالح	pious predecessors; righteous forebearers
سِلم	peace
سلوک	journey on the Path; progression in the Path; spiritual wayfaring; traversing; treading; wandering on the Path
سلیم	pure; wholesome
سلیم‌النّظر	sound in discernment
سماحت	bountifulness; liberality; wideness
سماع	audition; listening; mystical concert and dance; mystical music; religious songs with sweet voice; singing oratorios; song; spiritual audition; spiritual concert; Sufi audition
سماع اصوات و الحان	audition of voices and songs
سماع شعر	audition of poetry
سماع قرآن	audition of the Koran
سماوات سبع ← هفت آسمان	
سماوی	celestial; heavenly
سمع	audition; hearing
سُمعه	desire for good repute; reputation

orally transmitted; traditional	سمعی
transmitted knowledge	سمعیّات
the Hearer; the Hearing	سمیع [خداوند]
puerty	سنّ بلوغ
established commendable custom; *Ḥadîth*; way of life; wont	سنّت
Prophet's *Sunnah*; wonts of the Prophet	سنّت پیامبر (ص)
good custom	سنّت حسنه
ugly custom	سنّت سیّئه
setting down *sth* as custom	سنّتگذاری
following the *Sunnah*; orthodox Muslim; Sunni Muslim	سُنّی
bad; evil; ugly	سوء
evil character	سوء اخلاق
bad manners; discourtesy; ill-manner	سوء ادب
evil acts; evil deeds	سوء اعمال
mistrust; suspicion	سوء ظنّ
great majority; great mass	سواد اعظم
consuming of the moth	سوختن پروانه
design; love; melancholy; passion; vain imagining; vanity	سودا
melancholiac; melancholic; melancholy	سودایی
burning; passion	سوز
passion of yearning	سوز اشتیاق
inward burning; inward yearning	سوز درون

سوز دل	burning of heart; heart's consuming
سوز و گداز	burning and melting
سوز هجران	burning of separation
سوزان	consuming
سوق‌الجنّه	Market of the Garden
سویدای دل	core of the heart; recess of the heart
سَهَر (= بیداری)	sleeplessness; waking
سیّئات ← سیّئه	
سیّئه	evil act; ugly act; unrighteousness; vice; wickedness
سیّاحون ← ملائکهٔ سیّاح	
سیادت	mastership
سیاهی (کنایه از ذات حقّ)	darkness; obscurity
سیّد	leader; lord; master
سیّد اولین و آخرین	Master of the first and the last
سیّد [خداوند]	the Lord
سیّدالاولیاء	Leader of the Saints
سیر	contemplative voyage; journey; motion; voyage
سیر آفاقی	external journey; objective journey; objective voyage
سیر افقی	horizontal journey; horizontal movement
سیر الی‌اللّه	journey to God
سیر انفسی	spiritual journey; spiritual voyage; subjective journey; subjective voyage
سیر باللّه	journey with God
سیر رجوعی	descending journey

ascending journey; ascending movement	سیر صعودی
ascending journey	سیر عروجی
journey in God	سیر فی‌الله
descending journey; descending movement	سیر نزولی
character	سیرت
biography; life	سیره
phoenix	سیمرغ
letter magic; science of the magical property of letters; *semeia*	سیمیاء
heart	سینه
burning heart	سینهٔ نالان

ش

God's Affairs; God's Tasks	شؤون خدا
delightful; joyful	شاد
delight; joyfulness	شادی
Lawgiver	شارع
intercessor	شافع
the Cure-Giver; the Healer	شافی [خداوند]
grateful; thankful	شاکر
the Grateful	شاکر [خداوند]
constitution	شاکله
to embrace	شامل بودن
affair; rank; state; task	شأن
object of contemplation; witness	شاهد
the Witness; the Witnesser	شاهد [خداوند]
attestation; proof	شاهد (= دلیل و بیّنه)
beautiful being	شاهد (= زیباروی)
contemplative	شاهد (= ناظر)
witnesses of the Unseen	شاهدان غیب

witness of God	شاهد حقّ
witness of annihilation	شاهد فنا
eternal witness; witness of the eternal	شاهدالقِدَم
night of vigilance	شب احیاء
illuminated night amidst the day of darkness	شب روشن میان روز تاریک
night of dis-union	شب فرقت
the Blessed Night; Night of Decree; Night of Destiny; Night of Power	شب قدر
night of the Ascension; night of ascent to heaven	شب معراج
night of separation	شب هجر
night of separation; separation's night	شب هجران
nightly vigil; pray-night	شب‌زنده‌داری
a form of corporeal nature; apparition	شبح
obfucation	شبهه
	شجره ← انسان کامل
avarice; niggardliness	شُحّ (= آز)
avarice indulged	شُحّ مطاع
ruler-recognizer	شحنه‌شناس
lieutenant of longing; viceroy of longing	شحنه شوق
intensity of luminosity	شدّت نور
intensity of existence	شدّت وجود
the Terrible in Punishment; the Terrible in Tribulation	شدیدالعذاب [خداوند]
the Terrible in Punishing	شدیدالعقاب [خداوند]

bad will; mischief	شرّ
conditional evil; delimited evil	شرّ مقیّد
wickedness of soul	شرّ نفس
drink; wine	شراب
wine of pre-eternity	شراب ازل
wine of *Alast*	شراب اَلَست
wine of *tawhîd*	شراب توحید
wine of vision; wine of witnessing	شراب شهود
pure drink; pure wine	شراب طهور
wine of love	شراب عشق
wine of perpetuity	شراب لایزالی
wine of gnosis	شراب معرفت
pure wine	شراب ناب
wine-house	شرابخانه
	شرایع ← شریعت
drinking	شرب
drinking wine	شرب خمر
expansion of the breast; expansion of the chest; openness of the spirit	شرح صدر
running commentary	شرح مزجی
internal prerequisite	شرط باطنی
monastic vows	شرط رهبانیّت
vow of chivalry; vow of moral virtue	شرط مروّت
	شرع ← شریعت
lawfully	شرعاً
eminence; excellence	شرف

the noble	شُرَفاء
ascribing partner to God; associating other gods with God; associating others with God; associationism; polytheism	شرک
hidden polytheism; latent polytheism	شرک خفیّ
open polytheism	شرک صریح
sheer polytheism	شرک محض
inward association of gods with God	شرک معنوی
shame before God	شرم از خداوند
covetousness; cupidity	شَرَه (= آز)
Divine Law; the Law; revealed Law; revealed religion; Sacred Law; Shariah	شریعت
Divine Law and Spiritual Way; the Law and the Way	شریعت و طریقت
noble	شریف
associate; co-sharer; partner	شریک
ecstatic expression; ecstatic phrase; theopathic locution; theophanic locution; word of ecstasy	شطح
inspired paradoxes; theopathic locutions; theophanic locutions; untruly utterances; words of ecstasy	شطحات
ecstatic expressions; ecstatic utterances; theophanic locutions	شطحیات
rituals; sacred observances; symbols; waymarks	شعائر
God's Waymarks	شعائرالله
poetry	شعر

شعیره	religious ceremony; ritual; waymark
شفابخش	health-giving
شفاعت	intercession
شفّاف	translucent; transparent
شفع (≠ وتر)	even
شفق	dusk
شفقت	affection; commiseration; compassion; kindliness; kindness; pity
شقاء ← شقاوت	
شقاوت	affliction; distress; eternal misfortune; misery; unhappiness; wretchedness
شقاوت ابدی	eternal affliction; eternal woe; everlasting woe
شقیّ	afflicted; unhappy; wretched
شکّ	doubt; scepticism; skepticism
شکر	gratitude; thank; thankfulness; thanking; thanks; thanksgiving
شکر علمی	theoretical gratitude
شکر عملی	practical gratitude
شکر کردن	to be grateful; to give thanks; to thank
شکر لفظی	verbal gratitude
شکرگزاری	gratefulness; thanking
شکسته‌دلان	heartbroken ones
شکل	semblance
شکنجهٔ فراق	torment of separation
شکور	grateful; thankful

the Grateful; the Rewarder	شکور [خداوند]
equanimity; patience	شکیبایی
candle	شمع (کنایه از نور عرفان)
candle of the heart; heart's candle	شمع دل
all-encompassingness	شمول
impurities of doubt	شوائب شک
ardour; deep emotion; madness	شور
tumult and uproar	شور و شرّ
distraught	شوریده
in a distraught state	شوریده‌حال
ardor; desire; eagerness; fervour; longing; yearn; yearning	شوق
restless desire	شوق بی‌قرار
majesty; might; pomp	شوکت
states	شؤون (= مراتب وجود)
declaration of faith	شهادت (= إعلام ایمان)
the visible	شهادت [عالَم]
great witness; major witness	شهادت کبریٰ
perjury	شهادت کذب
honey of annihilation	شهد فنا
city of love	شهر عشق
	شهوات ← شهوت
animal passions	شهوات حیوانی
passions of the soul; pleasures of the soul	شهوات نفسانی
concupiscent; erotic	شهوانی

شهوت	appetite; bestial pleasure; carnal desire; concupiscibility; consummation; covetousness; cupidity; desire; lust; passion; sexual desire; voluptuousness
شهوت بطن	desire for food; desire of the stomach
شهوت جنسی	concupiscence; sexual passion
شهوت حیوانی	animal passion
شهوت خفیّ	hidden passion; secret lust
شهوت روحانی	spiritual passion
شهوت طبیعی	natural lust; natural passion
شهود	inspiration; intuition; seeing; vision; witnessing
شهود (= حضور)	presence
شهود بی‌واسطه	immediate witnessing; witnessing without intermediary
شهود کردن	to contemplate
شهوی	concupiscent; concupiscible
شهید [خداوند]	the Witness; the Witnesser
شیئیّت	thingness
شیاطین	demons; devils; Satans
شیاطین جنّ و انس	demons in human and jinn form; demons in humans and jinns
شیخ	elder; physician of the soul; sage; shaikh; shaykh; spiritual master; spiritual preceptor; Sufi Master
شیخ اشراق	Master of Illumination

شیخ اکبر [لقب ابن عربی]	Doctor *Maximus*; the Greatest Master; the Greatest Shaykh; Great Master; the Most-great Master
شیخ‌المشایخ	the greatest master; master of masters
شیخ کامل	efficacious master; perfect master
شیخ واصل	master who has attained union
شیخوخیّت	mastership; preceptorship
شیدا	distractedly in love
شیدایی (= شدت غلیان عشق)	distraughtness
شیطان	demon; devil; evil genius; Satan
شیطانی	demonic; satanic
شیطنت	devilishness
شیفتگی	rapture

ص

patient; persevering	صابر
the patient	صابرین
companion; owner; possessor	صاحب
endowed with insight	صاحب بصیرت
possessor of the Self-Disclosure	صاحب تجلّی
man of variegation	صاحب تلوین
man of stability	صاحب تمکین
ecstatic man; possessor of spiritual state	صاحب حال
master of news	صاحب خبر
man of heart; spiritualist	صاحب‌دل
people of hearts	صاحب‌دلان
endowed with taste; possessed of taste; possessor of spiritual perception	صاحب ذوق
Lord of Time	صاحب زمان (= غوث)
man of inward feeling; possessor of spiritual secret	صاحب سرّ
Law-bringing	صاحب شریعت [وصف]

possessor of the nearness of obligatory works	صاحب قرب فرائض
man of heart	صاحب قلب
possessor of hearts	صاحب قلوب
possessed of miraculous deeds	صاحب کرامت
man of charismatic acts; performer of miracles	صاحب کرامات
intuitive person; possessor of spiritual vision	صاحب کشف
possessor of the station of no station	صاحب لامقام (= الاهیّون)
companion of subtlety	صاحب لطف
owner of the level	صاحب مرتبت
possessor of ascents; possessor of the Stairs	صاحب معارج
possessor of spiritual station; saintly	صاحب مقام
possessor of ecstasies	صاحب مواجید
authorities; those of vision	صاحب نظران
possessor of spiritual influence	صاحب نَفَس
person in union; person of union	صاحب وصول
possessor of time	صاحب وقت
possessor of sainthood	صاحب ولایت
possessor of lofty aspiration; possessor of spiritual will	صاحب همّت
the Truthful	صادق [خداوند]
lightning; thunderbolt	صاعقه (کنایه از لهیب محبت)

صافی	clear; lucid; pure
صافی‌دلان	men of pure heart
صالح (≠ طالح)	pious; righteous; wholesome;
صالحات	righteous deeds; wholesome deeds
صالحان	the pious; the virtuous
صانع [خداوند]	the Creator; the Maker
صبا [باد]	breeze; east wind; morning gale; zephyr
صبح ازل	morning of pre-eternity
صبر	endurance; forbearance; fortitude; patience; perseverance
صبر بر طاعت	patience in obedience
صبر بر گناه	patience in sinful actions
صبر بر مصیبت	patience in dangers and difficulties
صبر جمیل	graceful patience
صبر عاصم	protected patience; safe patience
صبوح	dawn; morning draught
صبور	patient
صبور [خداوند]	the Patient
صحبت	companionship; company; society; speech
صحّت سریرت	soundness of character; soundness of consciousness
صحّت نیّت	flawless intention
صحرای حیرت	plain of wonder
صحرای عرصات	plain of resurrection
صحرای محشر	plain of Judgement
صُحُف	revealed books; scriptures

plain of Resurrection	صحنهٔ قیامت
sober; soberness; sobriety; waking state	صحو (≠ سکر)
sobriety after effacement	صحو بعد از محو
sobriety and effacement	صحو و محو
book; scripture	صحیفه
friendship	صداقت
breast; chest; heart	صدر
breast of the spheres	صدر افلاک (= کرسیّ)
Foremost among the Theosophers; Leader of Theosophers	صدرالمتألّهین
Ṣadrian	صدرایی
husk; shell	صدف (≠ گوهر)
honesty; loyalty; modesty; sincerity; truth; truthfulness; veracity	صدق
sincerity of desire	صدق ارادت
truth of faith	صدق ایمان
truth of speech; veracity	صدق قول
charity; almsgiving; freewill offering	صدقه
emanation; procession	صدور
close friend	صَدیق حمیم
faithful devotee; righteous; saint; sincere devotee; sincere person; true believer; truthful one; veracious; veracious believer	صِدّیق
saints; sincere devotees; the sincerely devoted; the truthful; the veracious	صدّیقین

goblet; long-necked goblet	صُراحی
Straight Path	صراط مستقیم
pure Being; sheer Being	صرف‌الوجود
beggars; paupers	صعالیک
thunderstruck	صَعِق (= مدهوش)
annihilation; perdition	صعق (= فنا در هنگام تجلّی ربّانی)
ascention of deeds	صعود اعمال
	صغائر ← صغیره
smallness of soul	صِغَر نفس
minor sin; trivial offence	صغیره [گناه]
limpidness; purity; serenity	صفا
brightness; transparency	صفا (= روشنی)
purity of the inmost heart	صفاءالسرّ
attributes; qualities	صفات
attributes of action; attributes of acts; attributes of operations	صفات افعال
inner qualities; internal attributes	صفات باطن
animal qualities; attributes of animality	صفات بهیمی
attributes of similarity	صفات تشبیه
attributes of incomparability	صفات تنزیه
affirmative qualities; positive attributes	صفات ثبوتی
praiseworthy attributes; praiseworthy qualities	صفات حمیده
Attributes of God; Divine Qualities	صفات خداوند
blameworthy attributes;	صفات ذمیمه

repugnant qualities	
Dominical Attributes; Dominical Qualities	صفات ربوبی
negative attributes; negative qualities	صفات سلبی
external attributes; outward qualities	صفات ظاهر
transcendent qualities	صفات عُلیا
attributes of perfection; qualities of perfection	صفات کمال
attributes of the Divine domain; qualities of the Divine domain	صفات لاهوتی
attributes of favour; qualities of favour	صفات لطف
blameworthy attributes; repugnant qualities	صفات مذموم
attributes of the human domain; human qualities	صفات ناسوتی
affirmative qualities of the soul; positive attributes of the Self	صفات نفسانی ثبوتیّه
proponents of *Kalâm*	صفاتیان
inward purity	صفای باطن
purity of the heart	صفای دل
spiritual clarity; spiritual purity	صفای روحانی
purity of spirituality	صفای روحانیّت
inward purity; purity of the heart	صفای قلب
Quality of Speech	صفت تکلّم
Quality of Knowledge	صفت علم
attribute of action	صفت فعل

Quality of Power	صفت قدرت
Divine Attribute of Sustaining; Sustaining Quality of God	صفت قیّومی خداوند
election; purity	صفوت
choice of Allah; chosen of God	صفوةالله
selected friends	صَفْوه
chosen; elected	صفیّ
choice of Allah; chosen by God	صفیّالله
essential polish	صقالت ذاتی
areal region	صُقع
canonical prayer; ritual prayer; *ṣalât*	صلات
prayer of man	صلات انسان
goodness; rectitude ;safety; virtue; well being; wholesomeness	صلاح
outward virtue	صلاح ظاهر
peace; reconciliation	صلح
the peaceful; the righteous	صُلحاء
the Prayer of God	صلوةالحقّ
	صلوةالیل ← نماز شب
silence	صمت (= سکوت)
the Constant; the Eternal; the Eternally Besought; the Everlasting Refuge; the Immovable; the Impenetrable; the Impermeable; the Recourse	صمد [خداوند]
art; artisanry	صنعت
trumpet	صُوْر

Seraphiel's Trumpet	صُوْر اسرافیل
forms of deeds	صُوَر اعمال
corporeous forms	صُوَر جسدیّه
Lordly forms	صُوَر ربّانی
Divine form; Divine image	صورت الاهی
human form; human image	صورت انسانی
inner form; inner image	صورت باطنی
bodily form	صورت جسمانی
Forma Dei; Form of the Exalted Divine Truth	صورت حقّ تعالیٰ
Forma Dei; form of God	صورت خدا
imaginal form	صورت خیالی
form of the heart	صورت دل
outer image; outward form	صورت ظاهری
creaturely image	صورت کَوْنیه
apparitional body; apparitional figure; imaginal form	صورت مثالی
sensory form; sensory image	صورت محسوس
Muhammadan form	صورت محمّدی
wool	صوف
Sufi	صوفی
venerable Sufi	صوفی محتشم
Sufism	صوفیگری
the Sufis	صوفیّه
arrogance; assault; onslaught	صولت
imperiousness of	صولت هیبت الوهیت

	the awe of Divinity
صوم	fast; fasting
صوم احرار	fasting of the free
صوم خواصّ	fasting of the chosen; fasting of the elite
صوم عوام	fasting of the common
صوم عبید	fasting of the slaves
صوم قلب	fasting of the heart
صومعه (کنایه از مقام تفرّد و تجرید از ماسوی‌اللّه)	cloister; hermitage; monastery
صهباء (= می)	wine
صیام	fast; fasting
صیانت نفس	self-preservation

ض

criterion; general rule	ضابطه
the Harmer	ضارّ [خداوند]
erring; misguided; one who has erred	ضالّ (= گمراه)
blasphemous	ضالّه (= کفرآمیز)
controlling the imagination	ضبط خیال
keeping one's passions in check	ضبط شهوات نفسانی
laughter	ضحک (= خنده)
to strike similitude	ضرب امثال
necessary; self-evident	ضروری (= بدیهی)
	ضلال ← ضلالت
aberration; err; erring; going astray; misguidance; misguidedness; wandering off the Straight Path	ضلالت
inner self; the most interior secret of man	ضمیر
brightness; illumination; luminosity; lustre; radiance	ضیاء
constraint; constriction	ضیق

ط

the Sufi; tribe	طائفه
act of devotion; act of obedience; act of piety; devotion; obedience; piety	طاعت
false deity	طاغوت
aspirant; seeker	طالب
seeker of safety; seeker of well-being	طالب سلامت
enamoured seeker; seeker of love	طالب عاشق
idle talk	طامات
pure	طاهر
bird	طایر
holy bird	طایر قدسی
perfect natures	طباع تامّ
four natures	طبایع اربعه
four natures	طبایع چهارگانه
perfect nature	طبع تامّ
sealing	طبع (= ختم)

nature	طبع (= طبیعت)
levels; strata	طبقات
Divine physician	طبیب الاهی
bodily physician	طبیب جسمانی
physician of the soul	طبیب روح
spiritual physician	طبیب روحانی
the fifth nature	طبیعت پنجم (= عادت)
bodily nature	طبیعت جسمانی
delight; emotion; joy; music; rapture	طرب
edge; side	طرف
ringlet	طُرّه (کنایه از تجلّیات جمال)
method; path; road; way	طریق
path of asceticism	طریق زهد
method of Sufism; mystical way; mystic Path; the Path; spiritual Path\Way; (Sufi) way; the Way	طریقت
fraternity; Sufi order	طریقت (= سلسله)
method of Sufism; Path of Sufism	طریقت تصوّف
love's Path	طریقت عشق
	طریقه ← طریقت
savour of devotion; taste of devotion	طعم عبادت
savour of gnosis; taste of gnosis	طعم عرفان
contumacy; rebellion; transgression	طغیان
investigation; pursuit; quest; request; requisition; search; seeking; spiritual quest	طلب

طلب جاه	ambition
طلب خیر	seeking the good
طلب دنیا	quest of worldly gain
طلب رحمت	asking for mercy
طلب ریاست	quest for power
طلب علم	pursuit of knowledge; quest for knowledge
طلب کمال	pursuit of perfection; quest for perfection
طلب مغفرت	seeking forgiveness
طلسم	talisman
طلسم اعظم	supreme talisman
طلسم‌گشایی	breaking the talisman; opening the talisman
طمأنینه	contentment; non-perturbation; quietness; quietude; rest; security; serenity; tranquillity
طمع	avarice; avariciousness; greed; greediness
طواف	circumambulation
طوایف تصوّف	circles of Sufism; Sufi orders
طور سنین	Mount Sinai
طور عقل	stage of intellect; stage of reason
ورای طور عقل	beyond the stage of reason
طوف کعبه	procession round the *Ka'bah*
طول امل	extended hope
طهارت	immaculacy; purification; purity
طهارت باطن	inward purification
طهارت خاصّ	specific purification
طهارت دل	inward purity; purification of the heart

spiritual purification; spiritual purity	طهارت روحانی
lesser purification; lesser purity	طهارت صغریٰ
outward purification	طهارت ظاهر
general purification	طهارت عامّ
inward purity; purification of the heart; purity of heart	طهارت قلب
greater purification; greater purity	طهارت کبریٰ
spiritual purification; spiritual purity	طهارت معنوی
purity of the soul	طهارت نفس
purity	طهر
purifying	طَهور
going through stations	طیّ منازل
rapid journey from one point to another; swift traversal on the earth	طیّ الارض
excellent; pleasant; sweet	طیّب

ظ

ظاهر	exterior; outward
ظاهر (≠ باطن)	the exoteric; the exterior; external dimension; the outer; outer behavior
ظاهر [خداوند]	the Apparent; the Exterior; the Manifest; the Manifested; the Outward
ظاهر (≠ خفیّ)	the apparent
ظاهر (≠ سرّ)	outward dimension; outward situation
ظاهر [معنا]	exoteric meaning; literal aspect; outward meaning; outward sense; outward significance
ظاهر دین	exterior of religion
ظاهر شریعت	exterior of Law
ظرف معنا	container for meaning
ظرفیت	containership
ظلّ	shadow
ظلّ‌الله	shadow of God
ظلّ نوری	luminous shadow

oppression; wrongdoing	ظلم
doing wrong oneself; wronging oneself	ظلم به نفس
Land of Darkness	ظلمات
dark; tenebrous	ظلمانی
darkness; shadow	ظلمت
creaturely darkness; darkness of createdness; darkness of the created state	ظلمت خلقیت
extremely oppressive	ظلوم
surmise	ظنّ
predominant surmise	ظنّ غالب
outward meanings; outward things	ظواهر
	ظواهر شریعت ← ظاهر شریعت
outwardness	ظهور
manifestation	ظهور (≠ خفاء)
outward significance	ظهور [معنا]
manifestation of God	ظهور الاهی

ع

عابد	devotee; pious devotee; worshipper
عادات	customs; habits
عادل [خداوند]	the Just
عارف	gnostic; God-addicted man; knower; mystic; sapient; true knower
عارف کامل	perfect mystic
عارف مکمّل	perfect gnostic
عاشق	enamoured; (enthusiastic) lover; lover of God
عاشق شوریده	distraught lover
عاشق صادق	devoted lover
عاشقی	adoration; loving
عاصی	disobedient; rebel; rebellious; rebellious sinner; sinner
عافیت (≠ بلا)	good health
عاقبت	end; final state
عاقل	intelligent; rational; rational

thinker; sage ;wise	
assiduous; devoted	عاکف
abode; domain; realm; universe; world	عالَم
the world to come	عالَم آجل
next world	عالَم آخرت
physical world; world of bodies	عالَم اجسام
world of the elements	عالَم ارکان
world of pure Spirits	عالَم ارواح
world of secrets	عالَم اسرار
the lowest world; the world below	عالَم اسفل
microcosm	عالَم اصغر
world of shadows	عالَم اظلال
higher world; the world above	عالَم اعلیٰ
	عالَم اعلیٰ ← عالَم عِلْوی
world of immutable entities	عالَم اعیان ثابته
world of the heavens	عالَم افلاک
macrocosm	عالَم اکبر
possible world; world of possibility	عالَم امکان
spiritual world; world of command	عالَم امر
world of intimacy	عالَم انس
world of breaths	عالَم انفاس
intermediate world	عالَم اوسط
world of certainty	عالَم ایقان
intermediary world	عالَم برزخ
realm of abiding; world of permanence	عالَم بقا
realm devoid of colour	عالَم بی‌رنگی و بی‌چونی

	and quality
عالَم تجلّی	world of self-disclosure
عالَم تدوین	world of compilation
عالَم تسطیر	world of writing
عالَم توحید	world of Oneness; world of Unity
عالَم جبروت	Divine Empire; Imaginal World; sphere of Divine power; world of absolute Immensity; world of Domination; world of Sovereignty; world of the All-Powerful
عالَم جمادی	mineral realm
عالَم حسّ	world of sense
عالَم حقیقت	world of reality; world of truth
عالَم حیوانی	animal realm; animal world
عالَم خلق	world of creation
عالَم خیال	world of Imagination
عالَم دنیا	the lowest world
عالَم ذرّ	world of pre-existence
عالَم راز	world of mysteries
عالَم روح	world of the spirits
عالَم روحانی	spiritual world
عالَم رؤیا	dream world
عالَم شهادت	apparent world; exterior world; manifest world; phenomenal world; seen world; sensible world; visible present world; witnessed domain; world of experience; world of the sensible;

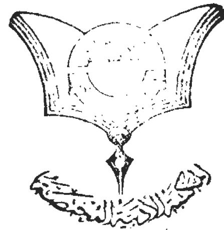
world of the visible; world of visibility	
contiguous world of visibility	عالَم شهادت متّصل
discontiguous world of visibility	عالَم شهادت منفصل
visible world	عالَم شهود
little cosmos; microcosm	عالَم صغیر
world of form	عالَم صورت
external world; world of manifestation	عالَم ظاهر
present world	عالَم عاجل
non-existent world	عالَم عدم
world of infallibility	عالَم عصمت
world of intelligence	عالَم عقل
supernal world; upper world	عالَم عِلْو
upper world; the world above; world of sublimity	عالَم عِلْوی
elemental world	عالَم عنصری
terrestrial world	عالَم عنصری
the Absent; the Hidden; hidden world; invisible world; supersensible world; Unseen world; world of invisible realities; world of Mystery; world of the Unseen	عالَم غیب
world of Absolute Mystery	عالَم غیب مطلق (= حضرت ذات)
perishable world	عالَم فانی
realm of effacement; world of annihilation	عالَم فنا
world of emanation	عالَم فیض

عالَم قدس	world of Sanctity
عالَم قرب حقّ	world of nearness to God
عالَم کبیر	macrocosm
عالَم کثرت	realm of multiplicity
عالَم کثیف (≠ عالَم لطیف)	dense world
عالَم کشف	world of unveiling matters relating to the Unseen
عالَم لاهوت	world of divinity
عالَم لطیف (≠ عالَم کثیف)	subtle world
عالَم مثال	imaginal realm; imaginal world; intermediate suprasensory world; *mundus imaginalis*; subtile world; visionary realm; world of archetypal figures; world of archetypal images; world of autonomous images; world of Idea-Images; world of images; world of Imagination; world of immaterial bodies; world of immaterial matter; world of subsistent Idea-Images; world of subsistent images; world of subtile substances
عالَم مثال مطلق	world of absolute imagination; world of Unbounded Imagination
عالَم مثال نورانی	luminous world of apparitional figures; luminous world of Idea-Images
عالَم مُثُل ← عالَم مثال	
عالَم محسوسات	world of the senses
عالَم مشهود	world of the Witnessing

عالَم معانی	world of ideas (archetypes)
عالَم مُلک	world of the Kingdom
عالَم ملکوت	Angelic World; world of Dominion; world of the Realm
عالَم مناسبات	world of the relationships
عالَم ناسوت	world of humanity; human domain
عالَم نظر	world of considerative thinking; world of speculative thinking
عالَم نفس متّصل	contiguous world of souls
عالَم نفس منفصل	discontiguous world of souls
عالَم نفوس	world of souls
عالَم نور	world of the light
عالَم نورانی	luminous world
عالَم وحدانیّت	realm of unicity; world of unicity
عالَم وحدت	realm of unity; world of unity
عالَم وسیط ← عالَم مثال	
عالِم	learned man; learned master; man of knowledge; man of religious learning
عالِم [خداوند]	the Knower; the Knowing; the Omniscient
عالِم باللّه	knower of God
عالِم به غیب و شهادت	Knower of the Absent and the Witnessed; Knower of the Invisible and the Visible
عالِم ربّانی	Divinely inspired master; Divinely learned man; rabbinical theologian

man of knowledge and practice	عالِم عامل
absolute knower	عالِم مطلق
superior angels	عالون (= رؤسای ملائکه)
the Elevated; the Eminent	عالی [خداوند]
lofty of degree	عالی‌مقام
all-inclusive	عامّ (≠ خاصّ)
commoners; common people	عامّه
plebeian	عامی
devotees; devout men; worshippers; bondsmen	عُبّاد
God's bondsmen; God's servants	عِبادالله
purified chosen servants; purified worshippers	عِباد مخلَصین
	عبادات ← عبادت
act of devotion; devoutness; divine service; (divine) worship; obligation towards God; religious devotion; (religious) service; work of devotion	عبادت
essential adoration; essential service; inherent worship	عبادت ذاتی
accidental worship	عبادت عرضی
announced expression; expression of a state of soul in words	عبارت (≠ اشارت)
adorer; servant; slave; worshipper of God	عبد
chosen bondsman	عبد خاصّ
righteous bondsman; righteous servant; saintly servant	عبد صالح

universal bondsman; universal servant	عبد کلّی
God's slave	عبد مملوک
servant of the Last	عبدالآخِر
servant of the Unique	عبدالاحد
servant of the Maker	عبدالباری
servant of the Inward; Servant of the Nonmanifest	عبدالباطن
servant of the Resurrector	عبدالباعث
servant of the Enduring; servant of the Everlasting	عبدالباقی
servant of the Innovator	عبدالبدیع
servant of the Righteous	عبدالبرّ
Servant of the Seeing; Servant of the Seer	عبدالبصیر [اسم رمزی ابدال]
servant of the Relenter	عبدالتوّاب
Servant of All-Comprehensive; Servant of He-Who-Brings-Together	عبدالجامع
servant of the Almighty; servant of the Overpowering Ruler	عبدالجبّار
servant of the Majestic	عبدالجلیل
servant of the Beautiful	عبدالجمیل
servant of the Generous; servant of the Munificent	عبدالجواد
servant of the Preserver	عبدالحافظ
servant of the Reckoner	عبدالحسیب
servant of the Guardian	عبدالحفیظ



عبدالحقّ	servant of the Real; servant of the Truth
عبدالحَکَم	servant of the Judge
عبدالحلیم	servant of the Clement; servant of the Gentle
عبدالحمید	servant of the Praiseworthy
عبدالحیّ [اسم رمزی اوتاد]	Servant of Alive; Servant of the Ever-Living
عبدالخالق	servant of the Creator
عبدالخبیر	servant of the Aware
عبدالرازق	servant of the Provider
عبدالرافع	servant of the Exalter
عبدالربّ [اسم رمزی امام]	Servant of the Lord
عبدالرّحمٰن	servant of the All-Good; servant of the Compassionate
عبدالرّحیم	servant of the Merciful
عبدالرّزّاق	servant of the Provider
عبدالرّشید	servant of the Guide to the Right Path
عبدالرّقیب	servant of the Surveyor
عبدالسّلام	servant of the Peace
عبدالسّمیع [اسم رمزی ابدال]	Servant of the Hearing; Servant of the Hearer
عبدالشّکور [اسم رمزی ابدال]	Servant of the Grateful
عبدالشهید	servant of the Witness; servant of the Witnesser
عبدالصّبور	servant of the Patient
عبدالصّمد	servant of the Besought; servant

of the Eternal	
servant of the Harmer	عبدالضّارّ
servant of the Outward	عبدالظّاهر
servant of the Just	عبدالعدل
servant of the Mighty; servant of the Powerful	عبدالعزیز
servant of the Most Pardoning	عبدالعَفُوّ
servant of the All-High	عبدالعلیّ
Servant of the All-Knowing; Servant of the Omniscient	عبدالعلیم [اسم رمزی اوتاد]
servant of the All-Forgiving	عبدالغفّار
servant of the Pardoner	عبدالغَفُور
servant of the Arbitor; servant of the Conquerer	عبدالفتّاح
servant of the Active	عبدالفعّال
servant of the Restrainer	عبدالقابض
Servant of the All-Powerful; Servant of the Omnipotent	عبدالقادر [اسم رمزی اوتاد]
servant of the All-Holy; servant of the Holy	عبدالقُدّوس
servant of the Eternal	عبدالقدیم
servant of the Most Strong	عبدالقویّ
servant of the All-Powerful; servant of the Overwhelming	عبدالقهّار
servant of the Great	عبدالکبیر
servant of the Generous	عبدالکریم

God's Servant; Servant of Allah; Servant of God; Slave of God	عبدالله [اسم رمزی قطب)
servant of the Deferrer	عبدالمؤخّر
servant of the Sublime	عبدالماجد
servant of the Withholder	عبدالمانع
servant of the Creator	عبدالمبدِع
servant of the Most-High; servant of the Transcendent	عبدالمتعالی
servant of the Magnificent	عبدالمتکبّر
servant of the Answerer	عبدالمجیب
servant of the Beneficial	عبدالمحسن
servant of the Humiliator	عبدالمُذلّ
Servant of the Desirer; Servant of the Willing	عبدالمرید [اسم رمزی اوتاد]
servant of the Form-Giving	عبدالمصوِّر
servant of the Exalter	عبدالمُعزّ
servant of the Restorer	عبدالمُعید
servant of the Enricher	عبدالمُغنی
servant of the All-Potent	عبدالمقتدر
servant of the Advancer	عبدالمقدِّم
servant of the Just	عبدالمقسط
servant of the Food-Provider; servant of the Guardian	عبدالمقیت
Servant of King	عبدالمَلِک [اسم رمزی امام]
servant of the Death-Giver	عبدالمُمیت
servant of the Avenger; servant of	عبدالمنتقم

the Vengeful

servant of the Benefactor	عبدالمُنعِم
servant of the Existence-Giver	عبدالموجِد
servant of the Patron	عبدالمولیٰ
servant of the Guardian; servant of the Protector; servant of the Vigilant	عبدالمهیمن
servant of the Light	عبدالنّور
servant of the Perceiver	عبدالواجد
servant of the One	عبدالواحد
servant of the Inheritor	عبدالوارث
servant of the All-Embracing; servant of the Vast One	عبدالواسع
servant of the Lord	عبدالوالی
Servant of the Loving	عبدالودود [اسم رمزی ابدال]
servant of the Trustee	عبدالوکیل
servant of the Patron	عبدالولیّ
servant of the Bountiful	عبدالوهّاب
servant of the Guide	عبدالهادی
due consideration; warning	عبرت
servitude; total adoration; total devotion	عبودت
adoration; devotion; human condition of vassaldom; servanthood; servant-ness; servantship; service; servitude; slavery; worship	عبوديّت
servitude of free will	عبوديّت اختيار
voluntary servitude	عبوديّت اختياری

servitude of compulsion	عبوديّت اضطرار
compulsory servitude	عبوديّت اضطراری
servitude of possibility	عبوديّت امکان
servitude of direction	عبوديّت تصريف
servitude of the spirit	عبوديّت روح
little slave	عُبَيْد
	عتاب ← معاتبه
threshold	عَتَبه (= آستانه)
threshold of servitude	عَتَبهٔ عبوديّت
threshold of gnosis	عَتَبهٔ عرفان
complacency; self-conceit	عُجب
helplessness; incapacity	عجز
justice	عدل
non-being; non-existence; privation of being	عدم
beginningless non-existence	عدم ازلی
detachment; nonattachment	عدم تعلّق
failure to be wholehearted	عدم حضور قلب
real non-existence	عدم حقيقی
non-non-existence	عدم لاوجود
complete negation; total negation	عدم محض
bound non-existence; relative non-existence	عدم مقيّد
chastisement; punishment; torment	عذاب
eternal punishment; eternal torment	عذاب ابدی
divine punishment; divine torment	عذاب الاهی
bodily punishment; bodily torment	عذاب حسّی
spiritual punishment; spiritual torment	عذاب معنوی

excuse	عذر
the Virgin Most Pure	عذراء بتول
wedding fests	عراس
Divine Throne of Tabernacle; the Empyrean; God's Throne; heavenly Throne; the Throne; Throne of God	عرش
Divine Throne	عرش الاهی
Throne of the Compassionate	عرش الرّحمٰن
Throne of Divinity	عرش تقدیس
place of resurrection; plain of resurrection	عرصات (= عرصهٔ قیامت)
common consent; common usage	عرف
gnosticism; mysticism	عرفان
contemplation; gnosis; sapience; theosis	عرفان (= شناخت)
divine knowledge	عرفان (= شناخت خدا)
practical mysticism; practical Sufism	عرفان عملی
theoretical mysticism; theoretical Sufism	عرفان نظری
ascent	عروج
glory; grandeur	عزّ
grandeur; inaccessibility	عزّت
self-respect; self-respect	عزّت نفس
Azrael	عزرائیل
dismissing	عزل (≠ تولیت)
hermitage; isolation; retirement; retreat; seclusion; solitude; withdrawal	عُزلت

عزم	deliberated intention; determination; firm resolve; firm will; intent; intention; resolution
عزیز [خداوند]	the Exalted; the Glorious; the Inaccessible; the Loved; the Mighty; the Powerful; the Precious; the Strong; the Unattainable
عشق	enthusiastic love; (erotic) passion; love; passionate desire; passionate love
عشق مجازی	love of created things; metaphorical love
عشق‌باز	love-player
عشق‌بازی	love-making; love-playing
عشوهٔ شیطان	Satan's wiles; the wiles of Satan
عشوهٔ نفس	boastful wiles of one's soul
عشوه‌پرست	worshipper of coquetry
عصمت	chastity; divine protection; immaculacy; immaculateness; impeccability; inerrancy; infallibility; innocence; protection from sins; purity; sinlessness
عصیان	act of disobedience; rebellion; transgression
عطا	bestowal; generosity; gift; giving
عطای الاهی	God's gift
عطایا	bestowals; bounties; gifts
عطوف [خداوند]	the Sympathetic
عطیّه	bounty; gift
عظمت [خداوند]	the Magnificence; the Majesty;

	the Might
عظیم [خداوند]	the Glorified; the Great; the Mighty; the Tremendous
عفّت دل	continence of heart
عفریت	demon
عفو	clemency; forgiving; indulgence; mercy; pardon; pardoning
عَفُوّ [خداوند]	the All-Pardoning; the Most Pardoning
عفیف	chaste
عفیف‌النفس	chaste of soul
عِقاب	chastisement; punishment; retribution
عَقَبات عظیم	mighty obstacles
عَقَبه	difficult ascent; obstacle
عُقبیٰ	next world; world to come
عقد	knot; knotting
عقدالقلب	knotting of the heart
عقل	discursive reasoning; intellect; intellectual faculty; intelligence; mind; rational faculty; reason
عقل آلوده به هوا	passion-polluted intellect; reason-polluted by passions
عقل افسرده	listless intelligence
عقل اکبر	greater intellect
عقل انفعالی	passive intellect
عقل اوّل	*Deus revelatus*; First Intellect; *Nous*; *protokistos*

عقل اوّل (= حقیقت محمّدی)	First Intellect; First Intelligence
عقل سلیم	common sense; sound judgement
عقل صریح	clear intelligence; clear mind
عقل عملی	practical intellect
عقل غریزی	instinctive intelligence
عقل فطری	in-born intellect; intuition; natural intellect
عقل فعّال	Active Intellect; *Madonna Intelligenza*
عقل قدسی	*intellectus sanctus*; sacred intellect
عقل کل	universal intelligence; universal reason
عقل مَلَکی	angelic intelligence
عقل نظری	theoretical intellect
عقل هیولانی	*intellectus materialis*; material intellect
عقلاء ← عاقل	
عقلاء مجانین	insane sanes
عقوبت	chastisement; punishment; torment
عقول مجرّده	*intelligentia spiritualis*; separated intelligences
عقول مَلَکی	*angeli intellectuales*; angelic intelligences
عکس می	reflection of wine
علائق	attachments; worldly connexions; worldly encumbrances
علائق دنیوی	worldly bonds; worldly ties
علاقه (= ارتباط)	connexion; relation; relationship
علاّم‌الغیوب [خداوند]	the Ever-Knowing of absent things

knowledge	علم
encompassing knowledge	علم احاطی
knowledge of beneficence; knowledge of spiritual virtues	علم احسان
knowledge of spiritual states	علم احوال
knowledge of sincerity	علم اخلاص
morals	علم اخلاق
knowledge of spiritual tastes	علم اذواق
knowledge of spirits	علم ارواح
eternal knowledge	علم ازلی
dogmatic science; knowledge of religious doctrines	علم اعتقادی
Divine Knowledge; Divine science; God's knowledge; *scientia sacra*	علم الاهی
knowledge of inspiration	علم الهام
certain knowledge; knowledge of certainty; knowledge of certitude; science of certainty; science of certitude	علم‌الیقین
unlettered knowledge	علم امّی
knowledge of lights	علم انوار
esoteric knowledge; esoteric science; inner knowledge	علم باطن
inner knowledge; interior knowledge	علم باطنی
knowledge of God	علم باللّه
science of spiritual states	علم حال

علم خداوند	Divine Knowledge; God's Knowledge;
علم خضر ← علم افراد	
علم خیال	science of the imagination
علم دراست (≠ علم وراثت)	acquired science; learned science
علم ذوق	knowledge tasted; sapience
علم ربّانی	doctrine derived from the Lord; Lordly knowledge
علم رسمی	exoteric knowledge; formal science
علم رسوم	exoteric knowledge; formal science
علم روایت	science of transmission
علم زهد	knowledge of asceticism
علم شریعت	knowledge of the Law; religious science; science of the Law
علم شهودی	intuitive knowledge; science of vision
علم صامت	silent knowledge
علم ظاهر	exoteric knowledge; outward knowledge; exoteric science; external science
علم ظاهری	exterior knowledge; outward knowledge
علم عقل	knowledge of the intellect
علم عیان	knowledge of immediate vision
علم غیب	knowledge of the Absent; knowledge of the unseen world
علم قال	discursive knowledge
علم قلیل	little knowledge; scant knowledge
علم کسبی (≠ علم موهوب)	acquired science;

earned science	
knowledge of spiritual unveiling; science of vision	علم کشف
divinely inspired knowledge; God-given knowledge; inner knowledge; knowledge from God; secret knowledge	علم لدنّی
encompassing knowledge	علم محیط
constant knowledge; reposing knowledge	علم مستقرّ
legitimate knowledge	علم مشروع
absolute knowledge	علم مطلق
discursive knowledge	علم مقال
knowledge with God	علم مع‌اللّه
knowledge of devotional practice	علم معامله
knowledge of unveiling	علم مکاشفه
acquired knowledge; earned science	علم مکتَسَب
hidden knowledge	علم مکنون
knowledge from God	علم من‌اللّه
bestowed science	علم موهوب (≠ علم کسبی)
signpost	عَلَم (= نشانه)
formal knowledge; theoretical science	علم نظری
contemplation and action; knowledge and action	علم و عمل
all-embracing knowledge	علم واسع
inherited science	علم وراثت (≠ علم دراست)
knowledge of asceticism;	علم ورع و تقوی

knowledge of piety

علم وقت	knowledge of time; science of time
علم یقین ← علم‌الیقین	
علماء	men of science; religious scholars
علماء باطن	esoteric scholars; men of inner knowledge
علماء ذوق	scholars of spiritual taste
علماء رسوم	conventional religious scholars; exoteric scholars
علماء سوء	evil scholars
علماء ظاهر	doctors of the Law; exoteric scholars
علماء غافل	heedless savants
علماء قشری	exoteric religious scholars; superficial scholars
علمی	cognitive
علوّ	highness
علوّ طبع	magnanimity
علوّ همّت	high aspiration; loftiness of aspiration; magnanimity
علوم احوال	sciences of spiritual states
علوم اشراقی	illuminative sciences; luminous sciences
علوم ذوقی	mystic sciences
علوم ربّانی	Lordly sciences
علوم رسمیّه	formal sciences; official sciences
علوم سرّ	sciences of the mysteries
علوم صوفیّه	Sufi sciences
علوم عقلی	intellectual sciences; rational sciences;

speculative sciences	
religious sciences; traditional sciences; transmitted sciences	علوم نقلی
exalted	عِلْوی
supernal entities; heavenly bodies	علویّات
the All-High; the All-Highest; the Exalted; the Great; the Highest; the Supreme	علیّ [خداوند]
the All-Knowing; the Knower; the Knowing; Omniscient	علیم [خداوند]
Chaos; Cloud	عماء (= مرتبت احدیّت)
eternal life	عمر جاویدان
act; action; deed; practice	عمل
inner action; internal action	عمل باطن
evil act	عمل بد
bodily action; bodily deed	عمل بدنی
outward practice of literal religion; practice of the Law	عمل به شریعت
bodily action	عمل جوارح
sincere action	عمل خالص
evil deed; ugly deed	عمل زشت
secret action; spiritual action	عمل سرّ
wrong deed	عمل سیّئ (≠ عمل صالح)
good deed; wholesome deed	عمل صالح
external action; outer action	عمل ظاهر
dark deed	عمل ظلمانی

عمل قلبی	act of the heart; deed of the heart
عمل نفسانی	carnal action; carnal deed
عموم (≠ خصوص)	inclusiveness; universality
عمومیّت	all-encompassingness; comprehensiveness
عمیٰ (= نابینایی، کنایه از حقیقت حقایق)	blindness
عناء (= سختی)	distress
عنایت	aid; assistance; blessing; countenance; favour; kindness; providential care; solicitude
عنایت (= التفات)	concern
عنایت ازلی	eternal providence; predestination; pre-eternal grace
عنایت الاهی	Divine premeditation; Divine providence
عنایت بی‌علّت الوهیت	God's uncaused grace
عنایت حقّ	Divine favour; Divine grace
عندالله	in God's eyes; with God
عندیّت	at-ness; immediate proximity; with-ness
عنصر اعظم	the greatest element
عنصریّت	elementality
عنقاء	phoenix
عوام	common people; the multitude; the profane; the vulgar
عوام اولیاء	the common among the saints
عوام‌الناس	common folk; common people
عون [خداوند]	the Helper
عهد	alliance; compact; contract; covenant; engagement; pact; treaty; undertaking; vow

oath	عهد (= سوگند)
promise	عهد (= وعده)
"Am I not" compact; the covenant of *Alast*	عهدِ أَلَست
covenant of trust	عهد امانت
brigand	عیّار
brigandage	عیّاری
actual vision; contemplative meditation; eye-to-eye viewing; immediate vision; true vision; vision	عیان
by immediate vision	بِالْعیان
immediate vision of immediate vision	عیان‌العیان
imperfection; vice	عیب
feast	عید
enjoyment; living in pleasure	عیش
essence; phenomenal object	عین
entity	عین (≠ اثر)
essential union; perfect union	عین‌الجمع
the truth itself	عین‌الحقیقة
fountain of life	عین‌الحیات
complete negation; total non-existence	عین‌العدم
Eye of the heart	عین‌القلب
Eye of God	عین‌اللّه
absolute being	عین‌الوجود
essence of time; Eye of Time	عین‌الوقت
certain sight; essence of certainty;	عین‌الیقین

	essence of certitude; Eye of certainty; Eye of certitude; intuition of certainty; vision of certainty; vision of certitude
عین تحکّم	Eye of controlling rule
عین تحکیم	Eye of governing control
عین تفرقه	essence of separation
عین ثابت	essence-archetype; eternal *hexeity*; eternal individuality; existent entity; immutable entity; immutable essence
عین جمع	essence of unity
عین رغبت	quintessence of desire
عین عنایت	eye of favour
عین فهم	eye of understanding
عین مقصوده (= انسان کامل)	Sought-after Entity
عین موجوده	existent entity
عین واحده	unique essence
عینیّت (= یکسانی)	identity; same-ness

غ

absent	غائب (≠ شاهد)
the Nourisher	غاذی [خداوند]
the Forgiver of sin	غافرالذّنب [خداوند]
careless; headless; ignorant; inadvertent; inattentive; negligent; unconscious; witless	غافل
abstruse	غامض
hidden from sight	غایب از نظر
aim; furthest limit; goal; utmost limit	غایت
extremity of confusion	غایت حیرت
purpose of the hidden unseen	غایت مکنون غیب
goal of goals; ultimate goal	غایةالغایات
veiling nutrition	غذای حجابی (= غذای طبیعی)
true nutrition	غذای حقیقی (= غذای روحی)
natural nutrition	غذای طبیعی (≠ غذای حقیقی)
strangers	غرباء
estrangement; exile	غُربت

غرض	ambition; desire; individual desire; personal desire; purpose
غرض نفسانی	selfish interest; selfish purpose
غرور	presumption; pride
غرور (= عُجب)	arrogance
غرور (= فریب)	deceit; deception; delusion
غرور پندار	deceit of fantasy
غرور شیطان	guile of Satan
غزال رعنا	beautiful fawn
غشاوه	cloud; covering
غَشْیت	swooning
غصب	usurpation
غضب	anger; indignation; irascibility; wrath
غطاء (= حجاب)	covering; veil
غفّار [خداوند]	the All-Concealing; the All-Forgiving; the Forgiver
غفلت	carelessness; distraction; forgetfulness; forgetting; heedlessness; ignorance; neglecting; negligence; negligency; unawareness
غفلت از حقّ	forgetfulness of God; neglect of God
غفلت از خدا	forgetfulness of God; negligence of God
غَفُور [خداوند]	the Concealing; the Forgiving; the Indulgent; the Pardoner
غلام	servant; slave
غلبات شوق	dominance of ardor; dominance

of yearning	
throes of ecstasy	غلبات وجد
fit of ecstasy	غلبهٔ حال
dominance of God; sway of God	غلبهٔ حقّ
dominance of love; rapturous love	غلبهٔ محبّت
dominance of lust	غلبهٔ هوا
fervour of contemplation	غلیان مشاهده
distress; gloom; grief; pain; sorrow	غم
grief of time	غم ایّام
commiseration; sympathy	غم‌خواری
grief-stricken	غم‌دیده
grief of exile; *nostalgia*	غم غربت
grief of separation	غم هجران
amorous glance; glance; glance of sorcery; wink	غمزه
glance of sorcery	غمزهٔ جادو
abundance; independence; riches; richness; self-independence; self-sufficiency	غنا
Gnosticism	غنوصیه [فرقه]
independent; rich	غنیّ
the All-Rich; the Rich	غنیّ [خداوند]
self-sufficient; subsistent by itself	غنیّ بالذات
rich in God	غنیّ باللّه
rich in itself	غنیّ بنفسه
absolutely rich; all-rich	غنیّ مطلق
deliverance	غوث

غیاب	absence
غیاث‌المستغیثین [خداوند]	the Aider of the seekers of aid
غیب	the hidden; interior; invisibility; invisible; the non-manifested
غیب‌السرائر	invisible world of the innermost heart
غیب‌الغیب	the most hidden; the most non-manifested; the unseen of the Unseen; the utmost unseen; the uttermost unseen
غیب (= راز)	mystery
غیب [عالَم]	the Absent; domain of the Unseen; the Ḥidden; invisible domain; invisible reality; invisible world; the Non-manifested; the Unknowable; the Unseen; the Unseen world
غیب مجهول	unknown absent; unknown mystery
غیب مصون (= غیب مکنون)	the preserved Unseen
غیب مطلق	absolute non-manifestation; the Absolute Unseen
غیب مکنون (= غیب مصون)	the concealed Unseen
غیب و شهادت	the Absent and the Witnessed
غیب هویّت	absence of ipseity
غیبت (≠ حضور)	absence; absence of selfhood; occultation
غیبت ذات	absence of the essence
غیبت قلب	absence of the heart; failure to be

wholehearted	
absence of relatedness	غیبت مضافت
absence of selfhood	غیبت هویّت
hidden; occulted; unseen	غیبی
other; the other-than-God; stranger	غیر
enthusiasm; jealous care; jealous honour; jealous pride; jealousy; zeal; zealousness	غیرت
Divine jealousy	غیرت الاهی
jealousy of faith	غیرت ایمانی
religious zeal	غیرت دینی
natural zeal	غیرت طبیعی
immortal	غیرفانی
indefinite; infinite	غیرمتناهی
anger; rage	غیظ
thin veil	غیْن (= حجاب رقیق)
ardent; fervent; jealous; zealous	غیور

ف

فائز	victorious; winner
فائق [خداوند]	the Overpowering
فارغ (= رها از همهٔ تعلّقات)	free
فارغ‌دل	disinterested; empty-heart
فارق	criterion
فاطر [خداوند]	the Originator
فاعل	agent
فاعلیّت	action; activity
فاقه (= نیازمندی)	starvation
فال	omen
فال زدن	to cast omen
فالق [خداوند]	the Splitter
فانی	annihilated; dead; ephemeral; fleeting; mortal; perishable; perishing; transient; transitory; vanished
فانی از نفس	self-annihilated

the Relievér	فتّاح [خداوند]
illumination; inspiration; opening; revealing	فتح
Divine inspiration	فتح الاهی
nearby inspiration; nearby victory	فتح قریب
clear victory; manifest victory	فتح مبین
total victory	فتح مطلق
intermission; interval	فترت
affliction; rebellion; temptation; disturbance; tumult	فتنه (= جوش و خروش سالکان)
chivalrousness; chivalry; manliness; manly nobility	فتوّت
generosity; liberality	فتوّت (= سخاوت)
grace; spiritual favours; unsolicited gifts	فتوح
Divine diffusions; Divine insights; Divine self-disclosures; illuminations; openings; revelations; tastings; unveilings	فتوحات
revelations from the Unseen	فتوحات غیبی
the manly; youths	فتیان
dawn; first-light	فجر
spreading dawn; true dawn	فجر صادق
elongated dawn; false dawn	فجر کاذب
boasting; excellence; nobility; pride	فخر
Divine glory; Divine splendor	فرّ یزدانی
duties; obligatory rituals	فرائض
flight	فرار

fleeing to Allah	فرار الی‌اللّه
acuteness; foresight; ingenuity; inherent spiritual knowledge; insight; intuition; perspicacity; sagacity; spiritual insight	فراست
disengagement; freedom; repose	فراغ
freedom from care; tranquility	فراغت
abandonment; parting; separation	فراق
consolation; ease; freedom from grief; repose	فَرَج
delight; joy	فرح
the Single; the Solitary	فرد [خداوند]
Divine singularity; isolation; singleness; singularity; uniqueness	فردانیّت
incomparability; singularity	فردیّت
earth; ground	فرش (≠ عرش)
angel of revelation	فرشتهٔ وحی
having an angelic inner being	فرشته‌سیرت
angelic; possessing angelic qualities	فرشته‌صفت
compulsory; obligation; obligatory ritual	فرض (= واجب)
impossible supposition	فرض محال
differentiation; separation; separative consciousness; vision of things as they are	فرق (≠ جمع)
differentiation of differentiation	فرق‌الفرق [مقام]
criterion (of right and wrong); discernment; separator	فرقان

severance	فرقت
denomination; faction; sect	فرقه
saved sect; sect which achieves salvation	فرقهٔ ناجیه
command of the Law	فرمان شرع
abasement	فروتنی
branches of legal rules; branches of the rulings	فروع احکام
branches of the religion; ramifications of the religion	فروع دین
derivatives of the religious Law	فروع شریعت
splendour	فروغ
lowliness; vileness of disposition	فرومایگی
grieve-redresser	فریادرس
unique in (one's) day; unparalleled in (one's) day	فرید وقت (= یگانهٔ دوران)
compulsory; obligation; obligatory ritual	فریضه
fearing	فزع
corruption; immorality; lewdness; licentiousness; sinfulness; vice	فسق
evil of deeds	فسق معامله
sinfulness	فسوق
separation	فصل
clear decisive speech; differentiation of address judgement; decisive address	فصل‌الخطاب
execellences; merits; virtues	فضائل
ranking (in excellence); talent; virtue	فضل

فضل (= انعام)	bounty
فضل (= برتری)	excellence; superiority
فضل [خداوند]	the Bounty
فضل (= عظمت)	grandeur
فضل (= لطف)	favour; generosity; grace
فضل (= لطف الاهی)	Divine favour
فضل (= مقدار زائد)	excess
فضل (= هنر)	excellent merit
فضل الاهی	Divine generosity; Divine grace
فضل ربّانی	Dominical grace
فضیلت	execellence; merits; virtue
فضیلت و رذیلت	virtue and vice
فطرت	constitution; innate disposition; innate nature; natural disposition; original disposition; original nature; primordial disposition; primordial nature
فطرت اولی	primordial nature; primordial state
فطرت روح	primordial nature of spirit
فطرةاللّه	bringing forth by God
فطری	primordial
فعّال	active; *agens*
فعّال [خداوند]	the Absolute Author of action; the Active
فعّال ما یَشاء [خداوند]	the Doer of whatever He wills
فعل الاهی	Divine act; Divine work
فعل بنده	act of man; act of the creature

act of obligation; ceremonial action	فعل به تکلّف
corporeal act	فعل جسمانی
act of God	فعل حقّ
act of God	فعل خدا
virtuous act	فعل شایسته
blameworthy action	فعل مذموم
clamour; complaint; lamentation	فغان
complete indigence; deprivation; destitution; indigence; insufficiency; need; poverty; want	فقر
the lesser understanding	فقه اصغر (= فقه)
the greater understanding	فقه اکبر (= اصول دین)
doctors of the Law; jurists	فقهاء
pauper; penniless; poor man; Sufi	فقیر
doctor of the Law; jurist	فقیه
meditation	فکر
reflection	فکر (= تأمّل)
thinking	فکر (= تفکّر)
idea; thought	فکر (= صورت ذهنی)
thought	فکرت
salvation; success	فلاح
philosophy	فلسفه
celestial sphere; firmament; heaven; sky	فلک
starless celestial sphere	فلک اطلس
the highest sphere	فلک اعلیٰ
the lowest sphere	فلک اقصیٰ

sphere of constellations	فلک‌البروج
sphere of the moon's mansions	فلک‌المنازل
sphere of the fixed stars	فلک ثوابت
sphere of life	فلک حیات
sphere of the moon	فلک قمر
first sphere; the highest sphere; sphere of the spheres	فلک‌الافلاک
art of polemics; science of polemics	فن مباحثه
absorption; annihilation; annulment; death; destruction; disintegration; dissolution; effacement; evanescence; extinction; fading away; losing one-self; non-existence; nothingness; passing-away; perishing; self-annihilation; self-effacement; transitoriness; vanishing	فنا
ecstasy; ecstatic absorption; mystical fusion; mystic's passing-away	فناء [فی‌اللّه]
vanishing from the will	فناء از اراده
passing-away from qualities	فناء از اوصاف
vanishing from the people	فناء از خلق
self-annihilation	فناء از نفس
vanishing from desire	فناء از هویٰ
passing-away of human nature	فناءالبشریة
annihilation of annihilation; effacement of effacement	فناءالفناء
true effacement	فناء حقیقی

annihilation in Divine Unity; annihilation in Unity	فناء در توحید
annihilation in God	فناء در خدا
annihilation in the Essence	فناء در ذات
annihilation in annihilation; double annihilation	فناء در فنا
cognitive extinction; intellectual extinction	فناء علمی
annihilation of the annihilation of annihilation; effacement of the effacement of effacement	فناء فناءالفناء
annihilation in Allah; annihilation in God; effacement in God	فناء فی‌اللّه
complete annihilation	فناء کلّی
soul's perishing; vanishing of the self	فناء نفس
immortal; indestructible	فناناپذیر
revealed signs	فواتح
core; heart	فؤاد
triumph; victory	فَوْز
Divine elocution (in the imaginal world)	فهوانیّت (خطاب مستقیم حقّ در عالم مثال)
for Allah's sake; for the sake of Allah; in God's cause; in the cause of Allah	فی سبیل‌اللّه
all-emanating	فیّاض
abundance; effusion; emanation; flood; overflow	فیض
act of bestowing Divine influence;	فیض اقدس

	the most holy effusion; the most sacred effusion; the most sacred emanation; the most saintly effusion; sacrosanct effusion
فیض بی‌واسطه	emanation without intermediary; grace without intermediary
فیض تجلّی دائم	emanation of continuous theophany; eternally manifesting emanation
فیض قدس	saintly effusion
فیض مقدس	hieratic effusion; hierophanic effusion; holy effusion; sacred effusion
فیض وجود	effusion of being
فیضان	effusion; emanation
فیضان فضل ربّانی	effusion of Dominical grace

ق

the Speaker	قائل [خداوند]
self-subsistent	قائم به نفس
distance of two bowstrings; length of two bows; space of two bow-lengths; two bow's length	قاب قوسین
the Gripper; the Restrainer	قابض [خداوند]
receptacle; receptive; susceptible	قابل (≠ فاعل)
the Acceptor of repentance	قابل‌التّوب [خداوند]
the Omnipotent; the Powerful	قادر [خداوند]
all-mighty; all-powerful	قادر مطلق
Koran reciter; reciter of the Koran	قاری
mount *Qâf* of separation	قاف تفرید
sayings; words	قال (≠ حال)
corporal frame	قالب جسمانی
earthly frame; frame of clay	قالب خاکی
satisfied	قانع

قانون حقیقت	code of the Truth; law of the Truth
قانون شریعت	code of the Law; ordinance of the Law
قانون طریقت	code of the Path; law of the Path
قاهر [خداوند]	the Dominant; the Dominator; the Overpowerer; the Ruler; the Subjugating
قبح	evil; repulsiveness; ugliness
قبسات	firebrands
قبض (≠ بسط)	compression; contracting; contraction; restraint; spiritual contraction; spiritual stress; state of contraction
قبض روح	contraction of the spirit; seizure of the spirit
قبضه	grasp; grip
قبله	*Qiblah*
قبول	receptivity
قبول اعلیٰ (= عقل اوّل)	supreme receptivity
قُبّهٔ حقّ	dome of God
قَدْح (= عیب‌جویی)	cursing; maligning; reviling
قَدَح (= جام)	bowl; cup; goblet
قَدَر	destiny; measure; measuring out
قدرت	power; strength
قدرت ازلی	eternal power
قدرت تصرّف	power to dominate
قدرت خداوند	Divine Omnipotence
قدس	holiness; sanctity
قدسیّت	sanctity

قِدَم	*a patre ante*; ancientness; (anterior) eternity; eternal existence; eternity; everlastingness; infinite pre-existence; pre-existence; uncreatedness; uncreated world
قُدّوس [خداوند]	the All-Holy; God the Holy; the Holy; the Most Holy
قدیر [خداوند]	the Mighty; the Powerful
قدیم	eternal; pre-existent; sempiternal
قدیم [خداوند]	the Ancient; the Eternal; the Everlasting; the Pre-eternal
قرار (≠ تردّد)	ease
قرب	approach; approaching; approximation; nearness; near presence; presence; proximity
قرب الاهی	nearness to God
قرب الی‌اللّه	nearness to God; propinquity to God; proximity of God
قرب [به خدا]	nearness (to God); proximity (to God)
قرب فرائض	nearness of obligatory works; approach to Divine precepts
قرب نوافل	approach to spontaneous acts of devotion; nearness of supererogatory works;
قربان	offering; sacrifice
قربت ← قرب	
قرّةالعین	consolation; freshness of the eye
قریب [خداوند]	the Near; the Very Near One
قرین	comrade; sibling

قساوت	being hardened; cruelty; hardness
قساوت قلب	hard-heartedness
قسط	justice; just scale
قسمت	lot; portion
قسمت (= امر مقدّر)	allotment; lot
قسمت (= تقدیر)	destiny
قسوت (= سختی دل)	hardness of heart
قشر (≠ لبّ)	husk; shell
قصد	aim; intention; purpose; quest
قصد عزلت	wishing to go into seclusion
قضا	circumscription; decision; decree; Divine decree; fate; Fate and Destiny; (God's) decree; predetermination; pre-ordination
قضا و قدر	decree and destiny; decree and preordination; Divine decree and destiny; Divine decree and predestination
قضا و قدر الاهی	Divine decree and destiny; Divine foreordination
قضای آسمانی	heavenly decree
قضای الاهی	Divine will; God's decree
قضای حقّ	God's decree
قطب	leader; Magnate; Pillar; Pivot; Pole
قطب ارشاد	pole of guidance
قطب اعظم	Great Pole

Arch-pole; Pole of the Poles	قطب‌الاقطاب
Pole of the Age; Pole of the Time	قطب‌الوقت
Pole of the Age; Pole of the Time	قطب زمان
axis mundi; Pillar of the cosmos; Pivot of the world	قطب عالم
Pole of the Beloved	قطب معشوقان
pole of unity	قطب وحدت
axiality; Polehood	قطبیّت
cord of an arc; diagonal; semicircle	قطر
cutting off of secondary causes	قطع اسباب
severance of bonds	قطع تعلّق
cutting off attachments; disinterestedness; severing ties	قطع علایق
cage; prison	قفس (کنایه از تن آدمی)
heart; spirit	قلب
turning of existence; turning of the eye	قلب‌العین
pure heart; sound heart	قلب سلیم
upsetting the existence	قلب وجود (= دگرگون ساختن وجود)
heart of being	قلب وجود (= مرکز وجود)
of the heart	قلبی
anxious	قَلِق (= انسان ناآرام)
anxiety of love	قلق عشق
the Pen	قلم (= علم تفصیلی)
the Highest Pen	قلم اعلیٰ (= عقل اوّل)
the Highest Pen	قلم اعلیٰ (نیز ← حقیقت محمّدی)

قلم صنع	Creator's Pen
قلندر (= صاحب مقام اطلاق)	a wandering dervish without proper affiliation; *qalandar*
قناعت	content; contentment; frugality; satisfaction
قنوت (= فرمانبرداری مخلصانه)	devotion; humbleness; obedience; piety
قنوط (= یأس)	despair; desperate
قنوع (= قانع)	content; satisfied
قَوّال (= سراینده)	mystic singer; singer of Sufi songs; storyteller
قوای باطنی	inner faculties; inward faculties
قوای عقلی	intellectual faculties
قُوْت	food; sustenance
قوّت	power; strength
قوس صعودی	arc of ascent; ascending arc
قوس نزولی	arc of descent; descending arc
قول جمهور	orthodoxy
قول خالص	sincere saying; sincere utterance
قوم	crowd
قوّه	faculty; might; strength
قوّهٔ خفیّه	hidden strength; secret force
قوّهٔ خیالیّه	imaginative faculty; imaginatrix; representative faculty
قوّهٔ ذاکره	remembering faculty
قوّهٔ شهوانیّه	concupiscent faculty; faculty of desire

theoretical faculty	قوّهٔ علميّه
practical faculty	قوّهٔ عمليّه
faculty of anger	قوّهٔ غضبيّه
imaginal faculty	قوّهٔ متخيّله
form-giving faculty	قوّهٔ مصوِّره
reflective faculty; reflective power	قوّهٔ مفكّره
the Most Strong; the Strong	قوىّ [خداوند]
the All-Subjugating; the Conquering; the Invincible; the Omnipotent; the Overwhelming; the Subduer; the Victorious	قهّار [خداوند]
conquering force; cruelty; oppression; overwhelming power; power; severity; subjugating force; violence; wrath	قهر
Divine wrath	قهر الاهى
Omnipotence	قهر [خداوند]
God's Wrath	قهر خداوندى
erect stance; uprising	قيام
night *ṣalât*; *ṣalât* of night	قيام‌اللّيل
resurrection of the world	قيامت دنيا
Great Resurrection	قيامةالقيامه
Great Resurrection	قيامت كبرىٰ
the Abiding	قيّم [خداوند]
immutable; self-subsisting	قيّوم
the Almighty; the Eternal; the Ever-Standing; the Immutable;	قيّوم [خداوند]

	the Self-Abiding; the Self-Existent; the Self-Subsistent; the Subsistent
قیّوم مطلق	absolutely subsistent; almighty eternal; self-subsistent
قیّومیّت	self-subsistence

ک

کائن	creature; generated being
کائنات	beings; creatures; engendered things; generated beings
کاذب (= دروغگو)	liar
کار ظاهر	outward action
کافر (≠ شاکر)	ungrateful
کافر (= صاحب مقام تفرقه)	truth-concealer
کافر (≠ مؤمن)	disbeliever; unbeliever; unfaithful
کام	desire
کام دوست	desire of the Friend
کامل	perfect
کاملان ولایت	perfect saints
کباب (کنایه از بی‌تابی)	roast-flesh
کِبْر	arrogance; pride
کبریاء [خداوند]	the glorious Divine grandeur; the Greatness; the Majesty

کبریایی [وصف]	glorious; majestic
کبریت احمر	red sulphur
کبیر [خداوند]	the All-Great; the Great
کبیره [گناه]	greater sin; great sin
کتاب عظیم	Mighty Book
کتاب مکنون	hidden book
کتاب [هر یک از عوالم]	book
کتم سرّ	concealment of secret
کتم عدم	concealment of nonbeing; obscurity of nonbeing
کتمان	concealment; hiddenness
کتمان سرّ	concealment of secret
کثرت	multiplicity; multitude; plurality
کثرت ریاضت نفس	extreme mortification of the soul
کثیب مسک ابیض	Dune of White Musk
کثیف (≠ لطیف)	consolidated; dense
کدورات (= تعلّقات دنیوی)	impurities
کدورات جسمانی	corporeal contamination
کدورت	darkness; foulness; impurity; taint; turbidity
کدورت بشری	humanity impurity
کرام‌الکاتبین	Noble Recorders
کرامات	charismatic acts; charismatic gifts; Divine graces; miracles; miracles performed by a Sufi saint; miraculous powers; special gifts; thaumaturgies; wondrous deeds; wondrous states

miracles of the saints	کرامات اولیاء
act of miraculous grace; charisma; charismatic act; charismatic favour; charismatic gift; Divine grace; generosity; grace; honour; miracle performed by a Sufi saint; miraculous power; munificence; nobility	کرامت
distress	کرب (= اندوه)
the Creator	کردگار
Divine Pedestal; footstool; Throne of God	کرسیّ
amorous glance	کرشمه (کنایه از تجلّی جلالی)
bounty; countenance; generosity; grace; liberality; magnificence; nobility	کَرَم
Divine bounty; Divine mercy	کَرَم حقّ
Bounty	کَرَم [خداوند]
generosity of sainthood	کَرَم ولایت
the Cherubim	کرّوبیان (= ملائکهٔ مهیّم)
the generous; generous man; kind; magnificent; noble; splendid	کریم
the Generous	کریم [خداوند]
acquisition of happiness; propitiation	کسب خشنودی
acquisition; performance	کسب (≠ خلق)
acquisition of rank	کسب جاه
acquisition of wealth	کسب مال
human form; human state	کسوت بشریت
slain by the Beloved	کشتهٔ معشوق

کشش	allurement; pull
کشف	disclosure; illumination; insight; intuition; revealing; revelation; spiritual vision; uncovering; unveiledness; unveiling; unveiling revelation
کشف احوال	discovery of states; unveiling of states
کشف الاهی	Divine illumination; Divine intuition; Divine uncovering
کشف‌الغطاء	lifting of the veil
کشف‌القناع	removal of all veils
کشف‌المحجوب	revelation of the mystery; unveiling of the veiled
کشف الهامی	unveiling of inspiration
کشف بصری	visual unveiling
کشف حقایق	discovery of truths; unveiling of truths
کشف خیالی	imaginal unveiling
کشف ذات	unveiling of the essence
کشف روحانی	spiritual unveiling
کشف شهودی	unveiling by witnessing
کشف صفاتی	unveiling of attributes
کشف ضیایی	unveiling by rays of light
کشف معاریج	unveiling of the paths of ascent
کشف معانی	unveiling of inner meanings; unveiling of inner realities
کشف معقولات	unveiling of *intelligibilia*; unveiling of intelligibles

meditative unveiling; theoretical unveiling	کشف نظری
unveiling of mysteries	کشف‌الاسرار
Ka'bah	کعبه
Ka'bah of pre-eternity	کعبهٔ ازل
hut of the dervish	کلبهٔ درویش
Ka'bah of the heart	کعبهٔ دل
Ka'bah of attainment; *Ka'bah* of union	کعبهٔ وصال
self-restraint	کفّ نفس
incredulity; infidelity; misbelief; unbelief; unfaithfulness; ungrateful truth-concealing	کفر
sheer infidelity	کفر محض
blasphemous	کفرآمیز
equal	کفو (= همتا)
entirety of creation; whole of creation	کل کائنات
Divine Discourse; Divine Speech; God's Speech; God's Word; Word of God	کلام‌الله
house of sorrows	کلبهٔ احزان
eloquent words	کلمات بالغه
Word of God	کلمة‌الله
Formula of *tawḥîd*; Sentence of *tawḥîd*	کلمهٔ توحید
Word of Presence	کلمهٔ حضرت [لفظ "کُنْ"]
Universal Logos	کلمهٔ کلیّه (= برکت محمّدی)
word	کلمه (کنایه از موجود)
universal	کلّی
Conversing with God; Conversor	کلیم‌الله

	with God; Interlocutor of Allah
کمال	entelechy; excellence; excellency; perfection; plenitude
به کمال رسیدن	to attain perfection
کمال اتمّ	the highest perfection
کمال احاطی	encompassing perfection
کمال اسمائی	perfection of Divine Names;
کمال‌اللّه	Perfection of God
کمال جمال	perfect beauty; perfection of beauty
کمال حیرت	complete bewilderment; total bewilderment
کمال خداوند	Perfection of God
کمال ذاتی	essential Perfection
کمال مشاهدت	perfect contemplation
کمال مطلق	absolute perfection; nondelimited perfection
کمّل ← کامل	
کمند طلب	noose of seeking; noose of yearning
کُنْ فَیَکون	Be! and it is; Be! so it comes to be
کنج خانقاه	cloister-corner
کنج خرابات	Tavern-corner
کنز	treasure
کنز مخفی	Hidden Treasure
کنعان (کنایه از جهان معنوی)	Canaan
کنه ذات	core of the essence; innermost core; the very essence

the Cosmos; created being; creation; the entire universe; phenomenal being; phenomenal existence; phenomenal universe; phenomenal world; the Universe; whole of existence	کَون (= تمام موجودات)
generation	کَون (≠ فساد)
engendered being; engendered existence; existence	کَون (= وجود)
microcosm	کَون اصغر
macrocosm	کَون اکبر
all-comprehensive engendered being; synthetical being	کَون جامع (= انسان کامل)
existence and abode	کون و مکان
existentiality	کَونیّت
manifest and hidden worlds; the two existences; the two realms; two worlds	کَونَین
Mount Sinai	کوه طور (کنایه از مقام فنا)
Mount *Qâf*	کوه قاف (کنایه از مقام یکرنگی)
alley; lane; street	کوی
street of Tavern	کوی خرابات (کنایه از مقام فنا)
street of profligates	کوی رندان
street of Magians	کوی مغان
street of Tavern	کوی میکده
Beloved's street; street of friend	کوی یار
being; nature	کیان
deceit; guile; stratagem	کید

guile of Satan	کید شیطان
deceit of the soul; soul's wiles	کید نفس
chastisement; punishment	کیفر
alchemy; elixir	کیمیا
performing alchemical transmutation	کیمیاگری
alchemy of happiness	کیمیای سعادت
alchemy of love; love's alchemy	کیمیای محبّت
elixir of existence	کیمیای وجود
hatred	کین (≠ مهر)
being; coming to be	کینونت
hatred; rancour	کینه
Saturn	کیوان (= آسمان هفتم)

گ

Magi; Mazdean; Zoroastrian	گبر
beggary; begging; mendicancy	گدایی
passing of time	گذر ایام
passing of life	گذر عمر
whirlpool	گرداب
weeping	گریان
flower; rose	گل
rose-bed	گلشن
rose-bed of union	گلشن وصل
felix culpa; misdeed; sin; sinfulness; wrongdoing	گناه
minor sin; trivial offence; venial sin	گناه صغیره
guilty; sinful; sinner; transgressor; wicked; wrongdoer	گناه‌کار
greater sin; great sin	گناه کبیره
eye-cornering; oblique glancing	گوشهٔ چشم
heart's corner	گوشهٔ دل

tavern-corner	گوشهٔ میخانه
ascetics	گوشه‌نشینان
core; kernel	گوهر (≠ صدف)
jewel of existence	گوهر وجود
hair; locks; ringlet; tress	گیسو

ل

fearless; heedless	لاابالی
agnostic	لاادری
self-disclosure never repeats itself; there is no repetition in theophany	لاتکرّر فی‌التّجلّی
concomitant; necessary	لازم
no-thing	لاشئ
non-entities; non-entity	لاعَیْن
boast of love	لاف عشق
tulip	لاله
having no station; No station	لامقام
without place; placeless non-local;	لامکان
non-locality; placelessness	لامکانی
non-*wujûd*	لاوجود
Not He	لاهو
Divine aspect; Divine nature; Divine realm; divinity; the transcendent;	لاهوت

unattainable Godhead

لاهوتی divine; spiritual

لایتناهی infinite

لایح (= درخشان) illuminating; shining

لایحه ← لوایح

لایزال [اسم] perpetuity

لایزال [وصف] unending

لب lip

لب جوی margin of the stream

لب لعل ruby lip

لُبّ core; kernel; pith

لبّ‌اللّبّ core of the core; kernel of the kernel

لبّ لباب kernel of the kernel

لباب pith

لجام مجاهده bridle of struggle

لحظه instant; moment

لدنّی from God; God-given

لذات حسّی sensual pleasures

لذات حیوانی animal pleasures

لذت joy; pleasure; relish

لذت مناجات pleasure of communion; pleasure of supplication

لذت نفس pleasure of the self

لذت وجود pleasure of being

لسان language; tongue

لسان احدیّت language of Oneness; tongue of Oneness

language of Divine Being; tongue of God; tongue of the Truth	لسان‌الحقّ (= انسان کامل)
tongue of the Hidden	لسان‌الغیب
tongue of revealed religion	لسان شرع
concrete language; exoteric expression	لسان ظاهر
language of the heart; tongue of the heart	لسان قلب
esoteric expression	لسان کشف
imaginal language; language of spiritual discovery	لسان مثالی
Grandiloquence	لَسَن
subtle things	لطائف
subtlety	لطافت
amiable disposition; subtlety of disposition	لطافت طبع
	لطایف ← لطیفه
niceties of wisdom; subtleties of wisdom	لطایف حکمت
benefit; benevolence; benevolent assistance; blessing; clemency; countenance; elegance; favour; generosity; goodness; grace; help; kindliness; loving kindness; providence; tenderness	لطف
benefit from God; Divine grace; Divine providence; God's favour	لطف الاهی
God's favour	لطف حقّ
hidden grace	لطف خفیّ

لطف ربوبیّت	Divine grace; Lordly grace
لطیف [خداوند]	the Gracious; the Subtle
لطیفه (= قلب)	spiritual being; subtle being
لطیفهٔ انسانی (= نفس ناطقه)	human subtlety; inward dimension of man
لطیفهٔ خفیّه	secret subtile inwardness
لطیفهٔ [روحی]	hidden meaning related to suprasensible worlds; subtle essence
لعب	play
لعل لب	ruby of lip
لعن	cursing
لعنت	curse; imprecation; malediction
لعین	accursed
لفظ مشترک	shared terminology
لقاء	confronting; encounter; meeting; vision
لقاءاللّه	beatific vision; *visio Dei*; vision of God
لمح	glance; suggestion
لَمَحات	gleamings
لمحه (= درخشش)	glance; gleaming
لَمَعات	Divine Flashes; Divine glitterings; gleamings
لُمعه	flash; illumination
لواء حمد	banner of praise
لوائح	flashes
لوامع	effulgences; flashes; gleams; radiances
لوّامه	reproachful

لوّامه ← نفس لوّامه

Divine Tablet; the Guarded Tablet; the Preserved Tablet	لوح محفوظ
worry	لَهْف (= اندوه)
evil speech; frivolity; idle; trifling	لهو
amusement and play; play and sport	لهو و لعب
nonbeing; nothingness	لَیْس (= عدم)
blessed night	لیلهٔ مبارک

م

final end; final goal	مآل
the Sublime	ماجد [خداوند]
wage-earner; wage-taker	مأجور
the Effacer	ماحی [خداوند]
matter; substratum	مادّه
everything other than God; the non-Divine; all else than God	ماسوی‌اللّه
lord of phenomenal objects	مالک الاعیان
Kingdom-Possessing; the King of the Kingdom	مالک‌المُلک [خداوند]
the Monarch; the Possessor; the Ruler; the Sovereign	مالک [خداوند]
the Absolute Owner; Supreme Monarch	مالک مطلق [خداوند]
self possession	مالکیت بر نفس
all that is familiar to instinctual nature	مألوفات طبع

Divine thrall; theomorphosed	مألوه
absolute thrall of God; nondelimited thrall of Allah	مألوه مطلق
the Withholder	مانع [خداوند]
gleaming moon	ماه تابان
fasting month	ماه صیام
substance of lowliness	مایهٔ خسّت
precepts; principles	مبادی
blessed	مبارک
punctilious	مُبالی آداب
	مبتدع اوّل ← حقیقت محمّدی
innovator	مبتدع (= بدعت‌گذار)
beginner; novice	مبتدی
novice wayfarer	مبتدی سالک
afflicted; smitten	مبتلا
excited; happy	مبتهج
the Origin	مبدأ [خداوند]
the Origin	مبدأ (≠ معاد)
First Beginning	مبدأ اولی
the Beginning and the End; the Origin and the Return	مبدأ و معاد
innovator	مبدِع
first Creator	مبدِع اوّل
the Author; the Creator	مبدِع [خداوند]
the Commencer; the Originator	مُبدئ [خداوند]
heralding visions	مبشّرات

heralding vision	مبشّره
bewildered	مبهوت
the Clarifier	مبیّن [خداوند]
followers of the sensual; sensual men	متابعان نفس
conformity; obedience	متابعت
obedience of passion; subordination to passion	متابعت هوا
worldly goods; worldly wealth	متاع دنیوی
goods of two worlds	متاع دو جهان
dignity	متانت
blessed with the grace of initiation	متبرّک
followed	متبوع
the Indulgent	متجاوز [خداوند]
the Self-Discloser	متجلّی [خداوند]
actualized in God; actualized in the Truth	متحقق بالحق
adept in renunciation	متحقق در زهد
adorned	متحلّی (= آراسته)
bewildered; confused; disoriented	متحیّر
to acquire Divine qualities	متخلّق به اخلاق حقّ شدن
one who assumed the traits of God's Names; one who has acquired the Divine Names; one who has assumed the traits of God's Names	متخلّق به اسماءالله
imaginalized object	متخیّل
recollecting; reminded	متذکّر

pious trembler; trembler	مترهّب
ambiguous; metaphorical	متشابه (≠ محکم)
ambiguous verses	متشابهات
aspirant to Sufism; participant in Sufism	متصوّف
pretender to Sufism	متصوّف (= مدّعی تصوّف)
the Sufis	متصوّفه
the Most High; the Self-Exalter; the Self-High; the Transcendent	متعالی [خداوند]
ascetic; devotee	متعبّد
fanatic; sectarian	متعصّب
belonging; connected	متعلّق
appurtenances; belongings	متعلّقات
alone; isolated; unrivaled	متفرّد
thinker	متفکّر
fearing; godfearing; godwary; he who fears God; pietist; pious	متّقی
the godwary	متّقین
the Justly Proud; the Magnificent; the Proud; the Self-Great	متکبّر [خداوند]
the proud	متکبّران
the Speaker; the Speaking	متکلّم [خداوند]
to be imaginalized	متمثّل شدن
hermit	متنسّک
humble; modest	متواضع
alone; immersed in unity	مُتوحِّد
middle class; middle men; people in	متوسطین

the middle; Sufi of intermediate rank; those in the midst of the Path	
reliant; trustful	متوکّل
quietists; the reliant ones; the trustful	متوکّلین
imagined	متوهَّم
in vigilant nightly prayer; wakeful and praying at night	متهجّد
firm; strong	متین
the Constant; the Firm	متین [خداوند]
analogy; image	مثال
imaginal	مثالی
the Establisher	مُثبِت [خداوند]
archetypes; Forms; Platonic Ideas	مُثُل
similitude	مَثَل
to give example; to strike similitude	مثل زدن
channels for grace	مجاری فیض
illusory	مجاز (≠ حقیقت)
metaphor	مجاز
figurative(ly); in a metaphorical sense; metaphorical(ly)	بالمجاز
earthly; in name only; metaphorical; unreal; worldly	مَجازی
Sufi gatherings; Sufi sessions	مجالس
gatherings in which Allah's Name is invoked; regular sessions for recollection	مجالس ذکر
companionship; friendship;	مجالست

social intercourse

مجانین حقّ — fools of God; insanes because of the infatuation with the Truth

مجاورت — adjacency

مجاهد — combatant; struggler; warrior

مجاهدات خشک — dry ascetic strivings

مجاهدات و ریاضات — ascetic strivings and exercises

مجاهدت — act of self-mortification; ascetic practice; ascetic striving; ascetic struggle; austerity; discipline; endeavour; exertion; discipline; hard labour; inner striving; inner struggle purgation; purgative life; self-discipline; self-mortification; spiritual combat; spiritual mortification; spiritual strife; spiritual struggle; striving for virtuous purification

مجاهدت با نفس — disobeying the dictate of passions by constant efforts; struggling against the soul; training the soul

مجدّد — reformer; renewer; resurrector; revivifier

مجذوب — an ecstatic; drawn unto

مجذوب حقّ — drawn unto God; he who undergoes Divine attraction; one whom God draws to Himself

مجذوب سالک — attracted wayfarer; wayfarer attracted

مجرّد — carefree; destitute condition; detached;

detached from material entanglement; disengaged; formless; unattached	
non-material; separate from matter	مجّرد (= غیرمادی)
criminal; culpable; sinner	مجرم
incarnate	مجسّم
anthropomorphists	مجسّمه
object of instauration	مجعول
assembly; assembly-room; Sufi session	مجلس
assembly of intimacy	مجلس انس
gathering in which Allah's Name is invoked; session for the recollection of God	مجلس ذکر
sitting with God in intimacy	مجلس نجوىٰ
Divine unveiling; epiphantic form; locus of Self-Disclosure; place of theophany	مَجْلیٰ (= جلوه‌گاه خداوند)
undifferentiated	مجمل
combined totality	مجموع (= حقّ و خلق)
distraught lover; lunatic; mad; possessed	مجنون
responding	مجیب
the Answerer; the Assenter	مجیب [خداوند]
concentration; reckoning; self-examination	محاسبه
examination of the soul; self-examination; self-inspection	محاسبهٔ نفس

محالّ [ج محل]	loci
مَحامد	laudable qualities; praiseworthy aspects
مَحامد [خداوند]	Praiseworthy Qualities
محاوره	conversation; daily discourse
محبّ	friend; lover; loving
محبّت	affection; friendship; love; spiritual love
محبّت ازلی	pre-eternal love
محبّت الاهی	Divine love; love of God
محبّت خداوند	Divine love; love of God
محبوب	beloved; lovable; loved; object of love
محبّین	*fedele d'amore*; lovers
محتاج	dependent; needy
محتجب	veiled
محتسب	city-censor; one who prevents sins; reckoner; religious police
محتشم	grandeur
محجوب	veiled; veiled one
محجور	confined
مَحجّه	path; way
محدَث	created; ephemeral; innovated; newly arrived; newly arrived thing; non-eternal; phenomenal; renewed
محدَّث	inspired man; one who is spoken to by God
محدِّث	traditionalist
محراب	*meḥrâb*; niche in the mosque; prayer niche; prayer-arch; private chamber; royal chamber

مُحرِم	a consecrated pilgrim; pilgrim in condition of consecration
مَحرَم	confidant; intimate
مَحرم دل	confidant of heart
مَحرم راز	confidant of mystery
مَحرم سرّ الاهی	intimate of Divine secrets; sharer of Divine secrets
محرّمات	forbidden matters; prohibited acts; taboos
محروم	deprived
محزون	afflicted; sad
محسن	virtuous
محسن [خداوند]	the Beneficent
محصور	constrained; limited
محضر	presence; presence-chamber
محفل	assembly; chamber; company
محفل انس	chamber of affection
محفل عاشقان	assembly of lovers
محقّ	deserving; worthy
محققان اولیاء	saints in whom the Truth has become actualized
محکم	decisive; definite; firm; firmly constructed; fundamental; sound
محکم (≠ متشابه)	explicit; strongly clear; unambiguous
محل	dwelling place; locus
محل اعلیٰ	lofty place
محل امن	safe place

place of abstraction; place of transcendence	محل تنزیه
seat of knowledge of the Names	محل علم اسماء
locus of vision; place of speculation	محل نظر
	مَحمده ← محامد
lauded; praised	محمود [مقام]
	مِحَن ← محنت
oppression; probation; suffering; tribulation	محنت
annihilation; effacement; immersion; obliteration; self-effacement	محو
eternal obliteration	محو ابدی
pre-eternal obliteration	محو ازلی
absorbed; dissolved	محو [به معنای مفعولی]
effacement in affirmation; obliteration in affirmation	محو در اثبات
total effacement	محو کلّی
the All-Encompassing; the Encompasser; the Encompassing; the Sovereign	محیط [خداوند]
animator of the religion; vivifier of religion	محیی‌الدّین
the Bestower of life; the Life-Bestowing; the Life-Giver	مُحیی [خداوند]
swindler	مخادع
deception	مخادعه
amorous discourse	مخاطبات عاشقانه
address	مخاطبه



direct discourse with God	مخاطبهٔ حقّ
fear	مخافت
fear of God	مخافةاللّه
intercourse	مخالطت
conflict; discord; opposition	مخالفت
opposition to the soul	مخالفت نفس (= موت احمر)
the Free	مختار [خداوند]
diverse; incongruous	مختلف
pre-eternal beauties	مخدّرات ازل
secluded virgins of the Unseen	مخدّرات غیبی
chamber	مخدع (= موضع ستر قلب)
abandoned; forsaken	مخذول
purified	مُخلَص
having sincerity; purifying; sincere	مُخلِص
drunkard; inebriated	مخمور
imaginal; imaginalized	مخیَّل
courtesy; humility; politeness; showing mercy	مدارا
degrees; ranks; stages	مدارج
ascending degrees of perfection; ranks of perfection	مدارج کمال
constant *zikr*; continuous remembrance of God	مداومت ذکر
flattery	مداهنت
the Governing	مدبّر [خداوند]
governor of the world;	مدبّر عالم

regulator of the world	
praise	مدح
aid; assist; help	مَدَد
gracious aid; help of grace	مدد فیض
lofty degree of the distance of two bowstrings	مدرج قاب قوسین
cosmic school; school of existence	مدرسهٔ وجود
known; object of perception; perceived thing;	مُدرَک
realities perceived inwardly	مدرَکات باطنی
apprehender; apprehending; knower; perceiver; perceiving	مُدرِک
claimant; imposter	مدّعی
claimants to Sufism; pretenders to Sufism	مدّعیان تصوّف
false claimants	مدّعیان دروغین
aspirants to the Truth	مدّعیان راه حقیقت
pretenders to the Truth	
aspirants to the Path	مدّعیان راه طریقت
pretenders to the Path	
false pretenders	مدّعیان کاذب
object of denotation	مدلول
amazing; astonishing	مدهِش
masculine	مذکَّر
the Abaser; the Humiliator	مُذلّ [خداوند]
abasement; lowliness	مذلّت
to blame	مذمّت کردن

reprehensible	مذموم
sinner	مذنب
mirror	مرآت
object of vision; visible	مرئی
contesting; disputing; doubting	مراء
hypocrite; impostor; ostentatious person	مُرائی
grades; hierarchy; levels; ranks; series	مراتب
grades of engendered beings	مراتب اکوان
grades of Self-disclosure; planes of theophany	مراتب تجلّی
degrees of determinations	مراتب تعیّنات
six degrees; six levels	مراتب ستّه
degrees of felicity	مراتب سعادت
levels of the world	مراتب عالم
degrees of knowledge; levels of knowledge	مراتب معرفت
degrees of being; degrees of existence; ontological levels	مراتب وجود
return of souls	مراجعت نفوس
stages	مراحل
desirable; desired; object desired; object of desire; object sought for; sought; wish	مُراد
selfish desire; selfish purpose	مراد نفس
desires of humanity; human desires	مرادات انسانی
worldly desires	مرادات دنیوی
desires of the soul	مرادات نفس

مراعات — attention; observance; respect; solicitude

مراعات امر — observance of the (Divine) Command

مراعات خواطر — observance of incoming thoughts

مرافقت — companionship; friendship

مراقب [خداوند] — the Examiner; the Guardian

مراقبت — keeping in view; meditation; observation; self-ostentation

مراقبت دل — chaste regard; guard over the heart; watchfulness of the heart; watch over the heart

مراقبه — attentive control of oneself; attentive observation; concentrated attention on God; contemplation; examination; guarding oneself and examining passion by good thoughts; observation; self-examination; self-vigilance; self-watchfulness; vigilance; vigilant attention

مربوب — *fedele*; vassal

مربّی — caretaker; fosterer; instructor; preceptor

مرتبت — class; rank

مرتبه — class; degree; grade; limit; rank; stage; standing; status; step

مرتبهٔ احدیت — stage of Unity

مرتبهٔ اسماء — stage of the Names

مرتبهٔ الاهی — Divine stage

مرتبهٔ امامت — stage of Imamate

مرتبهٔ انسان — stage of man

مرتبهٔ انسانی	human degree; human stage
مرتبهٔ ایقان	degree of certainty; stage of certainty
مرتبهٔ ایمان	stage of faith
مرتبهٔ پیشوایی	degree of leadership; rank of leadership
مرتبهٔ جسد	bodily stage; stage of the body
مرتبهٔ خیال	imaginal level; imaginal stage; stage of imagination
مرتبهٔ روح	stage of spirit
مرتبهٔ محبوبی	rank of the beloved of God
مرجّح	preponderator
مرجع و مآب	place of return; point of return
مرجع و معاد [به صورت مصدری]	return and reversion
مرحله	stage
مرحمت	compassion; mercy
مردان خدا	men of Allah; men of God
مردود	condemned; failed; rejected
مَرَده (= ارواح سرکش)	rebellious spirits
مرسل	envoy; messenger
مرشد	director; instructor; spiritual guide
مرشد [خداوند]	the Director; the Guide
مرشد غیبی	invisible guide
مرضیّ	acceptable; accepted; loved; pleasing
مرغ وصال	bird of union
مرقات	ladder
مُرقّعات ← مرقّعه	
مُرقّعه (= جامهٔ صوفیان)	patched frock of the Sufi

mount	مَرکَب
spiritual death	مرگ دل
symbolic sign; symbolic tale	مرموز
chivalry; generosity; kindness; manliness; virility; virtue	مروّت
plaster	مرهم
adherent; aspirant to the Way; devotee; disciple; follower; novice; seeker; spiritual pupil	مرید
willer	مرید (= اراده کننده)
the Desirous; the Willing	مرید [خداوند]
desirer; desiring	مرید (= مشتاق)
loyal disciple; truthful disciple	مرید صادق
constitution; mixture	مزاج
human constitution	مزاج انسانی
temperament of search and aspiration	مزاج طلب و ارادت
balanced constitution; temperament in equilibrium	مزاج متعادل
disturbing; hindering; jostling	مزاحمت
pitfalls	مزلّات
advantage; superiority	مزیت
the Remover	مزیل [خداوند]
glad tiding	مژده
spiritual questions	مسائل قدسی
journeyer; traveller; wayfarer	مسافر

paths of truth	مسالک حقیقت
petition; petitioning; request; requesting	مسألت
point; problem; question;	مسأله
companionship; dialogue with God; nocturnal discourse	مسامره
coextensive	مساوق
the Author of all causes; the Cause of all causes; the Causer of secondary causes; the Occasioner of all occasions	مسبّب الاسباب [خداوند]
caused things	مسبَّبات
lauding	مسبّح
dazzled; drunkard; inebriate; insensible	مست
completely intoxicated	مست خراب
God-intoxicated man; intoxicated in the Presence of God	مست قربت حضرت حقّ
familiar associations	مستأنسات
heard in his prayers	مستجاب‌الدّعوه
deserving; worthy	مستحقّ
circular	مستدیر
at ease	مستریح
	مستعار ← استعاری
help-seeker; seeking help	مستعین
absorbed; immersed; in rapturous contemplation	مستغرق

seeking forgiveness	مستغفر
acquired	مستفاد
erect; steadfast; straight	مستقیم
delights of the visible world; sensory delights	مستلذّات عالم شهادت
delights of the soul; things pleasurable to the soul	مستلذّات نفس
passionate delights; passionate pleasures	مستلذّات نفسانی
Divine support	مستند الاهی
concealed; curtained; hidden; veiled from the public eye	مستور
drunkenness; inebriation; intoxication	مستی
metamorphosing	مسخ
intoxicant	مُسکر
abode; dwelling	مسکن
lowliness; indigence	مَسکنت
beggar; helpless; indigent; lowly; needy person; poor	مسکین
path; track; way	مسلک
stripped of attributes	مسلوب‌الاوصاف
named object	مسمّا (≠ اسم)
ontological named thing	مسمّای وجودی
the Named	مسمّی [خداوند]
path; road	مسیر
likeness; mutual similarity	مشابهت

dispositions of the senses	مشارب حسّی
dispositions of the unseen; invisible modes	مشارب غیبی
preconditioning	مشارطه
partnership	مشارکت
witness; witnesser	مُشاهِد
	مشاهد ← مشهد
	مشاهدت ← مشاهده
contemplating; direct vision; (Divine) contemplation; immediate perception; (mystic) vision; seeing; sight; spiritual experience; true contemplation; vision; vision of Divine power; witnessing	مشاهده
sensible experience	مشاهده (= تجربهٔ حسّی)
observation	مشاهده (= دیدن)
vision of God	مشاهدهٔ حقّ
imaginal vision; imaginative contemplation	مشاهدهٔ خیالی
spiritual vision; spiritual witnessing	مشاهدهٔ روحانی
elders; masters	مشایخ
elders of the Path; Sufi masters	مشایخ طریقت
ardent; lover; yearner	مشتاق
desirous ones; longing ones	مشتاقان
dubious	مشتبه
corporeal pleasures	مشتهیات جسمانی

law-giver	مُشرِّع
ennobled; honoured	مشرَّف
east; orient	مشرق
associationist; associator; associator (of gods with God); polytheist	مشرک
musk	مُشک
musk-diffusing	مُشک‌فشان
niche	مِشکات
praised; rewarded	مشکور
musky	مُشکین
locus of witnessing	مشهد
the most sacred locus of witnessing	مشهد اقدس
intermediate locus of witnessing; isthmus locus of witnessing	مشهد برزخی
imaginal locus of witnessing	مشهد خیالی
contemplated being; object of contemplation; object of witnessing; witnessed	مشهود
creative will; intention; will	مشیّت
God's Intention; Providence; Will of God	مشیّت الاهی
Will	مشیّت [خداوند]
difficulties; misfortunes	مصائب
companion	مصاحب
companionship with God; keeping company of God	مصاحبت حقّ
unexpected occurrence	مصادفه

lamp; lantern	مصباح
light-giving Lamp	مصباح منیر
book; the Quran	مصحف
authority	مصدر و مقتدا
Turner of hearts	مصرّف‌القلوب
chosen	مصطفی
maker of wholesomeness; making wholesome; reformer	مصلح
the best interest; expedience; good; wholesomeness	مصلحت
the Creator; the Fashioner; the Formator; the Former; the Form-Giving; the Shaper	مصوِّر [خداوند]
correct	مصیب
misfortunes	مصیبات
pernicious	مضر
agitated	مضطرب
the Misguider	مضلّ [خداوند]
hidden things	مضمرات
demand; request; requisition	مطالبه
minstrel	مطرب
quest	مطلب
well-informed	مطّلع
absolute; nondelimited; unbounded	مطلق
the Nondelimited	مطلق [خداوند]

nondelimited prophethood	مطلق نبوّت (= نبوّت عامّه)
existence as such	مطلق وجود
desired; object of desire; object of seeking; sought object	مطلوب
desired for itself	مطلوب لذاته
ultimate object of desire	مطلوب مطلق
quiescent	مطمئنّ
at rest; tranquil	مطمئنّه
epiphantic forms; loci of manifestation; theophanic forms	مظاهر
manifestations of entities	مظاهر اعیان
manifestations of engendered beings	مظاهر اکوان
Divine loci of Self-manifestation	مظاهر الاهی
epiphanic form; epiphantic form; epiphany; external manifestation; locus of manifestation; manifestation; place of manifestation; theophanic form	مَظهر
censuring; rebuking passions; reproach; self-rebuke	معاتبه
Place of Return	معاد [خداوند]
the Return	معاد (≠ مبدأ)
ascents; stairs	معارج
steps to the highest of the high	معارج اعلیٰ علیّین
cognitions; doctrines; gnostic sciences; realized knowledge	معارف
life of creatures	معاش خلق

affection	معاشقه
the Forgiver	معافی [خداوند]
the Punisher	معاقِب [خداوند]
punishment	معاقبه
high merits	معالی
spiritual practices	معاملات
affair; interaction; one's dealing with God; one's treatment of God	معاملت
opposing one's soul	معاندهٔ نفس
spiritual realities	معانی
embodied truths	معانی متجسّد
temporally originated meanings	معانی محدَثه
rational truths	معانی معقول
sensual thoughts	معانی نفسانی
return of souls	معاودت نفوس
actual experience; direct vision	معاینه
saints' place of worship	معبد اولیاء
object of worship; served; worshipped	معبود
the Adorable	معبود [خداوند]
believer	معتقد
incarnationist	معتقد به حلول
engaged in devotions	معتکف
self-conceited	معجب [به نفس]
miracle of a prophet	معجزه
annihilating agent	مُعدِم

to hold *sb* excused	معذور داشتن
ascension; ascension (to the heavens); ascent; night journey to His Presence; nocturnal ascent; spiritual ascent	معراج
to ascend	به معراج رفتن
acquaintance; cognition; contemplation; gnosis; knowledge; mystical knowledge; mystic wisdom; recognition; true knowledge	معرفت
perfect gnosis	معرفت تامّه
complete gnosis	معرفت تمام
true knowledge	معرفت حقیقی
knowledge of God	معرفت خدا
knowledge of essence	معرفت ذات
mystic perception	معرفت ذوقی
knowledge of divinity	معرفت ربوبی
visionary knowledge	معرفت شهودی
cognitive gnosis	معرفت علمی
theoretical knowledge	معرفت نظری
gnosis of God	معرفةاللّه
self-knowledge	معرفةالنفس
the Empowerer; the Exalter	مُعزّ [خداوند]
beloved	معشوق
original beloved	معشوق اصلی
Divinely preserved; exempt from sin; impeccable; inerrant; infallible;	معصوم

innocent; preserved from sin	
disobedience; sin; sinfulness; transgression	معصیت
agnostic; atheist	معطّل [در شناخت]
ineffectual; inoperative	معطّل [در وجود]
the Giver	معطی [خداوند]
the Existence-Giver	معطی وجود [خداوند]
rational concepts	معقولات
teacher	معلّم
teacher of the human being	معلّم انسان
teacher of angels	معلّم ملائکه (نیز ← انسان کامل)
caused; effect;	معلول
archetype; esoteric meaning; mystical meaning; reality; spiritual insight; spiritual reality; transcendent reality	معنا
in its most particular sense	به معنای اخصّ
in its most general sense	به معنای اعمّ
spiritual; supra-sensory	معنوی
spirituality	معنویت
co-existence; with-ness	معیّت
He-Who-Brings-Back; the Restorer	مُعید [خداوند]
the Helper	مُعین [خداوند]
young Magians; young tavern-keeper	مغبچه
magians	مُغان (= پیر می‌فروش)
occident	مغرب
deceived; deluded man; seduced	مغرور (= فریفته)

proud	مغرور (= متکبّر)
kernel	مغز (≠ قشر)
forgiveness; remission; remission of sins	مغفرت
pardoned	مغفور
enraptured	مغلوب
overpowered by love	مغلوب محبّت
the Enricher	مُغنی [خداوند]
the Unseen	مغیبات
the Reliever; the Saviour	مغیث [خداوند]
keys to the Gardens	مفاتیح‌الجنان
keys to the Absent; keys to the invisible world	مفاتیح‌الغیب
abandonment; discontinuance; separation	مفارقت
key of right guidance	مفتاح‌الهدی
Opener of doors	مفتّح‌الابواب
deceived; seduced	مفتون
exhilarating	مفرّح
the Solitary	مفردِ فرد [همتای قطب با نقشی متفاوت]
celibates; the recluses	مفردون
corrupter	مفسد
commentator; interpreter	مفسّر
differentiated	مفصَّل
the Differentiator; the Distinguisher	مفصِّل [خداوند]
the Bounteous	مفضِّل [خداوند]
object of act	مفعول
innovational object of act	مفعول ابداعی

motivational object of act	مفعول انبعاثی
natural object of act	مفعول طبیعی
prosperous	مفلح
bankrupt; destitute	مفلِس
counterpart	مقابل
measures	مقادیر
co-existence	مقارنت (= معیّت)
keys	مقالید
esoteric abode; mystical station; office; station; station on the mystical Path	مقام
abode	مقام (= جایگاه)
rank	مقام (= درجه)
dignity	مقام (= شأن)
majesty	مقام (= عظمت)
stage	مقام (= مرحله)
station of union	مقام اتّحاد
station of union	مقام اتّصال
station of oneness; station of unicity	مقام احدیّت
station of beneficence	مقام احسان
station of showing	مقام ارائت
station of tranquillity	مقام اطمینان
station of equilibrium	مقام اعتدال
station of commanding	مقام اَمّارگی
station of the Imamate	مقام امامت
human state	مقام انسانی
stage of being substitute	مقام بدلیت

مقام برزخ	station of the isthmus
مقام بسط	station of expansion
مقام بهایم و اَنعام	level of animals and beasts
مقام بی‌واسطگی	station of immediacy
مقام تجلّی	station of self-disclosure
مقام تحقّق (≠ مقام تخلّق)	station of realization
مقام تخلّق به اخلاق رحمانی	station of clothing oneself in the Divine characteristics
مقام تخلّق (≠ مقام تحقّق)	station of assuming traits
مقام تعظیم	station of glorification
مقام تفرقه	station of separation
مقام تفرید	station of separation
مقام تکوین	station of generation
مقام تلوین	station of mutability
مقام تمکین	station of stability
مقام توبه	station of repentance
مقام توکّل	station of reliance
مقام ثنویّت	stage of duality
مقام جمع	station of union
مقام جمع‌الجمع	station of union of union
مقام جمعیّت	state of (spiritual) union; station of spiritual synthesis
مقام جهل	station of ignorance; station of unknowing
مقام حجاب	station of veiling
مقام حزن	station of grief
مقام حیرت	stage of; station of perplexity;

station of wonder astonishment	
station of clay; station of dust	مقام خاکی
station of the Seal of saintship	مقام ختم ولایت
station of *Khadhir*	مقام خضر
station of friendship	مقام خلّت
stage of the guide	مقام دلیل
station of essence	مقام ذات
station of hope	مقام رجاء
station of messengership	مقام رسالت
station of pleasure; station of satisfaction	مقام رضا
station of intercession	مقام شفاعت
station of affection	مقام شفقت
station of gratitude	مقام شکر
station of patience	مقام صبر
station of purity	مقام صفا
station of attributes	مقام صفات
station of servitude	مقام عبودت
station of servantship; station of servitude	مقام عبودیّت
station of knowledge	مقام علم
station of immediate proximity; station of proximity	مقام عندیّت
station of elemental and simplicity	مقام عنصری و مفردی
station of jealousy	مقام غیرت
station of Lordly illumination	مقام فتح ربّانی
station of differentiation	مقام فرق

station of discernment	مقام فرقان
station of poverty	مقام فقر
station of contraction	مقام قبض
station of the Quran	مقام قرآن
station of nearness; station of proximity	مقام قرب
station of spiritual discovery; station of unveiling	مقام کشف
station of perfection	مقام کمال
station of "Be"	مقام "کُن"
station of no station	مقام لامقامی
station of reproachfulness of soul	مقام لوّامگی نفس
state of fruit-bearing	مقام مثمری [ثمردهی]
commendable station	مقام محمود
station of self-examination	مقام مراقبت
state of a bird; station of birdhood	مقام مرغی
station of contemplation	مقام مشاهدت
station of gnosis; station of knowledge	مقام معرفت
station of King of the Kingdom	مقام مَلِکالمُلک
angelic state; station of the angels	مقام مَلَکی
state of boasting; station of blandishment	مقام ناز
vegetable state	مقام نباتی
station of Prophecy	مقام نبوّت
station of Oneness	مقام واحدیّت
abode of unity; station of oneness	مقام وحدت
station of desire; station of spiritual will	مقام همّت
station of awe	مقام هیبت

station of certainty	مقام یقین
esoteric abodes; spiritual stations; stages; stations; stations of spiritual establishment	مقامات
stations of the gnostics	مقامات‌العارفین
high stations	مقامات عِلْوی
abomination; anger; hatred	مَقْت (= غضب)
exemplar; exemplary guide; exemplary model; paragon	مقتدا
exemplar of the truth	مقتدای حقیقت
the Potent	مقتدر [خداوند]
demands of instinctual nature	مقتضای طبع
determined	مقدَّر
the Fortune-Giver; the Ordainer; the Sole Predestinator	مقدِّر [خداوند]
blessed; holy; sacred; sanctified	مقدّس
the Advancer	مقدِّم [خداوند]
capable of being done; object of power	مقدور
brought near; brought nigh; approximating	مقرَّب
favourites of God; the saints; those drawn nigh unto God; those nearest to God; those who approach to God as much as possible; those who are brought near to God	مقرّبان
the Just	مقسط [خداوند]
outermost goal	مقصد اقصی
furthest purpose; supreme purpose	مقصدالأسنی

pause in reading; place of separation	مقطع
seat of sincerity; state of perfect veracity	مقعد صدق
the Turner of hearts	مقلب‌القلوب [خداوند]
follower of authority; imitator	مقلّد
overpowered	مقهور
the Food-Giver	مقیت [خداوند]
the Forbearing; the Raser	مقیل [خداوند]
dwellers	مقیمان
excellences of disposition; noble character traits; noble dispositions; noble manners; noble qualities of character; the noblest virtues	مکارم اخلاق
earnings	مکاسب (≠ مواهب)
illuminated; object of revelation	مکاشَف
unveiler; unveiling	مکاشِف
unveilings of inspiration	مکاشفات
spiritual unveilings	مکاشفات روحانی
unveilings of the spirit	مکاشفات روحی
secret unveilings; unveilings of the mystery	مکاشفات سرّی
unveilings of the Unseen	مکاشفات غیبی
unveilings of the heart	مکاشفات قلبی
ocular vision; unveiling of the manifested	مکاشفةالعیان
revelation to the heart; unveiling of the hearts	مکاشفةالقلوب
disclosure; revealing; unveiling; vision	مکاشفه

مکاشفۀ در حال بیداری	unveiling in the wakeful state; waking vision
مکاشفۀ در حال خواب	nonwaking vision; unveiling in the dream state
مکاشفۀ دیداری	ocular vision
مکاشفۀ قلب	revelation to the heart; unveiling in the heart
مکالمات عاشقانه	amorous communications; amorous conversations
مکان آخرتی	place of the hereafter
مکان دنیوی	worldly place
مکان مقدس	sacred place; sanctuary
مکانت	placement; rank
مکاید نفس	stratagems of the soul
مکتب اشراق	School of Illumination
مکتب عشق	school of love
مکتومان	hidden saints; unknown saints
مکر	conspiracy; cunning; deceit; deception; devising; guile; intrigue; malice; plot; plotting; ruse; stratagem
مکر الاهی	God's ruse; ruse of the Divine
مکر خدا	God's cunning; God's stratagem; ruse of God
مکر خفیّ	hidden cunning
مکر نفس	cunning of the souls
مکرمت	generosity; honour; nobility

abhorred; disapproved (by the Law); odious	مکروه
the perfected	مکمّلین
depth of the heart	مَکْمَن دل
depth of the hidden; lair of the Unseen	مَکْمَن غیب
created thing; engendered being	مکوَّن
the Engenderer of Secondary Causes; the Existentiator	مکوِّنالاسباب [خداوند]
God as Bestower of being; God insofar as He gives being	مکوِّن [خداوند]
angels	ملائک
guardian angels	ملائک حَفَظه
angels of the circles of remembrance of God	ملائک حلقههای ذکر
angels of the gatherings of remembrance of God	ملائک مجالس ذکر
terrestrial angels	ملائکهٔ ارضیّه
angels of governance	ملائکهٔ تدبیر
angels of dominion	ملائکهٔ تسخیر
angels of life	ملائکهٔ حیات
celestial angels; heavenly angels	ملائکهٔ سماویه
travelling angels	ملائکهٔ سیّاح
superior angels	ملائکهٔ عالون
angels of ascent	ملائکهٔ عروج
angels of hearts	ملائکهٔ قلوب
archangels	ملائکهٔ مقرّب
enraptured angels	ملائکهٔ مهیّم

ملائکهٔ هوا	angels of the air
ملائمت	agreeableness
ملابس	garments
ملابس اسماء	garments of names
ملابس اشکال	garments of shapes
ملابس اعیان	garments of objects
ملابس افراد	garments of individuals
ملابس صفات	garments of attributes
ملاحده ← ملحد	
ملاذ	asylum
ملازمت خلوت	practice of continuous retreat
ملازمت ذکر	constant practice of invocation
ملاقات	encounter; meeting
ملال	boredom; weariness
ملالت	discouragement; weariness
ملامت	blame; reproach
ملامتی	true acceptor of censure
ملامتیّه (= ملامیّه)	the Blameworthy; people of Blame; seekers of reproach
ملاهی	frivolous deeds
ملّت (= آیین)	creed; tenet
ملّت (= امّت)	nation; religious community
ملحد	atheist; heretic
ملأ ادنیٰ	lower plenum
ملأ اسفل	lower plenum
ملأ اعلیٰ	higher plenum; higher spiritual realm;

	intelligible world; sublime assembly; sublime company; sublime host; superior spirits; supreme assembly; supreme plenum
ملأ محمّدی	Muhammadan plenum; Muhammadan realm;
ملأ عامّ	in public; publicly
ملقیات	casters
مُلک (≠ ملکوت)	corporeal world; dominion; visible world; kingdom
مُلک (= پادشاهی)	empire; kingdom; kingship; monarchy
مُلک اعظم	mightier kingdom
مَلِکالمُلک [خداوند]	the King of the Kingdom
مَلَکالموت	Angel of death
مَلِک [خداوند]	the King
مَلَک مقرّب	angel of Divine Proximity; archangel
ملکوت	celestial hierarchy; Divine power; dominion; heaven; heavenly kingdom; higher plane of reality; invisible world; kingdom; permanent sovereignty; sovereignty; spiritual dominion; spiritual root; spiritual world; supreme dominion
ملکوت آسمانها	Divine domain of the heavens; kingdom of the heavens
ملکوتالسموات ← ملکوت آسمانها	
ملکوت نبات	vegetable realm
ملکوتی	celestial; heavenly
مَلَکی	angelic

مِلَل ← ملّت	
مِلَل و نِحَل	creeds and sects
ملول	vexed
مُلْهَم	inspired
مَلیّ [خداوند]	the Rich
ملیک مقتدر [خداوند]	the Omnipotent King
مماثلت	likeness; mutual likeness
ممالک جسمانی	corporeal domains
ممالک روحانی	spiritual domains
ممثّل	imaginalized; typified
مُمِدّ	helper
ممدوح	object of praise; praiseworthy
مُمسک [خداوند]	the Retainer
ممکن	contingent; possible
مملکت	kingdom
مملکت فردانیّت	kingdom of singularity
مُمیت [خداوند]	the Death-Giver; the Giver of Death; the Slayer
مَنْ یَشاء	whomsoever He will
مناجات	colloquy; communion (with God); confidential prayer; confidential psalm; holding secret converse; intimate communion; intimate conversation; intimate dialogue; intimate discourse; intimate supplication; litany; orison; secret prayer; secret psalm ; secret will;

supplications between man and God; whispered prayer	
caller	منادی
degrees of mystic perfection; stages; stopping places; waystations	منازل
waystations of the hereafter	منازل آخرت
	منازل‌الآخرة ← منازل آخرت
waystations of the travellers	منازل‌السّائرین
waystations of the wayfarers	منازل‌السالکین
waystations of the saints	منازل اولیاء
exalted waystations; high positions	منازل عالیه
degrees of mystical perfection; gnostic stages	منازل عرفانی
stages of nearness to God	منازل قرب
	مُنازَلات ← منازَله
co-association of the Godhead and the soul; condescendence; consociation of the Godhead and the soul; mutual waystation	منازَله
correspondence; interrelation; interrelationship; relation	مناسبت
contemplated ones	مناظر
higher loci of vision	مناظر اُولیٰ
magnanimity	مناعت طبع
disagreeableness	منافرت
hypocrite	منافق

glorious titles; illustrious traits; virtues	مناقب
the Benevolent; the Favourer	منّان [خداوند]
free gift; reproach	منّت
aware	منتبّه
the Avenger; the Vengeful	منتقم [خداوند]
extreme limit of the ascent of creatures	منتهای معراج خلایق
consummate Sufi	منتهی (≠ مبتدی)
deliverer	منجی
qualities leading to salvation	منجیات
contained; interpolated	مندرج
abode; halting-place; rank; resting-place; stage; station	منزل
bestial abode	منزل بهیمی
waystation of secrets	منزل رموز
degree; position; rank; stage; waystation	منزلت
waystation of Shatterers	منزلت قواصم
lodging	منزل‌گاه
recluse	منزوی
aloof; exalted; exempt; incomparable; pure; purified; transcendent	منزّه
character; manner	منش
the Configurer; the Originator	مُنشِئ [خداوند]
dignity; position; rank	منصب
locus of vision	منصّه (= مجلای اعراس)
language of the birds	منطق‌الطیر

منظر	locus of vision; spectacle-place
منظر أعلیٰ	higher arena; higher locus of vision
منظوران نظر عنایت	objects of the gaze of God's grace
مُنعِم [خداوند]	the Benefactor; the Blesser; the Blessing-Giver; the Dispenser
منفرد	individualized; particular
منفرد [خداوند]	the Unequalled; the Unique
منفعل	*patiens*; receptive
منقبت	virtue
منقطع	cut from the world; devoted to God
منکَر	abominable; disallowed; indecent; iniquity; ugly thing; unknown; unlawful; unwarrantable; wrong conduct;
مُنکِر	disbeliever
منکسرةالقلوب ← شکسته‌دلان	
منهاج	direction; highway; road; way
منهاج دین	highway of religion; path of religion
منهیّ	forbidden; interdicted
منیع	noble
منیل [خداوند]	the Dispenser
مؤخِّر [خداوند]	the Deferrer
مؤمن	believer; believing; faithful; man of faith; person of faith
مواجهه	confrontation; confronting; face-to-face meeting
مواجید	interior discoveries; raptures

مواطن ← موطن	
مواظبت	devoting oneself; taking care
مواعظ	sermons
موافق (= سازگار)	compatible
موافقت	agreement; conformity
مواقع‌النّجوم	orbits of the stars
مواقف	halting places
مواقف قیامت	halting places of the Resurrection
مواقیت	occasions; time-moments
مؤانست	intimate familiarity
مواهب	bestowals; Divine gifts; gifts
موت ابیض (= جوع)	white death
موت احمر (= مخالفت با هوای نفس)	red death
موت اختیاری	voluntary death
موت اخضر (= مرقّع پوشی)	green death
موت اسود (= تحمّل آزارمردمان)	black death
موت معنوی	spiritual death
موج	wave
موج اَلَست	wave of *Alast*
موجِد [خداوند]	the Existence-Giver; the Giver of Existence
موجود	existent; existent being; existent thing
موجود اوّل (نیز ← حقیقت محمّدی)	first being
موحِّد	affirmer of God's Unity; believer in God's Unity; confessor to the unity of God; monotheist; realizer of

unification; unitary	
affection; amiability; charity; friendship; love	مودّت
the Uniter	موصل [خداوند]
the Named	موصوف [خداوند]
abode; native country	موطن
advice; homily; sermon	موعظه
good advice; good sermon	موعظهٔ حسنه
successful	موفّق
halting place; stopping place	موقف
three kingdoms; three progenies	مولّدات ثلاث
lord; master; patron; protector	مولیٰ
the Lord; the Master; the Patron	مولیٰ [خداوند]
the faithful; men of faith	مؤمنان
rebellious believers; sinful believers	مؤمنان عاصی
female; Feminine	مؤنّث
intimate	مونس
friend of soul	مونس جان
bestowal; boon; favour; gift;	موهبت
giving; grace; grant	
Divine bestowal; Divine gift	موهبت الاهی
veneration	مهابت
emigrant; migrant	مهاجر
	مهالک ← مهلکه
place of revelation	مهبط وحی
directed; guided	مهتدی
blood of the heart	مُهجةُالقلب

مهجور	deserted; forsaken and forlorn
مهذّب	cleansed; free from vice; purged; spiritually purified
مِهر	devotion; love
مه‌روی	moon-face
مُهلک	deadly; destructive; malign; pernicious
مهلکات نفس	destructive qualities of the soul
مهلکه	disaster; peril; place of destruction
مهیل [خداوند]	the Affrighter
مهیمن [خداوند]	the Guardian; the Protector; the Vigilant
مهیّمون	spirits ecstatic with love of God
می	wine
می عشق	wine of love
می کهنه	old wine
می ناب	pure wine
می‌آلود	wine-stained
می‌خوران	wine-drinkers
می‌فروش	wine-seller
میخانه	tavern; wine-house; wine tavern
میکده	wine-house; wine tavern
میادین ← میدان	
میثاق	compact; covenant
میدان [مقام شهود معشوق]	arena of the soul; domain of action; domain of existence; level of reality
میزان الاهی	the Divine Scale

میزان شرعی	Scale of the Law
میزان شریعت	Scale of the Law
میزان مستقیم	harmonious constitution; just scale
میقات	appointed place
میل (= انحراف از طریق)	deviation; swerving
میل (= خواهش)	desire; lust; yearning
میل فطری	natural disposition; natural inclination
میل (= گرایش)	inclination

ن

impurity	ناپاکی
fire of the Divine Light	نار نور الاهی
the Burning; the Hell; the Inferno	نار [جهنم]
displeasure over the pre-decreed	نارضایتی به قضا
conceit; coquetry; self-glorification; self-sufficiency	ناز
arrogance and disdain	ناز و تعزّز
descending	نازل
beloved; specially cherished	نازنین
disciple of the mystical path; mystical disciple	ناسک
human; human aspect; humanity; human nature; human receptacle	ناسوت
adviser	ناصح
the Helper	ناصر [خداوند]
contemplator; inspector; observer; spectator	ناظر
act of disobedience	نافرمانی

the Benefactor; the Benefiter	نافع [خداوند]
supererogatory prayer; supererogatory work	نافله
defective; deficient; imperfect; what falls short	ناقص
bell	ناقوس
Utopia	ناکجاآباد (= شهر پاکان)
excluded; outsider; stranger; unrelated person	نامحرم
illicit	نامشروع
invisible; not-visible	نامشهود
Divine law; principle	ناموس (= شرع الاهی)
archangel	ناموس اکبر (= جبرائیل)
record-book	نامهٔ عمل
immortal	نامیرا
deputy of Imam	نایب امام
deputy of the Real	نایب حقّ
deputy of God	نایب خدا
vegetative	نباتی
esoteric prophethood	نبوّت باطن (= نبوّت عامّه)
prophethood for verification	نبوّت تحقیق (= نبوّت عامّه)
prophethood for law-giving	نبوّت تشریع (= رسالت)
bound prophethood; special prophethood	نبوّت خاصّه (= رسالت)
general prophethood; non-delimited prophethood	نبوّت عامّه
apostle; messenger; prophet	نبیّ
deliverance; delivering; delivery;	نجات

redeeming; rescue; salvation	
salvation of the heart	نجات قلب
prosperity; salvation	نجاح
nobles; the noble	نجباء
noble	نجیب
philosophical schools; sects	نِحَل
schism	نِحله
arrogance; conceit	نخوت
like; match	نِدّ
call; calling; summons; voice	ندا
contrition; penitence; remorse	ندامت
	نَدَم ← ندامت
approximation; nearness; proximity	نزدیکی
descending; descent	نزول
descent of angels	نزول فرشتگان
descent of the Quran	نزول قرآن
relations; relationships	نِسَب (≠ عین وجود)
attribution; correlation; relation	نسبت
encompassing relation	نسبت احاطی
abrogation	نسخ
transmigration of spirit	نسخ روح
universal archetype; universal copy	نسخهٔ جامعه (= انسان)
forgetfulness	نسیان
breeze	نسیم
breeze of Paradise	نسیم بهشت

نسیم صبحگاهی	breeze of dawn
نشأه	being; configuration; course; formation; mode of being; realm
نشأهٔ اخروی	other-worldly mode of being
نشأهٔ ارواح	realm of being of spirits
نشأهٔ الاهی	Divine realm of being
نشأهٔ انسانیه	human realm
نشأهٔ جسمانیه	bodily realm
نشأهٔ دنیوی	worldly mode of being
نشأهٔ روح	mode of spirit
نشأهٔ طبیعت	mode of nature
نشأهٔ عقلی	intellectual mode
نصّ (= متن صریح)	definitive text; plain text
نصح	advice; counsel
نصوح [خداوند]	the Sincere
نصیب	allotted share; lot; portion; share
نصیحت	advice; counsel
نطق	rational faculty; speech
نظّار ← اهل نظر	
نظام	*harmonia*; hierarchy; order
نظر	gaze; glance
نظر (= ادرک)	perception
نظر (= توجّه)	attention; consideration; regard; regarding; speculation
نظر (= رأی)	opinion
نظر (= نگریستن)	gazing; glance; looking

vision of sense	نظر حسّ
visual sense	نظر حسّی
mercy-glance	نظر رحمت
gaze of intelligence	نظر عقل
gaze of grace	نظر عنایت
awe-inspiring gaze	نظر هیبت
order; orderliness	نظم
verse	نظم (≠ نثر)
attribute; characteristic; description; qualification; quality	نعت
benefaction; benefit; blessing; bliss; bounty; delight; Divine grace; favour; felicity; grace; happy worldly circumstances; kindness; prosperity	نعمت
esoteric blessing; inner blessing	نعمت باطنی
worldly bounty	نعمت دنیوی
exoteric blessing; outward blessing	نعمت ظاهری
bliss; bounty	نعیم
bounty of paradise	نعیم بهشت
passing blessing; transient bounty	نعیم فانی
running out	نفاد (= پایان)
having two faces; hypocrisy; insincerity	نفاق
inblowing	نفث
breaths; breezes	نفحات
breaths of Divine grace; exhalations of God's favours;	نفحات الطاف حقّ

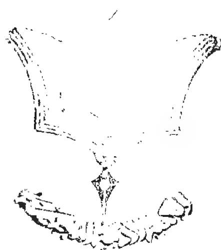
	exhalations of Divine grace
نفخ	blowing; breathing
نفخ الاهی	Divine breathing
نفخ روح	breathing of the spirit
نفخ صور	blowing of Trumpet; blowing on the Trumpet
نفخه	swelling
نفخهٔ خاصّ	unique breath
نَفْس	mind; psyche; soul
نفس آدمی	human psyche; human soul
نفس‌الامر	actual fact; self of the situation
نفس امّاره	appetitive soul; carnal soul; commanding soul; concupiscent soul; evil-prompting self; imperative soul; impulsive soul; insinuating self; soul that inspires evil; soul who orders
نَفْس (= خود)	carnal soul; ego; lower soul; self
نفس امّارهٔ به سوء	soul commanding evil
نفس انسان	soul of man
نفس انسانی	human soul
نفس بهیمه‌صفت	beast-like soul
نفس بهیمی	bestial soul
نفس جمادی	mineral soul
نفس حیوانی	animal soul
نفس روحانی	spiritual soul
نفس سَبُعی	savage soul

debased soul; lowly soul	نفس سُفلیٰ
concupiscent soul	نفس شهوی
oppressive soul	نفس ظالم
holy soul; sacred soul	نفس قدسی
anima mundi; soul of the world	نفس عالَم
practical soul	نفس عملی
irascible soul	نفس غضبی
Universal Soul	نفس کلّی
blaming soul; conscience; morally conscious soul; repentant self; reproachful soul; self-reproaching soul; soul who blames; the upbraiding soul	نفس لوّامه
perceiving soul	نفس مُدرِکه
appeased soul; peaceful soul; soul at peace; tranquil soul	نفس مطمئنّه
mineral soul	نفس معدنی
angelic soul	نفس مَلَکی
inspired soul	نفس مُلهَمه
rationally speaking soul; rational soul; thoughtful soul	نفس ناطقه
vegetable soul; vegetative soul	نفس نامیه
plant soul; vegetative soul	نفس نباتی
one soul; single soul; unique spirit	نفس واحده
Breath of the All-Merciful; Breath of the Clement; Breath of the	نَفَس الرّحمٰن

Compassionate; Breath of the Divine Compassion; Compassionate Sigh; Divine Sym-pathy; Sigh of the Compassionate	
Breath of Clemency; Breath of the Merciful	نَفَس رحمانی
animated; ego-centric; psychic; psychical	نفسانی
supererogatory	نَفْلی (= استحبابی)
souls of elemental bodies	نفوس اجسام عنصری
simple souls	نفوس بسیطه
souls of the fixed stars	نفوس ثوابت
individual souls; partial souls	نفوس جزئیه
celestial souls; heavenly souls	نفوس سماوی
souls of planets	نفوس سیّارات
souls of the Throne	نفوس عرش
souls of the elements	نفوس عناصر
holy souls; sacred souls	نفوس قدسیّه
souls of the Pen	نفوس قلم
souls of the Tablet	نفوس لوح
souls of the centres	نفوس مراکز
souls of ethereal centres	نفوس مراکز اثیری
souls of compound bodies	نفوس مرکّبات
souls of minerals	نفوس معادن
souls of simple bodies	نفوس مفردات
denial; negation	نفی (≠ اثبات)
negating stray thought	نفی خاطر

نفی خواطر	expulsion of astray thoughts; negation of astray thoughts
نقباء [آگاهان به ضمیر مردم]	chiefs; leaders
نقمت	vengeance
نقیب	chief ; leader
نکاح	marriage; sexual union
نکاح الاهی	Divine marriage
نکاح ساری (= نکاح مطلق)	immanent marriage
نکاح مطلق (= نکاح ساری)	absolute marriage
نکته	point
نگار	beloved; loved one; sweetheart
نگین	seal ring; seal stone
نمیمه	talebearing
نوافل	supererogatory prayers; supererogatory works
نوامیس ← ناموس	
نور	illumination; light; lustre
نور [خداوند]	the Light
نور اخضر	green light
نور اسفهبدی	signeurial light
نور اسود	black light
نورالله	God's light; Light of God
نور ایمان	light of faith
نور بی‌انتها	endless light; limitless light; unending light
نور تجلّی	light of self-revelation; light of theophany; light of unveiling

light of oneness; light of *tawḥîd*	نور توحید
delight of one's eye	نور چشم
distinct light; particular light; specific light	نور خاصّ
spiritual light	نور روحانی
light of spirituality	نور روحانیّت
light of happiness	نور سعادت
light of intellect; light of intelligence	نور عقل
dominant light; *lux victorialis*; victorial light; victorious light	نور قاهر
light of Muhammad; prophetic light	نور محمّدی
absolute light	نور مطلق
conditional light; delimited light	نور مقیّد
light of being	نور وجود
Light of Lights	نورالانوار
light of certitude	نوراليقين
luminous; shining	نورانی
luminosity	نورانیّت
luminosity of light	نورانیّت نور
light bestowing; light shedding	نوربخشی
nun	نون (= علم اجمالی)
highway; path	نهج
prohibition	نهی
deputation; deputyship	نیابت
Divine deputyship	نیابت الاهی
Divine vicarate	نیابت خدا
	نیّاتیّه ← رجال نیّت



نیاز (= حاجت)	need; needfulness; wanting
نیاز (= درخواست)	supplication (to God)
نیاز (= شکوه و درخواست)	complaining
نیاز (= طلب)	state of seeking
نیاز تمام	utmost expectancy
نیاز عاشق	lover's entreaty
نیازمند	in need; suppliant; wanting
نیّت	resolve; intention
نیّر	luminary; luminous
نیستی	annihilation; non-being; nonentity; non-existence; nothingness
نیک‌بخت	fortunate
نیک‌بختان	the blessed; the fortunate
نیکان	the good; the pious

و

incumbent; necessary	واجب
the Necessary	واجب [خداوند]
the Necessary Being through Himself	واجب بالذّات [خداوند]
necessary through the Other	واجب بالغیر
the Necessary Being	واجب‌الوجود [خداوند]
the Perceiver	واجد [خداوند]
man of ecstasy	واجد (= صاحب وجد)
the Nondual; the One; the Unique	واحد [خداوند]
the One\Unique	واحدِ احد [خداوند]
One\many	واحدِ کثیر
oneness; unicity	واحدیّت
valley of right hand; *Wâdî Ayman*	وادی ایمن
valley	وادی [گذرگاه دشوار در سیر و سلوک]
the Heir; the Inheritor	وارث [خداوند]
Divine influence; inrush; inspiration	وارد

وارد حقّ	Divine influence; Divine inspiration
واردِ قهر	inspiration of wrath
واردِ لطف	inspiration of grace
واردات	inspirations
واردات الاهی	Divine influences; Divine inspirations
واردات روحانی	spiritual inrushes; spiritual inspirations
واردات غیبی	intimations from the Unseen world
واردات قلبی	inspirations of the heart; knowledge received by the heart
واسع [خداوند]	the All-Embracing; the Vast One
واصل	one who has attained union
واصل شدن	to attain union
واصلان	men of union; those who reached the union
واعظ	admonisher; orator; preacher
واقعهٔ غیبی	event of the unseen world; vision deriving from the Unseen
واقفان (= از سیر و سلوک بازمانده)	fatigued travellers
والِه (= سرگردان در بحر وحدت)	enraptured; love-mad
والی [خداوند]	the Lord
واهب [خداوند]	the Bestowing; the Donator
واهب‌الصُوَر [خداوند]	the Giver of forms
وتر [خداوند]	the Single
وتر (≠ شفع)	odd; single
وتریّت	oddness; singleness
وجد	ecstasy; ecstatic state; ecstatic yearning;

	enthusiasm; finding; rapture; trance
وجد و سماع	ecstasy and music; ecstasy and spiritual concert
به وجد آمدن	enrapture; to be enraptured; to be in ecstasy
وَجَل (= مرتبه‌ای از خوف)	quaking; tremble
وجوب (≠ امکان)	necessity
وجود	being; existence; finding; *wujûd*
وجود حادث	temporally originated being
وجود حقیقی	true being
وجود خیالی	imaginal existence
وجود ذاتی	essential existence
وجود رابطی	inhering existence; relational existence
وجود صرف	Absolute Being; Pure Being
وجود صوری	formal existence
وجود ظلّی	participated being; shadowy being
وجود عاریتی	borrowed existence; *wujûd* on loan
وجود عامّ	all-inclusive being
وجود علمی	mental existence
وجود عنصری	elemental existence
وجود عینی	concrete existence; entified existence; individual existence
وجود قدیم	Eternal Being
وجودِ للحق	existence before God
وجود متعیّن	determined existence
وجود مثالی	imaginal existence

figurative being; metaphorical existence	وجود مجازی
Absolute Being; pure being	وجود محض
verified existence	وجود محقّق
Absolute Being	وجود مطلق
countenance; face; dimension	وجه
sense	وجه (= معنا)
face of properties	وجه احکام
face of specification	وجه اختصاص
specific face	وجه اخصّ
Face of God; God's Countenance; God's Face	وجهالله
inner dimension; inward face	وجه باطنی
actual face	وجه حاصل
Divine Face	وجه حقّ
face of manifestation	وجه ظهور
shared aspect; shared face	وجه مشترک (≠ وجه اخصّ)
Absolute Unity; Divine Unity; Oneness; Unicity; Unicity of God; Uniqueness; Unity	وحدانیّت
oneness; singleness; solitude; unicity; uniqueness; unity	وحدت
expansive unity	وحدت انبساطی
unity of the same type	وحدت سنخی
unity of witness	وحدت شهود
Absolute Oneness	وحدت مطلقه
Oneness of Being; One-ness of	وحدت وجود

	Existence; Oneness of Finding; Oneness of Reality; transcendent unity of Being; Unicity of Being; Unity of Being; Unity of Existence; Unity of Finding
وحشت (≠ انس)	dread
وحی	revelation
وحید	alone; one; solitary
وُدّ	affection; charity; love
ودود [خداوند]	the Loving
وراثت	heredity; inheritance
ورای طور عقل	beyond the stage of reason
وِرْد	invocation; litany; rosary
ورطه	abyss; pitfall
ورطهٔ هایل شبهات	awesome chasm
ورطهٔ هلاک و مزلّات	abyss of destruction and errors
وَرَع	abstinence; devoutness; piety and godliness; religious scruple; scruple; scrupulosity; timidness
ورقاء ← نفس کلّی	
ورود	arrival
وساوس شیطانی ← وسوسهٔ شیطانی	
وساوس نفسانی ← وسوسهٔ نفسانی	
وسواس	diabolic suggestion; distracting thought; insinuation; temptation
وسواسی	meticulous
وسوسه	prompting; suggestion; temptation;

	whispering
وسوسهٔ شیطانی	demonical suggestion; satanic whispering; suggestion of the devil; temptation of Satan
وسوسهٔ نفسانی	temptation of the soul
وصال	arrival; communion; conjunction; union
وصف الاهی (≠ وصف کیانی)	Divine description
وصف کیانی (≠ وصف الاهی)	cosmic description
وصف نفسی	attribute of self; description of self
وصل	attachment; joining; reaching; union
وصلت	marriage; union
وَصْمَت حدوث	stamp of createdness
وصول	arrival; attainment; conjunction; junction; union; uniting
وصول الی‌اللّه ← وصول به خدا	
وصول به حقّ	arriving at God; reaching God
وصول به خدا	being united with God; union with God
وصول به عالم یقین	reaching the realm of certainty
وضع	condition; convention
وضع علّت	establishing the cause
وضعی	by convention; conventional
وطن	home; nation; original abode
وطَنات	Divine meanings
وعاءاللّه ← قلب	
وعد	promise
وعظ	advice; exhortation; preaching; sermon

وعید	admonishment; menace; severe warning; threat; threatening; threat of punishment
وفا	faith; faithfulness; fidelity; loyalty
وفاداری	fidelity; loyalty
وفیّ [خداوند]	the Faithful
وقار	dignity
وقایه ← حفظ	
وقت	moment; momentary experience; occasion; spiritual state; time
وقفه	interval; stop
وقوف	stopping
وکیل [خداوند]	the Advocate; the Trustee
ولاء	patronage; relationship of client and patron
ولایت	attending; guarding; initiative power; jurisdiction; kingdom
ولایت (= حکومت)	governorship
ولایت (= دوستی)	friendship
ولایت (= ولیّ بودن)	authority; guardianship; sainthood; saintliness; sanctity; spiritual ministry
ولایت الاهی	Divine friendship; Divine guardianship
ولایت باطنی	esoteric guidance; inner sanctity; inner spiritual power
ولایت خاصّه	special sainthood; specific saintship
ولایت شمسیّه	solar sainthood
ولایت عامّه	general guardianship; general sainthood;

general saintship	
lunar sainthood; lunar saintship	ولایت قمریّه
universal sainthood	ولایت کلیّه
Muhammadan sainthood; Muhammadan saintship; Muhammadan sanctity	ولایت محمّدی
absolute sainthood	ولایت مطلقه
spiritual child	ولد معنوی
love-madness; passionate longing; rapture	وَلَه (= شوریدگی از سر عشق)
guardian; patron	ولیّ (= حافظ)
the Patron	ولیّ [خداوند]
close disciple; friend	ولیّ (= دوست)
holy man; saint	ولیّ (= مرد خدا)
friend of God	ولیّ‌اللّه (= دوست خدا)
saint of God	ولیّ‌اللّه (= مرد خدا)
the All-Bestower; the Bountiful; the Giver	وهّاب [خداوند]
conception; conjectural faculty; conjecture; fancy; fantasy; illusion; perception; stray thought	وهم

هـ

heavenly voice; invisible messenger supernatural voice; voice from heaven; voice from the Unseen	هاتف (= منادی حقّ)
messenger of felicity	هاتف سعادت
	هاجس ← هواجس
the Guide; the Guiding	هادی [خداوند]
annihilated; perishing	هالک
dangerous; fearful; horrible; horrific; terrible	هایل
Dust; dust cloud	هباء (= عنقاء)
coming down; descent; fall; falling; going down	هبوط
Divine bestowal; Divine gift	هبۀ الاهی
absence; separation	هجران
emigration; flight; immigration; migration	هجرت
constant invocation	هِجّیر (= ذکر مداوم)
direction; guidance; right guidance	هدایت

هدایت الاهی	Divine direction; Divine guidance; God's guidance
هدایت تشریعی	legal guidance; revealed guidance
هدایت تکوینی	cosmic guidance; creational guidance; formative guidance
هدایت خاصّه	special guidance; specific guidance
هدایت عامّه	general guidance
هدم دین	downfall of religion
هدهد	hoopoe
هدیٰ ← هدایت	
هسته (≠ پوسته)	core; kernel; pith
هستی	being; existence
هستی حقیقی	true being
هستی مجازی	figurative being; metaphorical being
هفت آسمان	seven heavens; seven skies
هفت شهر عشق	Seven Cities of Love
هلاک	destruction
هلاکت	perishing; perishment
هلال	crescent moon
همّ	aspiration; attention; concern
هم‌نشین	friend; sibling
همّت	ardour; aspiration; concentration; concentration of the heart; decisive force; endeavour; *enthymesis*; exertion; fervour; force of spiritual decision; high aspiration; high resolve; holy aspiration; resolve;

	spiritual ambition; spiritual aspiration; spiritual energy; spiritual will; will
همّت عالی	lofty aspiration; lofty resolution
همدم	fellow- companion
همدمی	con-spiration; sympathy; *sympathetica*
همدمی با خدا	*devotio sympathetica*; Divine sympathy
همنشین	fellow-sitter
هو	He
هُوَ لاهو	He\not He
هوا ← هویٰ	
هواجس (= وسوسه‌ها)	urgings; whisperings
هواجس نفسانی	urgings of the soul; whisperings of the soul
هوای متّبع	passion pursued; vehement passion
هوای نفس	lust; sensual passion; whim of the soul
هوای می	desire for wine
هوای وصال	desire for union
هوس	caprice; desire; greediness; lust
هوشیار	sensible
هویٰ	animal desire; caprice; concupiscence; desire; desire of flesh; indulgence; low desire; lust; passion; pleasure; self-will; sensual affection; sensual passion; vain desire
هویّت	He-ness; identity; Ipseity; it-ness
هویّت غیبیّه	hidden Ipseity

هیئت	countenance; form; guise; mode; state
هیاکل نوریّه	luminous frames; luminous temples
هیبت	apprehension; awe; awesomeness; awfulness; dread; reverent awe; veneration
هیبةالرّحمٰن	Awe of the Compassionate
هیکل	frame; temple
هَیَمان (= شیفتگی و حیرانی در تلاطم امواج وجود)	wander lust
هیولای اولیٰ	First Hylé; prime matter
هیولای کلّ (= حقیقت محمّدی)	Universal Hylé
هیولیٰ	hylé; matter

ی

anamnesis; recollection	یادآوری
beloved; friend	یار
beloved ones; companions; friends	یاران
friends of the Path	یاران طریقت
despair	یأس
emerald	یاقوت
ruby	یاقوت احمر
yellow ruby	یاقوت اصفر
Gog and Magog	یأجوج و مأجوج
receiving hand	ید سُفلیٰ
giving hand	ید عُلیا
God's Hand; Hand of Allah; Hand of God	یداللّه
awakeness; awakening; vigilance; wakefulness; waking	یقظه
assurance; certain knowledge; certainty; certitude; conviction;	یقین

firm faith; (intuitive) certainty; unshakable faith in God	
Oneness; Unity	یگانگی [خداوند]
favour	یُمن
fountains of wisdom	ینابیع حکمت
Day of Coming together	یوم‌الجمع
Day of Exposure	یوم‌العرض
Day of Differentiation	یوم‌الفصل
Day of Upstirring	یوم‌النشر
Day of God	یوم‌اللّه

اسماء و صفات الاهی

the Last	آخِر
the Alone; the One; the Unique	اَحَد
the Great; the Greatest	اکبر
the Most Generous of the generous	اکرم الاکرمین
the First	اوّل
the Worthy of pious fear	اهل تّقوی
the Worthy of pardon	اهل مغفرت
the Author; the Creator; the Maker; the Producer	باری
the Donator; the Extender; the Open-Handed; the Outspreader	باسط
the Concealed; the Hidden; the Inward; the Occult	باطن
the Resurrector	باعث
the Abiding; the Enduring; the Everlasting; the Immortal; the Permanent; the Subsistent	باقی

the Incomparable; the Innovator	بدیع
the Righteous	برّ
the All-Seeing; the Clairvoyant; the Seeing; the Seer	بصیر
the Distant	بعید
the Acceptor of repentance; the Relenter; the Relenting	توّاب
the Appointer; the Maker	جاعل
the Gatherer	جامع
the All-Dominating; the All-Powerful; the Almighty; the Awful; the Compelling; the Overbearing; the Overpowering Sovereign	جبّار
the Disclosed	جلیّ
the Majestic	جلیل
the Beautiful	جمیل
the Generous; the Munificent	جواد
the Reckoner	حاسب
the Present	حاضر
the Guardian; the Preserver	حافظ
the Conditioner; the Dominant; the Judge; the Ruler	حاکم
the Beloved; the Friend	حبیب
the Reckoner	حسیب
the Guardian	حفیظ
Divinity; God; *Ḥaqq*; the Real (One);	حقّ

the True; the Truth	
the Arbitrator; the Judge	حَكَم
the All-Wise; the Wise	حكيم
the Clement; the Gentle	حليم
the Laudable; the Praiseworthy	حميد
the Compassionate	حنّان
the Alive; the Eternally Living; the Ever-Living; the Life; the Living; the Living One	حيّ
the Abaser; He-Who-Puts-Down	خافض
the Creating; the Creator	خالق
the Aware; the Informed	خبير
the Hidden	خفيّ
the Ever-Creating	خلاّق
the Good; the Goodness	خير
the Best of the deceivers	خيرالماكرين
the Everlasting; the Lasting	دائم
the Guide; the Indicator	دليل
the Retributer	ديّان
Lord of Splendor; the Majestic; the Possessor of Glory; the Possessor of Majesty	ذوالجلال
the Merciful	راحم
the Nourisher; the Nourishing; the Provider	رازق
the Exalter	رافع
the Guardian Lord; the Lord; the Master	ربّ

رحمٰن	the All-Compassionate; the All-Good; the All-Merciful; the Clement; the Compassionate; the Infinitely Merciful; the Merciful
رحیم	the Compassionate; the Merciful; the Mercy-Giving; the Most Merciful
رزّاق	the All-Provider; the Provider; the Sustainer
رشید	the Guide to the Right Path
رفیع	the Lofty; the Up-lifter
رفیع‌الدّرجات	the Up-lifter of degrees
رقیب	the Surveyor; the Vigilant; the Watcher; the Watchful
رؤوف	the Affectionate; the Clement; the Kind
سامع	the Hearing; the Listener
سبّوح	the Glorified
ستّار	the Concealer of sins
سخیّ	the Generous
سریع‌الحساب	the Swift in reckoning
سریع‌العقاب	the Swift in punishing
سلام	the Peace; the Source of Peace
سلطان	the Authority; the Majesty; the Witnesser
سمیع	the Hearer; the Hearing
سیّد	the Lord
شافی	the Cure-Giver; the Healer
شاکر	the Grateful

the Witness; the Witnesser	شاهد
the Terrible in Punishment; the Terrible in Tribulation	شدیدالعذاب
the Terrible in Punishing	شدیدالعقاب
the Grateful; the Rewarder	شکور
the Witness	شهید
the Truthful	صادق
the Maker	صانع
the Patient	صبور
the All-Rich; the Besought of all; the Constant; the Eternal; the Everlasting Refuge; the Immovable; the Impenetrable; the Impermeable; the Recourse	صمد
the Harmer	ضارّ
the Apparent; the Exterior; the Manifest; the Manifested; the Outward	ظاهر
the Just	عادل
the Knower; the Knowing; the Omniscient	عالِم
the Elevated; the Eminent	عالی
the Exalted; the Glorious; the Inaccessible; the Loved; the Mighty; the Powerful; the Precious; the Strong; the Unattainable	عزیز
the Sympathetic	عطوف
the Glorified; the Great; the Mighty; the Tremendous	عظیم

the All-Pardoning; the Most Pardoning	عَفُوّ
the Ever-knowing of absent things	علاّم‌الغیوب
the All-High; the All-Highest; the Exalted; the Great; the Highest; the Supreme	علیّ
the All-Knowing; the Knower; the Knowing; the Omniscient	علیم
the Nourisher	غاذی
the Forgiver of sin	غافرالذّنب
the All-Concealing; the All-Forgiving; the Forgiver	غفّار
the Concealing; the Forgiving; the Indulgent; the Pardoner	غَفُور
the Rich	غنیّ
the Overpowering	فائق
the Originator	فاطر
the Splitter	فالق
the Arbiter; the Conqueror; the Reliever	فتّاح
the Single; the Solitary; the Unique	فرد
the Absolute Author of action; the Active	فعّال
the Doer of whatever He wills	فعّال ما یَشاء
the Speaker	قائل
the Gripper; the Restrainer	قابض
the Acceptor of repentance	قابل‌التّوب
the Omnipotent; the Powerful	قادر
the Conqueror; the Dominant; the Dominator; the Overpowerer;	قاهر

the Ruler; the Subjugating; the Triumphant	
the All-Holy; God the Holy; the Holy; the Most Holy; the Most Sacred	قُدّوس
the Mighty; the Omnipotent; the Powerful	قدیر
the Ancient; the Eternal; the Everlasting; the Pre-eternal	قدیم
the Near; the Very Near One	قریب
the All-Powerful; the Most Strong; the Strong	قویّ
the All-Subjugating; the Conquering; the Invincible; the Omnipotent; the Overwhelming; the Subduer; the Victorious	قهّار
the Abiding	قیّم
the Almighty; the Eternal; the Ever-Standing; the Immutable; the Self-Abiding; the Self-Existent; the Self-Subsistent; the Subsistent	قیّوم
the All-Great; the Great	کبیر
the Generous	کریم
the Gracious; the Subtle	لطیف
the Deferrer	مؤخّر
the Sublime	ماجد
the Effacer	ماحی
the Monarch; the Possessor;	مالک

the Ruler; the Sovereign	
Kingdom-Possessing; the King of the Kingdom	مالک‌المُلک
the Withholder	مانع
the Author; the Creator	مبدِع
the Commencer; the Originator	مُبدئ
the Clarifier	مبیِّن
the Indulgent	متجاوز
the Self-Discloser	متجلّی
the Most High; the Self-Exalter; the Self-High; the Transcendent	متعالی
the Justly Proud; the Magnificent; the Proud; the Self-Great	متکبّر
the Speaker; the Speaking	متکلّم
the Firm	متین
the Establisher	مُثبِت
the Answerer; the Assenter	مجیب
the Beneficent	محسن
the All-Encompassing; the Encompasser; the Encompassing; the Sovereign	محیط
the Bestower of life; the Life-Bestowing; the Life-Giver	مُحیی
the Free	مختار
the Governing; the Governor	مدبّر
the Abaser; the Humiliator	مُذلّ
the Examiner	مراقب

the Director; the Guide	مرشد
the Desirous; the Willing	مُرید
the Remover	مزیل
the Author of all causes; the Causer of secondary causes; the Occasioner of the occasions	مسبّب‌الاسباب
the Creator; the Fashioner; the Formator; the Former; the Form-Giving; the Shaper	مصوِّر
the Misguider	مضلّ
the Forgiver	معافی
the Punisher	معاقِب
the Adorable; the Worshipped	معبود
the Empowerer; the Exalter	مُعزّ
the Giver	معطی
He-Who-Brings-Back; the Restorer	مُعید
the Helper	مُعین
the Enricher	مُغنی
the Reliever; the Saviour	مغیث
the Differentiator; the Distinguisher	مفصِّل
the Bounteous	مفضِّل
the Omnipotent; the Potent	مقتدر
the Fortune-Giver; the Ordainer; the Sole Predestinator	مقدِّر
the Advancer	مقدِّم
the Just	مقسط
the Turner of the hearts	مقلّب‌القلوب

the Food-Giver	مقیت
the Forbearer; the Raser	مقیل
God as Bestower of being	مکوِّن
the Engenderer of secondary causes	مکوِّن‌الاسباب
the King; the Sovereign	مَلِک
the Rich	مَلیّ
the Omnipotent King	ملیک مقتدر
the Retainer	مُمسک
the Death-Giver; the Giver of Death; the Slayer	مُمیت
the Benevolent; the Favourer	منّان
the Avenger; the Vengeful	منتقم
the Configurer; the Originator	مُنشِئ
the Benefactor; the Blesser; the Blessing-Giver; the Dispenser	مُنعِم
the Unequalled; the Unique	منفرد
the Dispenser	منیل
the Existence-Giver; the Giver of existence	موجِد
the Uniter	موصل
the Named	موصوف
the Lord; the Master; the Patron	مولیٰ
the Affrighter	مهیل
the Guardian; the Protector; the Vigilant	مهیمن
the Helper; the Victorious	ناصر
the Benefiter	نافع
the Sincere	نصوح

the Light	نور
the Necessary	واجب
the Necessary Being	واجب‌الوجود
the Perceiver	واجد
the Nondual; the One; the Unique	واحد
the Heir; the Inheritor	وارث
the All-Embracing; the Vast One	واسع
the Lord	والی
the Bestower; the Donator	واهب
the Giver of forms	واهب‌الصُوَر
the Single	وتر
the Lover; the Loving	ودود
the Faithful	وفیّ
the Advocate; the Trustee	وکیل
the Patron	ولیّ
the All-Bestower; the Bountiful; the Giver	وهّاب
the Guide; the Guiding	هادی

فهرست منابع و مآخذ

الف ـ منابع عمومی

1 – ***The Encyclopedia of Islam***, New Edition, (Leiden, E. J. Brill, 1986).

2 – Netton, Ian Richard, ***A Popular Dictionary of Islam***, (London: Curzon Press, 1992).

3 – Ibn-i-Khaldûn, ***The Muqaddimah; An Introduction to History***, vol. 3, Trans. by Rosenthal, Franz, (New York: Pantheon Books, 1958).

4 – Merriam-Webster INC., ***Webster´s Third New International Dictionary of the English Language Unabrided***, 3 vols. (Chicago: Encyclopedia Britannica, INC, 1986).

5 – Patrick Hughes, Thomas, ***Dictionary of Islam***, (New Delhi: Cosmo Publications, 1978).

۶ – اکبری، محمّدتقی و ... (ویراستهی بهاءالدّین خرّمشاهی)، ***فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدّن اسلامی*** (فارسی ـ انگلیسی)، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اوّل، ۱۳۷۱.

۷ – اکبری، محمّدتقی و ... (ویراستهی بهاءالدّین خرّمشاهی)، ***فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدّن اسلامی*** (انگلیسی ـ فارسی)، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اوّل، ۱۳۷۲.

۸ – البَعلبَکي، الدکتور روحي، ***المورد*** (قاموس عربي ـ انكليزي)، بيروت، دارالعلم للملايين، الطبعة العاشرة، ۱۹۹۷.

۹ – المالكي، د. عبدالله أبو عشي و الشيخ إبراهيم، د. عبداللطيف، ***معجم المصطلحات الدينية*** (عربي ـ إنجليزي، إنجليزي ـ عربي) الرياض، مكتبة العبيكان، الطبعة الثانية، ۱۴۱۸ هـ / ۱۹۹۷ م.

۱۰ – مشیری، مهشید، **فرهنگ زبان فارسی** (الفبایی ـ قیاسی)، تهران، انتشارات سروش، چاپ سوّم، ۱۳۷۴.
۱۱ – معین، دکتر محمّد، **فرهنگ فارسی**، تهران، مؤسّسهٔ انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۹.

ب ـ منابع تخصّصی

12 – Utas, Bo, ***A Persian Sufi Poem: Vocabulary and Terminology***, (London: Curzon Press, 1978).
13 – Al-Qâshânî, 'Abd al-Razzâq, ***A Glossary of Sufi Technical Terms***, trans. from the Arabic by Dr. Nabil Safwat, (The Sufi Trust, 1991).
۱۴ – کامل، فؤاد، **قاموس المصطلحات الصوفيّة** (عربی – فرنسی – انجلیزی)، الطبعة الأولی، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۳ هـ – ۱۹۹۳ م.
15 – Ahmed Sherif, Mohammed, ***Ghazâlî's Theory of Virtue***, (Albany: State University of New York Press, 1975).
16 – 'Alî Ibn Abî Ṭâlib (A. S.), ***Supplications*** (***Du'â***), trans. by William C. Chittick, (Qum: Ansariyan Publications).
17 – 'Aṭṭâr, Farîd al-Dîn, ***Muslim Saints and Mystics***, (***Tadhkirat al-Auliyâ'***), trans. by A. J. Arberry, (London: Routledge and Kegan Paul, 1966).
۱۸ – عطّار نیشابوری، فریدالدین، **تذکرةالأولیاء**، (با استفاده از نسخهٔ نیکلسُن، با مقدّمهٔ مرحوم قزوینی)، چاپ سوّم، تهران، انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۷۵.
19 – --------- ***The Ilâhî-Nâma*** or ***Book of God***, trans. by Boyle, John Andrew, (Manchester University Press, 1976).
۲۰ – عطّار نیشابوری، فریدالدین، **الاهی‌نامه**، تصحیح: فؤاد روحانی، تهران، انتشارات زوّار، چاپ سوّم، ۱۳۵۹.
21 – --------- ***The Conference of the Birds***, trans, by C. S. Nott, Routledge and Kegan Paul Ltd London, 1974.
۲۲ – عطّار نیشابوری، فریدالدین، **منطق‌الطیر**، تصحیح و شرح: دکتر کاظم دزفولیان، تهران، انتشارات طلایه، ۱۳۷۸.
23 – Al-Ghazzâlî, Aḥmad, ***Sawâniḥ***, ***Inspirations from the***

World of Pure Spirits, trans. by Naṣrollâh Pourjavâdy, (London: K. P. 1, 1986).

۲۴ – الغزالي، احمد، ***السوانح***، به تصحیح: هلموت ریتر، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.

25 – Al-Ghazzâlî, Abû Ḥâmid Muḥammad, ***The Duties of Brotherhood in Islam,*** (from ***Iḥyâ 'Ulûm al–Dîn***), trans. by Mukhtar Holland, (Great Britain: The Islamic Foundation, 1983).

26 – --------- ***Inner Dimensions of Islamic Worship,*** (from ***Iḥyâ 'Ulûm al-Dîn***), trans. by Mukhtar Holland, (Great Britain: The Islamic Foundation, 1986 / 1406 A.H.).

27 – --------- ***Iḥyâ 'Ulûm al-Dîn,*** 4 vols., trans. by Maulânâ Fazlul Karîm, (New Delhi: Kitab Bhavan, 1982).

۲۸ – الغزالي، ابوحامد محمّد، احیاء علوم‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة.

۲۹ – --------- ابوحامد محمّد، ***احیاء علوم‌الدین***، ترجمهٔ مؤیّدالدین محمّد خوارزمی، به‌کوشش حسین خدیو جم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۳ ج، چاپ سوّم، ۱۳۷۲.

30 – Al-Hujwîrî al-Jullâbî, 'Alî B. Uthmân, ***Kashf al-Maḥjûb,*** the oldest Persian treatise on Sufism, trans. by Reynold Alleyne Nicholson, (London: Luzac, 1976).

۳۱ – هُجویری غزنوی جُلّابی، ابوالحسن علی بن عثمان، ***کشف المحجوب***، به کوشش: دکتر محمّد حسین تسبیحی لاهور، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۴ ش / ۱۴۱۶ ق.

32 – Al-Niffarî, Muḥammad ibn 'Abdi 'l-Jabbâr, ***The Mawâqif and Mukhâṭabât,*** trans. by Arthur John Arberry, (London: Cambridge University Press, 1935).

۳۳ – النِّفَّري، محمّد بن عبدالجبار بن الحسن، ***کتاب المواقف*** و یلیه ***کتاب المخاطبات***، بعنایة و تصحیح و اهتمام: أرثر یوحنّا أربري، القاهرة، مطبعة دارالکتب المصریة، ۱۹۳۴.

34 – Al-Râzî, Najm al-Dîn, ***The Path of God's Bondsmen*** (***Merṣâd al-'Ebâd***), trans. by Hâmid Algar, (New York, Caravan Books, 1982).

۳۵ – رازی، نجم‌الدین، **مرصادالعباد**، به اهتمام: دکتر محمّد امین ریاحی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۴.

36 – Al-Sarrâj al-Tûsî, Abû Naṣr 'Abdallâh B. 'Alî, ***The Kitâb al-Luma' Fi'l Taṣawwuf,*** edited with critical notes, abstract of contents, glossary and indices by Reynold Alleyne Nicholson, (Leyden: Brill, 1914).

۳۷ – السرَّاج الطوسي، أبونصر عبدالله بن علي، ***كتاب اللّمع في التصوّف***، تهران، انتشارات جهان، افست از چاپ مطبعة بريل، ليدن، ۱۹۱۴.

38 – 'Alî ibn Ḥusayn, Zayn al-'Âbidîn (A. S.), ***The Psalms of Islam (Al-Ṣaḥîfat al-Sajjâdiyya),*** trans. by William C. Chittick, (Qum: Ansariyan Publications).

۳۹ – علی بن الحسین، الامام زین‌العابدین (ع)، ***الصحیفة السجّادیّة***، تحقیق: الاستاذ کاظم مدیر شانه‌چی، مشهد، مجمع‌البحوث الإسلامیّة، ۱۳۷۱.

40 – Al-Gîlânî, 'Abdul Qâdir, ***Futûḥ al-Ghaib*** (***The Revelations of the Unseen***), trans. by M. Aftâb-ud-dîn Aḥmad, (Lahore: Sh. Muahmmad Ashraf, 1973).

۴۱ – الجيلاني الحسني، الشيخ عبدالقادر، ***فتوح الغيب***، الطبعة الثانية، بيروت، دار الألباب، ۱۴۱۳ / ۱۹۹۲.

42 – Ibn al-'Arabî, ***The Wisdom of the Prophets*** (***Fuṣûṣ al-Ḥikam***), trans. from Arabic to French with notes by Titus Burckhartdt and trans. from French to English by Angel Culme-Symour, (Beshara Publications, 1975).

43 – --------- , ***The Bezels of Wisdom*** (***Fuṣûṣ al-Ḥikam***), trans. by R. W. J. Austin, (Lahore: Suhail Academy, 1988).

۴۴ – ابن‌العربی، الشیخ الأکبر محیی‌الدین، ***فصوص الحکم***، التعلیق: ابوالعلاء عفیفی، تهران، مکتبة‌الزهراء، ۱۳۶۶ ش.

45 – Ibn 'Aṭâ'illâh, ***Sufi Aphorisms*** (***Kitâb al-Ḥikam***), trans. by Victor Danner, foreword by Martin Lings, (Leiden: E. J. Brill, 1973).

۴۶ – السرَّاج الطوسی، أبونصر عبدالله بن علی، ***کتاب الحِکَم***

47 – Al-Kalâbâdhî, Muḥammad Ibrâhîm, ***The Doctrine of the Sufis*** (***Kitâb al-Ta'arruf li-Madhhab Ahl al-Taṣawwuf***), trans.

by A. J. Arberry, (London: Cambridge University Press, 1977).

۴۸ – الکلاباذي، ابوبکر محمّد، ***التعرّف لمذهب أهل التصوّف***، تحقيق: الدکتور عبدالحليم محمود و طه عبدالباقي سُرور، تهران، مؤسسة النصر، افست از چاپ قاهرة ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۰ م.

49 – Nâsir-i Khusrow, ***Forty Poems from the Dîvân,*** trans. by Peter Lamborn Wilson and Gholâm–Rezâ A'avânî, (Tehran: Iranian Academy of Philosophy, 1977).

50 – Nicholson, Reynold A., ***The Mathnawî of Jalâluddîn Rûmî***, volume VII, containing the commentary on the 3th to 6th books, with indices to volumes VII and VIII, (Cambridge University Press, 1940).

۵۱ – رومی، جلال‌الدین محمّد بن محمّد بن الحسین، **مثنوی معنوی**، تصحیح: رینولد ای. نیکلسون، به اهتمام دکتر نصراللّه پورجوادی، تهران، ۱۳۶۳.

52 – Al-Suhrawardî, Abû al-Najîb, ***A Sufi Rule for Novices*** (***Kitâb 'Âdâb al-Murîdîn***), trans. by Menahem Milson, (London: Harvard University Press, 1975).

۵۳ – السهروردي، ابوالنجيب عبدالقاهر، ***کتاب آداب المريدين***، تحقيق و تقديم: مناحم ميلسون، القدس، معهد الدراسات الآسيوية و الإفريقية، الجامعة العبرية في أورشليم، ۱۹۷۷.

۵۴ – السهروردی، ضیاء الدین ابوالنجیب، ***آداب المریدین***، ترجمان: عمر بن محمّد بن احمد شیرکان، با تصحیحات و استدراکات نجیب مایل هروی، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۳ هـ ش.

55 – Takeshita, Masataka, ***Ibn 'Arabî's Theory of the Perfect Man and its Place in the History of Islamic Thought,*** (Tokyo: Institue For the Study of Languages and Cultures of Asia and Africa, 1987).

56 – Schimmel, Annemari, ***The Triumphal Sun*** (***A Study of the Works of Jalâluddîn Rûmî***), (London: Fine Books, 1978).

57 – --------- ***Mystical Dimensions of Islam***, (Chapel Hill: the University of North Carolina Press, 1976).

58 – Nasr, Seyyed Hossein, ***Ideals and Realities of Islam***, New

Revised Edition, (Chicago: ABC International Group, Inc., 2000).

59 – --------- ***Ṣadr al-Dîn Shîirâzî and His Transcendent Theosophy; Background, Life and Works***, (Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies, 1997).

60 – --------- ***Islam and the Plight of Modern Man***, Revised and Enlarged Edition, (Chicago: ABC International Group, Inc., 2000).

61 – Palmer, E. H. ***Oriental Mysticism***, (London: Frank Cass and col, 1969).

62 – Chittick, William, C., ***The Self-Disclosure of God: Principles of Ibn al-'Arabî's Cosmology***, (Albany: State University of New York Press, 1998).

63 – --------- ***Imaginal Worlds***, (Albany, State University of New York Press, 1994).

64 – --------- ***The Sufi Path of Knowledge***, (Albany: State University of New York Press, 1989).

65 – --------- ***The Sufi Path of Love, The Spiritual Teaching of Rûmî***, (Albany: State University of New York Press, 1983).

66 – Sachiko, Murata and William C. Chittick, ***The Vision of Islam***, (New York: Paragon House, 1994).

67 – Corbin, Henry, ***Creative Imagination in the Sufism of Ibn 'Arabî***, trans. from the French by Ralph Manheim, (Princeton: State University of Princeton, 1969).

68 – Spencer, J. ***The Sufi Orders in Islam,*** (Oxford University Press, 1971).

69 – Wilson, Lamborn Peter and, Pourjavâdy, Nasrollâh, ***The Drunken Universe***; ***An Anthology of Persian Sufi Poetry*** (translation), (U. S. A.: Phanes Press, 1987).

70 - Palmer, E. H., ***Oriental Mysticism***, (London: Frank Cass and Col, 1969).

۷۱ - ابن العربی، الشیخ الأکبر محیی الدین، ***الفتوحات المکّیّة***، تحقیق و تقدیم: د. عثمان یحیی، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۹۹۴.

Bibliography

Willing, the	مُريد
Wise, the	حكيم
Withholder, the	مانع
Witnesser, the	شاهد، شهيد
Witness, the	شاهد، شهيد
Worthy of pardon, the	اهل مغفرت
Worthy of pious fear, the	اهل التّقوى

Swift in punishing, the	سريع العقاب
Swift in reckoning, the	سريع الحساب
Sympathetic, the	عطوف
Terrible in Punishing, the	شديدالعقاب
Terrible in Punishment, the	شديدالعذاب
Terrible in Tribulation, the	شديدالعذاب
Transcendent, the	متعالى
Tremendous, the	عظيم
True, the	حقّ
Trustee, the	وكيل
Truth, the	حقّ
Truthful, the	صادق
Turner of hearts, the	مُصرّف القلوب، مقلّب القلوب
Unattainable, the	عزيز
Unequalled, the	منفرد
Unique, the	اَحَد، منفرد، واحد
Uniter, the	موصل
Up-lifter, the	رفيع
Up-lifter of the degrees, the	رفيع الدّرجات
Vast One, the	واسع
Vengeful, the	منتقم
Veritable Reality, the	حقّ حقيق
Very Near One, the	قريب
Victorious, the	قهّار
Vigilant, the	رقيب، مهيمن
Watcher, the	رقيب
Watchful, the	رقيب

Seer, the	بصير
Self-Abiding, the	قيّوم
Self-Discloser, the	متجلّى
Self-Exalter, the	متعالى
Self-Existent, the	قيّوم
Self-Great, the	متكبّر
Self-High, the	متعالى
Shaper, the	مصوِّر
Sincere, the	نصوح
Single, the	فرد، وتر
Slayer, the	مُميت
Sole Predestinator, the	مقدِّر
Solitary, the	فرد
Source of Peace, the	سلام
Sovereign, the	سلطان، مالک، محيط
Speaker, the	قائل، متكلّم
Speaking, the	متكلّم
Splitter, the	فالق
Strong, the	عزيز، قوىّ
Subduer, the	قهّار
Subjugating, the	قاهر
Sublime, the	ماجد
Subsistent, the	باقى، قيّوم
Subtle, the	لطيف
Supreme, the	علىّ
Surveyor, the	رقيب
Sustainer, the	رزّاق

Present, the	حاضر
Preserver, the	حافظ
Producer, the	باری
Protector, the	مهیمن
Proud, the	متکبّر
Provider, the	رازق، رزّاق
Punisher, the	معاقِب
Raser, the	مقیل
Real, the	حقّ
Real One, the	حقّ
Reckoner, the	حاسب، حسیب
Recourse, the	صمد
Relenter, the	توّاب
Relenting, the	توّاب
Reliever, the	فتّاح، مغیث
Remover, the	مزیل
Restorer, the	مُعید
Restrainer, the	قابض
Resurrector, the	باعث
Retainer, the	مُمسک
Retributer, the	دیّان
Rewarder, the	شکور
Rich, the	غنیّ، مَلیّ
Righteous, the	برّ
Ruler, the	حاکم، قاهر، مالک
Saviour, the	مغیث
Seeing, the	بصیر

Omnipotent King, the	ملیک مقتدر
Omniscient, the	عالِم، علیم
One, the	اَحَد، واحد
One\Unique, the	واحدِ احد
Open-Handed, the	باسط
Ordainer, the	مقدِّر
Originator, the	فاطر، مُبدی، مُنشِئ
Origin, the	مبدأ
Outspreader, the	باسط
Outward, the	ظاهر
Overbearing, the	جبّار
Overpowerer, the	قاهر
Overpowering, the	جبّار، فائق
Overwhelming, the	قهّار
Pardoner, the	غَفُور
Patient, the	صبور
Patron, the	مولیٰ، ولیّ
Peace, the	سلام
Perceiver, the	واجد
Permanent, the	باقی
Possessor, the	مالک
Possessor of Glory, the	ذوالجلال
Potent, the	مقتدر
Powerful, the	عزیز، قادر، قدیر
Praiseworthy, the	حمید
Precious, the	عزیز
Pre-eternal, the	قدیم

Merciful, the	راحم، رحمٰن، رحیم
Mercy-Giving, the	رحیم
Might, the	عظمت
Mighty, the	عزیز، عظیم، قدیر
Misguider, the	مضلّ
Monarch, the	مالک
Most Generous of the Generous, the	اکرم‌الاکرمین
Most High, the	متعالی
Most Holy, the	قُدّوس
Most Merciful, the	رحیم
Most Pardoning, the	عَفُوّ
Most Strong, the	قویّ
Munificent, the	جواد
Named, the	مسمّی، موصوف
Near, the	قریب
Necessary, the	واجب
Necessary Being, the	واجب‌الوجود
Necessary Being through Himself, the	واجب بالذّات
Nondelimited, the	مطلق
Nondual, the	واحد
Nourisher, the	رازق
Nourishing, the	رازق
Occasioner of all occasions, the	مسبّب‌الاسباب
Occult, the	باطن
Omnipotent, the	قهّار

Judge, the	حاکم، حَکَم
Just, the	عادل، مقسط
Justly Proud, the	متکبّر
Kind, the	رؤوف
King, the	مَلِک
King of the Kingdom, the	مالکالمُلک، مَلِکالمُلک
Knower, the	علیم
Knowing, the	عالِم، علیم
Last, the	آخِر
Lasting, the	دائم
Laudable, the	حمید
Life, the	حیّ
Life-Bestowing, the	مُحیی
Life-Giver, the	مُحیی
Listener, the	سامع
Living, the	حیّ
Living One, the	حیّ
Lofty, the	رفیع
Lord, the	ربّ، سیّد، مولیٰ، والی
Loved, the	عزیز
Loving, the	ودود
Magnificent, the	عظیم، متکبّر
Majestic, the	جلیل، ذوالجلال
Maker, the	باری، جاعل، صانع
Manifest, the	ظاهر
Manifested, the	ظاهر
Master, the	ربّ، مولیٰ

Guiding, the	هادی
Harmer, the	ضارّ
Healer, the	شافی
Hearer, the	سامع، سمیع
Hearing, the	سامع، سمیع
Heir, the	وارث
Helper, the	عون، مُعین، ناصر
Hidden, the	باطن، خفیّ
Highest, the	علیّ
Holy, the	قُدّوس
Humiliator, the	مُذلّ
Immortal, the	باقی
Immovable, the	صمد
Immutable, the	قیّوم
Impenetrable, the	صمد
Impermeable, the	صمد
Inaccessible, the	عزیز
Incomparable, the	بدیع
Indicator, the	دلیل
Indulgent, the	غَفُور، متجاوز
Infinitely Merciful, the	رحیم
Informed, the	خبیر
Inheritor, the	وارث
Innovator, the	بدیع
Instaurer, the	جاعل
Invincible, the	قهّار
Inward, the	باطن

Forgiving, the	غَفُور
Formator, the	مصوِّر
Former, the	مصوِّر
Form-Giving, the	مصوِّر
Fortune-Giver, the	مقدِّر
Free, the	مختار
Gatherer, the	جامع
Generous, the	جواد، سخيّ، کریم
Gentle, the	حلیم
Giver, the	معطی، وهّاب
Giver of Death, the	مُمیت
Giver of Existence, the	موجِد
Giver of forms, the	واهب‌الصُّوَر
Glorified, the	سبّوح، عظیم
Glorious, the	عزیز
God as Bestower of being	مکوِّن
Good, the	خیر
Governing, the	مدبّر
Gracious, the	لطیف
Grateful, the	شاکر، شکور
Great, the	اکبر، عظیم، علیّ، کبیر
Greatest, the	اکبر
Gripper, the	قابض
Guardian Lord, the	ربّ
Guardian, the	حافظ، حفیظ، مراقب، مهیمن
Guide, the	دلیل، مرشد، هادی
Guide to the Right Path, the	رشید

Engenderer of Secondary Causes, the	مكوّن‌الاسباب
Enricher, the	مُغنی
Establisher, the	مُثبِت
Eternal, the	صمد، قدیم
Eternally Besought, the	صمد
Eternally Living, the	حیّ
Ever-Creating, the	خلاّق
Ever-Knowing of absent things, the	علاّم‌الغیوب
Everlasting, the	باقی، قدیم
Everlasting Refuge, the	صمد
Ever-Living, the	حیّ
Exalted, the	عزیز، علیّ
Exalter, the	رافع، مُعزّ
Examiner, the	مراقب
Existence-Giver, the	موجِد
Existentiator, the	مکوّن‌الاسباب
Extender, the	باسط
Exterior, the	ظاهر
Faithful, the	وفیّ
Fashioner, the	مصوّر
Favourer, the	منّان
Firm, the	متین
First, the	اوّل
Food-Giver, the	مقیت
Forbearing, the	مقیل
Forgiver of sin, the	غافرالذّنب
Forgiver, the	غفّار، معافی

Conditioner, the	حاکم
Configurer, the	مُنشِئ
Conquering, the	قهّار
Constant, the	صمد، متین
Creating, the	خالق
Creator, the	باری، خالق، صانع، مبدِع، مصوّر
Cure-Giver, the	شافی
Death-Giver, the	مُمیت
Deferrer, the	مؤخّر
Desirous, the	مُرید
Differentiator, the	مفصِّل
Director, the	مرشد
Disclosed, the	جلیّ
Dispenser, the	مُنعِم، منیل
Distant, the	بعید
Distinguisher, the	مفصِّل
Doer of whatever He wills, the	فعّال ما یَشاء
Dominant, the	حاکم، قاهر
Dominator, the	جبّار، قاهر
Donator, the	باسط، واهب
Effacer, the	ماحی
Elevated, the	عالی
Eminent, the	عالی
Empowerer, the	مُعزّ
Encompasser, the	محیط
Encompassing, the	محیط
Enduring, the	باقی

Aware, the	خبير
Awful, the	جبّار
Beautiful, the	جميل
Beloved, the	حبيب
Benefactor, the	مُنعِم، نافع
Beneficent, the	محسن
Benefiter, the	نافع
Benevolent, the	منّان
Best of the Deceivers, the	خيرالماكرين
Bestower of life, the	مُحيى
Bestowing, the	واهب
Blesser, the	مُنعِم
Blessing-Giver, the	مُنعِم
Bounteous, the	مفضّل
Bountiful, the	وهّاب
Bounty, the	فضل
Cause of all causes, the	مسبّبالاسباب
Causer of secondary causes, the	مسبّبالاسباب
Clairvoyant, the	بصير
Clarifier, the	مبيِّن
Clement, the	حليم، رؤوف، رحمٰن
Commencer, the	مُبدئ
Compassionate, the	حنّان، رحمٰن، رحيم
Compelling, the	جبّار
Concealed, the	باطن
Concealer of sins, the	ستّار
Concealing, the	غَفُور

All-Encompassing, the	محيط
All-Forgiving, the	غفّار
All-Good, the	رحمٰن
All-Great, the	كبير
All-Highest, the	عليّ
All-High, the	عليّ
All-Holy, the	قُدّوس
All-Knowing, the	عليم
All-Merciful, the	رحمٰن
All-Pardoning, the	عَفُوّ
All-Powerful, the	جبّار
All-Provider, the	رزّاق
All-Seeing, the	بصير
All-Subjugating, the	قهّار
All-Wise, the	حكيم
Almighty, the	جبّار
Alone, the	اَحَد
Ancient, the	قديم
Answerer, the	مجيب
Apparent, the	ظاهر
Appointer, the	جاعل
Arbitrator, the	حَكَم
Assenter, the	مجيب
Author, the	باری، مبدِع
Authority, the	سلطان
Author of all causes, the	مسبّب‌الاسباب
Avenger, the	منتقم



ALLAH'S NAMES AND ATTRIBUTES

Abaser, the	خافض، مُذلّ
Abiding, the	باقی، قیّم
Absolute Author of action, the	فعّال
Absolute Knower, the	عالِم مطلق
Absolute Owner, the	مالک مطلق
Acceptor of repentance, the	توّاب، قابل التّوب
Active, the	فعّال
Adorable, the	معبود
Advancer, the	مقدِّم
Advocate, the	وکیل
Affectionate, the	رؤوف
Affrighter, the	مهیل
Alive, the	حیّ
All-Bestower, the	وهّاب
All-Compassionate, the	رحمٰن
All-Concealing, the	غفّار
All-Dominating, the	جبّار
All-Embracing, the	واسع

ALLAH'S NAMES AND ATTRIBUTES

Z

zeal	حمیّت، غیرت
zealous	غیور
zealous, the	اهل غیرت
zealousness	غیرت
zephyr	صبا
Zoroastrian	زرتشتی، گبر
Zulaikha	زلیخا
zunnâr	زنّار

Y

yearn	رغبت، شوق
yearner	مشتاق
yearning	آرزو، اشتیاق، رغبت، شوق، میل
yellow ruby	یاقوت اصفر
young tavern-keeper	مغبچه
yielding	تفویض
young Christian	ترسابچه (کنایه از جاذبهٔ روحانی)
young Magians	مغبچه
youths	فتیان

wrong conduct	منكَر
wrong deed	سيّئه، عمل سيّئ
wrongdoer	گناه‌کار
wrongdoing	ظلم، گناه
wronging oneself	ظلم به نفس
wrong way	راه ضلالت
wujûd	وجود
wujûd on loan	وجود عاريتى

world of Unbounded Imagination	عالَم مثال مطلق
world of unicity	عالَم وحدانیّت
world of Unity	عالَم توحید، عالَم وحدت
world of unveiling matters relating to the Unseen	عالَم کشف
world of visibility	عالَم شهادت
world of writing	عالَم تسطیر
world-revealing bowl	جام جهان‌نما (کنایه از قلب عارف کامل)
world-seeing eye	دیدهٔ جهان‌بین
world's record	جریدهٔ عالم
world to come, the	آخرت، عالَم آجل، عُقبیٰ
world-viewing cup	جام جهان‌بین
worship	عبادت، عبودیّت
worshipped	معبود
worshipper	عابد
worshipper of coquetry	عشوه‌پرست
worshipper of God	عبد
worthlessness	بی‌ارزشی
worthy	محق، مستحقّ
Worthy of pardon, the	اهل مغفرت [خداوند]
Worthy of pious fear, the	اهل‌التّقوی [خداوند]
wounded heart	دل خسته، دل مجروح
wrath	خشم، سخط، غضب، قهر
wretched	شقیّ
wretched, the	اشقیاء
wretched heart	دل مسکین
wretchedness	شقاوت

world of reality	عالَم حقیقت
world of Sanctity	عالَم قدس
world of secrets	عالَم اسرار
world of self-disclosure	عالَم تجلّی
world of sense	عالَم حسّ
world of shadows	عالَم اظلال
world of souls	عالَم نفوس
world of Sovereignty	عالَم جبروت
world of speculative thinking	عالَم نظر
world of sublimity	عالَم عِلْوی
world of subsistent Idea-Images	عالَم مثال
world of subsistent images	عالَم مثال
world of subtile substances	عالَم مثال
world of the All-Powerful	عالَم جبروت
world of the elements	عالَم ارکان
world of the heavens	عالَم افلاک
world of the Kingdom	عالَم مُلک
world of the light	عالَم نور
world of the Realm	عالَم ملکوت
world of the relationships	عالَم مناسبات
world of the senses	عالَم محسوسات
world of the sensible	عالَم شهادت
world of the spirits	عالَم روح
world of the Unseen	عالَم غیب
world of the visible	عالَم شهادت
world of the Witnessing	عالَم مشهود
world of truth	عالَم حقیقت

world of compilation	عالَم تدوين
world of considerative thinking	عالَم نظر
world of creation	عالَم خلق
world of Domination	عالَم جبروت
world of Dominion	عالَم ملكوت
world of experience	عالَم شهادت
world of form	عالَم صورت
world of Idea-Images	عالَم مثال
world of ideas (archetypes)	عالَم معانى
world of images	عالَم مثال
world of Imagination	عالَم خيال، عالَم مثال
world of immaterial bodies	عالَم مثال
world of immaterial matter	عالَم مثال
world of immutable entities	عالَم اعيان ثابته
world of infallibility	عالَم عصمت
world of intelligence	عالَم عقل
world of intimacy	عالَم انس
world of invisible realities	عالَم غيب
world of manifestation	عالَم ظاهر
world of mysteries	عالَم راز
world of Mystery	عالَم غيب
world of nearness to God	عالَم قرب حقّ
world of Oneness	عالَم توحيد
world of permanence	عالَم بقا
world of possibility	عالَم امكان
world of pre-existence	عالَم ذرّ
world of pure Spirits	عالَم ارواح

worldly demand	بایستِ دنیا
worldly desires	اغراض دنیوی، مرادات دنیوی
worldly encumbrances	علائق
worldly existence	ایام حیات
worldly gains	دنیا
worldly goods	متاع دنیوی
worldly honour	جاه خلق
worldly interests	دنیا
worldly life	حیات دنیا
worldly men	اهل دنیا
worldly mode of being	نشأهٔ دنیوی
worldly place	مکان دنیوی
worldly power	دولت
worldly things	دنیا
worldly ties	تعلّقات دنیوی، علائق دنیوی
worldly wealth	متاع دنیوی
world of absolute imagination	عالَم مثال مطلق
world of absolute Immensity	عالَم جبروت
world of Absolute Mystery	عالَم غیب مطلق
world of annihilation	عالَم فنا
world of archetypal figures	عالَم مثال
world of archetypal images	عالَم مثال
world of autonomous images	عالَم مثال
world of bodies	عالَم اجسام
world of breaths	عالَم انفاس
world of certainty	عالَم ایقان
world of command	عالَم امر

spiritual world	عالَم امر، عالَم روحانی، ملکوت
subtile world	عالَم مثال
supernal world	عالَم علوّ
supersensible world	عالَم غیب
third world	برزخ
this world	دنیا
transient world	دار فانی، دار فنا (= دنیا)
Unseen world, the	عالَم غیب
upper world	عالَم علو، عالَم عِلْوی
visible present world	عالَم شهادت
visible world	عالَم شهود
world above, the	عالَم اعلیٰ، عالَم عِلْوی
world-displaying cup	جام جهان‌نما (کنایه از قلب عارف کامل)
world in a profane sense	دنیا
worldings	اهل دنیا
worldliness	دنیاطلبی، دوستی دنیا
worldly	دنیوی، مَجازی
worldly, the	اهل دنیا
worldly adornments	زخارف دنیا
worldly and otherworldly enjoyments	تمتّعات دنیوی و اخروی
worldly attachments	تعلّقات دنیوی
worldly bliss and its trappings	زخارف نعیم دنیوی
worldly bonds	علائق دنیوی
worldly bounty	نعمت دنیوی
worldly connexions	علائق
worldly debasement	ذلّت دنیا

work of devotion	عبادت
world	دار، دنیا، عالَم، مُلک
Angelic World	عالَم ملکوت
animal world	عالَم حیوانی
apparent world	عالَم شهادت
below, the	عالَم سفلیٰ
dream world	عالَم رؤیا
elemental world	عالَم عنصری
exterior world	عالَم شهادت
external world	عالَم ظاهر
hidden world	عالَم غیب
higher world	عالَم اعلیٰ
Imaginal World	عالَم جبروت، عالَم مثال
intermediary world	عالَم برزخ
intermediate world	عالَم اوسط
invisible world	عالَم غیب، ملکوت
lowest world, the	عالَم اسفل، عالَم دنیا، عالَم سفلیٰ
luminous world	عالَم نورانی
manifest world	عالَم شهادت
next world	آخرت، عالَم آخرت، عُقبیٰ
non-existent world	عالَم عدم
perishable world	عالَم فانی
phenomenal world	عالَم شهادت، کَون
physical world	عالَم اجسام
present world	عالَم عاجل
seen world	عالَم شهادت
sensible world	عالَم شهادت

witness	شاهد، مُشاهِد
Witness, the	شاهد، شهید [خداوند]
witnessed	مشهود
witnessed domain	عالَم شهادت
witnesser	مُشاهِد
Witnesser, the	شاهد، شهید [خداوند]
witnessing	شهود، مشاهده
witnessing without intermediary	شهود بی‌واسطه
witness of annihilation	شاهد فنا
witness of God	شاهد حقّ
witness of the eternal	شاهدالقِدَم
witnesses of the Unseen	شاهدان غیب
wondrous deeds	کرامات
wondrous states	کرامات
wont	سنّت
wonts of the Prophet	سنّت پیامبر (ص)
wooing	تعشّق
wool	صوف
woolen garment	جامهٔ صوفی، خرقه
woolen tunic	جبّه
word	کلمه [موجود]
word of ecstasy	شطح
Word of God	سخن خدا، کلام‌اللّه، کلمة‌اللّه
Word of Presence	کلمهٔ حضرت [لفظ کُنْ]
words	قال (≠ حال)
working	تصرّف
working corruption	افساد

wine tavern	میخانه، میکده
wine-vessel	پیاله
wine-worshipper	باده‌پرست
wink	غمزه
winner	فائز
wisdom	حکمت، دانایی، خِرَد
Christic Wisdom	حکمت عیسویّه
Divine wisdom	حکمت الاهی، حکمت ربوبی
Imperial Wisdom	حکمت خسروانی
Lordly wisdom	حکمت ربوبی
moral wisdom	حکمت اخلاقی
mystic wisdom	معرفت
Oriental Wisdom	حکمت اشراق
true wisdom	حکمت حقیقی
wise	حکیم، خردمند، عاقل
Wise, the	حکیم [خداوند]
wise hierarchy	ترتیب حِکْمی
wish	آرزو، مُراد
wishes	آمال، امانیّ
wishing to go into seclusion	قصد عزلت
withdrawal	تخلیه، عُزلت
Withholder, the	مانع [خداوند]
with-ness	عندیّت، معیّت
without choice	بی اختیار
without hypocrisy	بی‌ریا
without place	لامکان
witless	غافل

Eternal Will	ارادهٔ ازلی
firm will	عزم
free will	اختیار (= آزادی عمل)
God's will	خواست خدا
normative will	اراده
secret will	مناجات
spiritual will	همّت
willer	مرید (= اراده کننده)
Willing, the	مرید [خداوند]
willingly	ارادی، اختیاری
Will of God	خواست خدا، مشیّت الاهی
wine	باده، شراب، صهباء (= می)
wine-drinkers	باده‌نوشان، می‌خوران
wine-house	خمخانه، شراب‌خانه، میخانه، میکده
wine-keeper	خمّار (کنایه از عاشق سرگردان)
wine-merchant	خمّار (کنایه از عاشق سرگردان)
wine of *Alast*	شراب اَلَست
wine of gnosis	شراب معرفت
wine of love	شراب عشق، می عشق
wine of perpetuity	شراب لایزالی
wine of pre-eternity	شراب ازل
wine of *tawḥîd*	شراب توحید
wine of vision	شراب شهود
wine of witnessing	شراب شهود
wine-seller	باده‌فروش، می‌فروش
wine-sickness	خُمار
wine-stained	می‌آلود

whispered prayer	مناجات
whispering	وسوسه
whisperings of the soul	وسوسه‌های نفسانی
white death	موت ابیض (= جوع)
whole of creation	کل کائنات
whole of existence	کَون
wholesome	سلیم، صالح
wholesome deed	عمل صالح
wholesome deeds	صالحات
wholesomeness	صلاح، مصلحت
whomsoever He will	مَنْ یَشاء
wicked	گناه‌کار
wicked, the	اشقیاء، اصحاب شقاوت، اهل شقاوت
wickedness	سیّئه
wickedness of soul	شرّ نفس
wideness	سماحت
wilderness	بیابان
wilderness of misguidance	تیه ضلالت
wilderness of misguidedness	تیه ضلالت
wiles of Satan	عشوهٔ شیطان
will	اراده، مشیّت، همّت
Will	مشیّت [خداوند]
will, to	اراده کردن
arbitrary will	ارادهٔ گزاف
bad will	شرّ
creative will	مشیّت
Divine Will	ارادهٔ الاهی، قضای الاهی

waymark	راهنما، شعیره، نشانه
way of life	سنّت
way of Truth	راه حقّ
waystation	منزل، منزلت
waystation of secrets	منزل رموز
waystation of Shatterers	منزلت قواصم
waystations of the hereafter	منازل آخرت
waystations of the saints	منازل اولیاء
waystations of the travellers	منازل‌السّائرین
waystations of the wayfarers	منازل‌السالکین
way to Allah	باب‌اللّه
weakness	رعونت
weakness of human nature	رعونت طبع
weariness	تعب، ملال، ملالت
wearing of wool	پشمینه‌پوشی
wedding fests	عراس
weeping	بُکاء، گریان
welcome	اقبال
welfare	خیرات، سلامت
well-being	ریحان، صلاح
well-beloved	حبیب، محبوب
well doing	احسان
well-informed	مطّلع
Well Zamzam, the	چاه زمزم
whereness	اَینیّت
whim of the soul	هوای نفس
whirlpool	گرداب

want	فقر
wanting	اراده، نیاز، نیازمند
want of the carnal soul	بایستِ نفسانی
warning	انذار، عبرت
warrior	مجاهد
wastefulness	بطالت
Watcher, the	رقیب [خداوند]
Watchful, the	رقیب [خداوند]
watchfulness of the heart	مراقبت دل
watch over the heart	مراقبت دل
water of favor	آب عنایت (کنایه از رحمت متواتر الاهی)
water of immortality	آب حیات
water of *Khiḍr*	آب خضر
water of life	آب حیات
water of Tavern	آب خرابات (کنایه از صفا و یکرنگی)
wave	موج
wave of *Alast*	موج اَلَست
wavering	تردّد
way	آیین، راه، طریق، مَحجّه، مسلک، منهاج
Way, the	طریقت
right way	راه هدایت
wrong way	راه ضلالت
way and usage	راه و رسم
wayfarer	رهرو، سالک، مسافر
wayfarer attracted	مجذوب سالک
wayfarer (on the Path)	سالک
wayfarers	ارباب سلوک

W

Wâdî Ayman	وادی ایمن
wage-earner	مأجور
wage-taker	مأجور
wailing column (of the Prophet Mosque in Medina)	استن حنّانه
wakeful and praying at night	متهجّد
wakefulness	یقظه
waking	سَهَر (= بیداری)، یقظه
waking state	صحو (≠ سکر)
waking up	انتباه
waking vision	مکاشفهٔ در حال بیداری
walking aright	استقامت
walking straight	راست‌رو
wanderer	سرگشته
wandering dervish without proper affiliation	قلندر
wandering off the Straight Path	ضلالت
wandering on the Path	سلوک
wander lust	هَیَمان (= شیفتگی و حیرانی در تلاطم امواج وجود)

voluptuousness	شهوت
votaries of self-mortification	ارباب/اصحاب مجاهدت
vow	پیمان، عهد
vow of chivalry	شرط مروّت
vow of moral virtue	شرط مروّت
voyage	سیر
voyager in the Path	سالک
vulgar, the	عوام

vision of generosity	دید فتوّت
vision of God	رؤیت الاهی، رؤیت خداوند، لقاءاللّه، مشاهدهٔ حقّ
vision of sense	نظر حسّ
vision of the angles	رؤیت ملائکه
vision of things as they are	فرق
visualization	رؤیت
visual sense	نظر حسّی
visual unveiling	کشف بصری
vital spirit	روح
vivifier of religion	محیی‌الدّین
vocation	رسالت
voice	ندا
voice from heaven	هاتف
voice from the Unseen	هاتف
Void, the	خلأ (≠ ملأ)
void of knowledge	بی‌خبر
void of news	بی‌خبر
void of vision	بی‌خبر
volition	اراده
volitional	اختیاری، ارادی
voluptuary, the	اهل اذواق، اهل ذوق
voluntary	اختیاری، ارادی، تطوّعی
voluntary death	موت اختیاری
voluntary prayer	تطوّع
voluntary return	رجوع اختیاری
voluntary servitude	عبودیّت اختیاری

actual vision	عیان
by immediate vision	بِالْعیان
contemplative vision	استبصار
direct vision	رأی‌العین، مشاهده، معاینه
heralding vision	مبشّره
imaginal vision	مشاهدهٔ خیالی
immediate vision	عیان
intellectual vision	بصیرت
luminous inner vision	بصیرت
mental vision	بصیرت، رؤیت علمیّه
nonwaking vision	مکاشفه در حال خواب
ocular vision	رؤیت عینیّه، رؤیةالعین، مکاشفةالعیان، مکاشفه دیداری
spiritual vision	بصیرت ربّانی، کشف، مشاهده روحانی
true vision	عیان
waking vision	مکاشفهٔ در حال بیداری
visionaries	اهل شهود
visionary experience	تجربه شهودی
visionary knowledge	معرفت شهودی
visionary realm	عالَم مثال
visionary union	اتصال شهودی
vision by the heart	رؤیت به دل، رؤیت به قلب، رؤیت قلبی
vision deriving from the Unseen	واقعهٔ غیبی
vision of certainty	عین‌الیقین
vision of certitude	عین‌الیقین
vision of Divine power	مشاهده

violence of disposition	تندخویی
Virgin Most Pure, the	عذراء بتول
virgins of the Unseen World	اَبکار عالم غیب
virility	مروّت
virtue	احسان، بِرّ، حُسن، حسنه، صلاح، فضل، فضیلت، مروّت، منقبت
virtue and vice	فضیلت و رذیلت
essential virtue	حسن ذاتی (≠ حسن زائد)
moral virtue	مروّت
noblest virtues, the	مکارم اخلاق
outward virtue	صلاح ظاهر
spiritual virtue	احسان [مرحله‌ای پس از اسلام و ایمان]
virtuous	زکیّ، محسن
virtuous, the	صالحان
virtuous act	فعل شایسته
virtuous character	اخلاق محموده، حسن اخلاق
virtuous man	انسان فاضل
virtuousness	بِرّ
virtuous quality	حسن خُلق، خُلق نیکو
visible	مرئی
visible, the	شهادت [عالَم]
visible manifestation	تجلّی شهود
visible present world	عالَم شهادت
visible world	عالَم شهادت، مُلک
visio Dei	رؤیت خداوند، لقاءاللّه
vision	بصر، بصیرت، رؤیت، شهود، عیان، لقاء، مشاهده، مکاشفه

vestigia Dei	آیات الاهی
vexed	رنجه‌دل، ملول
vice	بدی، ذنب، رذیلت، سیّئه، عیب، فسق
vicegerency	استخلاف
Vicegerent of God	خلیفةاللّه
Vicegerent of the Divine	خلیفهٔ الاهی
vicegerent of the Messenger	خلیفهٔ پیامبر
viceroy of longing	شحنه شوق
vices	رذائل
victorious	فائز
victorial light	نور قاهر
victorious light	نور قاهر
Victorious, the	قهّار [خداوند]
victory	فَوْز
vigil	تهجّد
vigilance	مراقبه، یقظه
Vigilant, the	رقیب، مهیمن [خداوند]
vigilant attention	مراقبه
vile	پست
vileness	پستی، خسّت، دنائت
vileness of beliefs	خبث عقیدت
vileness of disposition	فرومایگی
vileness of nature	خسّت طبع
Vintner	خمّار (کنایه از عاشق سرگردان)
vintner's house	خرابات
violating the Law	خرق شریعت
violence	قهر

veils of lights	حُجُب نور
venerable Sufi	صوفی محتشم
veneration	احترام، تعظیم، مهابت، هیبت
vengeance	سَطوت، نقمت
Vengeful, the	منتقم [خداوند]
venial sin	گناه صغیره
veracious	درست، صِدّیق
veracious, the	صدّیقین
veracious believer	صِدّیق
veracity	راست‌گفتاری، صدق، صدق قول
verbal asking	سؤال به لفظ (= دعا)
verbal gratitude	شکر لفظی
veridical dream	رؤیای صادقه
verification by the heart	تصدیق به دل
verified existence	وجود محقَّق
verifiers	اهل تحقیق
veritable	حقّ [وصف]، حقیقی
Veritable Reality, the	حقّ حقیق [خداوند]
verities	حقایق
verities of faith	حقایق ایمان
verity	حقیقت
verse	آیه [قرآن]، نظم (≠ نثر)
ambiguous verses	آیات متشابه، متشابهات
Light Verse	آیهٔ نور
very essence, the	کنه ذات
very eternity, the	ازلِ آزال
Very Near One, the	قریب [خداوند]

veil of attributes حجاب صفات
veil of clouding حجاب غینی
veil of covering حجاب رینی
veil of darkness حجاب ظلمانی
veil of dignity تُتُقِ عزّت، حجاب عزّت
veil of directions حجاب جهات
veil of essence حجاب ذات
veil of forgetfulness حجاب غفلت
veil of gnosis حجاب معرفت
veil of humanity حجاب بشریت
veil of imagination پردهٔ خیال، حجاب خیال
veil of jealousy حجاب غیرت
veil of knowledge حجاب علمی، حجاب معرفت
veil of light حجاب نورانی
veil of majesty تُتُقِ جلال، حجاب کبریا
veil of mortality حجاب بشریت
veil of nature حجاب طبیعی
veil of negligence حجاب غفلت
veil of place حجاب مکان
veil of reasoning حجاب دلیل
veil of remembrance حجاب ذکر
veil of remoteness حجاب بُعد
veil of splendour تُتُقِ جلال، حجاب جلال
veil of the heart حجاب قلب
veil of the self حجاب نفس
veil of the Unseen پردهٔ غیب، حجاب غیب
veil of time حجاب زمان

vanity	آرزوی دور و دراز، بطالت، سودا
variation	تغیّر، تلوین (≠ تمکین)، تنوّع
variation of Laws	تنوّع شرایع
variegation	تلوین (≠ تمکین)
vassal	مربوب
vastness	اتّساع، توسّع
vastness of heart	سعهٔ قلب
Vast One, the	واسع [خداوند]
vegetable realm	ملکوت نبات
vegetable soul	نفس نامیه
vegetable spirit	روح نامیه
vegetable state	مقام نباتی
vegetative	نباتی
vegetative soul	نفس نامیه، نفس نباتی
vegetative spirit	روح نامیه
vehemence	حدّت
vehement passion	هوای متّبع
veil	پرده، حاجب، حجاب، ستر
thin veil	غَیْن (= حجاب رقیق)
veil covering God	حجاب
veiled	محتجب، محجوب، نهان
veiled, the	اهل حجاب
veiled from the public eye	مستور
veiled soul	جان مهجور
veiler	حاجب، ستّار
veiling	احتجاب، استتار، حجاب
veiling nutrition	غذای حجابی (= غذای طبیعی)

V

vacant regions	آفاق
vacating	تخلیه
vacillation	اضطراب، تردّد
vague perception	ادراک اجمالی
vain desire	هویٰ
vain fancy	خیال باطل، خیال واهی
vain imagining	خیال باطل، سودا
vain thought	خاطر
valuable	پسندیده
valley	وادی [گذرگاه دشوار در سیر و سلوک]
valley of right hand	وادی ایمن
vanished	فانی
vanishing	انقطاع، فنا
vanishing from desire	فناء از هویٰ
vanishing from the people	فناء از خلق
vanishing from the will	فناء از اراده
vanishing of false attributes	زهوق صفات باطل
vanishing of the self	فناء نفس
vanities of the world	حطام دنیا

usurpation	غصب
utmost expectancy	نیاز تمام
utmost limit	غایت
utmost unseen, the	غیب‌الغیب
Utopia	ناکجاآباد (= شهر پاکان)
utter exclusion	خلوت
uttermost unseen, the	غیب‌الغیب

unveiling of the manifested	مکاشفهٔ عیان
unveiling of the paths of ascent	کشف معاریج
unveiling of the veiled	کشف‌المحجوب
unveiling of truths	کشف حقایق
unveiling revelation	کشف
unveilings	فتوحات
unveilings of inspiration	مکاشفات
unveilings of the heart	مکاشفات قلبی
unveilings of the mystery	مکاشفات سرّی
unveilings of the spirit	مکاشفات روحی
unveilings of the Unseen	مکاشفات غیبی
unwarrantable	منکَر
unworthiness	بی‌ارزشی
upbraiding soul	نفس لوّامه
upholding the Unity of Godhead	توحید
Up-lifter, the	رفیع [خداوند]
Up-lifter of the degrees, the	رفیع‌الدّرجات [خداوند]
up-lifting	رفعت
upper world	عالَم علو، عالَم عِلْوی
uprightness	استقامت
uprising	قیام
Uprising, the	بعث
upsetting the existence	قلب وجود (= دگرگون ساختن وجود)
urge	رغبت
urgings	هواجس (= وسوسه‌ها)
urgings of the soul	هواجس نفسانی

Unseen of the Unseen, the	غیبالغیب
Unseen world, the	عالَم غیب، غیب [عالَم]
unselfish, the	اهل ایثار
unselfishness	ایثار
unshakable faith in God	یقین
unsolicited gifts	فتوح
unswerving repentance	توبهٔ نصوح
untruly utterances	شطحات
unveiledness	کشف
unveiler	مکاشِف
unveiling	تجلّی، رفع حجاب، کشف، مکاشِف، مکاشفه
unveiling by rays of light	کشف ضیایی
unveiling by witnessing	کشف شهودی
unveiling in the dream state	مکاشفهٔ در حال خواب
unveiling in the heart	مکاشفهٔ قلب
unveiling in the wakeful state	مکاشفهٔ در حال بیداری
unveiling of attributes	کشف صفاتی
unveiling of inner meanings	کشف معانی
unveiling of inner realities	کشف معانی
unveiling of inspiration	کشف الهامی
unveiling of *intelligibilia*	کشف معقولات
unveiling of intelligibles	کشف معقولات
unveiling of mysteries	کشفالاسرار
unveiling of states	کشف احوال
unveiling of the essence	کشف ذات
unveiling of the hearts	مکاشفهٔ قلوب

Universal Spirit	روح کلّی
universal truth	حقیقت کلّیه
universe	عالَم
Universe, the	کَون
unkindness	جفا
Unknowable, the	غیب [عالَم]
unknowable God	خدای ناشناختنی
unknown	منکَر
unknown absent	غیب مجهول
unknown mystery	غیب مجهول
unknown saints	مکتومان
unknown theosophy	حکمت مجهوله
unlawful	حرام، منکَر
unlettered	اُمّی
unlettered knowledge	علم امّی
unlettered Prophet	پیامبر امّی (ص)
unnecessary things	زوائد
unobstructed	ساذج، ساده
unparalleled in (one's) day	فرید وقت، یگانهٔ دوران
unreal	باطل، مَجازی
unrelated person	نامحرم
unrelated people	اغیار
unrestraint	بسط
unrighteousness	سیّئه
unrivaled	متفرّد
Unseen	غیبی
Unseen, the	غیب [عالَم]، مغیبات

Unity of the Names	احدیّت اسماء
unity of the Necessary Being	توحید واجب
Unity of the One	احدیّت احد
unity of the same type	وحدت سنخی
Unity of the States	احدیّت احوال
Unity of the Will	احدیّت مشیّت
Unity of the Word	احدیّت کلمه
unity of witness	وحدت شهود
Unity pertaining to Divine Acts	توحید افعالی
universal	کلّی
universal archetype	نسخهٔ جامعه (= انسان)
Universal Body	بدن کلّی، جسم کلّی
universal bondsman	عبد کلّی
universal copy	نسخهٔ جامعه (= انسان)
universal Divine Names	اسماء الاهی کلّی
universal feast of generosity	خوان کرم عامّ
Universal Hylé	هیولای کلّ (= حقیقت محمّدی)
universal intelligence	عقل کل
universality	عموم (≠ خصوص)
Universal Logos	کلمهٔ کلیّه (= برکت محمّدی)
Universal Man	انسان کامل، انسان کلّی
universal mirror	آینهٔ کلّ
universal reality	حقیقت کلّیّه
universal reason	عقل کل
universal sainthood	ولایت کلیّه
universal servant	عبد کلّی
Universal Soul	نفس کلّی

unique spirit	نفس واحده
unique time	زمان فرد
unique truth	حقیقت واحده
Unitarianism	توحید
Unitarians	اهل توحید
unitary	موحِّد
unitedness	جمع
Uniter, the	موصل [خداوند]
uniting	وصول
unit of time	زمان فرد
Unity	احدیّت، وحدانیّت، وحدت، یگانگی [خداوند]
unity of being	توحید وجود، وحدت وجود
Unity of Divine Acts	توحید افعال
Unity of Divine Attributes	توحید صفات
Unity of Divine Essence	توحید ذاتی
Unity of Existence	وحدت وجود
Unity of Finding	وحدت وجود
Unity of God	توحید
Unity of multiplicity	احدیّت کثرت
Unity of the Bringing Together	احدیّت جمع
Unity of the Dependence	احدیّت تعلّق
Unity of the Divine	توحید الوهه
Unity of the Divinity	توحید الوهه
Unity of the Entity	احدیّت عین
Unity of the Essence	احدیّت ذات
Unity of the Manyness	احدیّت کثرت

unhappy شقیّ
Unicity احدیّت، توحید، واحدیّت، وحدانیّت، وحدت [خداوند]
Unicity of Being وحدت وجود
Unicity of God وحدانیّت
unification اتّحاد
unification after separation جمع بعد از فرق
unification of Divinity توحید الوهیت
unification of humanity توحید بشریّت
unification of the heart توحید قلب
unio mistica اتّحاد عرفانی
union اتّحاد، جمع، وصال، وصل، وصلت، وصول
union of union, the جمع‌الجمع
union with God وصول به خدا
auspicious union سعادت وصال
essential union عین‌الجمع
high union اتّحاد عالی
imaginative union اتّصال خیالی
perfect union جمع‌الجمع، عین‌الجمع
sexual union نکاح
supreme union اتّحاد اعلیٰ
Unique, the اَحَد، منفرد، واحد [خداوند]
unique breath نفخهٔ خاصّ
unique essence عین واحده
unique in (one's) day فرید وقت (= یگانهٔ دوران)
uniqueness فردانیّت، وحدانیّت، وحدت

unboundedness	اطلاق (= مطلق بودن)
unboundedness of being	اطلاق وجود
unceasing	سرمد
unclean	پلید
unconscious	غافل
unconsciousness	بی‌هوشی (= مقام طمس)
uncovering	کشف
uncreated essence	ذات قدیم
uncreatedness	قِدَم
uncreated world	قِدَم
undergoing a forty-day period of seclusion	چلّه‌نشینی
undertaking	عهد
undifferentiated	مجمل
undifferentiated knowledge	ادراک اجمالی
undifferentiated mood	اجمال
unending	لایزال [وصف]
unending desire	آرزوی دور و دراز
unending light	نور بی‌انتها
Unequalled, the	منفرد [خداوند]
unexpected occurrence	مصادفه
unexpressed theosophy	حکمت مسکوت عنها
unfaithful	کافر (≠ مؤمن)
unfaithfulness	کفر
ungrateful	کافر (≠ شاکر)
ungratefulness	جحد
ungrateful truth-concealing	کفر
unhappiness	شقاوت

U

ugliness	قبح
ugly	سوء
ugly act	سیّئه
ugly custom	سنّت سیّئه
ugly deed	عمل زشت
ugly thing	منکَر
ultimate goal	غایةالغایات
ultimate life	آخرت
ultimate object of desire	مطلوب مطلق
unalterable essences	اعیان ثابته
unambiguous	محکم (≠ متشابه)
unattached	مجرّد
Unattainable, the	عزیز [خداوند]
unattainable Godhead	لاهوت
unawareness	غفلت
unbelief	انکار، بی‌ایمانی، کفر
unbeliever	زندیق، کافر (≠ مؤمن)
unbelieving	بی‌ایمان
unbounded	مطلق

truth-perceiving eye	چشم حقیقت‌بین، دیدهٔ حقیقت‌بین
truth-perceiving sight	چشم حقیقت‌بین
try	ابتلاء (= آزمایش)
trying to reach ecstasy	تواجد (= اظهار حالت وجد)
tulip	لاله
tumult	فتنه (= جوش و خروش سالکان)
tumult and shout	جوش و خروش
tumult and uproar	شور و شرّ
turbidity	کدورت
Turner of hearts, the	مصرّف‌القلوب، مقلب‌القلوب [خداوند]
turning	انابه، توبه
turning away from the Truth	اعراض از حقّ
turning back	استدبار، روی‌گردانی
turning of existence	قلب‌العین
turning of the eye	قلب‌العین
turning to God	توجّه به خدا
turning toward God	توجّه به حقّ
twist	تاب
two bow's length	قاب قوسین
two existences, the	کَونَین
two-faced	ریاکار
two realms, the	کَونَین
two weighty ones	ثقلان (= جنّ و انس)
two worlds, the	کَونَین
typification	تمثیل
typified	ممثَّل
tyranny	تجبّر

truth of certitude حقّ‌الیقین
truth of faith حقیقت ایمان، صدق ایمان
truth of speech صدق قول
Truth of the truths حقیقة‌الحقایق
  embodied truths معانی متجسّد
  rational truths معانی معقول
  spiritual truths حقایق، حقایق روحانی
  absolute Truth حقّ مطلق
  certain truth حقّ‌الیقین
  esoteric truth حقیقت
  gnostic truth حقیقت عرفانی
  I am the Truth انا الحق
  imaginal truth حقیقت مثالی
  imaginary truth حقّ متخیَّل
  intelligible truth حقیقت معقوله
  in truth بالحقیقه
  mystic truth حقیقت عرفانی
  spiritual truth حقیقت روحانی
  unique truth حقیقت واحده
  universal truth حقیقت کلّیّه
truth-concealer کافر (= صاحب مقام تفرقه)
truthful, the اهل صدق، صدّیقین
Truthful, the صادق [خداوند]
truthful disciple مرید صادق
truthfulness درستی، صدق
truthful one صِدّیق
truth itself, the عین‌الحقیقة

true effacement	فناء حقیقی
true imagination	خیال حقیقی
true knower	عارف
true knowledge	معرفت، معرفت حقیقی
true man	انسان حقیقی
true nutrition	غذای حقیقی (= غذای روحی)
true principles of religion	اصول دین
true service	تعبّد
true vision	عیان
true wisdom	حکمت حقیقی
trumpet	صُوْر
trust	امانت، امین، توکّل
trust, to	توکّل کردن
trustee	امین
Trustee, the	وکیل [خداوند]
trustful	متوکّل
trustful, the	متوکّلین
trustfulness	توکّل
trusting	توکّل
trust in God	توکّل، توکّل به خدا
trust of knowledge	امانت معرفت
trustworthy	امین
trustworthy, the	اُمَناء
trusty, the	امناء
truth	حقّ، حقیقت، صدق
Truth, the	حقّ [خداوند]
truth of certainty	حقّ‌الیقین

trembler	مترهّب
Tremendous, the	عظیم [خداوند]
tremendous character	خُلُق عظیم
tremendous nature	خُلُق عظیم
trepidation	بیم
tress	زلف، گیسو
tress-tip	سر زلف
trial	آزمایش، ابتلاء، امتحان
tribe	طائفه
tribulation	بلا، محنت
tribulation of Satan	تشویش شیطان
tribulation of the soul	تشویش نفس
trick	حیله
trifling	لهو
trinity	تثلیث
triplicity	تثلیث
triumph	فَوْز
trivial offence	گناه صغیره
trouble	بلا
true	حقّ، حقیقی، درست
True, the	حقّ [خداوند]
true acceptor of censure	ملامتی
True Adam	آدم حقیقی
true being	وجود حقیقی، هستی حقیقی
true believer	صِدّیق
true contemplation	مشاهده
true dawn	فجر صادق

transmitted sciences	علوم نقلی
transmutation	تحوّل
transparency	صفا (= روشنی)
transparent	شفّاف
transposition	تعبیر
transubstantiated	حلولی
traveller	مسافر
traveller along the path	رهرو
traveller (on the Road)	سالک
traveller on the spiritual path	سالک
travelling	سالک
travelling angels	ملائکهٔ سیّاح
traversing	سلوک
tray of separation	خوان فراق
treachery	خیانت
treading	سلوک
treasure	کنز، گنج
treasurers	خَزَنه (= نگهبانان)
treasurers of Paradise	خَزَنَهٔ بهشت
treasures of the Unseen	خزائن غیب
treasury	خزانه، خزینه
treasury of humanity	خزینهٔ انسانیّت
treasury of imagination	خزانهٔ خیال
treasury of the Unseen	خزانهٔ غیب
treat with compassion, to	ترحّم کردن
treaty	عهد
tremble	اضطراب، رعشه، لرز

transcendence	تعالی، تنزّه
Transcendent, the	لاهوت، متعالی، منزّه [خداوند]
transcendent essence	ذات متعالی
transcendent Names of God	اسماء تنزیهی خداوند
transcendent qualities	صفات عُلیا
transcendent reality	معنا
transcendent unity of Being	وحدت وجود
transfer	انتقال
transfiguration	تجلّی، حلول
transformation	تبدّل، تغیّر
transgression	طغیان، عصیان، معصیت
transgressor	گناه‌کار
transient	فانی
transient abode	سرای فانی
transient adornments	زخارف فانی
transient allurements	زخارف فانی
transient bounty	نعمت فانی
transient states	خواطر
transient things	خواطر
transient world	دار فانی، دار فنا (= دنیا)
transitoriness	فنا
transitory	فانی
transitory spiritual state	حال
translucent	شفّاف
transmigration	تناسخ
transmigration of spirit	نسخ روح
transmitted knowledge	سمعیّات

total bewilderment	کمال حیرت
total effacement	محو کلّی
total knowledge	احاطه (= علم کامل)
total negation	عدم محض
total non-existence	عین‌العدم
total submission	رضا
total devotion	انقطاع کامل، تبتّل، عبودت
total victory	فتح مطلق
trace	اثر
track	مسلک
tradition	حدیث
traditional	سمعی
traditionalist	محدِّث
traditionalists	اصحاب حدیث، محدِّثین
traditionally transmitted signs	آیات سمع
traditional sciences	علوم نقلی
tragic element	حُزن
training	تربیت، ریاضت
training in good conduct	ادب
training the soul	ریاضت نفس، مجاهده با نفس
trance	وجد
tranquil	مطمئنّه
tranquility	سکون، فراغت
tranquility of the heart	اطمینان قلب
tranquility of the soul	سکون نفس
tranquillity	آرامش، اطمینان، طمأنینه
tranquil soul	نفس مطمئنّه

Throne of Divinity	عرش تقدیس
Throne of God	عرش خدا، کرسیّ
Throne of the Compassionate	عرش‌الرّحمٰن
thunderbolt	صاعقه (کنایه از لهیب محبت)
thunderstruck	صَعِق (= مدهوش)
Time	دهر، وقت
time-moments	مواقیت
time of union	روزگار وصال
time of ignorance	جاهلیّت
appointed time	اجل (= سرآمد)
solitary time	زمان فرد
unique time	زمان فرد
timidness	وَرَع
token	آیه (= نشانه)
tongue	لسان
tongue of God	لسان‌الحقّ
tongue of Oneness	لسان احدیّت
tongue of revealed religion	لسان شرع
tongue of the heart	لسان قلب
tongue of the Hidden	لسان‌الغیب
tongue of the Truth	لسان‌الحقّ
Torah, the	تورات
torment	بلا، عذاب، عقوبت
torment of separation	شکنجهٔ فراق
torn cloak	خرقهٔ ممزّقه
total absorption	استغراق
total adoration	عبودت

theoretical unveiling	کشف نظری
theos agnostos	خدای ناشناختنی
theosis	عرفان (= شناخت)
theosophers	الاهیّون، اهل تحقیق، اهل حکمت
theosophia	حکمت
theosophy	حکمت، حکمت الاهی
theosophy of Light	حکمت اشراق
thingness	شیئیّت
thinker	متفکّر
thinking	تفکّر، فکر (= تفکّر)
third world	برزخ
this-ness	انّیّت
those of vision	صاحب نظران
those who reached the union	واصلان
thought	پندار، خاطر، فکر (= صورت ذهنی)
thoughtful soul	نفس ناطقه
thoughtlessness	رُعونت
threat	وعید
threatening	وعید
threat of punishment	وعید
three kingdoms	مولّدات ثلاث
three progenies	مولّدات ثلاث
threshold	آستانه، درگاه، عَتَبه
threshold of gnosis	عَتَبهٔ عرفان
threshold of servitude	عَتَبهٔ عبودیّت
throes of ecstasy	غلبات وجد
Throne, the	عرش

thank, to	شکر کردن
thanks	شکر
thanksgiving	شکر
thaumaturgies	کرامات
theologians	اصحاب کلام، اهل علم
theology	الاهیات (= علم کلام)، دین
theomorphosed	مألوه
theopathic locutions	شطحات
theophanic form	مَظهر
theophanic locutions	شطحات، شطحیات
theophany	تجلّی، تجلّی الاهی
theophany of Divine Acts	تجلّی افعال
theophany of Divine Names	تجلّی اسمائی
theophany of Majesty	تجلّی جلال
theophany of the Attributes	تجلّی صفات
theophany of the Beauty	تجلّی جمال
theophany of the Divine Essence	تجلّی ذات الاهی
theophany of the Essence	تجلّی ذات
theophany of the Most Omnipotent	تجلّی اقهر
theophany the Most Holy	تجلّی اقدس
theoretical faculty	قوّهٔ علمی
theoretical gratitude	شکر علمی
theoretical intellect	عقل نظری
theoretical knowledge	معرفت نظری
theoretical mysticism	عرفان نظری
theoretical science	علم نظری
theoretical Sufism	عرفان نظری

temple of idols	بت‌خانه، بتکده
temporally originated being	وجود حادث
temporally originated meanings	معانی محدَثه
temporally produced	حادث
temptation	اغراء، اغوا، بلا، فتنه، وسواس، وسوسه
temptation of Satan	وسوسهٔ شیطانی
temptation of the soul	وسوسهٔ نفسانی
tempus discretum	زمان منفصل
tenderness	حَنان، رقّت دل، لطف
tenebrous	ظلمانی
tenet	ملّت (= آیین)
tenuity	رقیقه
term	اجل (= سرآمد)
terminology	اصطلاح
terrestrial angels	ملائکهٔ ارضیّه
terrestrial life	حیات دنیا
terrible	هایل
Terrible in Punishing, the	شدیدالعقاب [خداوند]
Terrible in Punishment, the	شدیدالعذاب [خداوند]
Terrible in Tribulation, the	شدیدالعذاب [خداوند]
terror	ترس، خوف، رَوْع، هول و هراس
test	امتحان، بلا (= آزمون)
testing	امتحان
thank	شکر
thankful	سپاس‌گزار، شاکر، شکور
thankfulness	سپاس‌گزاری، شکر
thanking	شکر، شکرگزاری

taste	ذوق، طعم
taste of beauty	ذوق جمال
taste of devotion	طعم عبادت
taste of gnosis	طعم عرفان
taste of God's witnessing	ذوق شهود
taste of intimacy	ذوق انسی
taste of love	ذوق محبّت
taste of proximity to God	ذوق قربت حقّ
taste of witnessing	ذوق شهود
tasting	ذوق
Tavern	خرابات، میخانه
Tavern-corner	کنج خرابات، گوشهٔ میخانه
tavern-door	در میخانه
tavern-frequenter	خراباتی
Tavern of Magians	خرابات مغان
tavern of the spirit	خرابات روح
tavern of the world	خرابات دنیا
teacher	معلّم
teacher of angels	معلّم ملائکه
teacher of the human being	معلّم انسان
teaching through Divine inspiration	الهام
tearful, the	اهل بُکاء
tearing one's garment	خرقه دریدن
temperament in equilibrium	مزاج متعادل
temperament of search and aspiration	مزاج طلب و ارادت
temple	هیکل

T

taboos	محرّمات
taint	زنگار، کدورت
take inquiry of the welfare, to	تفقّد کردن
take pity, to	ترحّم کردن
take shelter in, to	پناه بردن به
taking care	مواظبت
taking enjoyment	تنعّم
taking heed	اعتبار (≠ تفسیر)
taking of the Covenant	اخذ میثاق
taking pleasure	تلذّذ
taking shape	تشکّل
taking the word back to	تأویل
taking trouble	تکلّف
talebearing	نمیمه
talent	فضل
tale of love	حدیث عشق
talisman	تعویذ، طلسم
talking to oneself	حدیث نفس
task	شأن

Sympathetic, the	عطوف [خداوند]
sympathetic ecstasy	تواجد (= اظهار حالت وجد)
sympathetica	همدمی
sympathy	رحمت، غم‌خواری، همدمی
synthesis	جمع، جمعیّت
synthetical being	کَون جامع (= انسان کامل)

sway of God	غلبهٔ حقّ
sweet	طیّب
sweet of song	خوش الحان
sweetheart	جانان، دل‌بر، دل‌ستان، نگار
sweetness	حلاوت
sweetness of being	حلاوت وجود
sweetness of existence	حلاوت وجود
sweetness of faith	حلاوت ایمان
sweetness of invocation	حلاوت ذکر
sweetness of remembrance	حلاوت ذکر
swelling	نفخه
swerving	میل (= انحراف از طریق)
Swift in punishing, the	سریع‌العقاب [خداوند]
Swift in reckoning, the	سریع‌الحساب [خداوند]
swift traversal on the earth	طیّ‌الارض
swindler	مخادع
swindling	خدعه
swoon	سُکر
swooning	غَشْیت
symbol	اشاره
symbolic allusion	اشاره
symbolic figuration	تمثیل
symbolic interpretation	تأویل
symbolic sign	مرموز
symbolic tale	مرموز
symbolic utterance	اشاره
symbols	شعائر

Supreme Name	اسم اعظم
supreme plenum	ملأ اعلیٰ
supreme purpose	مقصدالأسنی
supreme receptivity	قبول اعلیٰ (= عقل اوّل)
supreme signs	آیات کبریٰ
Supreme Spirit	روح اعظم
supreme splendor	بهجت کبریٰ
supreme talisman	طلسم اعظم
supreme union	اتّحاد اعلیٰ
supreme zenith	اعلیٰ علّیّین
sure faith	ایمان قطعی
surmise	ظنّ
predominant surmise	ظنّ غالب
surpassing others	تفاضل [نظریّهٔ ابن عربی]
surrendering to God	تسلیم خدا
surrender oneself to God, to	تسلیم حقّ تعالی شدن
Surveyor, the	رقیب [خداوند]
survival	بقا
susceptible	قابل (≠ فاعل)
suspicion	سوء ظنّ
suspiciousness	تُهمت
Sustainer, the	رزّاق [خداوند]
Sustaining Quality of God	صفت قیّومی خداوند
sustenance	قُوْت
suzerainty	ربوبیّت
sward	چمن
sway	سلطه

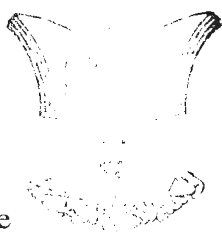
superior spirits	ملأ اعلیٰ
supernal entities	علویّات
supernal lights	انوار عِلْوی
supernal world	عالَم عِلْو
supernatural voice	هاتف
supersensible world	عالَم غیب
superstition	خرافه
suppliant	نیازمند
supplication	تضرّع، توسّل، دعا، نیاز، درخواست
supplications between man and God	مناجات
supplicatory prayer	دعا
support	تأیید
support of life	ریحان
Supports	اوتاد
suppress one's lusts, to	سرکوب کردن هواها
supra-sensory	معنوی
supreme	اعلیٰ
Supreme, the	اعلیٰ، علیّ [خداوند]
supreme assembly	ملأ اعلیٰ
supreme *Barzakh*	برزخ اعلیٰ
supreme bliss	سعادت عظمیٰ
supreme dominion	ملکوت
Supreme First	اوّل اعلیٰ
supreme happiness	سعادت عظمیٰ
supreme joy	بهجت کبریٰ
Supreme Lord	ربّ اعلیٰ
Supreme Monarch	مالک مطلق [خداوند]

summary of existence	خلاصهٔ موجودات
summit of servitude	ذروهٔ عبودیّت
summoning	احضار
summoning men unto God	دعوت بندگان به حقّ
summons	ندا
sunlight of dignity	آفتاب عزّت
sunlight of existence	آفتاب وجود، آفتاب هستی
sunlight of glory	آفتاب جلال
sunlight of gnosis	آفتاب معرفت
sunlight of grandeur	آفتاب کبریا
sunlight of knowledge	آفتاب معرفت
sunlight of revelation	آفتاب تجلّی
sunlight of the intellect	آفتاب عقل
sunlight of the soul	آفتاب جان
sunlight of the spirit	آفتاب روح
sunlight of the Truth	آفتاب حقّ
sun of eternity	آفتاب ازل
Sunni Muslim	سُنّی
superbness	جبروت
super-elect	خاصّ‌الخاصّ
supererogatory	تطوّعی، استحبابی
supererogatory prayer	نافله
supererogatory work	نافله
superexistence	بقا
superficial scholars	علماء قشری
superior angels	رؤسای ملائکه، ملائکهٔ عالون
superiority	برتری، مزیت، فضل،

Sufi	درویش، صوفی، فقیر
Sufis, the	اهل تصوّف، اهل طریقت، صوفیّه، متصوّفه
Sufi audition	سماع
Sufi centre	خانقاه، رباط، زاویه
Sufi circle	حلقهٔ صوفیانه
Sufi circle of invocation	حلقهٔ ذکر
Sufi convent	رباط
Sufi garb	جامهٔ صوفی
Sufi gatherings	مجالس
Sufi hospice	خانقاه
Sufi master	استاد، پیر، شیخ
Sufi masters	مشایخ طریقت
Sufi meeting place	خانقاه
Sufi monastery	خانقاه
Sufi sciences	علوم صوفیّه
Sufi of intermediate rank	متوسّطین
Sufi order	طریقت (= سلسله)
Sufi orders	طوایف تصوّف
Sufi session	مجلس
Sufism	تصوّف، صوفیگری
Sufi teachings	تعالیم صوفیّه
(Sufi) way	طریقت
Sufis	ارباب تصوّف، اصحاب تصوّف
Sufis of intermediate rank	اوساط (= متوسطان در سلوک)
suggestion	لمح، وسوسه
suggestion of the devil	وسوسهٔ شیطانی

Substitutes	اَبدال
substratum	مادّه
subtile world	عالَم مثال
Subtle, the	لطیف [خداوند]
subtle allusions	اشارات لطیف
subtle being	لطیفه (= قلب)
subtle body	جسم مثالی
subtle engendered beings	اکوان لطیفه (= اشیاء عالم مثال)
subtle essence	لطیفهٔ [روحی]
subtle point	دقیقهٔ لطیف
subtle spirit	روح لطیف
subtle things	لطائف
subtleties of actions	دقایق اعمال
subtleties of wisdom	لطایف حکمت
subtlety	دقیقه، لطافت
subtlety of disposition	لطافت طبع
subtle world	عالَم لطیف (≠ عالَم کثیف)
success	فلاح
successful	موفّق
success given by God	توفیق الاهی
succession of self-disclosures	توالی تجلیّات
succession of theophanies	توالی تجلیّات
successor of the Messenger	خلیفهٔ پیامبر (ص)
succumb, to	تسلیم شدن
sudden death	اجل ناگهانی، مرگ مفاجات
suffering	تألّم، محنت
suffering injustice	تغابن

Subjugating, the	قاهر [خداوند]
subjugating force	قهر
Sublime, the	ماجد [خداوند]
sublime assembly	ملأ اعلیٰ
sublime character	خُلُق عظیم
sublime company	ملأ اعلیٰ
sublime host	ملأ اعلیٰ
sublime morality	خُلُق عظیم
sublime morals	خُلُق عظیم
sublime nature	خُلُق عظیم
submission	انقیاد، تسلیم، تفویض، تواضع، خشوع، خضوع
submission to God's pleasure	رضا
submissive	خاضع
submissiveness	انقیاد، تواضع، خشوع
subordinate	تابع
subordination	تسلیم
subordination to passion	متابعت هوا
subservience	تعبّد
subsistence	بقا، دوام
subsistence of subsistence	بقاءالبقاء
subsistence through God	اقامت به حقّ
subsistence with God	بقاء باللّه
subsistent	باقی
Subsistent, the	باقی، قیّوم [خداوند]
subsistent by itself	غنیّ بالذات
substance of lowliness	مایهٔ خسّت



strength	قدرت، قوّت، قوّه
strengthening	تمکین (≠ تلوین)
strenuous effort	ریاضت
strife	جهاد
strike similitude, to	ضرب امثال، مثل زدن
stripped of attributes	مسلوب‌الاوصاف
stripping	تجرید
striving	مجاهدت
striving for virtuous purification	مجاهده
strong	متین
strong rope	حبل‌المتین
Strong, the	عزیز، قویّ [خداوند]
strong longing	رغبت شدید
strongly clear	محکم (≠ متشابه)
struggle	جهاد
struggle against the desires of the carnal soul	جهاد اکبر
struggler	مجاهد
struggling against the soul	مجاهدت با نفس
strutting	تبختر
student	تلمیذ (≠ شیخ)
stupefaction	دهشت
Subduer, the	قهّار [خداوند]
subject, the	رعیّت
subjected	خاضع
subjective journey	سیر انفسی
subjective voyage	سیر انفسی

stopping	وقوف
stopping place	منزل، موقف
storehouse	خزینه
storehouse of humanity	خزینهٔ انسانیّت
storehouse of imagination	خزانهٔ خیال
storehouse of nature	خزانهٔ طبیعت
storehouse of secrets	خزینهٔ اسرار
storehouse of senses	خزانهٔ محسوسات (= خیال)
storm of gnosis	توفان معرفت
story	حدیث، سخن، حکایت
storyteller	قوّال (سراینده)
straight	مستقیم
straight-for-wardness	استقامت
Straight Path	صراط مستقیم
straitenedness	تنگ‌دستی
straitness	حرج
strangeness	بیگانگی
stranger	بیگانه، غریب، غیر، نامحرم
strata	طبقات
stratagem	خدعه، کید، مکر
stratagems of the soul	مکاید نفس
stray thought	خاطر، وهم
street	کوی
street of friend	کوی یار
street of Magians	کوی مغان
street of profligates	کوی رندان
street of Tavern	کوی خرابات، کوی میکده

station of the Seal of saintship	مقام ختم ولایت
station of tranquillity	مقام اطمینان
station of unicity	مقام احدیّت
station of union	مقام اتّحاد، مقام اتّصال، مقام جمع
station of union of union	مقام جمع‌الجمع
station of unknowing	مقام جهل
station of unveiling	مقام کشف
station of veiling	مقام حجاب
station of wonder	مقام حیرت
stations	مقامات
stations of spiritual establishment	مقامات
stations of the gnostics	مقامات‌العارفین
status	مرتبه
steadfast	مستقیم
steadfastness	استقامت، تمکین (≠ تلوین)
stead of the soul	توسن نفس
stenches of the Hell	روائح نار
stenches of the Fire	روائح نار
step	درجه، مرتبه
steps to the highest of the high	معارج اعلیٰ علیّین
Steward of God	خلیفةالله
stillness	سکون
stillness of the soul	سکون نفس
stimulus of joy	رغبت ذوق
stinginess	بخل
stock	اصل
stop	وقفه

station of perfection	مقام کمال
station of perplexity	مقام حیرت
station of pleasure	مقام رضا
station of poverty	مقام فقر
station of Prophecy	مقام نبوّت
station of proximity	مقام عندیّت، مقام قرب
station of purity	مقام صفا
station of realization	مقام تحقّق (≠ مقام تخلّق)
station of reliance	مقام توکّل
station of repentance	مقام توبه
station of reproachfulness of soul	مقام لوّامگی نفس
station of satisfaction	مقام رضا
station of self-disclosure	مقام تجلّی
station of self-examination	مقام مراقبت
station of separation	مقام تفرقه، مقام تفرید
station of servantship	مقام عبودیّت
station of servitude	مقام عبودت، مقام عبودیّت
station of showing	مقام ارائت
station of simplicity	مقام مفردی
station of spiritual discovery	مقام کشف
station of spiritual synthesis	مقام جمعیّت
station of spiritual will	مقام همّت
station of stability	مقام تمکین
station of the angels	مقام مَلَکی
station of the Imamate	مقام امامت
station of the isthmus	مقام برزخ
station of the Quran	مقام قرآن

station of elemental	مقام عنصری
station of equilibrium	مقام اعتدال
station of essence	مقام ذات
station of expansion	مقام بسط
station of friendship	مقام خلّت
station of generation	مقام تکوین
station of glorification	مقام تعظیم
station of gnosis	مقام معرفت
station of gratitude	مقام شکر
station of grief	مقام حزن
station of hope	مقام رجاء
station of ignorance	مقام جهل
station of immediacy	مقام بی‌واسطگی
station of immediate proximity	مقام عندیّت
station of intercession	مقام شفاعت
station of jealousy	مقام غیرت
station of *Khadhir*	مقام خضر
station of King of the Kingdom	مقام مَلِکالمُلک
station of knowledge	مقام علم، مقام معرفت
station of Lordly illumination	مقام فتح ربّانی
station of messengership	مقام رسالت
station of mutability	مقام تلوین
station of nearness	مقام قرب
station of no station	مقام لامقامی
station of oneness	مقام احدیّت، مقام واحدیّت، مقام وحدت
station of patience	مقام صبر

state of perfect veracity	جایگاه صدق
state of seeking	نیاز (= طلب)
state of sobriety and composure	حال صحو و تمکین
state of spiritual changes	حال
state of (spiritual) union	مقام جمعیّت
states	شؤون (= مراتب وجود)
station	مقام، منزل
stationary	ساکن
station of affection	مقام شفقت
station of assuming traits	مقام تخلّق (≠ مقام تحقّق)
station of attributes	مقام صفات
station of awe	مقام هیبت
station of "Be"	مقام "کُن"
station of beneficence	مقام احسان
station of birdhood	مقام مرغی
station of blandishment	مقام ناز
station of certainty	مقام یقین
station of clay	مقام خاکی
station of clothing oneself in the Divine characteristics	مقام تخلّق به اخلاق رحمانی
station of commanding	مقام اَمّارگی
station of contemplation	مقام مشاهدت
station of contraction	مقام قبض
station of desire	مقام همّت
station of differentiation	مقام فرق
station of discernment	مقام فرقان
station of dust	مقام خاکی

stage of reason	طور عقل
stage of spirit	مرتبهٔ روح
stage of the body	مرتبهٔ جسد
stage of the guide	مقام دلیل
stage of the Names	مرتبهٔ اسماء
stage of Unity	مرتبهٔ احدیت
stages	مدارج، مراحل، مقامات، منازل
stages of nearness to God	منازل قرب
stain	آلودگی
stairs	معارج
staking one's all	پاک‌بازی
stamp of createdness	وَصْمَت (مُهر) حدوث
standing	رتبه، مرتبه
starless celestial sphere	فلک اطلس
starvation	فاقه (= نیازمندی)
state	حال، شأن، هیأت
statement	حدیث (= سخن)
state of a bird	مقام مرغی
state of being dependent on God	افتقار
state of boasting	مقام ناز
state of contraction	قبض
state of fruit-bearing	مقام مثمری [ثمردهی]
state of gain	حال وجد
state of ignorance	جاهلیّت
state of internal revelation and contemplation	حال کشف و شهود
state of loss	حال فقد

Spiritual Way	طریقت
spiritual warfare	جهاد با نفس
spiritual wayfaring	سلوک
spiritual will	همّت
spiritual witnessing	مشاهدهٔ روحانی
spiritual world	عالَم امر، عالَم روحانی، ملکوت
spiritus	روح
Spiritus Dei	روح‌الله
splendid	کریم
splendour	بهاء، جلال، جلالت، فروغ
Splitter, the	فالق [خداوند]
spouse	زوج
spreading dawn	فجر صادق
spreading of existence	سریان وجود
Spring of Life	چشمهٔ حیات، چشمهٔ زندگانی
stability	ثبات
stability (of one's inner state)	تمکین (≠ تلوین)
stage	درجه، مرتبه، مرحله، مقام، منزل، منزلت
stage of astonishment	مقام حیرت
stage of being substitute	مقام بدلیت
stage of certainty	مرتبهٔ ایقان
stage of duality	مقام ثنویّت
stage of faith	مرتبهٔ ایمان
stage of imagination	مرتبهٔ خیال
stage of Imamate	مرتبهٔ امامت
stage of intellect	طور عقل
stage of man	مرتبهٔ انسان

spiritual realities	روحانیات، معانی
spiritual reality	حقیقت روحانی، معنا
spiritual remoteness	بعد (≠ قرب) معنوی
spiritual retirement	اعتکاف
spiritual retreat	اعتکاف، خلوت
spiritual root	ملکوت
spiritual sacrifice	بذل روح
spiritual self	باطن [اسم]
spiritual soul	نفس روحانی
spiritual state	حال، وقت
spiritual stations	مقامات
spiritual steadfastness	استقامت
spiritual stress	قبض
spiritual strife	مجاهده
spiritual struggle	مجاهدت
spiritual taste	ذوق
spiritual teacher	پیر
spiritual torment	عذاب معنوی
spiritual truth	حقیقت، حقیقت روحانی
spiritual unveiling	کشف/مکاشفهٔ روحانی
spiritual virtue	احسان [مرحله‌ای پس از اسلام و ایمان]
spiritual vision	بصیرت ربّانی، دیدن با قلب، کشف، مشاهدهٔ روحانی
spiritual visitations	تنزّلات روحانی
spiritual voyage	سیر انفسی
spiritual wakefulness	بیداری (= صحو)
spiritual wanton	رِند

spiritualization of the corporeal bodies	تروّح اجسام
spiritual journey	اِسراء، سفر روحانی، سیر انفسی
spiritual leaning	ذوق
spiritual light	نور روحانی
spiritual love	حبّ روحانی، محبّت
(spiritually) immature	خام
(spiritually) mature	پخته (= بالغ)
spiritually purified	مهذّب
spiritual manifestation	تجلّی روحانی
spiritual master	پیر، شیخ
spiritual ministry	ولایت (= ولیّ بودن)
spiritual passion	شهوت روحانی
spiritual Path	طریقت
spiritual physician	طبیب روحانی
spiritual pleasure	رضا
(spiritual) poverty	درویشی (فقر)
spiritual practices	معاملات
spiritual preceptor	پیر، شیخ
spiritual presence	برکت
spiritual punishment	عذاب معنوی
spiritual pupil	مرید
spiritual purification	طهارت روحانی، طهارت معنوی
spiritual purity	صفای روحانی، طهارت روحانی، طهارت معنوی
spiritual quest	طلب
spiritual questions	مسائل قدسی

spiritual comportment	ادب
spiritual concert	سماع
spiritual contraction	قبض
spiritual death	مرگ دل، موت معنوی
spiritual determinations	تعیّنات روحی
spiritual director	پیر
spiritual distance	بعد معنوی (≠ قرب معنوی)
spiritual dominion	ملکوت
spiritual energy	همّت
spiritual exercise	ریاضت
spiritual expansion	بسط
spiritual experience	حال، مشاهده
spiritual eye	بصیرت
spiritual eyesight	چشم بصیرت
spiritual father	ربّ روحانی
spiritual favours	فتوح
spiritual feeling	حال
Spiritual Garden	جنّت معنوی
spiritual guide	پیر، مرشد
spiritual hermeneutics	تأویل
spiritual inrushes	واردات روحانی
spiritual insight	فراست، معنا
spiritual inspirations	واردات روحانی
spiritual invocation	ذکر معنوی (= ذکر قلبی)
spiritualist	صاحب‌دل
spirituality	روحانیّت، معنویت
spiritualization	تروّح

pure Muhammadan spirit	روح پاک محمّدی
pure spirit	روح مجرّد
rebellious spirit	روح سرکش
sanctified spirit	روح مقدّس
subtle spirit	روح لطیف
Supreme Spirit	روح اعظم
Universal Spirit	روح کلی
vegetable spirit	روح نامیه
vegetative spirit	روح نامیه
spirits ecstatic with love of God	مهیَّمون
spiritual	روحانی، لاهوتی، معنوی
spiritual action	عمل سرّ
Spiritual Adam	آدم روحانی
spiritual affinity	انجذاب روحی
spiritual ambition	همّت
spiritual domains	ممالک روحانی
spiritual animus	جان روحانی
spiritual ascent	معراج
spiritual aspiration	همّت
spiritual attraction	انجذاب روحی
spiritual audition	سماع
spiritual being	لطیفه (= قلب)
spiritual beings	روحانیات
spiritual brides	اَعراس (= تجلّیات روحانی الاهی)
spiritual child	فرزند معنوی
spiritual clarity	صفای روحانی
spiritual combat	جهاد با نفس، مجاهده

Spirit of God — روح‌الله
Spirit of Holiness — روح‌القدس
spirit of man — روح انسانی
spirit of ritual prayer — روح نماز
Spirit of Saintity — روح‌القدس
spirit of *ṣalât* — روح نماز
Spirit of Sanctity — روح‌القدس
spirit of Satan — روح شیطان
spirit of the act — روح عمل
spirit of the angel — روح مَلَک
spirit of the deed — روح عمل
spirit of the Devil — روح ابلیس
spirit of the jinn — روح جنّ
  All spirit — روح کلّ
  angelic spirit — روح مَلَکی
  command spirit — روح امری
  Divine Spirit — روح الاهی
  Faithful Spirit — روح‌الامین
  governing spirit — روح مدبّر
  higher spirit — روح علوی
  holy spirit — روح قدسی
  human spirit — روح بشری
  immaterial soul — روح مجرّد
  lower spirit — روح سفلیٰ
  Muhammadan Spirit — روح محمّدی
  partial spirit — روح جزئی
  particular spirit — روح جزئی

specific purification طهارت خاصّ
specific saintship ولایت خاصّه
specific sending forth, the بعث خاصّ
specific Uprising, the بعث خاصّ
spectacle-place منظر
spectator ناظر
speculation تأمّل، تعمّق، تفکّر، نظر، توجّه
speculative sciences علوم عقلی
speech بیان، حرف (هر جزئی از هر موجود)، صحبت، نطق
speechlessness سکوت
sphere of constellations فلک‌البروج
sphere of Divine power عالَم جبروت
sphere of life فلک حیات
sphere of the fixed stars فلک ثوابت
sphere of the moon فلک قمر
sphere of the moon's mansions فلک‌المنازل
sphere of the spheres فلک‌الافلاک
celestial sphere فلک
first sphere فلک‌الافلاک
highest sphere, the فلک اعلیٰ، فلک‌الافلاک
lowest sphere, the فلک اقصیٰ
starless celestial sphere فلک اطلس
spirit جان، روان، روح، قلب
spirit breathed in by God روح دمیده
Spirit of Allah روح‌اللّه
spirit of devotion روح عبادت
spirit of faith روح ایمان

source of wisdom	امّ حکمت (= معرفت نفس)
sources of realities	امّهات حقایق
Sovereign, the	سلطان، مالک، محیط [خداوند]
sovereign encompassment	احاطهٔ قیّومی
sovereign of Jealousy	سلطان غیرت
sovereign of Names	سلطان اسماء
sovereign of Time	سلطان وقت
Sovereignty, the	ربوبیّت، سلطنت، سلطه، ملکوت [خداوند]
space of two bow-lengths	قاب قوسین
spatial confinement	تحیّز
Speaker, the	قائل، متکلّم [خداوند]
Speaking, the	متکلّم [خداوند]
special gifts	کرامات
special guidance	هدایت خاصّه
specially cherished	نازنین
special mercy	رحمت خاصّ
special prophethood	نبوّت خاصّه (= رسالت)
special sainthood	ولایت خاصّه
special Self-disclosure	تجلّی خاصّ
special theophany	تجلّی خاصّ
specific	خاصّ (≠ عامّ)
specification	اختصاص، تخصّص، تخصیص
specific face	وجه اخصّ
specific guidance	هدایت خاصّه
specific light	نور خاصّ
specific mercy	رحمت خاصّ

souls of compound bodies	نفوس مرکّبات
souls of elemental bodies	نفوس اجسام عنصری
souls of ethereal centres	نفوس مراکز اثیری
souls of minerals	نفوس معادن
souls of planets	نفوس سیّارات
souls of simple bodies	نفوس مفردات
souls of the centres	نفوس مراکز
souls of the elements	نفوس عناصر
souls of the fixed stars	نفوس ثوابت
souls of the Pen	نفوس قلم
souls of the Tablet	نفوس لوح
souls of the Throne	نفوس عرش
soul's perishing	فناء نفس
soul's sicknesses	امراض نفس
soul's wiles	کید نفس
soul that inspires evil	نفس امّاره
soul who blames	نفس لوّامه
soul who orders	نفس امّاره
sound	آواز، درست، سلیم، محکم
sound cloak	خرقهٔ صحیحه
sound dream	رؤیای صالحه
sound heart	قلب سلیم
sound in discernment	سلیمالنّظر
sound judgement	عقل سلیم
soundness of character	صحّت سریرت
soundness of consciousness	صحّت سریرت
Source of Peace, the	سلام [خداوند]

solitary	وحید
solitary, the	مفردِ فرد (همتای قطب با نقشی متفاوت)
Solitary, the	فرد [خداوند]
solitary life	خلوت
solitary time	زمان فرد
solitude	انزوا، تنهایی، خلوت، عُزلت، وحدت
song	آواز، سماع
song of assemble	سرود مجلس
son of the moment	ابن‌الوقت
son of the present state	ابن‌الحال
Sophia Aeterna	حکمت خالده
Sophia perennis	حکمت خالده
sorcerer	ساحر
sorcery	سِحْر
sordid	پست، دنیّ
sordidness	پستی
sorrow	اندوه، حُزن، حسرت، غم
sought	مُراد
Sought-after Entity	عین مقصوده (= انسان کامل)
sought object	مطلوب
soul	جان، خود، دل، روان، نفس
soul at peace	نفس مطمئنّه
soul commanding evil	نفس امّارهٔ به سوء
soul of man	نفس انسان
soul of the heart	جان دل
soul-seeing eye	دیدهٔ جان‌بین

slighting	استخفاف
sluggish nature	افسردگی طبع
sluggishness	افسردگی طبع
slumber of heedlessness	خواب غفلت
smaller holy struggle	جهاد اصغر
small human being	انسان صغیر
smallness of soul	صِغَر نفس
smitten	مبتلا
snare	دام (کنایه از جلوه‌های فریبندهٔ دنیا)
snare of deceit	دام تزویر
sneer	تمسخر
sneering	استهزا
sober	صحو (≠ سکر)
sober, the	اهل صحو
soberness	صحو
sobriety	صحو
sobriety after effacement	صحو بعد از محو
sobriety and effacement	صحو و محو
social intercourse	مجالست
society	صحبت
society of mankind	جملهٔ خلق
solar sainthood	ولایت شمسیّه
soldiers of the heart	جنود قلب
Sole Predestinator, the	مقدِّر [خداوند]
solicitation	التجاء
solicitude	عنایت، مراعات
solidness	اتقان

singleness	فردانیّت، وحدت
singleness of worship and devotion	توحید در عبودیّت
single soul	نفس واحده
singularity	فردانیّت، فردیّت
sinlessness	عصمت
sinner	عاصی، گناه‌کار، مجرم، مذنب
sitting	استواء، جلوس
sitting companion	جلیس
sitting in solitude	خلوت‌نشین
sitting upon the Throne	استواء بر عرش
sitting with God in intimacy	مجلس نجویٰ
six degrees	مراتب ستّه
six levels	مراتب ستّه
skepticism	جحود، شکّ
sky	فلک
sky of the Unseen	آسمان غیب
slackness of demeanor	انبساط
sladering	افترا
slain by the Beloved	کشتهٔ معشوق
slave	بنده، عبد، غلام
slave of God	عبداللّه
God's slave	بندهٔ خدا، عبد مملوک
little slave	عُبَیْد
slavery	عبودیّت
Slayer, the	مُمیت [خداوند]
sleeplessness	سَهَر (= بیداری)

great sin	گناه کبیره
minor sin	گناه صغیره
venial sin	گناه صغیره
sincere	بی‌ریا، خالص، مُخلِص
Sincere, the	نصوح [خداوند]
sincere action	عمل خالص
sincere consecration	اخلاص
sincere devotee	صِدّیق
sincere devotees	صدّیقین
sincere devotion	اخلاص
sincere friendship	خلّت
sincere intention	خلوص نیّت
sincerely devoted, the	صدّیقین
sincere person	صِدّیق
sincere repentance	توبهٔ نصوح
sincere saying	قول خالص
sincere utterance	قول خالص
sincerity	اخلاص، خلوص، صدق
sincerity in worship	احسان [در عبادت]
sincerity of desire	صدق ارادت
sinful	گناه‌کار
sinful believers	مؤمنان عاصی
sinfulness	رندی، فسق، فسوق، گناه، معصیت
singer of Sufi songs	قَوّال (سراینده)
singing oratorios	سماع
single	وتر (≠ شفع)
Single, the	فرد، وتر [خداوند]

Divine signs	آیات الاهی
God's signs	آیات حقّ
perspicuous signs	آیات بیّنات
supreme signs	آیات کبریٰ
traditionally transmitted signs	آیات سمع
signeurial light	نور اسفهبدی
signpost	عَلَم (= نشانه)
signposts	اَعلام
signposts of the Unseen	اَعلام غیوب
signs of contemplation	آیات تفکّر
signs of faith	آیات ایمان
signs of knowledge	آیات علم
signs of similarity	آیات تشبیه
signs of the intellect	آیات عقل
signs of the Truth	آیات حقّ
signs upon the horizons	آیات آفاقی
signs upon the souls	آیات انفسی
signs (with)in themselves	آیات انفسی
silence	خاموشی، سکوت، صمت
silent	خموش
silent knowledge	علم صامت
similarity	تشبیه
similitude	مَثَل
simple	بسیط
simple souls	نفوس بسیطه
sin	جُرم، خطیئه، ذنب، گناه، معصیت
greater sin	گناه کبیره

sheaf	خوشه
sheer Being	صرف‌الوجود
sheer compulsion	جبر محض
sheer good	خیر محض
sheer goodness	خیر محض
sheer infidelity	کفر محض
sheer polytheism	شرک محض
shell	قشر (≠ لبّ)
shining	تجلیه، لایح، درخشان، نورانی
shore of sobriety	ساحل صحو
showing courtesy	تأدب
showing humility	تضرّع
showing mercy	رفق، مدارا
showing off	ریا
showing piety	تنسّک
show of honesty	ریا
show self-conceit, to	اظهار رعونت نفس
sibling	قرین، هم‌نشین
sick eye	چشم خمار
side	طرف
sigh	آه
Sigh of God	حنین خدا
Sigh of the Compassionate	نَفَس‌الرّحمٰن
sight	بَصَر، مشاهده
sign	آیه (= نشانه)
anthropomorphic signs	آیات تشبیه
clear signs	آیات بیّنات

severe warning	وعید
severing ties	قطع علائق
severity	سَطوت، قهر
sexual desire	شهوت
sexual passion	شهوت جنسی
sexual union	نکاح
shade	سایه
shadow	سایه، ظلّ، ظلمت
shadow of God	ظلّ‌الله
shadowy being	وجود ظلّی
shaikh	شیخ
shame	حیا، شرم
shame before God	شرم از خداوند
Shaper, the	مصوِّر [خداوند]
share	حظّ، سهم، نصیب
shared aspect	وجه مشترک (≠ وجه اخصّ)
shared face	وجه مشترک (≠ وجه اخصّ)
shared terminology	لفظ مشترک
sharer of Divine secrets	مَحرم سرّ الاهی
Sharī'ah	شریعت
sharing in expression	اشتراک لفظی
sharing in names	اشتراک در اسم
sharing in verbal form	اشتراک لفظی
sharing of Names	اشتراک در اسم
sharing of terminology	اشتراک در لفظ
shattered heart	خسته‌دل
shaykh	استاد، شیخ

servant of the Vigilant	عبدالمهیمن
servant of the Willing	عبدالمرید
servant of the Withholder	عبدالمانع
servant of the Witness	عبدالشّهید
servant of the Witnesser	عبدالشّهید
servants	خادمان (= مقیمان خانقاه)
servantship	عبودیّت
served	معبود
service	بندگی، عبادت، عبودیّت
service (of God)	خدمت
servitude	بندگی، عبودت، عبودیّت
servitude of compulsion	عبودیّت اضطرار
servitude of direction	عبودیّت تصریف
servitude of free will	عبودیّت اختیار
servitude of possibility	عبودیّت امکان
servitude of the spirit	عبودیّت روح
session for the recollection of God	مجلس ذکر
setting down *sth* as custom	سنّت‌گذاری
setting free	رهایی‌بخش
settling disputes	اصلاح ذات‌البین
Seven Cities of Love	هفت شهر عشق
seven heavens	هفت آسمان
seven skies	هفت آسمان
seven Substitutes	اَبدال سبعه
severance	انقطاع، فرقت
severance of bonds	قطع تعلّق
severe austerity	ریاضت

servant of the Pardoner	عبدالغَفُور
servant of the Patient	عبدالصّبور
servant of the Patron	عبدالمولیٰ، عبدالولیّ
servant of the Peace	عبدالسلام
servant of the Perceiver	عبدالواجد
servant of the Powerful	عبدالعزیز، عبدالقادر
servant of the Praiseworthy	عبدالحمید
servant of the Preserver	عبدالحافظ
servant of the Protector	عبدالمهیمن
servant of the Provider	عبدالرّازق، عبدالرزّاق
servant of the Real	عبدالحقّ
servant of the Reckoner	عبدالحسیب
servant of the Relenter	عبدالتوّاب
servant of the Restorer	عبدالمُعید
servant of the Restrainer	عبدالقابض
servant of the Resurrector	عبدالباعث
servant of the Righteous	عبدالبرّ
Servant of the Seeing	عبدالبصیر [اسم رمزی ابدال]
servant of the Seer	عبدالبصیر [اسم رمزی ابدال]
servant of the Sublime	عبدالماجد
servant of the Surveyor	عبدالرّقیب
servant of the Transcendent	عبدالمتعالی
servant of the Trustee	عبدالوکیل
servant of the Truth	عبدالحقّ
servant of the Unique	عبدالاحد
servant of the Vast One	عبدالواسع
servant of the Vengeful	عبدالمنتقم

servant of the Innovator	عبدالبدیع
servant of the Inward	عبدالباطن
servant of the Judge	عبدالحَکَم
servant of the Just	عبدالعدل، عبدالمقسط
servant of the King	عبدالمَلِک
Servant of the Knowing	عبدالعلیم [اسم رمزی اوتاد]
servant of the Last	عبدالآخِر
servant of the Light	عبدالنّور
Servant of the Lord	عبدالرّبّ [اسم رمزی امام]، عبدالوالی
Servant of the Loving	عبدالودود [اسم رمزی ابدال]
servant of the Magnificent	عبدالمتکبّر
servant of the Majestic	عبدالجلیل
servant of the Maker	عبدالباری
servant of the Merciful	عبدالرّحیم
servant of the Mighty	عبدالعزیز
servant of the Most-High	عبدالمتعالی
servant of the Most Pardoning	عبدالعَفُوّ
servant of the Most Strong	عبدالقویّ
servant of the Munificent	عبدالجواد
Servant of the Nonmanifest	عبدالباطن
servant of the Omnipotent	عبدالقادر
servant of the Omniscient	عبدالعلیم
servant of the One	عبدالواحد
servant of the Outward	عبدالظاهر
servant of the Overpowering Ruler	عبدالجبّار
servant of the Overwhelming	عبدالقهّار

servant of the Creator	عبدالخالق، عبدالمبدِع
servant of the Death-Giver	عبدالمُميت
servant of the Deferrer	عبدالمؤخّر
Servant of the Desirer	عبدالمريد [اسم رمزی اوتاد]
servant of the Enduring	عبدالباقی
servant of the Enricher	عبدالمُغنی
servant of the Eternal	عبدالصّمد، عبدالقديم
servant of the Everlasting	عبدالباقی
servant of the Ever-Living	عبدالحیّ
servant of the Exalter	عبدالرّافع، عبدالمُعزّ
servant of the Existence-Giver	عبدالموجِد
servant of the Food-Provider	عبدالمقيت
servant of the Form-Giving	عبدالمصوِّر
servant of the Generous	عبدالجواد، عبدالكريم
servant of the Gentle	عبدالحليم
Servant of the Grateful	عبدالشّكور [اسم رمزی ابدال]
servant of the Great	عبدالكبير
servant of the Guardian	عبدالحفيظ، عبدالمقيت، عبدالمهيمن
servant of the Guide	عبدالهادی
servant of the Guide to the Right Path	عبدالرّشيد
servant of the Harmer	عبدالضّارّ
Servant of the Hearer	عبدالسّميع [اسم رمزی ابدال]
Servant of the Hearing	عبدالسّميع [اسم رمزی ابدال]
servant of the Holy	عبدالقُدّوس
servant of the Humiliator	عبدالمُذلّ
servant of the Inheritor	عبدالوارث

Servant of All-Comprehensive	عبدالجامع
servant of God	عبداللّه
Servant of He-Who-Brings-Together	عبدالجامع
Servant of King	عبدالملک [اسم رمزی امام]
servant of the Active	عبدالفعّال
servant of the Advancer	عبدالمقدِّم
servant of the All-Embracing	عبدالواسع
servant of the All-Forgiving	عبدالغفّار
servant of the All-Good	عبدالرّحمٰن
servant of the All-High	عبدالعلیّ
servant of the All-Holy	عبدالقُدّوس
servant of the All-Knowing	عبدالعلیم
servant of the All-Potent	عبدالمقتدر
servant of the All-Powerful	عبدالقادر، عبدالقهّار
servant of the Almighty	عبدالجبّار
servant of the Answerer	عبدالمجیب
servant of the Arbitor	عبدالفتّاح
servant of the Avenger	عبدالمنتقم
servant of the Aware	عبدالخبیر
servant of the Beautiful	عبدالجمیل
servant of the Benefactor	عبدالمُنعِم
servant of the Beneficial	عبدالمحسن
servant of the Besought	عبدالصمد
servant of the Bountiful	عبدالوهّاب
servant of the Clement	عبدالحلیم
servant of the Compassionate	عبدالرّحمٰن
servant of the Conquerer	عبدالفتّاح

Sentence of *tawḥîd*	کلمهٔ توحید
separated intelligences	عقول مجرّده
separated time	زمان منفصل
separate from matter	مجّرد (= غیرمادی)
separateness	انفراد، انفصال
separation	افتراق، انفصال، انقطاع، جدایی، فراق، فصل، هجران
separation after unification	انصداع (= فرق بعد از جمع)
separation from creatures	انقطاع
separation of the inner being	تفرّد باطن
separation's night	شب هجران
separatists	اهل تفرقه
separative consciousness	فرق
separator	فرقان
Seraphiel	اسرافیل
Seraphiel's Trumpet	صُوْر اسرافیل
serenity	آرامش، اطمینان، صفا، طمأنینه
series	مراتب
seriousness	جِدّ
sermon	موعظه، وعظ
sermons	مواعظ
serpent	اژدها (کنایه از نفس امّاره)
servant	بنده، عبد، غلام
servanthood	بندگی، عبودیّت
servant-ness	عبودیّت
Servant of Alive	عبدالحیّ [اسم رمزی اوتاد]
Servant of Allah	عبداللّه [اسم رمزی قطب)

internal senses	حواس باطن
inward sense	باطن [معنا]
outer senses	حواس ظاهر
outward sense	ظاهر [معنا]
visual sense	نظر حسّی
sense perception	ادراک ظاهری
sensible	هوشیار
sensible experience	مشاهده (= تجربهٔ حسّی)
Sensible Garden	جنّت محسوس
sensible world	عالَم شهادت
sensory delights	مستلذّات عالم شهادت
sensory form	صورت محسوس
sensory image	صورت محسوس
sensual affection	هویٰ
sensual desire	خواستهٔ نفس
sensual distance	بعد حسّی
sensual influence	باعث نفسانی
sensual men	متابعان نفس
sensual passion	هوای نفس، هویٰ
sensual pleasure	حظّ نفس، لذّت حسّی
sensual pleasures	لذات حسّی
sensual promptings	دواعی شهوانی
sensual remoteness	بعد حسّی
sensual thoughts	معانی نفسانی
sensuous effect	تأثیر شهوانی
sensuous impression	تأثیر شهوانی
sentence	جمله

self-revelation	تجلّی، تعرّف
self-satisfied	خودبین
Self-seller	خودفروش
self-subsistence	قیّومیّت
self-subsistent	قائم به نفس، قیّوم مطلق
self-subsisting	قیّوم
self-sufficiency	استغناء، غنا، ناز
self-sufficient	غنیّ بالذات
self-vigilance	مراقبه
self-watchfulness	مراقبه
self-will	هویٰ
self-willing	آزادی عمل، تدبیر، اختیار
self-worship	خودپرستی
self-worshipper	خودپرست
selves	اَنفُس
semblance	شکل
semeia	سیمیاء
semicircle	قطر
sempiternal	قدیم
sending forth	بعث
sending (forth) the messengers	ارسال رسل
sense	حسّ [ظاهر و باطن]، وجه، معنا
common sense	عقل سلیم
external senses	حواس ظاهر
in its most general sense	بالمعنی الاعمّ
in its most particular sense	بالمعنی الاخصّ
inner senses	حواس باطن

selfish interest	بهرهٔ نفسانی، حظّ نفس، غرض نفسانی
selfish motives	اغراض نفسانی
selfishness	انانیّت، خودپرستی
selfish passing thought	خاطر نفسانی
selfish passing thoughts	خواطر نفسانی
selfish pleasure	حظّ نفس
selfish purpose	غرض نفسانی، مراد نفس
self-knowledge	خودشناسی، معرفةالنفس
selflessness	ایثار
self-love	حبّ نفس
self-manifestation	تجلّی
self-mortification	ریاضت، ریاضت نفس، مجاهدت
self of the situation	نفس‌الامر
self-ostentation	مراقبت
self possession	مالکیت بر نفس
self-presentation	تعرّض
self-preservation	صیانت نفس
self-purification	تزکیهٔ نفس
self-purity	تهذیب نفس
self-realization	تحقّق
self-rebuke	معاتبه
self-regard	خودبینی
self-reproaching soul	نفس لوّامه
self-respect	عزّت نفس
self-restoration	اثبات (≠ محو)
self-restraint	امتناع، خودداری، کفّ نفس
self-revealing	تجلّی، تعرّف

Self-Discloser, the	متجلّی [خداوند]
self-disclosure never repeats itself	لاتکرّر فی‌التّجلّی
Self-disclosure of Divine Acts	تجلّی افعال
Self-disclosure of Divine Names	تجلّی اسمائی
Self-disclosure of the Most Holy	تجلّی اقدس
Self-disclosure of the Most Omnipotent	تجلّی اقهر
self effacement	امحاء نفس، فنا، محو
self-evident	ضروری (= بدیهی)
self-evident perception	ادراک بدیهی
self-exaltation	ترفّع
Self-Exalter, the	متعالی [خداوند]
self-examination	محاسبه، محاسبهٔ نفس، مراقبه
self-exertion	تعمّل (≠ اختصاص)
Self-Existent, the	قیّوم [خداوند]
self-giving	ایثار
self-giving, the	اهل ایثار
self-glorification	ناز
Self-Great, the	متکبّر [خداوند]
Self-High, the	متعالی [خداوند]
selfhood	خودی
self-independence	غنا
self-indulgence	زیاده‌روی
self-inspection	محاسبهٔ نفس
self-interest	خودکامی
self-intoxicated	سرمست
selfish	خودپرست
selfish desire	مراد نفس

Seer, the	بصیر [خداوند]
seizure of the spirit	قبض روح
selected among the selected ones, the	خواصّ‌الخواصّ
selected friends	صَفْوه، برگزیدگان
selected ones	خواصّ، برگزیدگان
selecting	اختیار، انتخاب
self	خود، سرّ، نفس
inmost self	سرّ
inner self	باطن [اسم]، سر، ضمیر
repentant self	نفْس لوّامه
spiritual self	باطن [اسم]
self-abasement	تضرّع، ذلّت
Self-Abiding, the	قیّوم [خداوند]
self-annihilated	فانی از نفس
self-annihilation	فنا، فناء از نفس
self assertion	انانیّت
self-awareness	خودآگاهی
self-centred	خودبین، خویشتن‌بین
self-conceit	خودبینی، عُجب
self-conceited	خودبین، خویشتن‌بین
self-confidence	استغناء
self-constraint	تکلّف (≠ انبساط)
self defeating	خسران نفس
self-denial	زهد
self-direction	تدبیر
self-discipline	تهذیب نفس، ریاضت، مجاهدت
self-disclosure	تجلّی

sect	فرقه
sectarian	متعصّب
sects	نِحَل
sect which achieves salvation	فرقهٔ ناجیه
secure	ایمن
security	امن، طمأنینه
security of mind	سلامت صدر
seduced	مغرور، فریفته، مفتون
seduction	اغراء، اغوا
seeing	بصیر، شهود، مشاهده
Seeing, the	بصیر [خداوند]
seeker	طالب، مرید
seeker of love	طالب عاشق
seeker of safety	طالب سلامت
seeker of well-being	طالب سلامت
seekers of reproach	ملامتیّه (= ملامیّه)
seek forgiveness, to	استغفار کردن
seeking	طلب
seeking forgiveness	طلب مغفرت، استغفار
seeking help	استمداد، استعانت
seeking insight	استبصار
seeking of forgiveness	استغفار
seeking refuge	استعاذه، التجاء
seeking the good	طلب خیر
seeking this world	دنیاطلبی
seek nearness, to	تقرّب جستن
seen world	عالَم شهادت

Second theophany	تجلّی ثانی
second thought	خاطر ثانی
secret	راز، سرّ، سریره
secret action	عمل سرّ
secret centre	سرّ
secret domain	سرّ
secret force	قوّهٔ خفیّه
secret heart	سرّ، سریره
secret invocation	ذکر خفیّ
secret knowledge	علم لدنّی
secret lust	شهوت خفیّ
secret of Divine suzerainty	سرّ ربوبیّت
secret of Resurrection	سرّ حشر
secret of secrets	سرّالسرّ
secret of suzerainty	سرّ ربوبیّت
secret of the Godhead	سرّ ربوبیّت
secret of the soul	سرّ نفس، سریره
secret prayer	مناجات
secret psalm	مناجات
secret remembrance	ذکر خفیّ
secrets	اسرار (= رازها)
secret sign	رمز
secret subtile inwardness	لطیفهٔ خفیّه
secret thought	سریره
secret thoughts	اسرار، اندیشه‌های نهانی
secret unveilings	مکاشفات سرّی
secret will	مناجات

sea of Sovereignty	بحر جبروت
sea of the Truth	بحر حقیقت
sea of vision	بحر عیان
sealing	ختم، مهر زدن
seal ring	نگین
seal stone	نگین
Seal of command	ختم امر
Seal of Muhammadan Friends	خاتم اولیاء محمّدی
Seal of Muhammadan Sainthood	خاتم ولایت محمّدی
Seal of Muhammadan Saints	خاتم اولیاء محمّدی
Seal of prophethood	خاتم نبوّت
Seal of saintship	ختم ولایت
Seal of the Friends	خاتم اولیاء
Seal of the Prophets	خاتم انبیاء (ص)،
Seal of the Saints	خاتم اولیاء
search	طلب
searching hand	دست طلب
seat of knowledge of the Names	محل علم اسماء
seat of sincerity	مقعد صدق
secluded pavilion of the heart	خلوت‌سرای دل
secluded shrine	خلوت‌گاه خاصّ
secluded virgins of the Unseen	مخدّرات غیبی
seclusion	خلوت، عُزلت
seclusion in mosque	اعتکاف
secondary cause	سبب
Second Father	اب ثانی
Second Self-disclosure	تجلّی ثانی (= فیض مقدّس)

formal science	علم رسمی، علم رسوم
theoretical science	علم نظری
scientia sacra	علم الاهی
scoffers	اهل هزل
scope	حیطه
screen	پرده (= حجاب میان حقّ و بنده)
screen of chastity	پردهٔ عصمت
within the screen	در حجاب، درون پرده
screen of Cloud	پردهٔ عماء
screen of imagination	پردهٔ خیال
screen of jealousy	پردهٔ غیرت
screen of the hidden	پردهٔ غیب
screen of thought	پردهٔ پندار
screen-holder	پرده‌دار
scripture	صحیفه
scruple	وَرَع
scrupulosity	وَرَع
sea	بحر، دریا
sea of bounty	بحر جود
sea of dominion	بحر جبروت
sea of existence	بحر هستی
sea of gift	بحر عطا
sea of grandeur	بحر کبریا
sea of inspiration	بحر الهام
sea of love	بحر عشق
sea of manifestation	بحر ظهور
sea of revelation	بحر تجلّی

science of the magical property of letters	سیمیاء
science of time	علم وقت
science of transmission	علم روایت
science of vision	علم شهودی، علم کشف
sciences of spiritual states	علوم احوال
sciences of the mysteries	علوم سرّ
divine sciences	الاهیات
formal sciences	علوم رسمیّه
gnostic sciences	معارف
illuminative sciences	علوم اشراقی
intellectual sciences	علوم عقلی
lordly sciences	علوم ربّانی
luminous sciences	علوم اشراقی
official sciences	علوم رسمیّه
of the mysteries	علوم سرّ
rational sciences	علوم عقلی
religious sciences	علوم نقلی
speculative sciences	علوم عقلی
traditional sciences	علوم نقلی
transmitted sciences	علوم نقلی
acquired science	علم کسبی (≠ علم موهوب)
bestowed science	علم موهوب (≠ علم کسبی)
Divine science	علم الاهی
dogmatic science	علم اعتقادی
earned science	علم کسبی، علم مکتسَب
esoteric science	علم باطن

Saturn	کیوان (= آسمان هفتم)
savage soul	نفس سَبُعی
saved	رستگار
saved sect	فرقهٔ ناجیه
Saviour, the	مغیث [خداوند]
savour of devotion	طعم عبادت
savour of gnosis	طعم عرفان
saying prayer	دعا
sayings	قال (≠ حال)
scalding water	حمیم [در جهنم]
Scale of the Law	میزان شرعی، میزان شریعت
scant knowledge	علم قلیل
scared	خائف
scattering	افتراق
scepticism	جحود، شکّ
schism	نِحله
scholars	اهل تحقیق، اهل علم
scholars of spiritual taste	علماء ذوق
school of existence	مدرسهٔ وجود
School of Illumination	مکتب اشراق
school of love	مکتب عشق
science of certainty	علم‌الیقین
science of certitude	علم‌الیقین
science of polemics	فن مباحثه
science of spiritual states	علم حال
science of the imagination	علم خیال
science of the Law	علم شریعت

Sameritan	سامری
sanctification	تقدیس
sanctified	مقدّس
sanctified spirit	روح مقدّس
sanctifying	تقدیس
sanctifying the heart	تقدیس قلب
sanctity	پاکی، تقدّس، حرمت، قدس، ولایت (= ولیّ بودن)
sanctuary	حرم، حریم، سکینه، مکان مقدس
Sanctuary of God	حرم خدا
sapience	حکمت، دانایی، شناخت، عرفان، علم ذوق
sapient	عارف
sapiential knowledge	ذوق، معرفت ذوقی
Satan	ابلیس، شیطان
satanic	شیطانی
satanic dream	رؤیای شیطانی
satanic incoming thoughts	خواطر شیطانی
satanic intrigue	خدعهٔ شیطانی
satanic perplexity	حیرت شیطانی
satanic suggestion	القاء شیطانی
satanic thought	خاطر شیطانی
satanic whispering	وسوسهٔ شیطانی
Satan's wiles	عشوهٔ شیطان
satisfaction	اکتفا، رضا، قناعت
satisfied	راضی، قانع
satisfied, the	اهل رضا
be satisfied, to	راضی بودن

sad element	حُزن
sadness	حُزن
Ṣadrian	صدرایی
safeguard	حفظ
safe patience	صبر عاصم
safe place	محل امن
safety	امن، سلامت، صلاح
sagacity	بصیرت، فراست
sage	پیر، حکیم، خردمند، شیخ، عاقل
saint	پیر، صِدّیق، ولیّ (= مرد خدا)
sainthood	تقدّس، روحانیّت، ولایت
saintliness	ولایت (= ولیّ بودن)
saintly	صاحب مقام
saintly effusion	فیض قدس
saintly man	پیر، زاهد
saintly servant	عبد صالح
saints	اولیاء، اهل کرامت، صدّیقین، مقرّبان
saints of Allah	اولیاء خدا
saints of God	اولیاء خدا
saints' place of worship	معبد اولیاء
sake of Allah	سبیل‌الله
for the sake of Allah	فی سبیل‌الله
ṣalât	صلات، نماز
ṣalât of night	قیام‌اللّیل، نماز شب
salvation	رستگاری، رهایی، فلاح، نجات
salvation of the heart	نجات قلب
same-ness	عینیّت (= یکسانی)

S

sacred	قدسی، مقدّس
sacred effusion	فیض مقدّس
sacred fold	حرم
sacred fold of the beloved	حرم یار
sacred intellect	عقل قدسی
Sacred Law	شریعت
sacred locution	حدیث قدسی
sacred observances	شعائر، آیین‌های دینی
sacred place	مکان مقدس
sacred precinct	حرم
sacred saying	حدیث قدسی
sacred soul	نفس قدسی
sacred threshold	آستان قدس
sacred tradition	حدیث قدسی
sacrifice	قربان
sacrificing	بذل
sacrificing life	جان‌فشانی
sacrosanct effusion	فیض اقدس
sad	محزون

ruling property	حُکم
running commentary	شرح مزجی
running out	نفاد (= پایان)
ruse	مکر
ruse of the Divine	مکر الاهی
ruse of God	مکر خدا
rust	رِیْن (= حجاب کفر و ظلمت)، زنگار
rust of denial	زنگار انکار
rust of heart	زنگار دل
rust of instinct nature	زنگار طبیعت

robe of honour	خلعت
robe of light	خلعت نور
root	اصل
roots of religion	اصول دین
rosary	وِرْد
robe	جبّه
robe of discipleship	خرقهٔ ارادت
robe of honour	خلعت
rose	گل
rose-bed	گلشن
rose-bed of union	گلشن وصل
rose garden	بستان، بوستان
royal chamber	محراب
ruby	یاقوت احمر
ruby lip	لب لعل
ruby of lip	لعل لب
ruined heart	دل خراب، دل ویرانه
ruined house	خانهٔ خراب
ruined tavern	خرابات
rule of conduct	ادب
Ruler, the	حاکم، قاهر، مالک [خداوند]
ruler-recognizer	شحنه‌شناس
rulers	اولوالامر
rulership	تولیت
rules of ascetic discipline	آداب ریاضت
rules of Law	احکام شریعت
rules of the Truth	احکام حقیقت (≠ احکام شریعت)

right	استحقاق، حقّ
right conduct	ادب
righteous	راست‌رو، صالح، صِدّیق
righteous, the	ابرار، اخیار، صُلحاء، نیکان
Righteous, the	برّ [خداوند]
righteous bondsman	عبد صالح
righteous conduct	راست‌کرداری
righteous deeds	صالحات
righteous forebearers	سَلَف صالح
righteousness	استقامت، حسنه، درستی
righteous servant	عبد صالح
rightful claim	استحقاق
rightful due	حقّ
right guidance	هدایت
right path, the	سبیل
right way	راه هدایت
Rigour (of God)	جلال، جلال الاهی، جلال خدا
ring of service	حلقهٔ بندگی
ringlet	حلقهٔ زلف، زلف، طُرّه، گیسو
rites	آداب
ritual	شعیره، آیین عبادی
ritual prayer	صلات، نماز
rival	حریف
road	راه، طریق، مسیر، منهاج
road, the	سبیل
road-guide	راهبر
roast-flesh	کباب (کنایه از بی‌تابی)

revealed signs	فواتح
revealing	کشف، فتح، مکاشفه
revelation	تجلّی، کشف، مکاشفه، وحی
revelation of the mystery	کشف‌المحجوب
revelations	فتوحات
revelations from the Unseen	فتوحات غیبی
revelation to the heart	مکاشفهٔ قلب
reverence	تعظیم، تکریم، حرمت
reverent awe	هیبت
reverential fear	تقوا
revering the waymarks	تعظیم شعائر
reviling	قَدْح (= عیب‌جویی)
revival	احیاء
revive, to	احیاء کردن
revivification	احیاء
revivifier	مجدِّد
revivify, to	احیاء کردن
revolution	انقلاب
reward	اجر، ثواب
rewarded	مشکور
Rewarder, the	شکور [خداوند]
rich	غنیّ
Rich, the	غنیّ، مَلیّ [خداوند]
riches	غنا
rich in God	غنیّ باللّه
rich in itself	غنیّ بنفسه
richness	غنا

halting places of the Resurrection	مواقف قیامت
place of resurrection	عرصات
plain of Resurrection	دشت قیامت، صحنهٔ قیامت، عرصات
secret of Resurrection	سرّ حشر
resurrector	مجدِّد
Resurrector, the	باعث [خداوند]
Retainer, the	مُمسک [خداوند]
retirement	خلوت، عُزلت
retiring into a mosque for devotion	اعتکاف
retreat	عُزلت
retreating into seclusion	اعتکاف
Retributer, the	دیّان [خداوند]
retribution	عِقاب
return	رجعت
Return, the	معاد (≠ مبدأ)
return and reversion	مرجع و معاد
returning	انابه
returning to God	انابه
return of souls	مراجعت نفوس، معاودت نفوس
return to God	بازگشت به سوی خدا
return to God, to	توبه کردن
reveal, to	تجلّی کردن، وحی کردن
revealed books	صُحُف
revealed command	امر تشریعی
revealed guidance	هدایت تشریعی
revealed Law	شریعت
revealed religion	شریعت

requital	جزا
rescue	نجات
research inspired by the Divine Throne	تحقیق عرشیّ
resemblance to the Divine	تشبّه به باری تعالیٰ
resentment	تسخّط
resignation	تسلیم، توکّل
resistance	استقامت
resolution	عزم
resolve	اراده کردن، نیّت، همّت
respect	حرمت، مراعات
responding	استجابت (= پاسخ)، مجیب
response	اجابت (= پاسخ)
rest	آرامش، استقرار، طمأنینه
resting	اطمینان
resting-place	منزل
restless	بی‌قرار
restless desire	شوق بی‌قرار
restless fear	خوف بی‌قرار
Restorer, the	مُعید [خداوند]
restore to life, to	زنده کردن
restoring the dead to life	احیاء مردگان
Restrainer, the	قابض [خداوند]
restraint	قبض
resurrect, to	زنده کردن
resurrection	احیاء مردگان، بعث، حشر، رستاخیز
resurrection of the world	قیامت دنیا
Great Resurrection	قیامت کبریٰ، قیامة‌القیامه

repent, to	توبه کردن
repentance	انابه، پشیمانی، توبه
repentance of return	توبهٔ انابه
repentance of shame	توبهٔ استحیاء
repentant	تائب، توبه کار
repentant self	نفس لوّامه
repetition of self-disclosure	تکرار تجلّی
repetition of theophany	تکرار تجلّی
reply	اجابت، پاسخ
report-giving	اِخبار
repose	آرامش، سکون، فراغ، فَرَج
reposing knowledge	علم مستقرّ
Repository of God	ذخیرهٔ الاهی
reprehensible	مذموم
reprehensible characteristics	خصال ناپسند
reprehensible qualities	خصال ناپسند
representative faculty	قوّهٔ خیال
reproach	معاتبه، ملامت، منّت
reproachful	لوّامه
reproachful soul	نفس لوّامه
reproduction	تناسل
repugnance	حشمت
repugnant qualities	صفات ذمیمه، صفات مذموم
repulsiveness	قبح
reputation	منزلت، سُمعه
request	استدعا، طلب، مسألت، مطالبه
requisition	طلب، مطالبه

remission of sins	مغفرت
remorse	ندامت
remoteness	بُعد، دُوری
remotio	تنزیه
remotion	تنزیه
removal	خلع
removal of all veils	رفع حجاب، کشف‌القناع
removal of lust	زوال شهوت
removal of secondary causes	رفع اسباب
Removal of the Sandals	خلع نعلین
Remover, the	مزیل [خداوند]
renewal of creation	تجدید خلق
renewal of essences	تجدّد امثال
renewal of likes	تجدّد امثال
renewal of opposites	تجدّد اضداد
renewal of Platonic Ideas	تجدید مُثُل
renewance	تجدّد
renewed	محدَث
renewer	مجدِّد
renounce, to	زهد ورزیدن
renouncement	زهد
renunciation	ترک، تفویض
renunciation of enjoyment	ترک لذّت
renunciation of the self	اعراض از نفس
renunciation (of the world)	زهد
repeated turning	انابه
repent	حسرت

religious devotion	عبادت
religious duties of Islam	آداب اسلامی
(religious) faith	ایمان
religiously allowed	حلال
religiousness	تدیّن
religious obligation	تکلیف
religious people	اهل دین
religious police	محتسب
(religious) retreat	اعتکاف
religious scholars	اهل علم، علماء
religious sciences	علوم نقلی، علم شریعت
religious scruple	وَرَع
religious service	عبادت
religious songs with sweet voice	سماع
religious warfare	جهاد
religious zeal	غیرت دینی
relinquishment	تخلیه
relish	لذت
relying on God	توکّل به خدا
rememberer	ذاکر
remembering	ذکر
remembering faculty	قوّهٔ ذاکره
remembrance of God	ذکر خدا
reminded	متذکّر
reminder	ذکر
reminding	تذکره
remission	بخشش، مغفرت

rejection of all accessories	اسقاط اضافات
relation	رابطه، علاقه، مناسبت، نسبت (≠ عین وجود)
relational existence	وجود رابطی
relationship	ارتباط، اضافه، علاقه، نسبت (≠ عین وجود)
relationship of client and patron	ولاء
relationship to God	ارتباط با خدا
relative non-existence	عدم مقیّد
relax, to	انبساط یافتن
relaxation	بسط
Relenter, the	توّاب [خداوند]
Relenting, the	توّاب [خداوند]
reliance	اتّکا، اعتماد، توکّل
reliance upon God	توکّل به خدا
reliant	متوکّل
Reliever, the	فتّاح، مغیث [خداوند]
religion	آیین، دین
religion-nurturing	دین‌پرور
religion of purity	دین خالص
religiosity	تدیّن، دیانت
religious, the	اهل دین
religious belief	ایمان
religious capacity and responsibility	تکلیف
religious ceremony	شعیره، آیین مذهبی
religious community	امّت، ملّت
religious cord	زنّار

redeeming	نجات
redescent from the Divine Reality	تنزّل
red sulphur	کبریت احمر
refinement	تزکیه، تهذیب
refinement of character	تهذیب اخلاق
refinement of morals	تهذیب اخلاق
refinement of the heart	تزکیهٔ نفس، تهذیب قلب
refinement of the soul	پالایش نفس، تزکیهٔ نفس
refining	تهذیب
reflect, to	تأمّل کردن
reflection	تدبّر، تأمّل، تفکّر، فکر
reflection of wine	عکس می
reflective faculty	قوّهٔ مفکّره
reflective power	قوّهٔ مفکّره
reformer	مجدِّد، مصلح
refusal	انکار، جحد
refuser	جاحد
regard	نظر (= توجّه)
regarding	نظر (= توجّه)
regret	پشیمانی، حسرت
regular sessions for recollection	مجالس ذکر
regulation	تدبیر، حُکم
regulator of the world	مدبّر عالم
reign	سلطنت
reincarnation	تناسخ
reincarnationist	تناسخی
rejected	مردود

recess of the heart	سویدای دل، حبّةالقلب
recitation of God's Names	ذکر
reciter of the Koran	قاری
recklessness	بی‌مبالاتی
reckoner	محتسب
Reckoner, the	حاسب، حسیب [خداوند]
reckoning	حساب (قیامت)، محاسبه
recluse	زاهد، منزوی
recluses, the	مفردون
recognition	معرفت
recollecting	متذکّر
recollection	تذکّر، یادآوری
recollection (of God)	ذکر
recollector	ذاکر
recompense	اجر، ثواب، جزا
reconciliation	صلح
reconciliation between Muslims	اصلاح ذات‌البین
record-book	نامهٔ عمل
recounting	حکایت
Recourse, the	صمد [خداوند]
rectitude	استقامت، سداد، صلاح
recurrence	انابه
recurrence of similititudes	تجدید مُثُل
recurrence of the creative act	تجدید خلق
recurrent creation	خلق جدید
red death	موت احمر (= مخالفت با هوای نفس)
red face	چهرهٔ گلگون

higher spiritual realm	ملأ اعلیٰ
human realm	نشأۀ انسانیه
imaginal realm	عالَم مثال
mineral realm	عالَم جمادی
vegetable realm	ملکوت نبات
visionary realm	عالَم مثال
real non-existence	عدم حقیقی
Real One, the	حقّ [خداوند]
reason	خِرَد، دلیل، عقل
reason-polluted by passions	عقل آلوده به هوا
rebel	عاصی
rebellion	طغیان، عصیان، فتنه
rebellious	عاصی
rebellious believers	مؤمنان عاصی
rebellious sinner	عاصی
rebellious spirit	روح سرکش
rebuking	زاجر
rebuking passions	معاتبه
rebuking the self	توبیخ نفس
rebuking the soul	توبیخ نفس
recalling	تذکّر، ذکر
receive provision, to	ارتزاق کردن
receiving	تلقّی (≠ القاء)
receiving hand	ید سُفلیٰ
receptacle	قابل
receptive	قابل، منفعل
receptivity	انفعال، قبول

intangible reality	رقیقه
intelligible reality	حقیقت معقوله
invisible reality	غیب [عالَم]
Muhammadan Reality	حقیقت محمّدیّه
mystical reality	حقیقت عرفانی
spiritual reality	حقیقت روحانی، معنا
transcendent reality	معنا
universal reality	حقیقت کلّیّه
realization	تحقّق
realize, to	اعتراف کردن
realized	حقّ (= محقَّق)
realized knowledge	معارف
realizer of unification	موحِّد
realm	دار، عالَم، نشأه
real man	انسان حقیقی
realm devoid of colour and quality	عالَم بی‌رنگی و بی‌چونی
realm of abiding	عالَم بقا
realm of being of spirits	نشأهٔ ارواح
realm of effacement	عالَم فنا
realm of multiplicity	عالَم کثرت
realm of unicity	عالَم وحدانیّت
realm of unity	عالَم وحدت
animal realm	عالَم حیوانی
bodily realm	نشأهٔ جسمانیه
Divine realm	لاهوت
Divine realm of being	نشأهٔ الاهی

reaching God	وصول به حقّ
reaching the realm of certainty	وصول به عالم یقین
readiness	حضور
readiness to sacrifice	بذل
real	حقّ، حقیقی
Real, the	حقّ [خداوند]
real certitude	حقّ‌الیقین
Real Father	اب حقیقی
real imagination	خیال حقیقی
realities of faith	حقایق ایمان
realities of the Divine Names	حقایق اسماء
realities perceived inwardly	مدرَکات باطنی
reality	حقّ، حقیقت، معنا
Reality, the	حقّ [خداوند]
reality of certainty	حقّ‌الیقین
reality of certitude	حقّ‌الیقین
Reality of Muhammad	حقیقت محمّدی
Reality of the realities	حقیقةالحقایق
reality of the world	حقیقت دنیا
elemental reality	حقیقت عنصریّه
gnostic reality	حقیقت عرفانی
hidden reality	حقیقةالحقایق
imaginal reality	حقیقت مثالی
imaginary reality	حقّ متخیَّل
immediate reality	حقیقت
inner reality	باطن [اسم]
in reality	بالحقیقه



rank of leadership — مرتبهٔ پیشوایی
rank of the beloved of God — مرتبهٔ محبوبی
rank of the few — خواصّ
ranks — مدارج، مراتب
ranks of perfection — مدارج کمال
rapid journey from one point to another — طیّ‌الارض
rapture — جذبه، سُکر، شیفتگی، طرب، وجد
rapturous love — غلبهٔ محبّت
rapturous state — جذبه
Raser, the — مقیل [خداوند]
ratification — امضاء
rational — عاقل
rational concepts — معقولات
rational faculty — عقل، نطق
rational interpretation — تأویل عقلی
rationalists — اهل نظر
rationally speaking soul — نفس ناطقه
rational proof — حجّت عقلی
rational sciences — علوم عقلی
rational soul — نفس ناطقه
rational theoreticians — اصحاب نظر
rational thinker — عاقل
rational truths — معانی معقول
ravisher of hearts — دل‌ستان
raying-out of light — اشراق
rays of the Hidden — انوار غیبیّه
reaching — وصل

R

rabbinical	ربّانی
rabbinical theologian	عالِم ربّانی
radiance	ضیاء
radiances	لوامع
rag	خرقه
rage	غیظ
ragged drinkers of dregs	دُرد نوشان ژنده‌پوش
ragged mantle	خرقه
rain of inspiration	باران الهام
Ramaḍan, the	رمضان
ramifications of the religion	فروع دین
rancour	بغض، کینه
random thoughts	خواطر
rank	درجه، شأن، مکانت، منزل، منزلت، مرتبت، مقام
ranking in degrees of excellence	تفاضل [نظریّهٔ ابن عربی]
ranking (in excellence)	فضل
rank of direct vision	درجهٔ عیان
rank of fixity	تمکین (≠ تلوین)

quest for power	طلب ریاست
quest of worldly gain	طلب دنیا
quiescent	مطمئنّ
quietening the mind	تسکین فکر
quietism	رضا
quietists	متوکّلین
quiet(ness)	سکینه، طمأنینه
quietude	طمأنینه
quintessence of desire	عین رغبت
Quran, the	مصحف
Quranic commentary	تفسیر قرآن

Q

qalandar	قلندر
Qiblah	قبله
quaking	وَجَل (= مرتبه‌ای از خوف)
qualification	تقیید، نعت
qualified Father	اَب مقیّد
qualitative Names	اسماء صفات
qualities leading to salvation	منجیات
qualities of favour	صفات لطف
qualities of perfection	صفات کمال
qualities of the Divine domain	صفات لاهوتی
quality	صفت، نعت
Quality of Knowledge	صفت علم
Quality of Power	صفت قدرت
Quality of Speech	صفت تکلّم
quaternity	تربیع
quenching	رِیّ
quest	طلب، قصد، مطلب
quest for knowledge	طلب علم
quest for perfection	طلب کمال

purpose	غرض، قصد
purposeful	ارادی، عمدی
purpose of the hidden unseen	غایت مکنون غیب
pursuit	طلب
pursuit of knowledge	طلب علم
pursuit of perfection	طلب کمال
putting in order	اصلاح

pure wine	بادۀ ناب، رحیق، شراب طهور، شراب ناب، می ناب
purgation	تطهیر، مجاهدت
purgation from desire	تجرید از هوا
purgative life	مجاهدت
purged	مهذَّب
purging	تزکیه
purging the inner being	تجرّد باطن
purification	تزکیه، تصفیه، تطهیر، طهارت
purification of the carnal soul	تهذیب نفس
purification of the heart	تصفیۀ دل، طهارت دل،
purified	پاکیزه، مُخلَص، منزّه
purified chosen servants	عِباد مخلَصین
purified worshippers	عِباد مخلَصین
purifying	طَهور، مُخلِص
purifying one's self	اخلاص
purifying the heart	تطهیر قلب
purity	اخلاص، پاکی، صفا، طهارت، عصمت
purity of heart	طهارت قلب
purity of spirituality	صفای روحانیّت
purity of the heart	صفای دل، صفای قلب
purity of the inmost heart	صفای سرّ، صفای ضمیر
purity of the soul	طهارت نفس
greater purity	طهارت کبریٰ
inward purity	صفای باطن، صفای قلب، طهارت دل، طهارت قلب
lesser purity	طهارت صغریٰ
self-purity	تهذیب نفس
spiritual purity	صفای روحانی، طهارت روحانی، طهارت معنوی

psyche — نفْس
psychic — نفسانی
psychical — نفسانی
psychic conversation — حدیث نفس
psychic determinations — تعیّنات نفسانی
psychological illnesses — امراض نفس
psychological influences — بواعث نفسانی
puerty — سنّ بلوغ
pull — کشش
punctilious — مُبالیِ آداب
Punisher, the — معاقِب [خداوند]
punishing — تعذیب
punishment — عذاب، عِقاب، عقوبت، کیفر
pupil — تلمیذ (≠ شیخ)
pure — پاک، خالص، سلیم، طاهر، منزّه
pure, the — اهل الصفوه، پاکان
pure Being — صرف الوجود، وجود صرف، وجود محض
pure determinism — جبر محض
pure drink — شراب طهور
pure good — خیر مطلق
pure heart — قلب سلیم
pure Muhammadan Essence — حقیقت محمّدی
pure Muhammadan spirit — روح پاک محمّدی
pure of skirt — پاک‌دامن
pure religion — دین خالص
pure spirit — روح مجرّد
pure verification — تصدیق مطلق

proponents of *Kalâm*	صفاتیان
proportioning	تسویه
prosperity	رستگاری، سعادت، نجاح، نعمت
prosperous	رستگار، مفلح
prosperous house	خانهٔ آباد
prostration	سجده، سجود
prostration by essence	سجود ذاتی
prostration of the essence	سجود ذاتی
prostration of the heart	سجود قلبی
protected patience	صبر عاصم
protecting trust	حفظ امانت
protection	حفظ
protection from sin	عصمت
Protector, the	مولیٰ، مهیمن [خداوند]
protokistos	عقل اوّل
prototype	امام
proud	متکبّر، مغرور
proud, the	متکبّران
Proud, the	متکبّر [خداوند]
providence	تقدیر، خواست خدا، لطف، مشیّت الاهی
providential care	عنایت
providential purpose	حکمت (= غرض)
Providential Wisdom	حکمت خداوندی
Provider, the	رازق، رزّاق [خداوند]
proximity	تقرّب، جوار، قرب، نزدیکی
proximity of God	جوار خدا، قرب الی‌اللّه
proximity (to God)	قرب [به خدا]

promise	عهد، وعده، وعد
prompter	داعی
prompting	خاطر، داعی، وسوسه
promptings of longing	دواعی شوق
proof	بیّنه، برهان، حجّت، دلیل، شاهد
proof of God	حجّةالله
evident proof	حجّت بالغه
intellectual proof	حجّت عقلی
legal proof	دلیل شرعی
rational proof	حجّت عقلی
propagandists	داعیان
propagating	تبلیغ
propagation	توالد
proper conduct	ادب
properties	احکام (= آثار)
properties of the Divine Names	حکم اسماء
prophet	پیامبر، پیغمبر، نبیّ
prophethood for law-giving	نبوّت تشریع (= رسالت)
prophethood for verification	نبوّت تحقیق (= نبوّت عامّه)
prophetic cycle	دائرهٔ نبوّت
prophetic light	نور محمّدی
prophetic saying	حدیث
prophets among the friends	انبیاء اولیاء
prophets of the saints	انبیاء اولیاء
Prophet's *Sunnah*	سنّت پیامبر
propinquity to God	قرب الی الله
propitiation	کسب خشنودی

principles of faith	اصول اعتقادی
principles of religion	اصول دین
priority	اولویّت، تقدّم
prison	قفس (کنایه از تن آدمی)
privacy	خلوت
private	باطن [وصف]
private chamber	محراب
private liturgy	دعا
privation of being	عدم
probation	محنت
problem	مسأله
procession	صدور
procession round the *Ka'bah*	طوف کعبه
proclamation of the Divine greatness	تعظیم
Producer, the	باری [خداوند]
profane, the	عوام
professing	اقرار
profession of God's Unity	اقرار به توحید
profligacy	رندی
profligate	رند
profligate of Tavern	رند خرابات
profound inclination	رکوع
progression in the Path	سلوک
prohibited acts	محرّمات
prohibition	زجر، نهی
projection of the Divine Will	توجّه الاهی
proliferation	بسط

pre-temporality	ازل
pretence	ادّعا، دعوا
pretended intoxication	تساکر (= خود را به مستی زدن)
pretenders to Sufism	مدّعیان تصوّف
pretenders to the Path and the Truth	مدّعیان راه طریقت و حقیقت
pretender to Sufism	متصوّف (= مدّعی تصوّف)
pretension	ادّعا، دعوا
pretentiousness	تفاخر
pride	استکبار، بزرگی، تکبّر، غرور، فخر
primacy	اولویّت، اوّلیّت
primality	اوّلیّت
prime matter	هیولای اولیٰ
primordial	ازلی، فطری
Primordial Covenant, the	اَلَست، عهد ازلی
primordial disposition	فطرت
primordial faith	دین حنیف
primordialist	حنیف
primordiality	اوّلیّت
primordial man	انسان اصلی، انسان قدیم
primordial nature	فطرت، فطرت اولی
primordial nature of spirit	فطرت روح
primordial state	بدایت فطرت، فطرت اولی
principle	اصل، ناموس
principle of Divine deception	حکم استدراج
principle of purification	ارکان طهارت
principles	مبادی

Presence of the Names	حضرت اسماء
Presence of the Names and Attributes	حضرت اسماء و صفات
Presence of the relative non-manifestation	حضرت غیب مضاف، حضرت غیب مقیّد
Presence of the Sensation	حضرت حسّ
Presence of unboundedness	حضرت اطلاق
Presence of Unicity	حضرت وحدانیّت
Presence of union	حضرت اتّصال
Presence of Vision	حضرت عیان
Presence of Wealth and utter Freedom	حضرت غنا
Presence of the Witnessed	حضرت شهادت
Presence of Witnessing	حضرت شهود
Presence of wonder	حضرت حیرت
Presence of Wrath	حضرت قهر
Presences integrating the Names	حضرات اسماء
Presences of the Names	حضرات اسماء
Present, the	حاضر [خداوند]
present world	عالَم عاجل
preserved from sin	معصوم
Preserved Tablet, the	لوح محفوظ
preserved Unseen, the	غیب مصون (= غیب مکنون)
Preserver, the	حافظ [خداوند]
prestige	جاه، منزلت
presumption	غرور
presumptuousness	ادلال [مقام]

Presence of necessity by another	حضرت وجوب بالغیر
Presence of nondelimitation	حضرت اطلاق
Presence of Plural-Unity	حضرت واحدیّت
Presence of Power	حضرت قدرت
Presence of properties	حضرت احکام
Presence of Proximity	حضرت قرب
Presence of sanctity	حضرت تقدیس، حضرت قدس
Presence of sensation and witnessing	حضرت حسّ و شهادت
Presence of (Sense) Perception	حضرت حسّ
Presence of Singleness	حضرت فردانیّت، حضرت فردیّت
Presence of Singularity	حضرت فردانیّت
Presence of specification	حضرت اختصاص
Presence of the Absent	حضرت غیب
Presence of the Absolute Manifestation	حضرت شهادت مطلق
Presence of the Absolute non-manifestation	حضرت غیب مطلق
Presence of the Almighty	حضرت عزّت
Presence of the Essence	حضرت ذات
presence of the heart	حضور قلب
Presence of the imaginal	حضرت تمثیل (= عالم مثال)
Presence of the Imagination	حضرت خیال، حضرت مثال
Presence of the Kingdom	حضرت مُلک (≠ ملکوت)
Presence of the Manifest	حضرت عیان
Presence of the Named	حضرت مسمّی

Presence of Doubts	حضرت شکوک
Presence of engendered beings	حضرت اکوان
Presence of Entity	حضرت عین
Presence of Essential Necessity	حضرت وجوب ذاتی
Presence of Existence	حضرت وجود
Presence of existence-giving	حضرت ایجاد
Presence of free will	حضرت اختیار
Presence of Glorious Majesty	حضرت جلّت
Presence of Glory	حضرت جلال
Presence of Grandiloquence	حضرت لَسَن
Presence of Images	حضرت مُثُل
Presence of Imaginalization	حضرت تمثّل
Presence of Immutability	حضرت ثبوت
Presence of Individuals	حضرت اَفراد
Presence of innovation	حضرت ابداع
Presence of Jesus	حضرت عیسویّه
Presence of Justice	حضرت عدل
Presence of Knowledge	حضرت علم
Presence of Life	حضرت حیات
Presence of Light	حضرت نور
Presence of Lordship	حضرت ربوبیّت
Presence of Magnification	حضرت تقدیس
Presence of Majesty	حضرت جلال
Presence of Marriage	حضرت نکاح
Presence of messengerhood	حضرت رسالت
Presence of Moses	حضرت موسویّه
Presence of Muhammad	حضرت محمّدی

preoccupation	دل‌مشغولی
pre-ordination	تقدیر، قضا
preponderator	مرجّح
prescription	تکلیف
prescriptive command	امر تکلیفی
presence	حضور، پیشگاه، حضرت، عالَم، مرتبه، قرب، شهود
presence-chamber	محضر
presence in society	جَلْوت (≠ خلوت)
Presence of absoluteness	حضرت اطلاق
Presence of absolute Unity	حضرت احدیّت
Presence of Acts	حضرت افعال
Presence of Address	حضرت خطاب
Presence of Allah	حضرت اللّه
Presence of All-Comprehensiveness	حضرت جمع
Presence of All-Embracingness	حضرت واسع
Presence of "Am I not Your Lord"	حضرت اَلَسْت
Presence of *Barzakh*	حضرت برزخی
Presence of Beauty	حضرت جمال
Presence of Being	حضرت وجود
Presence of Bringing Back	حضرت اعاده
Presence of Bringing Together	حضرت جمع
Presence of Command	حضرت امر
Presence of concealment	حضرت اخفاء
presence of consciousness	حضور قلب
Presence of courtesy	حضرت ادب
Presence of Creation	حضرت خلق

predatoriness	سبعیّت
predestination	تقدیر، جبر، عنایت ازلی
predestination and free will	جبر و اختیار
predestined by God	تقدیر حقّ
predestiny	تقدیر
predetermination	تقدیر، جبر، قضا
predisposition	استعداد
predominant surmise	ظنّ غالب
pre-eternal	ازلی
Pre-eternal, the	قدیم [خداوند]
pre-eternal beauties	مخدَّرات ازل
pre-eternal decree	حکم ازلی
pre-eternal dictate	حکم ازلی
pre-eternal grace	عنایت ازلی
pre-eternal lights	انوار ازلیّه
pre-eternal love	محبّت ازلی
pre-eternal obliteration	محو ازلی
pre-eternal sea	بحر ازلی
pre-eternity	ازل، ازلیّت
pre-existence	قِدَم
pre-existent	قدیم
preference	استحسان
preferring others to oneself	ایثار
pre-Islamic period	جاهلیّت
pre-Islamic state	جاهلیّت
prejudice	تعصّب
pre-measurement	تقدیر

prayer-arch	محراب
prayer in seclusion	اعتکاف
prayer-mat	سجّاده
prayer niche	محراب
Prayer of God	صلات حقّ
prayer of goodness	دعای خیر
prayer of man	صلات انسان
canonical prayer	صلات
confidential prayer	مناجات
individual prayer	دعا
ritual prayer	صلات
secret prayer	مناجات
supererogatory prayer	نافله
supplicatory prayer	دعا
voluntary prayer	تطوّع
whispered prayer	مناجات
pray-night	شب‌زنده‌داری
preacher	واعظ
preachers of God's Unity	اصحاب توحید
preaching	تبلیغ، وعظ
precaution	احتیاط
precedence	تقدّم
preceders	سابقون
preceptor	شیخ، مربّی
precepts	مبادی
Precious, the	عزیز [خداوند]
preconditioning	مشارطه

Powerful, the	عزیز، قادر، قدیر [خداوند]
power of perception	بصیرت
power to dominate	قدرت تصرّف
practical faculty	قوّهٔ عملی
practical gratitude	شکر عملی
practical intellect	عقل عملی
practical mysticism	عرفان عملی
practical soul	نفس عملی
practical Sufism	تصوّف عملی، عرفان عملی
practice	رسم، عمل
practice of continuous retreat	ملازمت خلوت
practice of the Law	عمل به شریعت
practise abstinence, to	استعفاف
practise asceticism, to	ریاضت کشیدن، زهد ورزیدن
practise profligacy, to	رندی کردن
praise	تسبیح، ثنا، حمد، مدح
praise, to	سپاس گزاردن
praised	پسندیده، مشکور
praiser	حامد
praiser of God	ذاکر
praiseworthy	پسندیده، ممدوح
Praiseworthy, the	حمید [خداوند]
praiseworthy aspects	مَحامد، خصال پسندیده
Praiseworthy Attributes	صفات حمیده [خداوند]
praiseworthy qualities	اوصاف حمیده، خصال پسندیده،
Praiseworthy Qualities	صفات حمیده [خداوند]
praising	تسبیح

possessors of learning	ارباب علوم
possessors of mind	اولواالالباب
possessors of spiritual realities	ارباب معانی
possessors of spiritual states	ارباب احوال، ارباب حالات، اصحاب احوال
possessors of spiritual states	
possessors of steadfastness	اولواالعزم
possessors of the kernel	اولواالالباب
possessors of the sciences	ارباب علوم
possessors of unveiling	ارباب مکاشفه
possessors of *waqt*	خداوندان وقت
possible	ممکن
post-eternity	اَبَد [اسم]
postponing	امهال
post-temporality	اَبَد [اسم]
Potent, the	مقتدر [خداوند]
pouring (forth)	افاضه
poverty	فقر
power	جبروت، سلطه، قدرت، قوّت، قهر، منزلت،
Divine power	ملکوت
eternal power	قدرت ازلی
initiative power	ولایت
miraculous power	کرامت
overwhelming power	قهر
reflective power	قوّهٔ مفکّره
worldly power	دولت

possessor of hearts	صاحب قلوب
possessor of lofty aspiration	صاحب همّت
possessor of sainthood	صاحب ولایت
possessor of spiritual influence	صاحب نَفَس
possessor of spiritual perception	صاحب ذوق
possessor of spiritual secret	صاحب سرّ
possessor of spiritual state	صاحب حال
possessor of spiritual station	صاحب مقام
possessor of spiritual vision	صاحب کشف
possessor of spiritual will	صاحب همّت
possessor of the nearness of obligatory works	صاحب قرب فرائض
possessor of the Self-Disclosure	صاحب تجلّی
possessor of the Stairs	صاحب معارج
possessor of the station	صاحب مقام
possessor of the station of no station	صاحب لامقام
possessor of the Two Eyes	ذوالعینین [عالی‌مقام‌ترین عارف]
possessor of time	صاحب وقت
possessors of Divine secrets	اهل راز
possessors of ecstasies	ارباب مواجید
possessors of eyes	اولواالابصار
possessors of eyesights	اولواالابصار
possessors of firmness and determination	اولواالعزم
possessors of firm resolve	اولواالعزم
possessors of inner meaning	اولواالالباب
possessors of knowledge	اولواالعلم

pollution	آلودگی
polytheism	شرک
polytheist	مشرک
pomp	احتشام، حشمت، شوکت
pompousness	تبختر
ponder, to	تأمّل کردن
pondering	تعمّق، تفکّر
poor	مسکین
poor man	فقیر
popular love	حبّ عوام (= حبّ طبیعی)
portent	آیه (= نشانه)
portion	اجل (= مدت حیات)، قسمت، نصیب
position	منزلت، منصب
positive attributes	صفات ثبوتی
positive attributes of the Self	صفات نفسانی ثبوتیّه
positive disposition	حال
possessed	مجنون
possessed of miraculous deeds	صاحب کرامت
possessed of taste	صاحب ذوق
possessing angelic qualities	فرشته‌صفت
possession of command	اِمارَت
possessor	صاحب
Possessor, the	مالک [خداوند]
possessor of ascents	صاحب معارج
possessor of ecstasies	صاحب مواجید
possessors of ecstasy	ارباب وجد
Possessor of Glory, the	ذوالجلال [خداوند]

sensual pleasure	حظّ نفس
sensual pleasures	لذات حسّی
spiritual pleasure	رضا
plebeian	عامی
pledge	پیمان، بیعت
plenitude	کمال
plenum	ملأ
higher plenum	ملأ اعلیٰ
lower plenum	ملأ ادنیٰ، ملأ اسفل
supreme plenum	ملأ اعلیٰ
plot	مکر
plotting	مکر
plurality	کثرت
poetry	نظم (= شعر)
point	مسأله، نکته
point of return	مرجع و مآب
Pole	قطب
Pole of the Age	قطب زمان، قطب‌الوقت
Pole of the Beloved	قطب معشوقان
pole of guidance	قطب ارشاد
pole of unity	قطب وحدت
Pole of the Poles	قطب‌الاقطاب
Pole of the Time	قطب زمان، قطب‌الوقت
Polehood	قطبیّت
polemicists	اصحاب جدل
politeness	ادب، مدارا
polluting	آلودن

planes of theophany	مراتب تجلّی
planning	تدبیر
plant soul	نفس نباتی
plaster	مرهم
Platonic Ideas	مُثُل افلاطونی
play and sport	لهو و لعب
pleading	توکّل
pleading of excuses	اعتذار
pleasant	طیّب
please, to	خشنود ساختن
be pleased with God, to	رضا
pleasing	مرضیّ
pleasure	حظّ، رضا، رضوان، لذت، هویٰ
pleasure of being	لذت وجود
pleasure of communion	لذت مناجات
pleasure of God	رضای الاهی
pleasure of supplication	لذت مناجات
pleasure of the self	لذت نفس
pleasure of the soul	حظّ نفس
pleasures of the soul	شهوات نفسانی
animal pleasures	لذات حیوانی
bestial pleasure	شهوت
corporeal pleasures	مشتهیات جسمانی
God's pleasure	رضای خدا
good pleasure	رضا، رضوان
passionate pleasures	مستلذّات نفسانی
selfish pleasure	حظّ نفس

placelessness	لامکانی
placement	مکانت
place of abstraction	محل تنزیه
place of destruction	مهلکه
place of manifestation	مَظهر
place of resurrection	عرصهٔ قیامت
place of retreat	خلوت‌گاه
place of return	مرجع و مآب، معاد [خداوند]
place of revelation	مهبط وحی
place of seclusion	خلوتِ‌خانه
place of separation	مقطع
place of speculation	محل نظر
place of the hereafter	مکان آخرتی
place of theophany	مَجْلیٰ (= جلوه‌گاه خداوند)
place of transcendence	محل تنزیه
plain of catharsis	سرای تجرید
plain of intimacy	بساط انس
plain of Judgement	صحرای محشر
plain of mercy	بساط رحمت
plain of propinquity	بساط قرب
plain of Resurrection	دشت قیامت، صحنهٔ قیامت، صحرای عرصات
plain of union	بساط وصل
plain of wonder	صحرای حیرت
plain text	متن صریح، نصّ
plane (of being)	حضرت (= عالَم، مرتبه)
planes of revelation	مراتب تجلّی

Pillars of the Law	ارکان شرع
Pillars of the religion	ارکان دین
pious	دیندار، صالح، متّقی
pious, the	ابرار، ارباب تقوی، اهل ورع، صالحان، نیکان
pious acts	خیرات
pious devotee	عابد
pious fear of Divine chastisement	تقوا
pious men	پارسا مردان
pious predecessors	سَلَف صالح
pious retirement	اعتکاف
pious trembler	مترهّب
Pîr of Canaan	پیر کنعان
Pîr of companionship	پیر صحبت
Pîr of Magians	پیر مغان
Pîr of monastery	پیر دیر
Pîr of Tavern	پیر خرابات
Pîr of wine-seller	پیر مغان
Pîr of wine-tavern	پیر میخانه
pit of the chin	چاه زنخدان
pitfall	ورطه
pith	لُبّ، لباب
pity	ترّحم، رأفت، شفقت
Pivot	قطب
Pivot of the world	قطب عالم
place confidence in, to	توکّل کردن
placeless	لامکان

phenomenal existence	كَون
phenomenal object	عين
phenomenal universe	كَون
phenomenal world	عالَم شهادت، كَون
phenomena of nature	آيات (= نشانه‌ها)
phenomenon	حادث
phenomenon of nature	آيه (= نشانه)
philosopher	حكيم، فيلسوف
philosophia perennis	جاويدان خرد، حكمت خالده
philosophical schools	نِحَل
philosophy	حكمت، فلسفه
phoenix	سيمرغ، عنقاء
phrase	جمله
physical illnesses	امراض بدن
physical world	عالَم اجسام
physician of the soul	شيخ، طبيب روح
pietist	متّقى
piety	پرهيزگارى، تديّن، تقوا، طاعت، فرمانبردارى مخلصانه، وَرَع
piety and godliness	وَرَع
pilgrim	زائر
pilgrimage	زيارت
pilgrim in condition of consecration	مُحرِم
pilgrims on the way to the Truth	سالكان حقّ
Pillar	قطب
Pillar of the cosmos	قطب عالم
pillars	اركان، اقطاب، اوتاد

pernicious	مضر، مُهلک
perpetual fasting	دوام صوم
perpetual silence	دوام سکوت
perpetuation	بقا، دوام
perpetuity	دوام، لایزال [اسم]
perplexed	سرگشته
perplexity	تحیّر، حیرت
perseverance	صبر
persevering	صابر
persistence	بقا، دوام
personal desire	غرض
personal initiative	تصرّف
person in union	صاحب وصول
person of faith	مؤمن
person of union	صاحب وصول
perspicacious and experienced, the	ارباب نظر و تجارب
perspicacious opinion	رأی صائب
perspicacity	بصیرت، فراست
perspicuous signs	آیات بیّنات
pertaining to the afterlife	اُخروی
perversity	انحراف، گمراهی
petition	دعا، مسألت
petitioning	مسألت
petitioning of pardon	استغفار
phenomenal	محدَث
phenomenal being	کَون

perfect nature	طبع تامّ، طبیعت کامل
perfect Pîr	پیر کامل
perfect saints	کاملان ولایت
perfect union	جمع‌الجمع، عین‌الجمع
perfect worship	احسان [در عبادت]
performance	کسب (≠ خلق)
performer of miracles	صاحب کرامات
performing alchemical transmutation	کیمیاگری
peril	مهلکه
perishable	فانی
perishable world	عالَم فانی
perishing	فانی، فنا، هالک، هلاکت
perishment	هلاکت
perjury	شهادت کذب
permanence	بقا، ثبات، ثبوت
permanent	باقی
Permanent, the	باقی [خداوند]
permanent archetypes	اعیان ثابته
permanent creation	خَلق دائم
permanent life	حیات دائم
permanent sovereignty	ملکوت
permeate, to	سریان داشتن
permeation	سریان
permeation of existence	سریان وجود
permeation of the light	سریان نور
permissible	حلال
permission	اباحه، اجازه، اِذن، رخصت

people who learn through allusion	اهل اشاره
perceived thing	مُدرَک
perceiver	مُدرِک
Perceiver, the	واجد [خداوند]
perceiving	مُدرِک
perceiving soul	نفس مُدرِکه
perception	نظر (= ادرک)، وهم
perdition	زوال، سَحْق، صعق (= فنا در هنگام تجلّی ربّانی)
perenniality	دوام
perennial philosophy	حکمت خالده
perfect	کامل
perfect, the	اهل کمال
perfect among the Sufis, the	اصحاب عقول، اصحاب قلوب
perfect beauty	کمال جمال
perfect contemplation	کمال مشاهدت
perfected, the	مکمّلین
perfect encompassing	احاطهٔ تامّه
perfect gnosis	معرفت تامّه
perfect gnostic	عارف مکمّل
perfecting	استکمال
perfection	اتقان، استکمال، کمال
perfection of beauty	کمال جمال
Perfection of God	کمال خداوند
Perfect Man	انسان کامل
perfect master	شیخ کامل
perfect model	اسوهٔ حسنه
perfect murshid	پیر مغان

people of the heart	اهل دل، اصحاب دل
people of the hearts	ارباب قلوب، اصحاب قلوب
people of the Household	اهل بیت (ع)
people of the inner realities	اصحاب معانی
people of the last degrees	اصحاب نهایات
people of the Law	اصحاب شریعت
people of the Path	اهل طریقت
people of the Portico	اهل صفّه
people of the secret	اصحاب سرّ
people of vision	اهل نظر
people of the visions	اصحاب کشف و شهود، اصحاب مشاهدات، اصحاب مکاشفات
people of trustworthiness	اهل امانت
people of Truth	اهل حقّ
people of union	اهل وصول
people of unity	اهل وحدت
people of unveiling	اهل کشف
people of Veranda	اهل صفّه
people of wayfaring	ارباب سلوک
people of wisdom	اهل حکمت
people of wretchedness	اهل شقاوت
people who adhere to the Truth	اهل حقیقت
people who can be trusted	اهل امانت
people who commit grave sins	اهل کبایر
people who commit minor sins	اهل صغایر
people who follow the Law	اهل شرع
people who hear from God in the creatures	اهل سماع

people of Remembrance اهل ذکر
people of revelation اهل فتوح، اصحاب وحی
people of sagacity اصحاب کیاست
people of secondary causes اهل اسباب
people of secrets اهل اسرار، ارباب راز
people of self-examination اهل مراقبه
people of severity اهل قهر
people of service اهل خدمت
people of *shirk* اهل شرک
people of sitting
  place and the speaking اهل مجالس و حدیث
people of Sovereignty اهل جبروت
people of specification ارباب اختصاص، اهل اختصاص
people of spiritual journey اهل اسراء، اهل سلوک
people of spiritual states اهل احوال
people of spiritual stations اهل مقامات
people of strength اصحاب قوّت
people of taste اهل ذوق
people of tears اهل بُکاء
people of the Bench اهل صفّه
people of the Book اهل کتاب
people of the charismatic act اصحاب کرامت
people of the Chivalry اصحاب فتوّت
people of the Fire اصحاب جهنّم، اصحاب نار، اهل نار
people of the Garden اصحاب جنّت، اهل جنّت
people of the generosity اصحاب کرم
people of the Hearing اصحاب سماع

people of jealousy	اهل غیرت
people of knowledge	اهل معرفت
people of Koran	اهل قرآن
people of Laughter	اهل ضحک
people of Law	اهل شرع
people of lights	اهل انوار
people of love	اهل عشق
people of meditation	اهل فکر
people of monastery	اهل صومعه (کنایه از قطع علایق مادی)
people of mystical state	اهل حال
people of night	اهل لیل
people of orthodoxy	اهل سنّت
people of pain	اهل درد (= شیفتگان وصال)
people of paradise	اهل بهشت، بهشتیان
people of perfection	اهل کمال
people of piety	اهل ورع
people of presence	اهل حضور، حاضران
people of progress	اهل ترقّی
people of proof	اهل برهان، اهل دلیل
people of proximity	اهل تقرّب
people of Purity	اهل صفا
people of quenching	اهل ریّ
people of reason	اصحاب نظر
people of reasoning	اهل نظر
people of reflection	اهل فکر
people of rejection	اهل انکار
people of religion	اهل دین

people of disunity	اهل تفرقه
people of ecstasy	اهل وجد
people of equity	اهل انصاف
people of faith	اهل ایمان
people of falsity	اهل باطل
people of favour	اهل عنایت
people of fidelity	اهل وفا
people of finding	اهل وجود
people of first degrees	اصحاب بدایات
people of God	اهل‌اللّه
people of healing	اهل شفا
people of heart	اهل دل
people of hearts	صاحب‌دلان
people of hereafter	اهل آخرت
people of humility	اهل خشوع
people of hypocrisy	اهل ریا
people of idle talks	اهل طامات (= خودنمایان)
people of imitation	اهل تقلید
people of imperfection	اهل نقص
people of ingenuity	اصحاب کیاست
people of inner interpretation	اهل تأویل
people of inner spiritual warfare	اصحاب مجاهدت
people of inner vision	اَلباب
people of innovation	اهل بدعت
people of insight	اهل بصیرت
people of intoxication	اصحاب سکر
people of intuition	اهل ذوق، اهل شهود

people in the Garden	اهل بهشت، بهشتیان
people in the middle	متوسّطین
people of advance	اهل ترقّی
people of Allah	اهل‌الله
people of argument	اهل بحث (≠ اهل ذوق)
people of awe	اهل هیبت
people of belief	اهل ایمان
people of Blame	ملامتیّه (= ملامیّه)
people of blessing	اهل عنایت
people of Bringing Together	اصحاب جمع، اهل جمع
people of capricious desire	اهل هوا
people of catharsis	اهل تجرید
people of certainty	اصحاب یقین، اهل یقین
people of certitude	اهل یقین
people of choice and acceptance	اهل اصطفاء و قبول
people of cloister	اهل خانقاه
people of companionship	اهل صحبت
people of concern	اهل عنایت
people of confession	اهل اعتراف، اهل اقرار
people of considerative thinking	اصحاب نظر
people of criteria	اهل موازین
people of demonstration	اهل برهان
people of descending	اهل تنزّل
people of detachment	اهل انقطاع
people of differentiation	اهل فرقان
people of disagreement	اصحاب خلاف
people of discernment	اهل فرقان

patient	صابر، صبور
patient, the	صابرین
Patient, the	صبور [خداوند]
patron	مولیٰ، ولیّ (= حافظ)
patronage	ولاء
Patron, the	مولی، ولیّ [خداوند]
pauper	درویش، فقیر
pause in reading	مقطع
pavilions	سرادقات
peace	آرامش، امن، سلام، سِلم، صلح
Peace, the	سلام [خداوند]
peaceful soul	نفس مطمئنّه
peaceful, the	صُلحاء
peace of mind	تمکین (≠ تلوین)
pearl of speech	درّ سخن
peculiar symbolism	اشارات لطیف
Pegs	اوتاد
Pen, the	قلم (= علم تفصیلی)
penalty	سَطوت
penetrate, to	سریان داشتن
penetration of the light	سریان نور
penitence	توبه، ندامت
penitent	اوّاب، تائب، نادم
penniless	فقیر
people	امّت
people attached to externals	اهل رسوم
people in search	اهل طلب

passionate longing	وَلَه (= شوریدگی از سر عشق)
passionate love	عشق
passionate pleasures	مستلذّات نفسانی
passion of yearning	سوز اشتیاق
passion-polluted intellect	عقل آلوده به هوا
passion pursued	هوای متّبع
passions of the soul	شهوات نفسانی
passive intellect	عقل انفعالی
passivity	انفعال
patched frock of the Sufi	جامهٔ صوفیان، مُرقّعه
patched garment	خرقه
patched (Sufi) frock	خرقه
path	راه، طریق، مَحجّه، مسلک، مسیر، نهج
Path, the	طریقت
path of asceticism	طریق زهد
Path of God	راه خدا، سبیل‌الله
path of guidance	راه هدایت، راه رشد، سبیل‌الرشاد
path of perdition	راه ضلالت
path of religion	منهاج دین
Path of Sufism	طریقت تصوّف
paths of truth	مسالک حقیقت
Path to God	راه حقّ
patience	حِلم، شکیبایی، صبر
patience in dangers and difficulties	صبر بر مصیبت
patience in obedience	صبر بر طاعت
patience in sinful actions	صبر بر گناه
patiens	منفعل

participant in Sufism	متصوّف
participated being	وجود ظلّی
participation	تشبّه
particular	منفرد
particular Divine Names	اسماء الاهی جزئی
particular light	نور خاصّ
particular souls	ارواح جزئیه
particular spirits	ارواح جزئیه
parting	انفصال، فراق
partner	شریک
partnership	مشارکت
passage	انتقال
passing-away	فنا
passing-away from qualities	فناء از اوصاف
passing-away of human nature	فناء بشریّت
passing blessing	نعمت فانی
passing of life	گذر عمر
passing of time	گذر ایام
passing state	حال
passing thought	خاطر
passing thought of the self	خاطر نفسانی
passing thoughts	خواطر
passing thoughts of the self	خواطر نفسانی
passion	اصطلام (= وَلَه وارد بر قلب و مسلّط بر آن)، سودا، سوز، شهوت، عشق، هوس
passionate delights	مستلذّات نفسانی
passionate desire	عشق

P

pact	عهد
pain	اَلَم (≠ لذّت)، درد، تألّم، غم
painful	دردناک
painful longing of the quest	درد طلب
pain of longing	درد اشتیاق
pain of separation	درد فراق
paltriness	خسّت
panic	رعب
parables	امثال
paradise	بهشت، جنّت، دارالسلام، رضوان، رَوْضه
paragon	مقتدا
paragon of being	خلاصهٔ موجودات
pardon	عفو
pardoned	مغفور
Pardoner, the	غَفُور [خداوند]
pardoning	عفو
parousia	رجعت
partial souls	نفوس جزئیه
partial spirit	روح جزئی

literal religion	عمل به شریعت
outward purification	طهارت ظاهر
outward qualities	صفات ظاهر
outward rectitude	استقامت ظاهر
outward sense	ظاهر [معنا]
outward significance	ظاهر [معنا]، ظهور [معنا]
outward situation	ظاهر (≠ سرّ)
outward things	ظواهر
outward virtue	صلاح ظاهر
Overbearing, the	جبّار [خداوند]
over-earnestness	جِدّ
overflow	فیض
overpowered	مقهور
overpowered by love	مغلوب محبّت
Overpowerer, the	قاهر [خداوند]
Overpowering, the	جبّار، فائق [خداوند]
overwhelming power	قهر
Overwhelming, the	قهّار [خداوند]
owner	صاحب
owner of the level	صاحب مرتبت

outer action	عمل ظاهر
outer behavior	ظاهر (≠ باطن)
outer image	صورت ظاهری
outer judgement	حکم ظاهر
outermost goal	مقصد اقصی
outer senses	حواس ظاهر
outlay	بذل
out-of-love face-turning	توجّه حبّی
outrage	جفا
outsider	نامحرم
outsiders	اغیار
outside wayfarer	سالک خارج
Outspreader, the	باسط [خداوند]
outspreading	بسط
outstanding men	اعاظم
outward	ظاهر
Outward, the	ظاهر [خداوند]
outward action	کار ظاهر
outward blessing	نعمت ظاهری
outward decree	حکم ظاهر
outward dimension	ظاهر (≠ سرّ)
outward eye	چشم ظاهر
outward form	صورت ظاهری
outward knowledge	علم ظاهر، علم ظاهری
outward meaning	ظاهر [معنا]
outwardness	ظهور
outward practice of	

orientation	اهتداء
Origin, the	مبدأ [خداوند]
original abode	وطن
Original Adam	آدم اصلی
original beloved	معشوق اصلی
original creation	ابداع
original disposition	جبلّت، فطرت
original man	انسان اصلی
original nature	فطرت
Origin and the Return, the	مبدأ و معاد
origination	ابداع
Originator, the	فاطر، مُبدی، مُنشِئ [خداوند]
origin of primordiality	بدایت فطرت
orison	ذکر، مناجات
ornament	زینت
orthodox, the	اهل سنّت
orthodox Muslim	سُنّی
orthodoxy	رأی جمهور، قول جمهور
ostentation	تظاهر، تفاخر، ریا
ostentatious	ریاکار، مُرائی
others	اغیار
other-than-God, the	غیر
other-worldly	اُخروی
other-worldly bliss	سعادت اخروی
other-worldly happiness	سعادت اخروی
other-worldly mode of being	نشأۂ اخروی
outer	ظاهر (≠ باطن)

openness of vision	سعهٔ صدر
open polytheism	شرک صریح
open remembrance	ذکر جلیّ
operation of the senses on sense objects	تصرّف حواسّ در محسوسات
opinion	نظر (= رأی)
opposing one's soul	معاندهٔ نفس
opposition	مخالفت
opposition to the soul	مخالفت نفس (= موت احمر)
oppression	جفا، ظلم، قهر، محنت
oppressive soul	نفس ظالم
option	اختیار (= انتخاب)
optional	اختیاری، تطوّعی
optional religious practices	تطوّع
orally transmitted	سمعی
orator	واعظ
orbits of the stars	مواقع‌النّجوم
Ordainer, the	مقدّر [خداوند]
ordeal	امتحان
order	امر، نظام، نظم
orderliness	نظم
ordinance of the Law	قانون شریعت
organs	جوارح
orient	مشرق
Oriental philosophy	حکمت اشراق
Oriental theosophy	حکمت اشراق
Oriental Wisdom	حکمت اشراق

Oneness	واحدیّت، وحدانیّت، وحدت، یگانگی [خداوند]
Oneness of Being	وحدت وجود
One-ness of Existence	وحدت وجود
Oneness of Finding	وحدت وجود
Oneness of Reality	وحدت وجود
Oneness of Ultimate Reality	توحید
one's dealing with God	معاملت
one soul	نفس واحده
one's time	اجل (= وقت مرگ)
one's treatment of God	معاملت
One\Unique, the	واحدِ احد [خداوند]
onslaught	سَطوت، صولت
ontological entities	امور وجودی
ontological levels	مراتب وجود
ontological named thing	مسمّای وجودی
ontological qualities	امور وجودی
ontological vastness	سعهٔ وجودی
Opener of doors	مفتّح‌الابواب
Open-Handed, the	باسط [خداوند]
opening	فتح
openings	فتوحات
opening the talisman	طلسم‌گشایی
open invocation	ذکر جلیّ
openness of heart	سعهٔ قلب
openness of spirit	انشراح صدر
openness of the chest	سعهٔ صدر
openness of the spirit	شرح صدر

Occasioner of all occasions, the	مسبّب‌الاسباب [خداوند]
occident	مغرب
Occult, the	باطن [خداوند]
occultation	اختفاء، استتار، غیبت (≠ حضور)
occulted	غیبی
occupying the throne	جلوس
occurrence	حادث، خطور
ocean	بحر
ocean of light	دریای نور
ocular vision	رؤیت عینیّه، رؤیةالعین، مکاشفةالعیان، مکاشفهٔ دیداری
odd	وتر (≠ شفع)
oddness	وتریّت
odious	مکروه
offering	قربان
office	مقام
official sciences	علوم رسمیّه
of the heart	قلبی
old Magian, the	پیر مغان
old wine	می کهنه
omen	فال
Omnipotence	قهر [خداوند]
Omnipotent, the	قهّار [خداوند]
Omnipotent King, the	ملیک مقتدر [خداوند]
Omniscient, the	عالِم، عالِم مطلق، علیم[خداوند]
One, the	اَحَد، واحد [خداوند]
One\many	واحدِ کثیر

object of revelation	مکاشَف
object of seeking	مطلوب
object of vision	مرئی
object of witnessing	مشهود
object of worship	معبود
objects of the gaze of God's grace	منظوران نظر عنایت
object sought for	مُراد
obligation	فرض (= واجب)
obligation towards God	عبادت
obligatory	الزامی
obligatory ritual	فرض (= واجب)، فریضه
oblique glancing	گوشهٔ چشم
obliteration	محو
obliteration in affirmation	محو در اثبات
oblivion	ذهول
obscuration	تلبیس
obscurity	استتار، سیاهی (کنایه از ذات حقّ)
obscurity of nonbeing	کتم عدم
observance	مراعات
observance of incoming thoughts	مراعات خواطر
observance of the (Divine) Command	مراعات امر
observation	مراقبت، مراقبه، مشاهده
observer	ناظر
observing the rules of religion	حفظ آداب شریعت
obstacle	عَقَبه
obstinancy	خودرأیی
occasion	سبب، وقت

O

oath	عهد (= سوگند)
oath of allegiance	بیعت
obedience	اطاعت، انقیاد، طاعت، فرمانبرداری مخلصانه، متابعت
obedience of passion	متابعت هوا
obfucation	شبهه
object desired	مُراد
objection	تعرّض
objective journey	سیر آفاقی
objective voyage	سیر آفاقی
object of act	مفعول
object of contemplation	شاهد، مشهود
object of denotation	مدلول
object of desire	مُراد، مطلوب
object of instauration	مجعول
object of love	محبوب
object of perception	مُدرَک
object of power	مقدور
object of praise	ممدوح

not-visible	نامشهود
nourish, to	رزق دادن
be nourished, to	ارتزاق کردن
Nourisher, the	رازق، غاذی [خداوند]
Nourishing, the	رازق [خداوند]
nourishment	تربیت
Nous	عقل اوّل
novelty	حدیث (= سخن)
novice	خام [آنکه در بدایت سلوک است]، سالک، مبتدی، مرید
novice wayfarer	مبتدی سالک
nuisance	الحاح
nun	نون (= علم اجمالی)
nurturing of equity	انصاف‌پروری

non-essential goodness	حسن زائد (≠ حسن ذاتی)
non-eternal	محدَث
non-existence	عدم، فنا، نیستی
nonexistent entities	امور عدمی
nonexistent matters	امور عدمی
nonexistent qualities	امور عدمی
non-existent world	عالَم عدم
non-local	لامکان
non-locality	لامکانی
nonmanifest	باطن [وصف]
non-manifested, the	غیب [عالَم]
Non-manifested, the	غیب [خداوند]
non-material	مجّرد (= غیرمادی)
non-non-existence	عدم لاوجود
non-performance of *ṣalât*	ترک صلات
non-perturbation	طمأنینه
nonwaking vision	مکاشفهٔ در حال خواب
non-*wujûd*	لاوجود
noose of seeking	کمند طلب
noose of yearning	کمند طلب
normative will	اراده
nostalgia	غم غربت
No station	لامقام
not divisible	بسیط
Not He	لاهو
no-thing	لاشئ
nothingness	فنا، عدم، نیستی

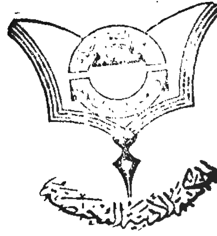
noble	شریف، کریم، منیع، نجیب
noble, the	شُرَفاء
noble and common	خاصّ و عامّ
noble character traits	مکارم اخلاق
noble dispositions	مکارم اخلاق
noble house	بیت‌الشرف
noble manners	مکارم اخلاق
noble qualities of character	مکارم اخلاق
Noble Recorders	کرام‌الکاتبین
nobles	احرار، نجباء
noblest virtues, the	مکارم اخلاق
nocturnal ascent	معراج
nocturnal discourse	مسامره
nocturnal orisons	تهجّد
nonattachment	عدم تعلّق
non-being	عدم، لَیْس، نیستی
noncompound	بسیط
nondelimitation	اطلاق (= مطلق بودن)
nondelimited	مطلق
Nondelimited, the	مطلق [خداوند]
nondelimited Imagination	خیال مطلق
nondelimited perfection	کمال مطلق
nondelimited prophethood	نبوّت عامّه
nondelimited thrall of Allah	مألوه مطلق
non-Divine, the	ماسوی اللّه
Nondual, the	واحد [خداوند]
non-entity	لاعَیْن، نیستی

nest	آشیانه
next world	عقبیٰ
new arrival	حدوث
new creation	خَلق جدید
newly arrived thing	حادث، محدَث
next world	آخرت، عالَم آخرت، عُقبیٰ
niceties of wisdom	لطایف حکمت
niche	مِشکات
niche in the mosque	محراب
niggardliness	بخل
niggardly	بخیل
nightingale	بلبل
night journey of the Prophet (from Mecca to Quds)	اِسراء
night journey to His Presence	معراج
nightly vigil	شب‌زنده‌داری
night of ascent to heaven	شب معراج
Night of Decree	شب قدر
night of dis-union	شب فرقت
Night of Destiny	شب قدر
Night of Power	شب قدر
night of separation	شب هجر، شب هجران
night of the Ascension	شب معراج
night of vigilance	شب احیاء
night *ṣalât*	قیام‌اللّیل، نماز شب
night-watching	تهجّد
nobility	فخر، کرامت، کَرَم، مکرمت

Necessary, the	واجب [خداوند]
Necessary Being, the	واجب‌الوجود [خداوند]
Necessary Being through Himself, the	واجب بالذّات [خداوند]
necessary through the Other	واجب بالغیر
necessity	وجوب (≠ امکان)
necessity preceding existence	تقدّم وجوب بر وجود
need	افتقار، حاجت، فقر، نیاز
needfulness	نیاز، حاجت
neediness	افتقار
needlessness	استغناء
needy	محتاج
needy person	مسکین
negating stray thought	نفی خاطر
negation	نفی (≠ اثبات)
negation of astray thoughts	نفی خواطر
negative attributes	صفات سلبی
negative qualities	صفات سلبی
neglecting	ترک، غفلت
neglect of God	غفلت از حقّ
negligence	غفلت
negligence of God	غفلت از خدا
negligency	غفلت
negligent	ساهی، غافل
neighborhood of God	جوارالله
neighborliness	جوار
nescience	جهل

base nature	خسّت طبع
bodily nature	طبیعت جسمانی
by nature	ذاتاً
depressed nature	افسردگی طبع
Divine nature	الوهیّت، لاهوت
good nature	خُلق نیکو
human nature	بشریّت، ناسوت
innate nature	فطرت
in nature	ذاتاً
mortal nature	بشریّت
original nature	فطرت
perfect nature	طبع تامّ
primordial nature	فطرت، فطرت اولی
sluggish nature	افسردگی طبع
sublime nature	خُلُق عظیم
tremendous nature	خُلُق عظیم
Near, the	قریب [خداوند]
nearby inspiration	فتح قریب
nearby victory	فتح قریب
nearest of the veils, the	حجاب اقرب
nearing God	تقرّب به خدا
nearness	قرب، نزدیکی
nearness of obligatory works	قرب فرائض
nearness of supererogatory works	قرب نوافل
nearness to God	قرب الاهی، قرب الی‌اللّه
near presence	قرب
necessary	ضروری، بدیهی، واجب (≠ ممکن)

Names of the Essence	اسماء ذات
Names of the Names	اسماءالاسماء
all-comprehensive Name	اسم جامع (= اسم اعظم)
external name	اسم ظاهر
greatest Name (of God), the	اسم اعظم
hidden name	اسم خفیّ
Highest Name, the	اسم اعظم
manifest name	اسم ظاهر
Supreme Name	اسم اعظم
narcissism	انانیّت
nation	ملّت، امّت، وطن
native country	موطن
natural disposition	فطرت، میل فطری
natural inclination	میل فطری
natural intellect	عقل فطری
natural love	حبّ طبیعی (= حبّ عوام)
natural lust	شهوت طبیعی
naturally	ذاتاً
natural nutrition	غذای طبیعی (≠ غذای حقیقی)
natural object of act	مفعول طبیعی
natural passion	شهوت طبیعی
natural veil	حجاب طبیعی
natural veil of the self	حجاب نفسی طبیعی
natural zeal	غیرت طبیعی
nature	طبع، طبیعت، کیان
four natures	طبایع اربعه، طبایع چهارگانه
perfect natures	طباع تامّ



N

Named, the	مسمّی، موصوف [خداوند]
named object	مسمّا (≠ اسم)
named term	اجل مسمّی
Name of the Name	اسم‌الاسم
Names	اسماء
Names and Attributes	اسماء و صفات
Names and Qualities	اسماء و صفات
Names for declaring incomparability	اسماء تنزیه
Names for enumeration	اسماء احصاء
Names for magnification	اسماء تقدیس
Names indicating accidents	اسماء عَرَضیّه
Names of Beauty	اسماء جمال
Names of Divine Acts	اسماء افعال
Names of Gentleness	اسماء لطف
Names of Majesty	اسماء جلال
Names of Mercy	اسماء لطف
Names of perfection	اسماء حسنیٰ
Names of severity	اسماء قهر
Names of suzerainty	اسماء ربوبی

mystic dubitation	تجاهل عارف
mystic emotions	تأثرات عرفانی
mysticism	عرفان
mystic Path	طریقت
mystic perception	ذوق، معرفت ذوقی
mystics	ارباب حال، ارباب معانی، الاهیّون، اهل حقیقت، اهل عرفان
mystic sciences	علوم ذوقی
mystic sign	اشارت
mystic singer	قوّال (= سراینده)
mystic's passing-away	فناء [فی‌اللّه]
mystic state	حال
mystic truth	حقیقت عرفانی
(mystic) vision	مشاهده
mystic wisdom	معرفت

mutual impeding	تمانع
mutual likeness	مماثلت
mutual similarity	تشابه، مشابهت
mutual waystation	منازله
mysteries of worship	اسرار عبادات
mysterious	خفیّ
mystery	راز، سرّ، غیب
mystery inherent in being	سرّ وجود
mystery of Destiny	سرّ قدر
mystery of existence	سرّ وجود
mystery of measuring out	سرّ قدر
Divine Mystery	سرّ الاهی، سرّ ربّانی، سرّاللّه
Lordly Mystery	سرّ ربّانی
unknown mystery	غیب مجهول
world of Mystery	عالَم غیب
mystic	عارف
mystical concert and dance	سماع
mystical disciple	ناسک
mystical fusion	فناء [فی‌اللّه]
mystical knowledge	معرفت
mystical meaning	معنا
mystical music	سماع
mystical reality	حقیقت عرفانی
mystical state	حال
mystical station	مقام
mystical theosophists	الاهیّون
mystical way	طریقت

Muhammadan grace	برکت محمّدی
Muhammadan plenum	ملأ محمّدی
Muhammadan Poles	اقطاب محمّدی
Muhammadan Presence	حضرت محمّدی
Muhammadan Reality	حقیقت محمّدی
Muhammadan realm	ملأ محمّدی
Muhammadan sainthood	ولایت محمّدی
Muhammadan saintship	ولایت محمّدی
Muhammadan sanctity	ولایت محمّدی
Muhammadan Spirit	روح محمّدی
Muhammadan triplicity	تثلیث محمّدی
multiple essences	اعیان کثیره
multiplicity	تعدد، کثرت
multitude	کثرت
multitude, the	عوام
mundane	دنیوی
mundus imaginalis	عالَم مثال
munificence	ایثار، بخشندگی، سخاوت، کرامت
munificent	بخشنده
Munificent, the	جواد [خداوند]
munifisence	جود
music	طرب
musk	مُشک
musk-diffusing	مُشک‌فشان
musky	مُشکین
mustering, the	حشر
mutual aversion	تنافر

most wretched, the	اشقی‌الاشقیاء
moth	پروانه
mother of all woes	امّ‌الخبائث (کنایه از شراب)
mother of iniquities	امّ‌الخبائث (کنایه از شراب)
Mother of the Book	امّ‌الکتاب
Mother of the Cities	امّ‌القری
mother of wisdom	امّ حکمت (= معرفت نفس)
mothers	امّهات
Mothers of (Divine) Names	امّهات اسماء
mothers of realities	امّهات حقایق
motion	سیر
motivation	انبعاث
motivational object of act	مفعول انبعاثی
motive	داعی (= داعیه)، غرض
mount	مَرکَب
Mount *Qâf*	کوه قاف (کنایه از مقام یکرنگی)
mount *Qâf* of separation	قاف تفرید
Mount Sina	طور سینا، کوه طور (کنایه از مقام فنا)
mountedness	ترکیب
mourning song	تعزیت
movement	حرکت، سیر
movement of ardent desire	حرکت شوقی
ascending movement	سیر صعودی
descending movement	سیر نزولی
ecstatic movements	حرکات وجدی
horizontal movement	سیر افقی
Muhammadan form	صورت محمّدی

mortify (oneself), to	ریاضت کشیدن
Most Beautiful Names, the	اسماء حسنیٰ
most befitting, the	اصلح
Most Compassionate of the compassionate, the	ارحم‌الراحمین [خداوند]
most deniable of the deniables, the	انکر منکرات
most exalted, the	اعلیٰ
Most Generous of the Generous, the	اکرم‌الاکرمین [خداوند]
most-great Master, the	شیخ اکبر [لقب ابن عربی]
most hidden, the	اخفیٰ، غیب‌الغیب
Most High, the	متعالی [خداوند]
Most Holy, the	قُدّوس [خداوند]
most holy effusion, the	فیض اقدس
most indefinite of the indefinites, the	انکر منکرات
most interior secret of man, the	ضمیر
Most Merciful, the	رحیم [خداوند]
most noble of all creatures, the	اشرف مخلوقات
most non-manifested, the	غیب‌الغیب
Most Pardoning, the	عَفُوّ [خداوند]
Most Perfect Names, the	اسماء حسنیٰ
most sacred effusion, the	فیض اقدس
most sacred emanation, the	فیض اقدس
most sacred locus of witnessing, the	مشهد اقدس
most saintly effusion, the	فیض اقدس
most secret, the	سرّالسرّ
Most Strong, the	قویّ [خداوند]

monastic vows	شرط رهبانیّت
monk	ترسا، راهب، رهبان
Monotheism	توحید
monotheist	موحّد
moon-face	مه‌روی
morality	اخلاق
morally conscious soul	نفس لوّامه
moral philosophy	حکمت اخلاقی
moral qualities	آداب
morals	آداب، علم اخلاق
morals of paganism	اخلاق جاهلی
moral traits	اخلاق
moral virtue	مروّت
moral wisdom	حکمت اخلاقی
more befitting	اصلح
more misguided	اضلّ
morning breeze	باد صبا (کنایه از نفحات رحمانی)
morning draught	صبوح
morning gale	صبا
morning of pre-eternity	صبح ازل
morning-riser	سحرخیز
morning-rising	سحرخیز
mortal	بشر، فانی
mortal man	بشر
mortal nature	بشریّت
mortal sinners	اهل کبایر
mortification	ریاضت، مجاهده

misguidance	اِضلال، ضلالت
misguided	ضالّ
misguidedness	ضلالت
Misguider, the	مضلّ [خداوند]
misguiding	اذلال
missing	ترک
mission	رسالت
missionary	داعی
mistrust	سوء ظنّ
mixture	اختلاط، امتزاج، مزاج
mode	هیأت
mode of being	نشأه
mode of nature	نشأهٔ طبیعت
mode of spirit	نشأهٔ روح
modest	متواضع
modesty	تواضع، حیا، خضوع، صدق
mole	خال (کنایه از نقطهٔ وحدت)
moment	دَم، لحظه، وقت
momentary experience	وقت
moment of death	اجل (= وقت مرگ)
Monarch, the	مالک [خداوند]
monarch of love	سلطان عشق
monarchy	سلطنت، مُلک
monastery	صومعه
monastery	دیْر، رباط (کنایه از دنیا)، صومعه (کنایه از مقام تفرّد و تجرید از ماسوی‌اللّه)
monasticism	رهبانیّت

mineral realm	عالَم جمادی
mineral soul	نفس جمادی، نفس معدنی
minor revelation	الهام
minor sin	گناه صغیره
minor sinners	اهل صغایر
minstrel	مطرب
miracle	آیت، اعجاز، خرق عادت، کرامت، معجزه
miracle (of prophet)	آیه، معجزه
miracle performed by a Sufi saint	کرامت
miracles of the saints	کرامات اولیاء
miracles performed by a Sufi saint	کرامات
miraculous power	کرامت
mirage	سراب
mirror	آینه، مرآت
mirror of beauty	آینهٔ جمال
mirror of existence	آینهٔ وجود، آینهٔ هستی
mirror of horizons and souls	آینهٔ آفاق و انفس
mirror of the soul	آینهٔ جان
misbelief	کفر
mischief	شرّ
miscreant	زندیق
misdeed	ذنب، گناه
miser	حریص
miserliness	بخل
miserly-stingy	بخیل
misery	شقاوت
misfortune	ادبار (≠ اقبال)، بلا، مصیبت

metaphorical love	عشق مجازی
metaphorically	با استعاره، بالمجاز، به معنای مجازی
metaphysics	حکمت، حکمت الاهی
metempsychosis	تناسخ
metempsychosist	تناسخی، قائل به تناسخ
method	آیین، راه و روش، طریق
method of Sufism	طریقت، طریقت تصوّف
meticulous	وسواسی
microanthropos	انسان صغیر
microcosm	انسان صغیر، عالَم اصغر، عالَم صغیر
microcosmic world of imagination	خیال متصّل
middle class	متوسطین
middle men	متوسطین
midnight-prayer	دعای نیمه شب
might	اعزاز، جبروت، شوکت، قوّه
Might, the	عظمت [خداوند]
mightier kingdom	مُلک اعظم
Mighty, the	عزیز، عظیم، قدیر [خداوند]
Mighty Book	کتاب عظیم
mighty morality	خُلُق عظیم
mighty obstacles	عَقَبات عظیم
Mighty Presence	حضرت عزّت
migrant	مهاجر
migration	هجرت
mildness	حِلم
mind	عقل، نفس
mindedness	سریره

Mercy-Giving, the	رحیم [خداوند]
mercy-glance	نظر رحمت
mercy of God	رحمت خدا
mercy of the Names	رحمت اسمائی
all-embracing mercy	رحمت واسعه
all-inclusive mercy	رحمت عامّ
all-spreading mercy	رحمت انتشاری
Divine mercy	رحمت الاهی، رحمةاللّه، کَرَم حقّ
essential mercy	رحمت ذاتی
general mercy	رحمت عامّ
God's mercy	رحمةاللّه
gratuitous mercy	رحمت امتنانی
special mercy	رحمت خاص
specific mercy	رحمت خاص
merit	حسنه
message	رسالت
messenger	پیامبر، پیک، پیغمبر، مرسل
messengerhood	رسالت
messenger of felicity	هاتف سعادت
Messenger of God	رسول‌اللّه
metamorphose	تحوّل
metamorphosing	مسخ
metaphor	مجاز
metaphorical	استعاری، بالمجاز، متشابه، مَجازی
metaphorical being	هستی مجازی
metaphorical existence	وجود مجازی
metaphorical interpretation	اعتبار (≠ تفسیر)

Men of the Inability	رجال عجز
Men of the inner Sense	رجال حسّ باطن
men of the inner world	اهل معنا
Men of the invisible world	رجال غیب
Men of the Limit	رجال حدّ
Men of the Manifest Sense	رجال حسّ ظاهر
Men of the Nonmanifest Sense	رجال حسّ باطن
Men of the outward Sense	رجال حسّ ظاهر
Men of the Overview	رجال مطّلع
men of the Path	ارباب طریقت
Men of the Six Days	رجال ایّام ستّه
Men of the Succour	رجال امداد
men of the Way	اهل طریقت
Men of the Wonder	رجال حیرت
Men of the Yearning	رجال اشتیاق
men of union	واصلان
mental dispersion	پراکندگی خاطر
mental distraction	تشتّت خاطر
mental existence	وجود علمی
mental immutability	ثبوت علمی
mental vision	بصیرت، رؤیت علمیّه
mentioning the name of God	ذکر حقّ
mentor	استاد
merciful	رحمانی
Merciful, the	راحم، رحمٰن، رحیم [خداوند]
mercifulness	رحیمیّت
mercy	رحم، رحمت، رأفت، رفق، عفو، مرحمت

men of allusion	اهل اشارت
Men of Breaths	رجال اَنفاس
men of charismatic acts	اهل کرامت
men of chivalry	ارباب مروّت
men of discipleship	اهل ارادت
men of Divine deception	اهل استدراج
men of faith	مؤمنان
men of God	اهل‌اللّه، مردان خدا
men of heart	اهل دل
men of hearts	اهل قلوب
men of inner knowledge	علماء باطن
Men of Intentions	رجال نیّات (= نیّاتیّون)
men of learning	ارباب فضل
men of noble aspiration	ارباب همّت
Men of Number	رجال عدد
Men of Path	رجال طریقت
Men of perfumes	رجال روائح
men of piety	ارباب تقوی
men of pure heart	صافی‌دلان
men of religion	اهل دین
Men of Scents	رجال روائح
men of science	علماء
men of solitude	اهل خلوت
Men of spiritual path	رجال طریقت
men of spiritual virtue	اهل احسان
Men of the Absent	رجال غیب
Men of the Help	رجال امداد

match	نِدّ، همتا
material intellect	عقل هيولانى
materialists	دهريان
matter	مادّه، هيولىٰ
mature	بالغ
May it be so	آمين
Mazdean	گبر
meanness	بخل
measure	قَدَر
measures	مقادير
measuring out	قَدَر
Mecca	امّ‌القرى، مكّه
mediate cause	سبب
meditation	تدبّر، تأمّل، تفكّر، فكر، مراقبت
meditative unveiling	كشف نظرى
meekness	بردبارى، حِلم
meeting	لقاء، ملاقات
mehrâb	محراب
melancholiac	سودايى
melancholic	سودايى
melancholy	سودا، سودايى
melody	ساز
menace	وعيد
mendicancy	گدايى
mendicant	درويش
men of Allah	مردان خدا

manners of Sufi monastery	آداب خانقاه
mansion of eternity	سرای باقی
man's right	حق‌الناس
margin of the stream	لب جوی
market	بازار، بازار (کنایه از مقام تجلّیات انوار الاهی)
market of blame	بازار ملامت
market of love	بازار عشق
master of news	صاحب خبر
mantle	خرقه
manyness	تعدد
mark	اثر
Market of the Garden	سوق‌الجنّه
marriage	زوجیّت، نکاح، وصلت
masculine	مذکّر
masculity	ذکورت
master	استاد، پیر، سَرْوَر، سیّد، مولیٰ
Master, the	ربّ، مولیٰ [خداوند]
Master of Illumination	شیخ اشراق
master of masters	شیخ‌المشایخ
Master of the first and the last	سیّد اولین و آخرین
master of time	خداوند وقت
masters	مشایخ
mastership	ریاست، سیادت
masters of inwardness	خداوندان باطن
masters of time	خداوندان وقت
master who has attained union	شیخ واصل

manifestation of Glory	تجلّی جلال
manifestation of God	ظهور الاهی
manifestation of imagination	تجلّی خیال
manifestation of sensation	تجلّی حسّ
manifestation of the Beauty	تجلّی جمال
manifestation of the Divine Essence	تجلّی ذات الاهی
manifestation of the Essence	تجلّی ذات
manifestation of the heart	تجلّی قلب
manifestation of the invisible	تجلّی غیب
manifestation of the visible	تجلّی شهود
manifestations of engendered beings	مظاهر اکوان
manifestations of entities	مظاهر اعیان
manifest victory	فتح مبین
Manifested, the	ظاهر [خداوند]
manifest Imam	امام مبین
manifesting	ابداء، اظهار
manifest name	اسم ظاهر
manifest world	عالَم شهادت
manliness	جوانمردی، فتوّت، مروّت
manly, the	فتیان
manly nobility	جوانمردی، فتوّت
manly zeal	حمیّت
manner	منش
manner of character	اخلاق
manners	آداب
manners of companionship	آداب صحبت
manners of sheikh	آداب شیخ

malicious	خبیث
malign	مُهلک
maligning	قَدْح (= عیب‌جویی)
mammonism	دنیاطلبی
man	انسان، بشر
man of Angelic World	آدم ملکوتی
man of charismatic acts	صاحب کرامات
man of corporeal world	آدم مُلکی
man of ecstasy	واجد (= صاحب وجد)
man of excellence	اهل فضل
man of faith	مؤمن
man of heart	صاحب‌دل
man of inward feeling	صاحب سرّ
man of knowledge	عالِم
man of knowledge and practice	عالِم عامل
man of mystical state	ربّ حال (= صاحب حال)
man of religious learning	عالِم
man of stability	صاحب تمکین
man of the moment	ابن‌الوقت
man of variegation	صاحب تلوین
manifest	پیدا
Manifest, the	ظاهر [خداوند]
manifest and hidden worlds	کَونَین
manifestation	ابداء، اظهار، تجلّی، جلوه، ظهور، مَظهر
manifestation of Divinity	تجلّی الوهیّت
manifestation of dominicality	تجلّی ربوبیّت

Magnate	قطب
magnification	تعظیم
Magnificence, the	جبّاریّت، جبروت، جلال، کَرَم، عظمت [خداوند]
Magnificent, the	کریم، متکبّر [خداوند]
magnifying	تعظیم
magnifying God's waymarks	تعظیم شعائراللّه
magnifying religious waymarks	تعظیم شعائر
majestic	کبریایی [وصف]
Majestic, the	جلیل، ذوالجلال [خداوند]
Majesty, the	جلال، حشمت، جبروت، شوکت، عظمت، کبریاء [خداوند]
Majesty of the Unity	جلال احدیّت
major categories	امّهات
major witness	شهادت کبریٰ
make mediator, to	توسّل جستن
Maker, the	باری، جاعل، صانع [خداوند]
maker of wholesomeness	مصلح
make successful, to	توفیق دادن
making	جعل
making apparent	اظهار
making a show	ریا
making oneself master	استیلا
making whole	اصلاح
making wholesome	اصلاح، مصلح
malediction	لعنت
malice	خبث، مکر

M

machination	حیله
macroanthropos	انسان کبیر
macrocosm	آفاق، انسان کبیر، عالَم اکبر، عالَم کبیر
macrocosmic world of imagination	خیال منفصل
mad	مجنون
madman	دیوانه
madness	جنون، دیوانگی، شور
Madonna Intelligenza	روح‌القدس، عقل فعّال
Magi	گبر
magians	مُغان
Magians' cloister	دیر مغان
Magian spiritual teacher	پیر مغان
magic	سِحْر
magician	ساحر
magic cup	جام جهان‌نما (کنایه از قلب عارف کامل)
magnanimity	علوّ طبع، علوّ همّت، مناعت طبع
magnanimous, the	ارباب قلوب، اهل همّت

lunacy	جنون، دیوانگی
lunar sainthood	ولایت قمریّه
lunar saintship	ولایت قمریّه
lunatic	دیوانه، مجنون
lust	شهوت، میل، هوای نفس، هوس
lustre	بهاء، ضیاء، نور
lux victorialis	نور قاهر

lowest world, the	عالَم اسفل، عالَم دنیا
lowliness	تذلّل، خشوع، دنائت، ذلّت، فرومایگی، مذلّت، مَسکنت
lowly	خاشع، فروتن، مسکین
lowly soul	نفس سُفلیٰ
low-minded	دون‌همّت
low mothers	امّهات سُفلیٰ
loyal disciple	مرید صادق
loyalty	تولّی، صدق، وفا، وفاداری
lucid	صافی
Lucifer	ابلیس
lucky	سعادتمند
luminary	نورانی، نیّر
luminosity	ضیاء، نورانیّت
luminosity of light	نورانیّت نور
luminous	نورانی، نیّر
luminous frames	هیاکل نوریّه
luminous inner vision	بصیرت
luminous sciences	علوم اشراقی
luminous shadow	ظلّ نوری
luminous spirits	ارواح نوری
luminous temples	هیاکل نوریّه
luminous veil	حجاب نورانی
luminous veils	حُجُب نور
luminous world	عالَم نورانی
luminous world of apparitional figurs	عالَم مثال نورانی
luminous world of Idea-Images	عالَم مثال نورانی

lover	حبیب، دوست، دوستدار، محبّ، مشتاق
lover of God	عاشق
lovers	اهل محبّت، محبّین
lover's entreaty	نیاز عاشق
lover's master	ادیب عشق
love's Path	طریقت عشق
lover's ruined tavern	خرابات عشق
love's alchemy	کیمیای محبّت
loving	عاشقی، محبّ تودّد، محبت
Loving, the	ودود [خداوند]
loving care	حَنان
loving kindness	لطف
low	سُفلیٰ
low aspiration	دون‌همّتی
low degrees	درکات
low degrees of wretchedness	درکات شقاوت
low desire	هویٰ
lower life	حیات دنیا
lower plenum	ملأ ادنیٰ، ملأ اسفل
lower soul	نفس (= خود)
lower spirit	روح سُفلیٰ
(lower) world	دنیا
lowest abyss, the	دَرَک اسفل
lowest depth of degradation, the	اسفل السّافلین
lowest hell, the	اسفل السّافلین
lowest of the low, the	اسفل السّافلین
lowest sphere, the	فلک اقصیٰ

lost	خاسر
lot	قسمت (= امر مقدّر)، نصیب
Lote Tree	سدرة
Lote Tree of the Limit	سدرةالمنتهی
Lotus of the Limit	سدرةالمنتهی
lovable	محبوب
love	حُبّ، دوستی، سودا، عشق، محبّت، مودّت، مِهر
loved	محبوب، مرضیّ
Loved, the	عزیز [خداوند]
loved one	جانان، نگار
loveliness	حُسن
lovely face	روی زیبا
lovely ones	خوبان
love-mad	والِه
love-making	عشق‌بازی
love of authority	حبّ ریاست
love of created things	عشق مجازی
love of God	حبّالله، محبّت الاهی، محبّت خداوند
love of passions	حبّ شهوات
love of power	حبّ جاه
love of rule	حبّ ریاست
love of the carnal soul	حبّ نفس
love of this world	حبّ دنیا
love of worldly gain	حبّ دنیا
love-player	عشق‌باز
love-playing	عشق‌بازی

Lordly Lights	انوار اسفهبدیّه
Lordly Mystery	سرّ ربّانی
Lordly Names	اسماء ربوبی
Lordly realities	حقایق ربّانی
Lordly sciences	علوم ربّانی
Lordly State	ربوبیّت
Lordly wisdom	حکمت ربوبی
Lord of all being	پروردگار عالمیان، ربّ‌العالمین
Lord of phenomenal objects	مالک‌الاعیان [خداوند]
Lord of Splendor	ذوالجلال [خداوند]
Lord of the Lords	ربّ‌الارباب
Lord of the universe	ربّ‌العالمین
Lord of the world	ربّ‌العالمین
Lord of the worlds	ربّ‌العالمین
Lord of Time	صاحب زمان (= غوث)
lords of liberality	ارباب کرم
Lordship	ربوبیّت
Lord Supreme, the	ربّ‌الارباب
lose all self-control, to	بی‌قرار شدن
loser	خاسر
losing one-self	فنا
loss	حرمان
loss of consciousness	اصطلام (= وَلَه وارد بر قلب و مسلّط بر آن)
loss of faith	زوال ایمان
loss of heart	بی‌دلی
loss of lust	زوال شهوت

locus of witnessing	مشهد
lodging	منزل‌گاه
loftiness of aspiration	علوّ همّت
Lofty, the	رفیع [خداوند]
lofty aspiration	همّت عالی
lofty degree of the distance of two bowstrings	مدرج قاب قوسین
lofty degrees	درجات عُلیا
lofty of degree	عالی‌مقام
lofty Paradise	خلد برین
lofty place	محل اعلیٰ
lofty resolution	همّت عالی
loneliness	تفرید، تنهایی
longing	اشتیاق، تمنّی، رغبت، شوق
longing ones	مشتاقان
long-necked goblet	صُراحی
looking	نظر (= نگریستن)
Lord, the	ربّ، سیّد، مولیٰ، والی [خداوند]
Lord-like	ربّانی
Lordliness	ربّانیّت، ربوبیّت
Lordly	ربّانی
Lordly Attributes	اوصاف ربوبیّه
Lordly forms	صُوَر ربّانی
Lordly grace	لطف ربوبیّت
Lordly graces	الطاف ربّانی
Lordly inspirations	الهامات ربّانی
Lordly knowledge	علم ربّانی

lip	لب
Listener, the	سامع [خداوند]
listening	سماع
listless intelligence	عقل افسرده
litany	مناجات، وِرْد
literal	حقیقی (≠ مجازی)
literal aspect	ظاهر [معنا]
literally	بالحقیقه، به معنای حقیقی
little cosmos	عالَم صغیر
little knowledge	علم قلیل
little slave	بندهٔ کوچک، عُبَیْد
living	زنده
Living, the	حیّ [خداوند]
living in pleasure	عیش
Living One, the	حیّ [خداوند]
load of deposit	بار امانت
loathsome	خبث
localisation	حلول
locatedness	اَینیّت
loci	محالّ [ج محلّ]
loci of manifestation	مظاهر
lock (of hair)	زلف
locks	گیسو
locus	محل
locus of manifestation	مَظهر
locus of Self-Disclosure	مَجْلیٰ، جلوه‌گاه خداوند
locus of vision	محل نظر، منصّه، منظر

light of intelligence	نور عقل
Light of Lights	نورالانوار
light of Muhammad	نور محمّدی
light of oneness	نور توحید
light of self-revelation	نور تجلّی
light of spirituality	نور روحانیّت
light of *tawḥîd*	نور توحید
light of theophany	نور تجلّی
light of unveiling	نور تجلّی
Lights of Divine Commandment	انوار اسفهبدیّه
lights of evident truths	انوار بیّنات
lights of guidance	انوار هدایت
lights free of any locus	انوار مجرّد
light shedding	نوربخشی
light-spirited	سبک‌روح
Light Verse	آیهٔ نور
like	نِدّ
likeness	مشابهت، مماثلت
likenesses	امثال
limit	حد، مرتبه
limited	محصور
limitless light	نور بی‌انتها
limitless ocean	بحر بلاشاطی، دریای بی‌کران، بحر بی‌پایان
(limit of) equilibrium	حدّ اعتدال
limpidity	خلوص
limpidness	صفا
link	رابطه

lieutenant of longing	شحنه شوق
life	جان، حیات، سیره، نشأه
Life, the	حیّ [خداوند]
Life-Bestowing, the	مُحیی [خداوند]
Life-Giver, the	مُحیی [خداوند]
life of creatures	معاش خلق
life of endless eternity	حیات ابدی
life of the heart	حیات قلب
life span	اجل (= مدت حیات)
lifting a screen	رفع حجاب
lifting of the veil	رفع حجاب، کشف‌الغطاء
lifting up	رفعت
light	برق، نور
light bestowing	نوربخشی
light-burdened ones	سبک‌باران
light-giving Lamp	مصباح منیر
light-hearted	سبک‌روح
lighting	برق
lighting of union	برق وصال
lightness of disposition	خفّت
lightning	برق، صاعقه (کنایه از لهیب محبت)
light of being	نور وجود
light of certitude	نوراليقين
light of faith	نور ایمان
Light of God	نوراللّه
light of happiness	نور سعادت
light of intellect	نور عقل

lesser holy war	جهاد اصغر
lesser purification	طهارت صغریٰ
lesser purity	طهارت صغریٰ
lesser understanding	فقه اصغر (= فقه)
Let me see	أرنی
letter	حرف (هر جزئی از هر موجود)
letter magic	سیمیاء
letters	حروف (کنایه از حقایق بسیطه)
level of animals and beasts	مقام بهایم و اَنعام
level of degree	رتبۀ مکانت
level of rank	رتبۀ مکانت
level of reality	میدان
levels	طبقات، مراتب
levels of knowledge	مراتب معرفت
levels of the world	مراتب عالم
lewdness	فسق
liar	کاذب (= دروغگو)
liberal	جواد
liberality	بخشندگی، بذل، جوان‌مردی، سخاوت، کَرَم
libertine	اباحی، رِند
libertine, the	رندان
libertinism	اباحه‌گری
Libertinists	اباحیّه
liberty	حریّت
licentious	اباحی
licentiousness	فسق

leader	پیشوا، رهبر، سَرْوَر، سیّد، قطب، نقیب
leader of the Muslim community	امام
Leader of Theosophers	صدرالمتألّهین
Leader of the Saints	سیّدالاولیاء
leaders	اولواالامر، نقباء
leadership	پیشوایی، ریاست، سَرْوَری
leadership of the religious	امامت امّت
Leaders of the Attributes	ائمّهٔ صفات
Leaders of the Names	ائمّهٔ اسماء (= امّهات اسماء)
leading astray	اِضلال
leading authorities on religion	بزرگان دین
learned, the	اهل علم
learned man	عالِم
learned master	عالِم
learned men	اولواالعلم
learned science	علم دراست (≠ علم وراثت)
lease of life	اجل (= وقت مرگ)
leave of God	اذن‌اللّه
leaving	ترک
legal guidance	هدایت تشریعی
legal proof	دلیل شرعی
legal reason	دلیل شرعی
legitimate knowledge	علم مشروع
length of two bows	قاب قوسین
lenience	آسان‌گیری، تساهل
lesser holy struggle	جهاد اصغر

lasting righteous deeds	باقیات الصّالحات
last night	دوش
last night-hours	سَحَر
Last of the Prophets, the	خاتم انبیاء (ص)
last stage of union, the	جمع‌الجمع
latent	باطن [وصف]
latent polytheism	شرک خفیّ
laud	ثنا
Laudable, the	حمید [خداوند]
laudable qualities	اوصاف حمیده، مَحامد
laudation	ثنا
lauded	محمود [مقام]
lauding	مسبّح
laughter	ضحک
lavishness	بذل، جود
law	ناموس
Law, the	شریعت
Law and the Way, the	شریعت و طریقت
Law-bringing	صاحب شریعت [وصف]
lawful	حلال
lawfully	شرعاً
Lawgiver	شارع، مُشرِّع
Law-giving	تشریع
law of the Path	قانون طریقت
law of the Truth	قانون حقیقت
Law's obligations, the	تکالیف شرع
laxity	رُعونت

L

lack of fortitude	جَزَع
ladder	مرقات
lair of the Unseen	مَکْمَن غیب
lament	ابتهال، تضرّع
lamentation	فغان
Lamp	چراغ، سراج، مصباح
lamp of the eye	چراغ چشم
Land of Darkness	ظلمات
lane	کوی
language of Divine Being	لسان‌الحقّ
language of Oneness	لسان احدیّت
language of spiritual discovery	لسان مثالی
language of the birds	منطق‌الطیر
language of the heart	لسان قلب
lantern	سراج، مصباح
Last, the	آخِر [خداوند]
last abode	دار آخرت
last days	آخرالزّمان
Lasting, the	دائم [خداوند]

knowledge of the intellect	علم عقل
knowledge of the Law	علم شریعت
knowledge of the unseen world	علم غیب
knowledge of time	علم وقت
knowledge of unveiling	علم مکاشفه
knowledge received by the heart	واردات قلبی
knowledge tasted	علم ذوق
knowledge with God	علم مع‌اللّه
known	مُدرَک
Koranic hermeneutics	تأویل قرآن
Koran reciter	قاری

Knowing, the	عالِم، علیم [خداوند]
knowledge	آشنایی، علم، معرفت
Knowledge	علم [خداوند]
knowledgeable men	رجال مطّلع
knowledge and action	علم و عمل
knowledge from God	علم لدنّی، علم خدادادی
knowledge-giving	إعلام
knowledge of asceticism	علم زهد، علم ورع و تقوی
knowledge of beneficence	علم احسان
knowledge of certainty	علم‌الیقین
knowledge of certitude	علم‌الیقین
knowledge of devotional practice	علم معامله
knowledge of divinity	معرفت ربوبی
knowledge of essence	معرفت ذات
knowledge of God	علم باللّه، معرفت خدا
knowledge of immediate vision	علم عیان
knowledge of inspiration	علم الهام
knowledge of lights	علم انوار
knowledge of piety	علم ورع و تقوی
knowledge of religious doctrines	علم اعتقادی
knowledge of sincerity	علم اخلاص
knowledge of spirits	علم ارواح
knowledge of spiritual states	علم احوال
knowledge of spiritual tastes	علم اذواق
knowledge of spiritual unveiling	علم کشف
knowledge of spiritual virtues	علم احسان
knowledge of the Absent	علم غیب

keys to the invisible world مفاتيح‌الغيب
Khaḍir خضر
Khiḍr خضر
khirka-wearer خرقه‌پوش
Kind, the رؤوف، کريم [خداوند]
kindliness برّ، رفق، شفقت، لطف
kindness احسان، برّ، رفق، شفقت، عنايت، مروّت، نعمت
King, the مَلِک [خداوند]
king of love سلطان عشق
King of the Kingdom, the مالک‌المُلک، مَلِک‌المُلک [خداوند]
kingdom دار، مُلک، ملکوت، مملکت، ولايت
Kingdom of Allah دارالله
kingdom of eternity دارالقرار
kingdom of singularity مملکت فردانيّت
kingdom of the heavens ملکوت آسمان‌ها
kingdom of the kingdom مُلک‌المُلک
Kingdom-Possessing مالک‌المُلک [خداوند]
kingship سلطنت، مُلک
knot عقد
knotting عقد
knotting of the heart عقدالقلب
knower عارف، عالِم، مُدرِک
Knower, the عليم [خداوند]
knower of God عالِم بالله
Knower of the Absent عالِم به غيب
knower of the Path راه‌شناس
Knower of the Witnessed عالِم به شهادت

K

Ka'bah	کعبه
Ka'bah of attainment	کعبهٔ وصال
Ka'bah of pre-eternity	کعبهٔ ازل
Ka'bah of union	کعبهٔ وصال
Ka'bah of the heart	کعبهٔ دل
keep aloof from, to	دوری جستن
keep away, to	دوری جستن
keeping away	اجتناب
keeping company of God	مصاحبت حقّ
keeping in view	مراقبت
keeping one's passions in check	ضبط شهوات نفسانی
keep up awake, to	احیاء داشتن
kernel	گوهر، لُبّ، مغز، هسته
kernel of the kernel	لبّ لباب، لبّ اللّبّ
key of right guidance	مفتاح الهدی
keys	مقالید
keys to the Absent	مفاتیح الغیب
keys to the Gardens	مفاتیح الجنان

justice	عدل، قسط
Justly Proud, the	متکبّر [خداوند]
just scale	قسط، میزان مستقیم

external journey	سیر آفاقی
horizontal journey	سیر افقی
objective journey	سیر آفاقی
spiritual journey	إِسراء، سفر روحانی، سیر انفسی
subjective journey	سیر انفسی
journeyer	مسافر
journey in God	سیر فی‌اللّه
journey on the Path	سلوک
journey to God	سیر الی‌اللّه
journey with God	سیر باللّه
joy	ابتهاج، انبساط، بهجت، سُرور، طرب، فَرَح، لذت
joyful	شاد، مبتهج
joyfulness	ابتهاج، بشاشت، شادی
judge	داور
Judge, the	حاکم، حَکَم [خداوند]
Judgement Day	روز قیامت
judgement of intellect	حکم عقل
judgement of separation	حکم تفریق
jugular vein	حبل ورید
junction	اتّصال (= پیوند)، وصول
juridically forbidden	حرام
jurisdiction	ولایت
jurist	فقیه
Just, the	عادل، مقسط [خداوند]
be just, to	انصاف داشتن

J

jar	خُم (کنایه از بدایت سلوک)، سبو
jealous	غیور، حسد
jealous, the	اهل غیرت
jealous care	غیرت
jealous honour	غیرت
jealous pride	غیرت
jealousy	رشک، غیرت
jealousy of faith	غیرت ایمانی
jewel of existence	گوهر وجود
jinn	جنّ
joinedness	اتّصال
joining	وصل
be joining	اتّصال یافتن
jostling	مزاحمت
journey	سفر، سیر
ascending journey	سیر صعودی
descending journey	سیر نزولی

inward rectitude	استقامت باطن
inward sense	باطن [معنا]
inward state	باطن [اسم]
inward yearning	سوز درون
Ipseity	انّيّت، هويّت
irascibility	غضب
irascible soul	نفس غضبی
irhâs (laying the foundations)	ارهاص (= نوعی خرق عادت)
irritability	حدّت
isolated	متفرّد
isolation	انفراد، انقطاع، تجريد، تنزيه، خلوت، عُزلت، فردانيّت
isolation from men	انقطاع از خلق
issuance	افاضه
issuing forth	انبعاث
isthmus	برزخ
isthmus locus of witnessing	مشهد برزخی
isthmus of isthmuses	برزخ‌البرازخ
it-ness	هويّت

invocation	دعا، ذکر، وِرْد
invocation of God	ذکر، ذکر حقّ، ذکرالله
invocation with the heart	ذکر قلبی
invocation with the imagination	ذکر خیالی
invocation with the soul	ذکر نفسی (≠ ذکر لفظی)
invocation with the spirit	ذکر قلبی
invocation with the tongue	ذکر زبانی، ذکر لسانی
invocation with words	ذکر لفظی (≠ ذکر نفسی)
invoker	ذاکر
invokers	اهل ذکر
invoking	ذکر
inward	باطن، باطنی
Inward, the	باطن [خداوند]
inward aspects	بطون
inward aspect of the Koran	باطن قرآن، بطن قرآن
inward association of gods with God	شرک معنوی
inward burning	سوز درون
inward dimension	باطن [اسم]
inward dimension of man	لطیفهٔ انسانی (= نفس ناطقه)
inward experience	حال
inward face	وجه باطنی
inward faculties	قوای باطنی
inward glow	حرقت، سوز درون
inwardly	در باطن
inward purification	طهارت باطن
inward purity	صفای باطن، صفای قلب، طهارت دل، طهارت قلب

	فراست، کشف
intuition of certainty	عین‌الیقین
(intuitive) certainty	یقین
intuitive experience	ذوق
intuitive intelligence	بصیرت
intuitive knowledge	علم شهودی
intuitive mystics	اهل کشف
intuitive people	اهل اذواق
intuitive perception	ادراک ذوقی
intuitive person	صاحب کشف
investigation	طلب
investiture of the robe	تلقّی خرقه
invincibility	جبروت
Invincible, the	قهّار [خداوند]
invisibility	غیب
invisible	غیب، نامشهود
invisible domain	غیب [عالَم]
invisible entity	جنّ
invisible guide	مرشد غیبی
invisible instant	زمان فرد
invisible messenger	هاتف (= منادی حقّ)
invisible modes	مشارب غیبی
invisible reality	غیب [عالَم]
invisible world	عالَم غیب، ملکوت
invisible world of the innermost heart	غیب‌السرائر
invitation	استدعا، دعا
inviting ecstasy	تواجد (= اظهار حالت وجد)

intimate communion مناجات
intimate conversation مناجات
intimate dialogue مناجات
intimate discourse مناجات
intimate familiarity اُنس، مؤانست
intimate friend خلیل
intimate friend of God خلیل‌اللّه
intimate of Divine secrets مَحرم سرّ الاهی
intimate of the soul سریره
intimates اصفیاء، اهل انس
intimate supplication مناجات
intimate taste ذوق
intimate thought سریره
intimations from
the Unseen world واردات غیبی
intoxicant مُسکر
intoxicated سرمست
intoxicated eye چشم مست
intoxicated in the
Presence of God مست قربت حضرت حقّ
intoxication خُمار، سُکر، مستی
intrepid جرئ، جسور
intrigue خدعه، مکر
introduction تعرّف
intruders اغیار
intrusion دخل
intuition ذوق، شهود، عقل فطری،

internal prerequisite	شرط باطنی
internal rules	آداب باطنی
internal senses	حواس باطن
interpenetration	تداخل
interpolated	مندرج
interpolation	اندراج
interpretation	تعبیر
interpretation of dream	تعبیر رؤیا
esoteric interpretation	تأویل
hermeneutic interpretation	تأویل
intellectual interpretation	تأویل عقلی
metaphorical interpretation	اعتبار (≠ تفسیر)
rational interpretation	تأویل عقلی
symbolic interpretation	تأویل
interpreter	مفسّر
interpreter of mysteries	ترجمان‌الاسرار
interpret, to	تعبیر کردن
interrelation	مناسبت
interrelationship	مناسبت
interstice	برزخ
intertying	رابطه
interval	برزخ، فترت، وقفه
intervening stage	برزخ
interworld	برزخ
intimacy	الفت، اُنس، خُلّت
intimacy with God	اُنس با خدا
intimate	انیس، مَحرَم، مونس

interconnector	رابط
intercourse	اختلاط، مخالطت
intercourse with men	اختلاط خلق
interdependence	تعلّق
interdicted	منهیّ
interest	بهره، حظّ، خیر
interests	اغراض
interference	دخالت، دخل
interior	باطن، باطنی، غیب
interior discoveries	مواجید
interior faith	ایمان باطنی، ایمان قلبی
interior knowledge	علم باطنی
Interlocutor of Allah	کلیم‌اللّه
intermediary	برزخ [وصف]
intermediary place	برزخ
intermediary world	عالَم برزخ
intermediate locus of witnessing	مشهد برزخی
intermediate Presence	حضرت برزخی
intermediate stage	برزخ
intermediate suprasensory world	عالَم مثال
intermediate world	برزخ، عالَم اوسط
intermission	فترت
internal	باطنی
internal action	عمل باطن
internal aspect	باطن [اسم]
internal attributes	صفات باطن
internal disciplines	آداب باطنی

intellectual mode	نشأهٔ عقلی
intellectual proof	حجّت عقلی
intellectual sciences	علوم عقلی
intellectual vision	بصیرت، رؤیت علمی
intellectus materialis	عقل هیولانی
intellectus sanctus	عقل قدسی
intelligence	خِرَد، عقل
intelligent	عاقل
intelligentia spiritualis	عقول مجرّده
intelligent, the	اهل معنا
intelligible being	امر معقول
intelligible entity	امر معقول
Intelligible Garden	جنّت معقول
intelligible quality	امر معقول
intelligible reality	حقیقت معقول
intelligible truth	حقیقت معقول
intelligible world	ملأ اعلیٰ
intend, to	اراده کردن
intensity of existence	شدّت وجود
intensity of luminosity	شدّت نور
intent	عزم
intention	عزم، قصد، مشیّت، نیّت
intentional	ارادی (= عمدی)
interaction	معاملت
intercession	شفاعت
intercessor	شافع
interconnecting factor	رابط

instant	لحظه
instantaneous	آنی
instantaneous death	اجل ناگهانی (= مرگ مفاجات)
instantaneous state	حالت وقت
instauration	جعل
Instaurer, the	جاعل [خداوند]
instinctive intelligence	عقل غریزی
instruction	ارشاد، القاء، تعریف (= دانا ساختن)
instructor	مربّی، مرشد
insufficiency	فقر
intangible reality	رقیقه
integral Divine Presence	حضرت جمعیت
intellect	عقل
Active Intellect	عقل فعّال
First Intellect	عقل اوّل (= حقیقت محمّدیّه)
greater intellect	عقل اکبر
in-born intellect	عقل فطری
material intellect	عقل هیولانی
natural intellect	عقل فطری
passive intellect	عقل انفعالی
practical intellect	عقل عملی
sacred intellect	عقل قدسی
theoretical intellect	عقل نظری
intellects	اَلباب
intellectual extinction	فناء علمی
intellectual faculty	عقل، قوّهٔ عقل
intellectual interpretation	تأویل عقلی

inrush	وارد
insane sanes	عقلاء مجانین
insanes because of the infatuation with the Truth	مجانین حقّ
insensible	مست
inside	باطن [اسم]
inside wayfarer	سالک داخل
insight	بصیرت، فراست، کشف
insightful	بصیر
insightful people	اهل بصیرت
insincerity	نفاق
insinuating self	نفس امّاره
insinuation	تسویل، وسواس
insinuation of Satan	تسویل شیطان
insolence	اهانت
inspector	ناظر
inspiration	الهام، خاطر، شهود، فتح، وارد
inspirationists	الهامیان
inspiration of grace	واردِ لطف
inspiration of the jinn	القاء ناری (= القاء جنّی)
inspiration of wrath	واردِ قهر
inspirations	واردات
inspirations of the heart	واردات قلبی
inspired	مُلْهَم
inspired man	محدّث
inspired paradoxes	شطحات
inspired soul	نفس مُلهَمه

inner meaning	باطن، معنای باطنی
inner meaning of the Law	سرّ شریعت
innermost core	کنه ذات
innermost heart	سریره
innermost secret	باطن [اسم]
innermost secret of man	سریره
inner perception	ادراک باطنی
inner qualities	صفات باطن
inner reality	باطن [اسم]
inner sanctity	ولایت باطنی
inner self	باطن [اسم]، سرّ، ضمیر
inner senses	حواس باطن
inner separation	تفرید باطنی
inner sight	چشم باطن
inner spiritual power	ولایت باطنی
inner state	باطن [اسم]، حال، حالت باطن
inner strivings	مجاهدات
inner struggles	مجاهدات
innocence	برائت (= بی‌گناهی)، عصمت
innocent	معصوم
innovated	محدَث
innovation	ابداع
innovator	بدعت‌گذار، مبدِع
Innovator, the	بدیع [خداوند]
innovators	اهل بِدَع
inoperative	معطّل [در وجود]
inoperativeness	تعطیل [در وجود]

injunction	امر، تکلیف
inmates of the heavens	اهل سموات
inmost heart	سرّ
inmost of the heart	سرّ
inmost self	سرّ
Inn	رباط (کنایه از دنیا)
innate disposition	فطرت
innate nature	فطرت
inner, the	باطن [اسم]
inner action	عمل باطن
inner aspect	باطن [اسم]
inner being	باطن [اسم]
inner blessing	نعمت باطنی
inner contentment	رضا
inner decree	حکم باطن
inner dimension	باطن [اسم]، سرّ، وجه باطنی
inner dimensions	بطون
inner disposition	باطن [اسم]
inner eye	بصیرت، چشم باطن
inner faculties	قوای باطنی
inner faith	ایمان باطنی
inner form	صورت باطنی
inner image	صورت باطنی
inner intention	باطن [اسم]
inner joy	رضا
inner judgement	حکم باطن
inner knowledge	علم باطن، علم باطنی، علم لدنّی

inflecting on one what is beyond one's capacity	تکلیف به مالایُطاق
inflection	تصریف
influence	تصرّف
informality	انبساط (≠ تکلّف)
Informed, the	خبیر [خداوند]
informing gnosis	تعریف (= دانا ساختن)
infusion	حلول، سریان
ingenuity	فراست
Inhabited House	بیت‌المعمور
inhabited house	خانهٔ آباد
inherence	حلول
inherent	باطن [وصف]
inherent spiritual knowledge	فراست
inherent worship	عبادت ذاتی
inhering existence	وجود رابطی
inheritance	وراثت
inherited science	علم وراثت (≠ علم دراست)
Inheritor, the	وارث [خداوند]
inimitability	اعجاز
iniquity	منکَر
initiate	سالک
initiated, the	اهل راز، اهل‌اللّه
initiatic chain	سلسله
initiatic circle	حلقهٔ صوفیانه
initiation	بیعت
initiative power	ولایت

individual souls	نفوس جزئیه
individual Sufis	افراد
individuation	تعیّن
individuations constituting the souls	تعیّنات نفسانی
individuations constituting the spirits	تعیّنات روحی
indulgence	بخشش، تساهل، عفو، هویٰ
Indulgent, the	غَفُور، بخشاینده [خداوند]
indwelling	حلول
inebriate	مست
inebriated	سرمست
inebriation	مستی
inebriety	سُکر، مستی
ineffectual	معطّل [در وجود]
ineffectuality	تعطیل [در وجود]
inerrancy	عصمت
inerrant	معصوم
infallibility	عصمت
infallible	معصوم
infallible Imam	امام معصوم
infants of the Path	اطفال طریقت
Inferno, the	نار [جهنم]
infidelity	کفر
infinite	غیرمتناهی، لایتناهی
Infinitely Merciful, the	رحیم [خداوند]
infinite pre-existence	قِدَم
infinite regression	تسلسل
inflecting	تصریف

inciter	داعی
inclination	میل، گرایش
inclusiveness	عموم (≠ خصوص)
incoming thought	خاطر
incomparability	تنزّه، فردیّت
incomparable	بی‌بدیل، بی‌مثال، بی‌نظیر، منزّه
Incomparable, the	بدیع [خداوند]
incongruous	مختلف
increase	استکمال
incredulity	کفر
incumbent	واجب
indecent	پست، منکَر
indefinite	غیرمتناهی
independence	استقلال، غنا
independence	استغناء
independent	غنیّ
indestructible	فناناپذیر
indication	اشارت، اشاره
Indicator, the	دلیل [خداوند]
indifference	استغناء
indigence	افتقار، فقر، مَسکَنت
indigent	مسکین
indignation	سخط، غضب
individual desire	غرض
individual existence	وجود عینی
individualized	منفرد
individual prayer	دعا

imposing obligation	تکلیف
impossible supposition	فرض محال
imposter	مدّعی
impostor	ریاکار، مُرائی
imprecation	لعنت
improvement of morals	تهذیب اخلاق
impulse	انگیزه، داعی
impulse of longing	داعیهٔ شوق
impulsive soul	نفس امّاره
impurities	کدورات (= تعلّقات دنیوی)
impurities of doubt	شوائب شک
impurity	خبث، رجس، کدورت، ناپاکی
inaccessibility	عزّت
Inaccessible, the	عزیز [خداوند]
inadvertent	غافل
inanimate being	جماد
inanimate thing	جماد
inattentive	غافل
inblowing	نفث
in-born intellect	عقل فطری
incantation	تعویذ
incapacity	عجز
incarnate	حال، مجسَّم
incarnation	حلول
incarnationism	حلول [مکتب]
incarnationists	حلولیّه، معتقدان به حلول
incitation	دعوت

immortal	جاودان، سرمد، غیرفانی، فناناپذیر، نامیرا
Immortal, the	باقی [خداوند]
immortality	بقا، جاودانگی، خلد، خلود
immortal life	حیات جاوید
Immovable, the	صمد [خداوند]
immutability	ثبوت
Immutable, the	قیّوم [خداوند]
immutable archetypes	اعیان ثابته
immutable entities	اعیان ثابته
immutable essences	اعیان ثابته
impart	بذل
imparting	بذل
impatient	بی‌قرار
impeccability	عصمت
impeccable	معصوم
Impenetrable, the	صمد [خداوند]
imperative soul	نفس امّاره
imperfect, the	اهل نقص، ناقص
imperfect encompassing	احاطهٔ غیر تامّه
imperfection	عیب
imperiousness of the awe of Divinity	صولت هیبت الوهیت
Impermeable, the	صمد [خداوند]
impetuosity	حدّت
impiety	زندقه
implant, to	حلول کردن

people in word and deed	تحلّی
imitator	مقلّد
imitators	اهل تقلید
immaculacy	طهارت، عصمت
immaculateness	عصمت
immanence	حلول
immanent	حالّ
immanentists	اهل تشبیه
immanent marriage	نکاح ساری (= نکاح مطلق)
immanent Names of God	اسماء تشبیهی خداوند
immaterialization	تروّح
immaterial soul	روح مجرّد
immaturity	خامی
immediate perception	مشاهده
immediate proximity	عندیّت
immediate reality	حقیقت
immediate tasting	ذوق
immediate vision	عیان
by immediate vision	بالعیان
immediate vision of immediate vision	عیان‌العیان
immediate witnessing	شهود بی‌واسطه
immersed	مستغرق
immersed in unity	مُتوحِّد
immersion	استغراق، محو
immersive	استغراقی
immigration	هجرت
immorality	فسق

delimited Imagination — خیال مقیّد
detached Imagination — خیال منفصل
discontiguous Imagination — خیال منفصل
dissociable Imagination — خیال منفصل
nondelimited Imagination — خیال مطلق
real imagination — خیال حقیقی
true imagination — خیال حقیقی
imaginative contemplation — مشاهدهٔ خیالی
imaginative creation — تخییل
imaginative Dignity — حضرت خیال
imaginative faculty — قوّهٔ خیالیّه
imaginative Presence — حضرت خیال
imaginative union — اتّصال خیالی
Imaginatrix — حضرت خیال، قوّهٔ خیال
imagined — متوهَّم
imagining — خیال
Imam — امام
awaited Imam — امام منتظر
esoteric Imam — امام باطن
exoteric Imam — امام ظاهر
expected Imam — امام منتظر
Hidden Imam, the — امام غایب
infallible Imam — امام معصوم
manifest Imam — امام مبین
imitating the character of God — تخلّق به اخلاق‌الله
imitation — اقتدا، تأسّی، تقلید
imitation of praiseworthy

imaginal faculty	قوّهٔ خیال، قوّهٔ متخیّله
imaginal form	صورت خیالی، صورت مثالی
imaginalization	تخیّل، تمثّل
imaginalized	مخیَّل، ممثَّل
be imaginalized, to	متمثّل شدن
imaginalized object	متخیّل
imaginal language	لسان مثالی
imaginal level	مرتبهٔ خیال
imaginal locus of witnessing	مشهد خیالی
imaginal Presence	حضرت خیال، حضرت خیالیّه
imaginal reality	حقیقت مثالی
imaginal realm	عالَم مثال
imaginal soul	روح خیالی
imaginal stage	مرتبهٔ خیال
imaginal truth	حقیقت مثالی
imaginal unveiling	کشف خیالی
imaginal vision	مشاهدهٔ خیالی
imaginal world	برزخ، حضرت خیال، عالَم جبروت، عالَم مثال
imaginary	خیالی
imaginary reality	حقّ متخیَّل
imaginary truth	حقّ متخیَّل
imagination	پندار، خیال
autonomous Imagination	خیال منفصل
conditioned Imagination	خیال مقیّد
conjoined Imagination	خیال متّصل
contiguous Imagination	خیال متّصل

ignorant who adopts asceticism, the	جاهل متنسّک
ill-fame	بدنامی
illicit	نامشروع
illiterate	اُمّی
ill-manner	سوء ادب
ill-mannered	بی‌ادب
ill-treatment	جفا
illuminated	مکاشَف
illuminated night amidst the day of darkness	شب روشن میان روز تاریک
illuminating	لایح (= درخشان)
illuminating sight	چشم بصیرت
illumination	اشراق، تجلّی، ضیاء، کشف، لُمعه، نور
Illuminationists	اشراقیان
illuminationist philosophy	حکمت اشراق
illuminations	فتوحات
illuminative sciences	علوم اشراقی
illusion	توهّم، وهم
illusory	مجاز (≠ حقیقت)
illustrious traits	مناقب
image	پیکر، مثال
imaginal	برزخی، خیالی، مثالی، مخیَّل
imaginal conformity with God	تضاهی الاهی خیالی
imaginal Descent	تنزّل مثالی
imaginal existence	وجود خیالی، وجود مثالی

I

I am God	انا الحق
I am the Truth	انا الحق
Iblis	ابلیس
idea	فکر (= صورت ذهنی)
identity	عینیّت (= یکسانی)، هویّت
idle	لهو
idle talk	طامات
idol	بت
idolater	بت‌پرست
idolatrous	بت‌پرست
idolatry	بت‌پرستی
idol-breaker	بت‌شکن
idol-house	بت‌خانه
idol-temple	بت‌خانه، بتکده
idol-worship	بت‌پرستی
idol-worshipper	بت‌پرست
ignominy	رکاکت
ignorance	جهل، غفلت
ignorant	جاهل، جهول، غافل

humble-minded	خاشع
humbleness	تواضع، فرمانبرداری مخلصانه
humble subjection	خضوع
humbling	تضرّع، خشوع
humiliation	ذلّت
Humiliator, the	مُذلّ [خداوند]
humility	تذلّل، خشوع، خضوع، مدارا
hunger	جوع، گرسنگی
husk	پوسته، صدف، قشر
hylé	هیولیٰ
hypocrisy	ریا، نفاق
hypocrite	ریاکار، مُرائی، منافق

God's House	بیت‌اللّه
Inhabited House	بیت‌المعمور
hut of the dervish	کلبهٔ درویش
human (aspect)	ناسوت
human being	انسان
human condition of vassaldom	عبودیّت
human constitution	مزاج انسانی
human degree	مرتبهٔ انسانی
human desire	مراد انسانی
human form	صورت انسانی، کسوت بشریت
human image	صورت انسانی
humanity	انسانیّت، بشر، بشریّت، ناسوت
humanity impurity	کدورت بشری
human nature	بشریّت، ناسوت
human presence	حضرت انسانی
human psyche	نفس آدمی
human qualities	صفات ناسوتی
human realm	نشأهٔ انسانیه
human receptacle	ناسوت
human soul	جان آدمی، نفس انسانی
human spirit	روح انسانی، روح بشری
human stage	مرتبهٔ انسانی
human state	بشریّت، کسوت بشریت، مقام انسانی
human subtlety	لطیفهٔ انسانی (= نفس ناطقه)
humble	خاشع، خاضع، ذلیل، متواضع
humble, the	اهل خشوع
humble adoration	خشوع

hoopoe	هدهد
hope	رجاء
hope of union	امید وصال
hopeful	امیدوار
horizon	افق
horizontal journey	سیر افقی
horizontal movement	سیر افقی
horrible	هایل
horrific	هایل
horror	رهبت
houri	حور
Household (of the Prophet)	اهل بیت (ع)
house of delusion	دار غرور
house of dignity	بیت‌العزّه
House of God	بیت‌اللّه
house of grandeur	بیت‌العزّه
house of hope	بیت‌الرجاء
house of immortality	خانهٔ بقا
House of Islam	دارالاسلام
house of service	بیت‌الخدمه
house of sorrows	بیت‌الأحزان، کلبهٔ احزان
house of the heart	خانهٔ دل
house of vanity	دار غرور
house of wine-keeper	خانهٔ خمّار (کنایه از مقام بی‌رنگی)
house of wisdom	بیت‌الحکمه
house of worship	بیت‌العباده
ancient House	بیت عتیق

holy	پاک، مقدّس
Holy, the	قُدّوس [خداوند]
holy aspiration	همّت
holy bird	طایر قدسی
holy breaths	انفاس قدسی
holy effusion	فیض مقدس
Holy Ghost	روح‌القدس
Holy House	بیت‌المقدس
holy man	ولیّ (= مرد خدا)
holy men	ارباب قدسی
holy people	اولیاء خدا
holy sanctuary	حَرَم
holy soul	نفس قدسی
holy spirit	روح قدسی
holy traveller	سالک
homage	بیعت
home	وطن
homeland	دیار
homily	موعظه
homonymous	بالاشتراک، به اشتراک لفظی
honest conduct	راست‌کرداری
honest speech	راست‌گفتاری
honesty	صدق
honey of annihilation	شهد فنا
honour	آبرو، منزلت، حرمت، کرامت،
honoured	مشرَّف
honouring	تشریف

higher world — عالَم اعلیٰ
Highest, the — علیّ [خداوند]
Highest *Barzakh*, the — برزخ اعلیٰ (= نفس‌الرّحمٰن)
Highest Name, the — اسم اعظم
highest of heavens, the — اعلیٰ علّیّین
highest of the high, the — اعلیٰ علّیّین
Highest Pen, the — قلم اعلیٰ (= عقل اوّل)
highest perfection, the — کمال اتمّ
highest sphere, the — فلک اعلیٰ، فلک‌الافلاک
high fathers — آباء عِلْوی
high merits — معالی
high-minded persons — ارباب همّت
highness — علوّ
high peak of possibility — اوج امکان (کنایه از مقام خلافت الاهی)
high positions — منازل عالی
high resolve — همّت
high stations — مقامات عِلْوی
high union — اتّحاد عالی
highway — منهاج، نهج
highway of rectitude — جادهٔ صواب
highway of religion — منهاج دین
hindering — مزاحمت
holding fast — اعتصام
holding secret converse — مناجات
holding sway — تصرّف
hold *sb* excused, to — معذور داشتن
holiness — قدس

World of the Unseen	اسرار مکنون غیب
hidden name	اسم خفیّ
hiddenness	اختفاء، خفا، کتمان
hidden passion	شهوت خفیّ
hidden polytheism	شرک خفیّ
hidden reality	حقیقةالحقایق
hidden saints	مکتومان
hidden secret	سرّ خفیّ
hidden strength	قوّهٔ خفیّه
hidden things	مضمرات
Hidden Treasure	کنز مخفی
hidden-treasures of the Unseen	خزائن مکنون غیب
hidden world	عالَم غیب
hierarchy	مراتب، نظام
hierarchy of the cosmos	ترتیب عالم
hieratic effusion	فیض مقدس
hierophanic effusion	فیض مقدس
high aspiration	علوّ همّت
high degree of felicity	درجهٔ سعادت
high degrees of salvation	درجات نجات
higher arena	منظر أعلیٰ
higher loci of vision	مناظر اُولیٰ
higher locus of vision	منظر أعلیٰ
higher plane of reality	ملکوت
higher plenum	ملأ اعلیٰ
higher spirit	روح عِلْوی
higher spiritual realm	ملأ اعلیٰ

heralding vision	مبشّره
hereafter	آجِل، آخرت
here-before	أولیٰ (≠ آخرت)
heredity	وراثت
heresy	الحاد
heretic	بدعت‌گذار، ملحد
hermeneutic interpretation	تأویل
hermit	زاهد، متنسّک
hermitage	دیْر، زاویه، صومعه، عُزلت
hesitation	تردّد، ریب
heterodox	بدعت‌گذار
He-Who-Brings-Back	مُعید [خداوند]
He-Who-Puts-Down	خافض [خداوند]
hidden	باطن، خفیّ، غیبی، مستور
Hidden, the	باطن، خفیّ [خداوند]، غیب [عالَم]
hidden book	کتاب مکنون
hidden commandment	امر خفیّ (= حکم خفیّ)
hidden cunning	مکر خفیّ
hidden from sight	غایب از نظر
hidden grace	لطف خفیّ
Hidden Imam, the	امام غایب
hidden Ipseity	هویّت غیبیّه
hidden knowledge	علم مکنون
hidden meaning	باطن [معنا]، رمز
hidden meaning related to suprasensible worlds	لطیفهٔ [روحی]
hidden mysteries of the	

heavenly	ربّانی، سماوی، ملکوتی
heavenly affirmation	تأیید آسمانی
heavenly angels	ملائکهٔ سماویه
heavenly bodies	علوّیات
heavenly decree	قضای آسمانی
heavenly kingdom	ملکوت
heavenly souls	نفوس سماوی
heavenly support	تأیید آسمانی
heavenly Throne	عرش
heavenly voice	هاتف
heedless	لاابالی
heedlessness	غفلت
heedless savants	علماء غافل
heels	اعقاب
Heights, the	اعراف
Heir, the	وارث [خداوند]
Hell, the	نار [جهنم]
hell-fire	آتش دوزخ
help	امداد، لطف، مَدَد
helper	مُمدّ
Helper, the	عون، مُعین، ناصر [خداوند]
helpless	مسکین
helplessness	عجز
help of grace	مدد فیض
help-seeker	مستعین
He-ness	هویّت
He\not He	هُوَ لاهو

health seekers	اهل عافیت
heard in his prayers	مستجاب‌الدّعوه
Hearer, the	سامع، سمیع [خداوند]
hearing	سمع
Hearing, the	سامع، سمیع [خداوند]
heart	دل، سرّ، سریره، سینه، صدر، فؤاد، قلب
heart of being	قلب وجود (= مرکز وجود)
heart of night	دل شب
heart-allurer	دل‌فریب
heart alluring	دل‌کش
heart-binding	دل‌بند
heart-broken	دل‌شکسته
heartbroken ones	شکسته‌دلان
heartlessness	بی‌دلی
heart piercing fear	ترس پریشان‌زا، خوف مُقْلق
heart-pleasing	دل‌پذیر
heart-possessor	دلدار
heart-ravisher	دلبر، دلستان
heart-ravishing	دل‌ربا
heart-render	دل‌بر
heart's blood	خون دل
heart's candle	شمع دل
heart's consuming	سوز دل
heart's corner	گوشهٔ دل
heart's eye	چشم دل
heart vision	رؤیت به دل، رؤیت به قلب
heaven	فلک، ملکوت

hardship of separation	سختی هجران
harm	آفت
Harmer, the	ضارّ [خداوند]
harmonia	نظام
harmonious constitution	میزان مستقیم
harvest	خرمن
hasty life	حیات عاجل
hatred	بغض، کین، کینه
haughtiness	تجبّر
haughty seclusion	تعزّل (= خلوت تفرعن‌آمیز)
have confidence, to	توکّل کردن
having an angelic inner being	فرشته‌سیرت
having lost one's all	پاک‌بازی
having no station	لامقام
having sincerity	مُخلِص
having two faces	نفاق
He	هو
head	امام
headless	غافل
heads of craft guilds	اُمَناء
head of the street	سر کوی
head-revolving	سرگردان
Healer, the	شافی [خداوند]
healers	اهل شفا
health	سلامت
health of one's being	سلامت صدر
health-giving	شفابخش

H

habit-breaking	خرق عادت
habits	عادات
Ḥadîth	حدیث، سنّت
haecciety	انّیّت
hair	گیسو
halting-place	منزل، موقف
halting places of the Resurrection	مواقف قیامت
handing in everything to God	توکّل
Hand of Allah	یداللّه
Hand of God	یداللّه
happiness	ابتهاج، بهجت، سُرور، سعادت
happy	سعادتمند، سعید، مبتهج
happy, the	اهل سعادت
happy worldly circumstances	نعمت
Ḥaqq	حقّ [خداوند]
hard-heartedness	سخت‌دلی، قساوت قلب
hard labour	مجاهده
hardness	قساوت
hardness of heart	قسوت (= سختی دل)

Guarded Tablet, the	لوح محفوظ
guardian	ولیّ (= حافظ)
Guardian, the	حافظ، حفیظ، مراقب، مهیمن [خداوند]
Guardian Lord, the	ربّ [خداوند]
guardianship	تولیت، ولایت (= ولیّ بودن)
guarding	ولایت
guarding against evil	تقوا
guarding trust	حفظ امانت
guarding over the heart	مراقبت
guidance	ارشاد، رشد، هدایت
guide	راهبر، راهنما
Guide, the	دلیل، مرشد، هادی [خداوند]
guided	مهتدی
Guide to the Right Path, the	رشید [خداوند]
Guiding, the	هادی [خداوند]
guile	کید، مکر
guile of Satan	کید شیطان، مکر شیطان
guilt	ذنب
guiltlessness	برائت (= بی‌گناهی)
guilty	گناه‌کار
guise	هیأت

Great Man	انسان کبیر
Great Master	شیخ اکبر [لقب ابن عربی]
greatness	جلال، کبریاء
great ones	اعاظم، اکابر
great ones among the people	بزرگان قوم [طائفه]
great ones of the Folk	بزرگان قوم [طائفه]
Great Pole	قطب اعظم
Great Resurrection	قیامت کبریٰ
great sin	کبیره [گناه]
great subtlety, a	دقیقه‌ای عظیم
great Sufi, the	اکابر صوفیّه
great witness	شهادت کبریٰ
greed	حرص، طمع
greediness	طمع، هوس
green death	موت اخضر (= مرقّع پوشی)
Green Emerald	زمرّدةالخضراء (= نفس منبعث از عقل اوّل)
green light	نور اخضر
greet, to	سلام گفتن
grief	اندوه، حُزن، غم
grief of exile	غم غربت
grief of separation	غم هجران
grief of time	غم ایّام
grief-stricken	غم‌دیده
grieve-redresser	فریادرس
grip	قبضه
Gripper, the	قابض [خداوند]
ground	فرش (≠ عرش)

great antidote	تریاق اعظم
great boon	خیر کثیر
Great Circle	دایرهٔ کبریٰ (= ولایت)
great elixir	اکسیر اعظم
great majority	سواد اعظم
great mass	سواد اعظم
greater advantage	اصلح
greater (holy) struggle	جهاد اکبر
greater intellect	عقل اکبر
greater purification	طهارت کبریٰ
greater purity	طهارت کبریٰ
greater sin	کبیره [گناه]
greater understanding	فقه اکبر (= اصول دین)
greater war	جهاد اکبر
Greatest, the	اکبر [خداوند]
greatest advantage, the	اصلح
greatest barrier, the	حجاب اعظم
greatest (Divine) Name, the	اسم اعظم
greatest element, the	عنصر اعظم
greatest master, the	شیخ‌المشایخ
Greatest Master, the	شیخ اکبر [لقب ابن عربی]
greatest Name (of God), the	اسم اعظم
greatest of the veils, the	حجاب اعظم
Greatest Shaykh, the	شیخ اکبر [لقب ابن عربی]
Great Friend	رفیق اعلیٰ
great good	خیر کثیر
great human being	انسان کبیر

Muhammadan grace	برکت محمدیّه
pre-eternal grace	عنایت ازلی
gracefulness	جمال
graceful patience	صبر جمیل
grace without intermediary	فیض بی‌واسطه
Gracious, the	لطیف [خداوند]
gracious aid	مدد فیض
grade	طور، مرتبه
grades of engendered beings	مراتب اکوان
grades of Self-disclosure	مراتب تجلّی
grand alchemy	اکسیر اعظم
grandeur	بزرگی، جلال، عزّت، عظمت، محتشم
Grandiloquence	لَسَن
grandness	جاه، منزلت
grant	موهبت
granting	اجابت، اعطاء، استجابت
granting of gnosis	تعریف (= دانا ساختن)
grasp	درْک، قبضه
grateful	سپاس‌گزار، شاکر، شکور
Grateful, the	شاکر، شکور [خداوند]
be grateful, to	شکر کردن
gratefulness	سپاس‌گزاری، شکرگزاری
gratitude	سپاس، شکر
gratuitous bounty	تفضُّل
gratuitous kindness	امتنان
gratuitous mercy	رحمت امتنانی
Great, the	اکبر، عظیم، علیّ، کبیر [خداوند]

sheer goodness	خیر محض
good pleasure	رضا، رضوان
good sermon	موعظهٔ حسنه
good thing	حسنه
good thinking	حسن ظنّ
good thoughts about God	حسن ظنّ به خدا
good work	حسنه
good works	خیرات
goods of two worlds	متاع دو جهان
governance	تدبیر
governance of the domicile	تدبیر منزل
Governing, the	مدبّر [خداوند]
governing control	تحکّم
governing spirit	روح مدبّر
governning the affair	تدبیر امر
governor of the world	مدبّر عالم
governorship	ولایت (= حکومت)
gown	رِداء
grace	برکت، فضل، کرامت، کَرَم، لطف، موهبت، نعمت
Divine grace	عنایت حقّ، فضل الاهی، کرامت، لطف الاهی، لطف ربوبیت، نعمت
Dominical grace	فضل ربانی
efficient grace	توفیق
God's uncaused grace	عنایت بی‌علّت الوهیت
hidden grace	لطف خفیّ
Lordly grace	لطف ربوبیت

good	خیر، مصلحت
good, the	اخیار (= نیکان)
Good, the	خیر [خداوند]
good action	حسنه
good advice	موعظهٔ حسنه
good attribute	حسنه
good character	حسن خُلق، خُلق حسن
good comportment	حسن ادب
good conduct	تقوا
good custom	سنّت حسنه
good deed	عمل صالح
good disposition	حسن خلق، خُلق حسن، خُلق نیکو
good example	اسوهٔ حسنه
good fortune	دولت، سعادت
good health	عافیت (≠ بلا)
good invocation	دعای خیر
good luck	سعادت
goodly obedience	حسن طاعت
(good) manners	ادب، حسن ادب
good morals	اخلاق خوب، اخلاق نیک
good nature	خُلق نیکو
Goodness, the	خیر [خداوند]
goodness	احسان، حسن، خیر، صلاح، لطف
goodness of character	برّ
absolute goodness	خیر مطلق
essential goodness	حسن ذاتی (≠ حسن زائد)
non-essential goodness	حسن زائد (≠ حسن ذاتی)

God's servant	بندهٔ خدا، عبداللّه
God's servants	عِباداللّه
God's signs	آیات حقّ
God's slave	بندهٔ خدا، عبد مملوک
God's Speech	کلام‌اللّه
God's stratagem	مکر خدا
God's Tasks	شؤون خدا
God's Throne	عرش
God's transcendence	تنزیه خداوند
God's uncaused grace	عنایت بی‌علّت الوهیت
God's Unity	توحید
God's Vicegerent	خلیفةاللّه
God's Waymarks	شعائراللّه
God's will	خواست خدا
God's Wisdom	حکمت خدا
God's Word	کلام‌اللّه
God's Wrath	قهر خداوندی
God the Exalted	خداوند تعالی
God the Holy	قُدّوس [خداوند]
godwariness	تقوا
godwariness of the hearts	تقوای دل‌ها
godwary	متّقی
godwary, the	متّقین
Gog and Magog	یأجوج و مأجوج
going astray	خطا، ضلالت
going down	هبوط
going through stations	طیّ منازل

God's cunning	مکر خدا
God's decree	قضا، قضای الاهی، قضای حقّ
God's destiny	تقدیر الاهی
God's direction	رشد
God's eyes, in	عنداللّه
God's Face	وجهاللّه
God's favour	تفضّل الاهی، لطف الاهی، لطف حقّ
God's gift	عطای الاهی
God's giving knowledge	تعریف (= دانا ساختن)
God's grip, in	در قبضهٔ خدا
God's guidance	هدایت الاهی
God's Hand	یداللّه
God's House	بیتاللّه
God's inspiration	الهام
God's Intention	مشیّت الاهی
God' Knowledge	علم الاهی، علم خداوند
God's light	نوراللّه
God's mercy	رحمةاللّه، رحمت حقّ
God's most Beautiful Names	اسماء حُسنایِ خداوند
God's Oneness	توحید
God's permission	اذناللّه
God's pleasure	رضای خدا
God's pre-eternal decree	حکم ازلی
God's right	حقاللّه
God's ruse	مکر الاهی
God's saints	اولیاء خدا
God's sanctuary	بیتاللّه

I am God	انا الحق
in God's eyes	عنداللّه
with God	عنداللّه
God-addicted man	عارف
God as Bestower of being	مکوّن [خداوند]
God (Almighty and Glorious)	حضرت خداوندی
god-consciousness	تقوا
God-displaying mirror	آینهٔ خدانما
god-fear	تقوا
godfearing	تقوا، خداترس، دیندار، متّقی
godfearingness	تقوا
God-given	لدنّی
God-given beauty	حسن خداداد
God-given knowledge	علم لدنّی
God-given sea	بحر لدنّی
God-given teaching	تعلیم لدنّی
Godhead	الوهیّت
God insofar as He gives being	مکوّن [خداوند]
God-intoxicated man	مست قربت حضرت حقّ
godliness	تقوا
God's Affairs	شؤون خدا
God's approval	رضای الاهی
God's bondsman	بندهٔ خدا
God's bondsmen	عِباداللّه
God's cause, in	فی سبیل‌اللّه
God's command	حکم الاهی
God's Countenance	وجه‌اللّه

glorious titles	مناقب
Glory	بهاء، جلال، عزّ [خداوند]
Glory be to God	سبحان‌اللّه
Glory of the Unity	جلال احدیّت
glowing passion	حرقت، سوز درون
glow of love	حرقتِ محبّت
gluttony	حرص
gnosis	عرفان، معرفت، شناخت
gnosis of God	معرفةاللّه
gnostic	عارف
gnostics	ارباب معرفت
gnosticism	عرفان
Gnosticism	غنوصیه [فرقه]
gnostic reality	حقیقتِ عرفانی
gnostics	اهل عرفان، اهل معرفت
gnostic sciences	معارف
gnostic stages	منازل عرفانی
gnostic synthesis	جمع
gnostic truth	حقیقت عرفانی
goal	غایت
goal of goals	غایةالغایات
final goal	مآل
outermost goal	مقصد اقصی
ultimate goal	غایةالغایات
goblet	قَدَح، جام، صُراحی، ساغر
god	اله، ایزد
God	حقّ [خداوند]

free gift	امتنان، منّت
God's gift	عطای الاهی
give example, to	مثل زدن
Giver, the	معطی، وهّاب [خداوند]
Giver of Death, the	مُمیت [خداوند]
Giver of Existence, the	موجِد [خداوند]
Giver of forms, the	واهب‌الصُوَر [خداوند]
give success, to	توفیق دادن
give thanks, to	شکر کردن
giving	عطا، موهبت
giving hand	ید عُلیا
gladness	انبساط
glad tiding	مژده
glance	غمزه، لمح، لمحه، نظر
glance of sorcery	غمزه، غمزهٔ جادو
gleaming moon	ماه تابان
gleamings	لَمَحات، لَمَعات
gleams	لوامع
global Presence	حضرت جامع
gloom	غم
glories	سُبُحات
Glorified, the	سبّوح، عظیم [خداوند]
glorification	اجلال، تسبیح، تعظیم، تقدیس
glorified and sanctified	سبّوحی و قدّوسی
glorious	کبریایی [وصف]
Glorious, the	عزیز [خداوند]
glorious Divine grandeur	کبریاء

general prophethood	نبوّت عامّه
general purification	طهارت عامّ
general rule	ضابطه
general sainthood	ولایت عامّه
general saintship	ولایت عامّه
general sending forth	بعث عامّ
general Uprising	بعث عامّ
generated being	کائن
generated beings	کائنات
generation	کَون (≠ فساد)
generic man	انسان مطلق
generosity	احسان، اِکرام، بخشش، سخاوت، کَرَم، کرامت، فضل، لطف، مروّت، جوانمردی
generosity of sainthood	کَرَم ولایت
Generous, the	جمیل، جواد، سخیّ، کریم [خداوند]
generous disposition	خُلق کریم
genie	جنّ
Gentle, the	حلیم [خداوند]
gentleness	رفق، رقّت
gift	تحفه، عطا، عطیّه، موهبت
charismatic gifts	کرامات
charitable gifts	خیرات
Divine gifts	مواهب
special gifts	کرامات
unsolicited gifts	فتوح
charismatic gift	کرامت
Divine gift	موهبت الاهی، وهب الاهی، هبهٔ الاهی

garments of names	ملابس اسماء
garments of objects	ملابس اعیان
garments of shapes	ملابس اشکال
gate of gates	باب‌الابواب
gates of the Paradise	درهای بهشت
gate of the Garden	باب‌الجنّه
gate of the heart	باب قلب
gateways	ابواب
gateways to luminous chambers	ابواب غُرفات نور
gateways to obedience	ابواب طاعات
gateways to proximity	ابواب تقرّب
gateways to vision	ابواب مکاشفت
Gatherer, the	جامع [خداوند]
gathering in which Allah's Name is invoked	مجلس ذکر
gaze	دیده، نظر
gaze of grace	نظر عنایت
gaze of intelligence	نظر عقل
gaze of the people of the world of the Unseen	دیدهٔ اهل غیب
gazing	نظر (= نگریستن)
Gehenna	جهنم
general guardianship	ولایت عامّه
general guidance	هدایت عامّه
general knowledge	ادراک اجمالی
general measurement	تقدیر
general mercy	رحمت عامّ

G

Gabriel	جبرئیل، روح‌الامین، روح‌القدس
Garden	بهشت، جنّت، رَوْضه (= باغ)
Garden of Angelic World	باغ ملکوت
Garden of Bliss	جنّت نعیم
Garden of Deeds	جنّت اعمال
Garden of Delight	جنّت نعیم
Garden of Eden	جنّت عدن
Garden of Eternity	جنّت خلد
Garden of Immortality	بهشت جاوید، جنّت خلد
Garden of Inheritance	جنّت میراث
Garden of Paradise	جنّت فردوس
Garden of Specification	جنّت اختصاص
Garden of the Real	جنّت حقّ
Garden of Vision	جنّت رؤیت
gardenplot	باغستان (کنایه از عالم ملکوت) رَوْضه
garment of honour	خلعت
garments	ملابس
garments of attributes	ملابس صفات
garments of individuals	ملابس افراد

full binding	تعلّق تامّ
full moon	بدر
full of cunning Iblis	ابلیس پرتلبیس
full of feeling	پرشور
full of life	پرشور
function	تابع
fundamental	محکم
fundamentals of religion	اصول دین
furthest limit	غایت
furthest purpose	مقصدالأسنی
futilities	تُرَّهات (= یاوه‌ها)

freeing the locus	تفریغ محل
freeing the place	تفریغ محل
free-thinker	زندیق
free will	اختیار، تفویض
fresh-faced	تازه‌روی
freshness	رَوْح، بسط
freshness of the eye	قرّةالعین
friend	حبیب، دوست، رفیق، محبّ، ولیّ، هم‌نشین، یار
friend of Allah	خلیل‌اللّه
friend of God	حبیب‌اللّه، خلیل‌اللّه، دوست خدا، ولیّ‌اللّه
friend of soul	مونس جان
friends of the Path	یاران طریقت
friendship	حُبّ، دوستی، صداقت، مجالست، محبّت، مرافقت، مودّت، ولایت
friendship with God	خُلّت
friends of God	اولیاء خدا
frivality	رُعونت
frivolity	استخفاف، تمنّی، لهو
frivolous deeds	ملاهی
frivolous imitators	اهل هزل
frontier of placelessness	حدّ لامکان
frugality	قناعت
frustration	حرمان
fulfilment	اداء، انجام
full attachment	تعلّق تامّ

forty days (of spiritual retreat)	اربعینیّات
fosterer	مربّی
foulness	کدورت
fountain in Paradise, a	تسنیم
Fountain of Life	چشمهٔ حیات، عین‌الحیات
fountains of wisdom	ینابیع حکمت
four journeys	اسفار اربعه
four natures	طبایع اربعه، طبایع چهارگانه
Four Pillars	ارکان اربعه، اوتاد اربعه
Four Supports	اوتاد اربعه
fragrance of existence	رائحهٔ وجود
fragrance of familiarity	بوی آشنایی
fragrant tidings	انفاس خوش
frame	هیکل
frame of clay	قالب خاکی
fraternity	طریقت (= سلسله)
free	حرّ، فارغ (= رها از همهٔ تعلّقات)
free, the	احرار
Free, the	مختار [خداوند]
free activity	تصرّف
freed	رستگار
free disposal	تصرّف
freedom	حریّت، فراغ
freedom from care	فراغت
freedom from grief	فَرَج
free from vice	مهذّب
free gift	امتنان، منّت

formality	رسم
formal knowledge	علم نظری
formal science	علم رسمی، علم رسوم
formation	نشأه
formative guidance	هدایت تکوینی
Formator, the	مصوِّر [خداوند]
Former, the	مصوِّر [خداوند]
Form-Giving, the	مصوِّر [خداوند]
form-giving faculty	قوّهٔ مصوِّره
formless	مجرّد
form of corporeal nature	شبح
form of God	صورت خدا
Form of the Exalted Divine Truth	صورت حقّ تعالیٰ
form of the heart	صورت دل
Forms	مُثُل
forms of deeds	صُوَر اعمال
formula of remembrance	ذکر
Formula of *tawḥîd*	کلمهٔ توحید
formula to ask God for forgiveness	استغفار
forsaken	مخذول
forsaken and forlorn	مهجور
fortitude	صبر
fortunate	سعادتمند، نیک‌بخت
fortunate, the	نیک‌بختان
fortune	دولت
Fortune-Giver, the	مقدِّر [خداوند]
forty-day (period of) seclusion	چلّه

Forbearing, the	مقیل [خداوند]
forbidden	منهیّ
forbidden matters	محرّمات
force of spiritual decision	همّت
forefathers	سَلَف
foregoing	ترک
foremost, the	سابقون
foremost among the Sufis, the	اکابر صوفیّه
Foremost among the Theosophers	صدرالمتألّهین
foresight	تدبیر، فراست
forethought	تدبیر
forgery	تزییف
forgetfulness	غفلت، نسیان
forgetfulness of God	غفلت از حقّ، غفلت از خدا
forgetfulness of the exterior world	ذهول
forgetting	غفلت
forgiven	آمرزیده
be forgiven, to	آمرزیده شدن
forgiveness	مغفرت
Forgiver, the	غفّار، معافی [خداوند]
Forgiver of sin, the	غافرالذّنب [خداوند]
forgiving	عفو
Forgiving, the	غَفُور [خداوند]
form	هیأت
Forma Dei	صورت حقّ تعالیٰ، صورت خدا
formal existence	وجود صوری
formalists	اصحاب رسوم، اهل ظاهر

folk\people of the spiritual concert — اصحاب سماع
folk\people of the spiritual journey — اهل اسراء
folk\people of trustworthiness — اهل امانت
folk\people of visions — اصحاب کشف و شهود، اصحاب مشاهدات، اصحاب مکاشفات
followed — متبوع
follower — مرید
follower of authority — مقلّد
followers of formal religion — اهل ظاهر
followers of night — اهل لیل
followers of the Koran — اهل قرآن
followers of the sensual — متابعان نفس
followers of the truth — ابناءالحقیقة، اهل حقّ
followers of the wrong — اهل باطل
following — اقتدا
following authority — تقلید
following the *Sunnah* — سُنّی
folly — رُعونت
folly of the soul — رعونت نفس
food — قُوْت
Food-Giver, the — مقیت [خداوند]
fools of God — مجانین حقّ
fool who adopts asceticism, the — جاهل متنسّک
footstool — کرسیّ
for Allah's sake — فی سبیل‌اللّه
forbearance — تصبّر، حِلم، صبر
forbearing — حِلم

folk\people of healing — اهل شفا
folk\people of insight — اهل بصیرت
folk\people of Law — اهل شرع
folk\people of lights — اهل انوار
folk\people of remembrance — اهل ذکر
folk\people of revelation — اصحاب فتوح، اهل فتوح
folk\people of secondary causes — اهل اسباب
folk\people of self-examination — اهل مراقبه
folk\people of *shirk* — اهل شرک
folk\people of sitting place
and the speaking — اهل مجالس و حدیث
folk\people of specification — اهل اختصاص
folk\people of spiritual states — اهل احوال
folk\people of strength — اصحاب قوّت
folk\people of taste — اهل ذوق
folk\people of the Book — اهل کتاب
folk\people of the charismatic act — اصحاب کرامت
folk\people of the Fire — اصحاب جهنّم، اصحاب نار
folk\people of the Garden — اصحاب جنّت، اهل جنّت
folk\people of the Hearing — اصحاب سماع
folk\people of the hearts — اصحاب قلوب
folk\people of the inner discoveries — اصحاب مکاشفات
folk\people of the inner realities — اصحاب معانی
folk\people of the Koran — اهل قرآن
folk\people of the last degrees — اصحاب نهایات
folk\people of the Path — اهل طریقت
folk\people of the spiritual chivalry — اصحاب فتوّت

flash	بارقه، برق، لُمعه
flashes	لوائح، لوامع
flashing glories	سُبُحات
flattery	مداهنت
flavour	ذوق
flawless intention	صحّت نيّت
fleeing to Allah	فرار الی‌اللّه
fleeting	فانی
flight	هجرت، فرار
flood	فيض
flower	گل
flower-garden	بوستان
flowing	افاضه
fluctuation	تقلّب، دگرگونی
fold	حريم
fold of the dignity	حريم حرمت
folk	اصحاب، اهل
folk\people of Allah	اهل‌اللّه
folk\people of allusion	اصحاب اشارت
folk\people of Bringing Together	اصحاب جمع، اهل جمع
folk\people of considerative thinking	اصحاب نظر
folk\people of disagreement	اصحاب خلاف
folk\people of equity	اهل انصاف
folk\people of first degrees	اصحاب بدايات
folk\people of gatherings and speech	اهل مجالس و حديث
folk\people of generosity	اصحاب کرم
folk\people of God	اهل‌اللّه

firmament	فلک
Firm Cable	حبل‌المتین
firm faith	ایمان استوار، یقین
firm in knowledge, the	راسخان در علم
firmly constructed	محکم
firmness	تمکین (≠ تلوین)
firm resolve	عزم
firm will	عزم
First, the	اوّل [خداوند]
first Aeon	دهرالدّهور (= دهر اوّل)
First Beginning	مبدأ اولی
first being	موجود اوّل
first Creator	مبدِع اوّل
First Father	اب اوّل (= حقیقت محمّدی)
First Hylé	هیولای اولیٰ
First Intellect	عقل اوّل (= حقیقت محمّدی)
First Intelligence	عقل اوّل (= حقیقت محمّدی)
first-light	فجر
firstness	اوّلیّت
First Self-Disclosure	تجلّی اوّل (= فیض اقدس)
first sphere	فلک‌الافلاک
first thought	خاطر اول
fit of ecstasy	غلبهٔ حال
Five Descents	تنزّلات خمس
Five (Divine) Presences	حضرات خمس
fixed entities	اعیان ثابته
fixity	تمکین (≠ تلوین)، ثبات، ثبوت

Feminine	مؤنّث
femininity	انوثت
ferment	خمیره
fervency	حمیّت، غیرت
fervent	غیور
fervour	شوق، همّت
fervour of contemplation	غلیان مشاهده
fidelity	وفا، وفاداری
fiery inspiration	القاء ناری (= القاء جنّی)
fiery spirits	ارواح ناری
fight with one's own self	جهاد با نفس
figurative(ly)	بالمجاز
figurative being	وجود مجازی، هستی مجازی
filth	رجس
final end	مآل
final goal	مآل
finally	بالمآل
final state	عاقبت
finding	وجد، وجود
Fingers of the All-Merciful	اصابع‌الرحمنٰ
fire	آتش (کنایه از لهیب عشق الاهی)
firebrands	قبسات
fire of love	آتش محبّت، آتش عشق
fire of the Divine Light	نار نور الاهی
fire-temple	آتشکده (کنایه از عالم عشق)
firm	متین، محکم
Firm, the	متین [خداوند]

favourites of God	مقرّبان
fear	بیم، ترس، خشیت، خوف، رعب، مخافت، هول
fear and hope	بیم و امید، خوف و رجاء
fearful	خائف، هایل
fearing	فزع، متّقی
fearless	لاابالی
fear of account	خوف حساب
fear of death	ترس از مرگ
fear of God	تقوا، خشیت، مخافةاللّه
fear of punishment	خوف عذاب
feast	عید، بزم
feast of proximity	بساط قرب
fedele	مربوب
fedele d'amore	محبّین
feebleness	رُعونت، ناتوانی
feebleness of human nature	رعونت طبع
feebleness of the soul	رعونت نفس
feeling	حال
feigning	تظاهر
felicitous	سعادتمند، سعید
felicitous, the	سعادتمندان
felicity	سعادت، نعمت
felix culpa	گناه
fellow- companion	همدم
fellow-sitter	همنشین
female	مؤنّث

fame	جاه (= منزلت)
familiar associations	مستأنسات
familiarity	الفت، اُنس
fanatic	متعصّب
fancy	خاطر، خیال، وهم
fantasy	وهم
farness	بُعد
Fashioner, the	مصوِّر [خداوند]
fast	صوم، صیام
fasting	صوم، صیام
fasting month	ماه صیام
fasting of the chosen	صوم خواصّ
fasting of the common	صوم عوام
fasting of the elite	صوم خواصّ
fasting of the free	صوم احرار
fasting of the heart	صوم قلب
fasting of the slaves	صوم عبید
fate	قضا
Fate and Destiny	قضا
Father of all things	اَب کلّ
Father of mankind	ابوالبشر
Father of the spirits	ابوالارواح (= حقیقت محمّدی)
fatigued travellers	واقفان (= از سیر و سلوک بازمانده)
fault	خطیئه، لغزش
favour	تفضُّل، عنایت، فضل
	لطف، موهبت، نعمت، یُمن
Favourer, the	منّان [خداوند]

rational faculty	عقل، نطق
reflective faculty	قوّهٔ مفکّره
remembering faculty	قوّهٔ ذاکره
representative faculty	قوّهٔ خیالیّه
theoretical faculty	قوّهٔ علمیّه
fading away	فنا
failed	مردود
failure to be wholehearted	عدم حضور قلب
fair	جمیل
fair attributes	اوصاف جمیله
fair thought	حسن ظنّ
faith	آیین، اعتقاد، ایمان، دین، وفا
on faith	تعبّداً
faithful	مؤمن
faithful, the	اهل ایمان، اهل وفا، مؤمنان
Faithful, the	وفیّ [خداوند]
faithful devotee	صِدّیق
faithfulness	اخلاص، وفا
Faithful Spirit	روح‌الامین
faithless	بی‌ایمان
fall	هبوط
falling	هبوط
false	باطل
false claimants	مدّعیان دروغین
false dawn	فجر کاذب
false deity	طاغوت
false pretenders	مدّعیان کاذب

F

face	چهره، رخ
Face of God	وجه‌اللّه
face of manifestation	وجه ظهور
face of properties	وجه احکام
face of specification	وجه اختصاص
face of the Beloved	رخ یار
face-to-face meeting	مواجهه
face-turning	توجّه
faction	فرقه
faculty	قوّه
faculty of anger	قوّهٔ غضبیّه
faculty of desire	قوّهٔ شهوانیّه
concupiscent faculty	قوّهٔ شهوانیّه
conjectural faculty	وهم
form-giving faculty	قوّهٔ مصوِّره
imaginal faculty	خیال (قوّه)، قوّهٔ متخیّله
imaginative faculty	قوّهٔ خیالیّه
intellectual faculty	عقل
practical faculty	قوّهٔ عملیّه

eye of understanding	عین فهم
eye of vision	دیدۀ بصیرت
eye-to-eye viewing	عیان

external world	عالَم ظاهر
extinction	فنا
extraneous suggestions	خواطر پراکنده
extraordinary event	آیه، پدیدهٔ خارق‌العاده، خرق عادت
extreme limit of the ascent of creatures	منتهای معراج خلایق
extremely oppressive	ظلوم
extreme mortification	کثرت ریاضت
extreme nearness	دنوّ
extremity of confusion	غایت حیرت
eye	بصر، چشم
eye-brow	ابرو (کنایه از حاجب ذات)
eye-cornering	گوشهٔ چشم
Eye of certainty	عین‌الیقین
Eye of certitude	عین‌الیقین
Eye of controlling rule	عین تحکّم
eye of discernment	چشم بصیرت
eye of favour	عین عنایت
Eye of God	عین‌اللّه
Eye of governing control	عین تحکیم
eye of heart	چشم دل
eye of insight	چشم بصیرت
eye of intelligence	چشم دل
eye of sorcery	چشم جادو، چشم سحرانگیز
Eye of the heart	عین‌القلب
Eye of Time	عین‌الوقت

expression of a state of soul in words	عبارت، بیان حال
expulsion	القاء
expulsion of astray thoughts	نفی خواطر
expulsive	دافع
extended hope	طول امل
Extender, the	باسط [خداوند]
extension	انبساط
exterior	ظاهر (≠ باطن)
Exterior, the	ظاهر [خداوند]
exterior knowledge	علم ظاهری
exterior of Law	پوست شریعت، ظاهر شریعت
exterior of religion	ظاهر دین
exterior world	عالَم شهادت
external action	عمل ظاهر
external attributes	صفات ظاهر
external dimension	چهرهٔ مُلکی، ظاهر
external face	چهرهٔ مُلکی
external immutability	ثبوت خارجی
external journey	سیر آفاقی
external manifestation	مَظهر
external name	اسم ظاهر
(external) obedience	تعبّد
external perception	ادراک ظاهری
external rules (of discipline)	آداب ظاهری
external science	علم ظاهر
external senses	حواس ظاهر

exoteric	ظاهر (≠ باطن)
exoteric, the	اهل رسوم
exoteric blessing	نعمت ظاهری
exoteric expression	لسان ظاهر
exoteric Imam	امام ظاهر
exoteric knowledge	علم رسمی، علم رسوم، علم ظاهر
exoteric meaning	ظاهر [معنا]
exoteric religious scholars	علماء قشری
exoteric scholars	علماء رسوم، علماء ظاهر
exoteric science	علم ظاهر
exoterists	اهل رسوم، اهل ظاهر
expanding	بسط
expansion	انبساط، بسط
expansion of the breast	سعهٔ صدر، شرح صدر
expansion of the chest	سعهٔ صدر، شرح صدر
expansiveness	توسّع
expansive unity	وحدت انبساطی
expected Imam	امام منتظر
expedience	مصلحت
expend	انفاق کردن
experience	ذوق، وجد
experienced	خبیر
experienced pain	رنج‌دیده
explaining away	تأویل
explanation	بیان
explanation of how	بیان کیفیّت
explication	بیان
explicit	محکم (≠ متشابه)

mental existence	وجود علمی
metaphorical existence	وجود مجازی
relational existence	وجود رابطی
verified existence	وجود محقّق
worldly existence	ایام حیات
existence and abode	کون و مکان
existence as such	مطلق وجود
existence before God	وجودِ للحق
Existence-Giver, the	معطی وجود، موجِد [خداوند]
existence-giving	ایجاد
existent	موجود
existent being	موجود
existent entity	عین ثابت، عین موجوده
existential command	امر تکوینی (= حکم تکوینی)
existential effects	آثار کَونیّه
existential theophany	تجلّی وجودی
existential entity	امر وجودی
existentiality	کَونیّت
existential manifestation	تجلّی وجودی
existential openness	سعهٔ وجودی
existential union	اتصال وجودی
existentiated essences	اعیان کَونیّه (≠ اعیان ثابته)
existentiating a non-existent thing	ایجاد معدوم
existentiating theophany	تجلّی ایجادی
existentiation	ایجاد، تکوّن
Existentiator, the	مکوِّن‌الاسباب [خداوند]
existent thing	موجود

exemplary guide — مقتدا
exemplary model — مقتدا
exempt — منزّه
exempt from sin — معصوم
exemption — تبرّی
exercise of self-discipline — ریاضت
exertion — جهد، مجاهده، همّت
exhalations of God's favours — نفحات الطاف حقّ
exhalations of Divine grace — نفحات الطاف حقّ
exhalations of Dominical Favour — نفحات الطاف ربّانی
exhibiting patience — تصبّر
exhibition of ecstasy — تواجد (= اظهار حالت وجد)
exhilarating — مفرّح
exhortation — وعظ
exile — غُربت
existence — کَون، وجود، هستی
  borrowed existence — وجود عاریتی
  concrete existence — وجود عینی
  determined existence — وجود متعیّن
  elemental existence — وجود عنصری
  entified existence — وجود عینی
  essential existence — وجود ذاتی
  eternal existence — قِدَم
  formal existence — وجود صوری
  imaginal existence — وجود خیالی، وجود مثالی
  individual existence — وجود عینی
  inhering existence — وجود رابطی

exaltation	تسبیح، تعظیم، رفعت
exalted	رفیع، عِلْوی، منزّه
Exalted, the	عزیز، علیّ [خداوند]
exalted fathers	آباء عِلْوی
exalted rank	درجهٔ رفیع
exalted waystations	منازل عالیه
Exalter, the	رافع، مُعِزّ [خداوند]
examination	مراقبه
examination of the soul	محاسبهٔ نفس
Examiner, the	مراقب [خداوند]
example	اسوه، الگو، تمثیل
excellence	حُسن، شرف، فخر، فضیلت، فضل، کمال
excellences of disposition	مکارم اخلاق
excellency	کمال
excellent	طیّب
excellent exemplar	اسوهٔ حسنه
excellent merit	فضل (= هنر)
excess	افراط، زیاده‌روی، مقدار زائد
excited	مبتهج، منبعث
excitement	انبعاث
excluded	نامحرم
excommunication	تکفیر، کافر شمردن
excrement	آلودگی
excuse	عذر
exemplar	اسوه، پیشوا، مقتدا
exemplar of the truth	مقتدای حقیقت

everlasting abode	دار بقا، سرای باقی
everlasting ease	راحةالابد
everlasting life	حیات ابدی
everlastingness	ازلیّت، جاودانگی، خلود
Everlasting Refuge, the	صمد [خداوند]
everlasting woe	شقاوت ابدی
Ever-Living, the	حیّ [خداوند]
Ever-Standing, the	قیّوم (خدواند)
everything other than God	ماسوی اللّه
evident hierophanic knowledge	ادراک واضح و جلیّ
evident proof	حجّت بالغه
evil	بد، بدی، خبث، خبیث، رذیلت، سوء، قبح
evil act	سیّئه، عمل بد
evil character	سوء اخلاق
evil deed	عمل زشت، عمل سوء
evil-doer	بدکار
evil genius	شیطان
evilness of temper	بدخویی
evil of deeds	فسق معامله
evil of the soul	آفت نفس
evil of worldly people	آفت اهل زمانه
evil-prompting self	نفس امّاره
evil scholars	علماء سوء
evil speech	لهو
evocation	احضار، استحضار، ذکر
evocation by heart	احضار قلبی

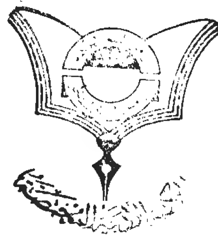
eternal obliteration	محو ابدی
eternal power	قدرت ازلی
eternal providence	عنایت ازلی
eternal punishment	عذاب ابدی
eternal sea	بحر ابدی
eternal sovereignty	سلطنت سرمدی
eternal torment	عذاب ابدی
Eternal Will	ارادهٔ ازلی
eternal witness	شاهدالقِدَم
eternal woe	شقاوت ابدی
eternity	اَبَد، ازل، ازلیّت، جاودانگی، دیمومیّت، قِدَم
eternity of the eternities	ازلِ آزال
eternity to come	اَبَد [اسم]
eternity without beginning	ازل
eternity without end	اَبَد [اسم]
ethics	اخلاق
etiquette	آداب معاشرت
eulogizing	تحمید
evanescence	زوال، فنا
even	شفع (≠ وتر)
event of the unseen world	واقعهٔ غیبی
Ever-Creating, the	خلاّق [خداوند]
Ever-Knowing of absent things, the	علاّم‌الغیوب [خداوند]
everlasting	اَبَد، جاودان، جاودانه، سرمد
Everlasting, the	باقی، قدیم [خداوند]

establishing wholesomeness	اصلاح
establishment	تمکین (≠ تلوین)
esteem	آبرو
estrangement	غُربت
eternal	ازلی، باقی، جاودان، سرمد، قدیم
Eternal, the	صمد، قدیم [خداوند]
eternal affliction	شقاوت ابدی
Eternal Being	وجود قدیم
eternal bliss	سعادت ابدی
eternal command	امر ازلی
eternal ease	راحةالابد
eternal existence	قِدَم، وجود قدیم
eternal felicity	سعادت ابدی
eternal Garden	بهشت جاوید
eternal happiness	سعادت ابدی
eternal hecceity	عین ثابت
eternal *hexeity*	عین ثابت
eternal individuality	عین ثابت
eternal kingship	سلطنت سرمدی
eternal knowledge	علم ازلی
eternal life	حیات ابدی، عمر جاویدان
eternal loss	خسران ابدی
Eternally Besought, the	صمد [خداوند]
Eternally Living, the	حیّ [خداوند]
eternally manifesting emanation	فیض تجلّی دائم
eternal misfortune	شقاوت ابدی

Essence of Divine Unity	ذات احديّت
Essence of God	ذات خداوند
essence of separation	عين تفرقه
Essence of the Real	ذات حقّ [تعالیٰ]
essence of time	عين‌الوقت
essence of unity	عين جمع
essences of the Names	اعيان اسماء
essential adoration	عبادت ذاتی
essential determination	تعيّن ذاتی
essential existence	وجود ذاتی
essential generosity	جود ذاتی
essential goodness	حسن ذاتی
essential limits	حدود ذاتی
essentially	ذاتاً
essential mercy	رحمت ذاتی، رحمت وجوبی
essential Perfection	كمال ذاتی
essential polish	صقالت ذاتی
essential service	عبادت ذاتی
essential theophany	تجلّی ذاتی
essential theophany of love	تجلّی ذاتی حبّی
essential union	عين‌الجمع
essential virtue	حسن ذاتی
established commendable custom	سنّت
established veils	حُجُب موضوعه
Establisher, the	مُثبِت [خداوند]
establishing peace	اصلاح
establishing the cause	وضع علّت

esoteric aspect	باطن [اسم]
esoteric blessing	نعمت باطنی
esoteric commentary	تأویل
esoteric counterpart	باطن [اسم]
esoteric dimension	باطن [اسم]
esoteric exegesis	تأویل
esoteric expression	لسان کشف
esoteric guidance	ولایت باطنی
esoteric Imam	امام باطن
esoteric interpretation	تأویل
esotericists	اهل باطن، باطنیّه
esoteric knowledge	علم باطن
esoteric life	حیات باطنی
esoteric meaning	باطن، معنا
esoteric meaning of rites	اسرار عبادات
esoteric name	اسم باطن
esoteric prophethood	نبوّت باطن (= نبوّت عامّه)
esoteric scholars	علماء باطن
esoteric science	علم باطن
esoteric true reality	حقیقت
esoteric truth	حقیقت
esoterists	اهل باطن
essence	حقیقت (= ماهیت)، عین
essence-archetype	عین ثابت
essence of certainty	عین‌الیقین
essence of certitude	عین‌الیقین
Essence of Creator	ذات باری

entreat	تضرّع
entreat, to	توسّل جستن
entreaty	تضرّع، توسّل
entrust, to	تفویض کردن
entrusting the affair	تفویض امر
envoy	رسول، مرسل
envy	حسادت، حسد
ephemeral	حادث، فانی، محدَث
epiphanic form	مَظهر
epiphanize, to	تجلّی کردن
epiphantic form	مَجْلیٰ، جلوه‌گاه، مَظهر
epiphany	تجلّی، مَظهر
equal	کفو، همتا
equanimity	آرامش، استواء دل، شکیبایی
equilibrium	اعتدال
equitable balance	انصاف
equitableness	انصاف
erect	مستقیم
erect stance	قیام
erotic	شهوانی
(erotic) passion	عشق
err	ضلالت
erring	ضال، ضلالت
error	خطا
error-covering	خطاپوش
esoteric	باطن [وصف]، باطنی
esoteric abode	مقام



enjoyment	التذاذ، حظّ، عیش
enliven, to	زنده کردن
enmity	خصومت
ennobled	مشرَّف
ennobling	تشریف، تکریم
enrapture, to	به وجد آمدن
enraptured	مغلوب، والِه
be enraptured, to	به وجد آمدن
enraptured angels	ملائکهٔ مهیَّم
Enricher, the	مُغنی [خداوند]
entelechy	کمال
entertaining good notion	حسن ظنّ
enthralling	استعباد
enthusiasm	اشتیاق، غیرت، وجد
enthusiastic love	عشق
(enthusiastic) lover	عاشق
enthymesis	همّت
enticements of the soul	تسویل نفس
enticing	اغوا
entification	تعیّن
entifications	تعیّنات
entified existence	وجود عینی
entirety of creation	کل کائنات
entire universe, the	کَون
entities of the attributes	اعیان صفات
entities of the names	اعیان اسماء
entity	عین (≠ اثر)

encompassing relation	نسبت احاطی
encompassing sea	بحر محیط، دریای محیط
encompassment	احاطه (= محیط بودن)
encounter	لقاء، ملاقات
end	اجل، پایان، عاقبت
endeavour	مجاهده، همّت
endless	اَبَدی
endless light	نور بی‌انتها
end of life	اجل، وقت مرگ
endowed with insight	صاحب بصیرت
endowed with taste	صاحب ذوق
endowed with vision	بصیر
endurance	بردباری، تحمّل، صبر
enduring	باقی
Enduring, the	باقی [خداوند]
engaged in devotions	معتکف
engagement	عهد
engendered being	کَون (= وجود)،
engendered beings	اعیان کَونیّه (≠ اعیان ثابته)
engendered command	امر تکوینی (= حکم تکوینی)
engendered effects	آثار کَونیّه
engendered existence	کَون (= وجود)
engendered state	حال کَوْنی
engendered things	کائنات
Engenderer of Secondary Causes, the	مکوِّن‌الاسباب [خداوند]
engendering	تکوین
engrossment	استغراق، انهماک

embodiment of deeds	تجسّم اعمال
embrace, to	جامع بودن، شامل بودن
embrace	آغوش
embracing	احاطه (= محیط بودن)، جامع
emerald	یاقوت
emergence from the veil	از حجاب بیرون آمدن
emerging from	رهایی
emigrant	مهاجر
emigration	هجرت
eminence	سَرْوری، شرف
eminent, the	اهل فضل
Eminent, the	عالی [خداوند]
emotion	طرب
empire	مُلک
Empowerer, the	مُعزّ [خداوند]
empty-heart	فارغ‌دل
Empyrean, the	عرش
enamoured	عاشق
enamoured seeker	طالب عاشق
encompass	احاطه (= محیط بودن)
Encompasser, the	محیط [خداوند]
encompassing	احاطه (= محیط بودن)
Encompassing, the	محیط [خداوند]
imperfect encompassing	احاطهٔ غیرتامّه
perfect encompassing	احاطهٔ تامّه
encompassing knowledge	علم کامل، علم احاطی، علم محیط
encompassing perfection	کمال احاطی

elemental body	جسم عنصری
elemental existence	وجود عنصری
elementality	عنصریّت
elemental reality	حقیقت عنصریّه
elemental spirit	جنّ
elemental world	عالَم عنصری
elevated	رفیع
Elevated, the	عالی [خداوند]
Elias	الیاس (کنایه از قبض)
elite	خاصّ
elite, the	خواصّ (≠ عوام)
elite among servants, the	خواصّ‌العباد
elixir	اکسیر، کیمیا
elixir of existence	کیمیای وجود
elixir of gnostics	اکسیر عارفان
elixir of the Law	اکسیر شریعت
elongated dawn	فجر کاذب
eloquent words	کلمات بالغه
emanating	افاضه
emanation	افاضه، صدور، فیض، فیضان
emanation of continuous theophany	فیض تجلّی دائم
emanation without intermediary	فیض بی‌واسطه
embarrassment	حیا
embodied souls	ارواح متجسّد
embodied spirits	ارواح متجسّد
embodied truths	معانی متجسّد
embodiment	تجسّد

effort	اجتهاد، اهتمام، تکلّف
effulgences	لوامع
effusion	افاضه، فیض، فیضان
effusion of being	فیض وجود
effusion of Dominical grace	فیضان فضل ربّانی
effusion of light	اشراق
ego	خود، نفس
ego-centric	نفسانی
ego-centric thought	خاطر نفسانی
ego-centric-willing	اختیار، آزادی عمل)
egoism	انانیّت، خودبینی
elder	شیخ
elders of the Path	مشایخ طریقت
elder Sufi, the	اکابر صوفیّه
elect	خاصّ
elect, the	خاصّان، خواصّ
elect among the elect, the	خاصّ‌الخاصّ
elect among the saints, the	خواصّ اولیاء
elected	صفیّ
elect few, the	خاصّ‌الخاص، خصوص‌الخصوص
election	اختصاص (≠کسب)، برگزیدگی، صفوت
Elect of Allah, the	برگزیدگان خدا
elect of the elect, the	خصوص‌الخصوص
elect saints	خواصّ اولیاء
elect servants	خواصّ‌العباد
elegance	لطف
element	رکن، عنصر

ecstatic	سرمست، مجذوب
ecstatic absorption	فناء [فی‌الله]
ecstatic expressions	شطحیات
ecstatic man	صاحب حال
ecstatic men	ارباب احوال
ecstatic movements	حرکات وجدی
ecstatic phrase	شطح
ecstatics	اصحاب وجد، اهل وجد
ecstatic state	حالت وجد، وجد
ecstatic utterances	شطحیات
ecstatic yearning	وجد
edge	طرف
effacement	فنا، محو
effacement in affirmation	محو در اثبات
effacement in God	فناء فی‌الله
effacement of effacement	فناءالفناء
effacement of self	امحاء نفس
Effacer, the	ماحی [خداوند]
effect	اثر، معلول
effect of His rapture-bestowing grace	تصرّف جذبات عنایت
effect of the agent	جعل
effect of the rapturous Divine states	تصرّف جذبات الوهیّت
effects	آثار
efficacious master	شیخ کامل
efficient grace	توفیق

E

eager desire	حرص
eagerness	شوق
earned science	علم کسبی، علم مکتسَب
earnest	جِدّ
earnings	مکاسب (≠ مواهب)
earth	فرش (≠ عرش)
earthly	خاکی، مَجازی
earthly Adam	آدم خاکی
earthly frame	قالب خاکی
earthly world	حیات دنیا
ease	بسط، فَرَج، قرار (≠ تردّد)
east	مشرق
east wind	صبا
economics	تدبیر منزل
ecstasy	ابتهاج، حال، خلسه، فنا، وجد
in ecstasy	بی‌خودی (= مقام سکر)
be in ecstasy, to	به وجد آمدن
ecstasy and music	وجد و سماع
ecstasy and spiritual concert	وجد و سماع

drinking of wine-dregs	دُردکشان (کنایه از صوفیان یکرنگ)
drinking wine	شرب خمر
drunkard	مخمور، مست
drunkenness	سُکر، مستی
dry ascetic strivings	مجاهدات خشک
dualism	اثنینیّت
dualist	ثنوی
duality	اثنینیّت
dubious	مشتبه
dubitation	تجاهل عارف
due consideration	عبرت
Dune of White Musk	کثیب مسک ابیض
duplicity	ریا
duration	بقا
dusk	شفق
Dust	هباء (= عنقاء)
dust cloud	هباء (= عنقاء)
dust of abasement	خاک مذلّت
duties	فرائض
dutifulness	تقوا
dwell, to	حلول کردن
dwellers	ساکنان، مقیمان
dwelling	آشیانه، حالّ، حلول، مسکن
dwelling of Sufis	رباط (کنایه از دنیا)
dwelling place	محل

double-faced	ریاکار
doubt	شکّ
doubting	مراء
doubting God's existence	الحاد
downfall of religion	هدم دین
draft of wine	جرعهٔ می
dragon	اژدها (کنایه از نفس امّاره)
draught	جرعه
draw away, to	انتزاع کردن
draw close\nigh, to	تقرّب جستن
drawing close	تدانی (= معراج مقرّبین)
drawing close to God	تقرّب به خدا
drawing nigh to the presence of God	تقرّب به حضرت عزّت
drawing somebody little by little	استدراج
drawn unto	مجذوب
drawn unto God	مجذوب حقّ
dread	خشیت، وحشت، هیبت
dream	خیال
dream-vision	رؤیا
dream world	عالَم رؤیا
dreg	دُرد
dreg-drinkers	دُردکشان (کنایه از صوفیان یکرنگ)
dress of honour	خلعت
drink	شراب
drinkers of wine-dregs	دُردکشان (کنایه از صوفیان یکرنگ)
drinking	شرب

domain of the Unseen	[عالَم] غیب
invisible domain	غیب [عالَم]
secret domain	سرّ
witnessed domain	عالَم شهادت
dome of God	قُبّهٔ حقّ
dominance of ardor	غلبهٔ شوق
dominance of God	غلبهٔ حقّ
dominance of love	غلبهٔ محبّت
dominance of lust	غلبهٔ هوا
dominance of yearning	غلبهٔ شوق
Dominant, the	حاکم، قاهر [خداوند]
dominant light	نور قاهر
domination	جبروت
Dominator, the	جبّار، قاهر [خداوند]
dominical	ربّانی
dominical aid	تأیید ربّانی
Dominical Attributes	صفات ربوبی
Dominical grace	فضل ربّانی
Dominical Qualities	صفات ربوبی
dominical support	تأیید ربّانی
dominion	جبروت، تصرّف، ملکوت
Dominion	استیلاء، جبّاریّت [خداوند]
donation	احسان، تبرّع
Donator, the	باسط، واهب [خداوند]
doors to Divine Knowledge	ابواب علم الاهی
doors to gratuitous bounty	ابواب تفضّل
double annihilation	فناء در فنا

	حکمت ربوبی
Divine work	فعل الاهی
(divine) worship	عبادت
Divine wrath	قهر الاهی
divinity	الوهه، الوهیّت، حقّ، خداوندی، ربوبیّت، لاهوت
division	تفریق
divulging of secrets	افشاء سرّ
Doctor *Maximus*	شیخ اکبر [لقب ابن عربی]
doctor of the Law	فقیه
doctors of the Law	علماء ظاهر، فقهاء
doctrine	آیین، عقیده
doctrine derived from the Lord	علم ربّانی
doctrines	معارف
Doer of whatever He wills, the	فعّال ما یَشاء [خداوند]
doffing of the Sandals	خلع نعلین
dogmatics	اصول دین
dogmatic science	علم اعتقادی
doing good	احسان
doing homage	خضوع
doing the beautiful	احسان
doing wrong oneself	ظلم به نفس
domain	عالَم
domain of action	عالم عمل، میدان
domain of existence	عالم وجود، میدان
Domain of Holiness	حظیرهٔ قدس

Divine Speech	کلام‌اللّه
Divine Spirit	روح الاهی
Divine splendor	فرّ یزدانی
Divine stage	مرتبهٔ الاهی
Divine strengthening	تأیید ربّانی
Divine succour	توفیق الاهی
Divine support	تأیید الاهی، مستند الاهی
Divine Sym-pathy	نَفَس‌الرّحمٰن، همدمی با خدا
Divine Tablet	لوح محفوظ
Divine teaching	تعلیم الاهی
Divine things	الاهیات
Divine thrall	مألوه
Divine Threshold	درگاه الاهی
Divine Throne	عرش الاهی
Divine Throne of Tabernacle	عرش
Divine torment	عذاب الاهی
Divine uncovering	کشف الاهی
Divine Unity	توحید، وحدانیّت
Divine unveiling	تجلّی الاهی، مَجْلیٰ، جلوه‌گاه خداوند
Divine vastness	اتّساع الاهی، توسّع الاهی
Divine veils	حُجُب الاهی
Divine vicarate	نیابت خدا
Divine vicegerency	خلافت الاهی
Divine Vicegerent	خلیفةاللّه، خلیفهٔ الاهی
Divine vocation	رسالت الاهی
Divine Will	ارادهٔ الاهی، قضای الاهی
Divine wisdom	حکمت الاهی، حکمت خداوندی،

Divine premeditation	عنایت الاهی
Divine Presence	حضرت الاهی، حضرت الوهیّت، حضرت ربّانی، حضور خداوند
Divine Presence in the Absolute	حضرت شهادت مطلق
Divine protection	عصمت
Divine providence	تقدیر، عنایت الاهی، لطف الاهی
Divine punishing	اخذ الاهی، مؤاخذهٔ الاهی
Divine punishment	عذاب الاهی
Divine Qualities	اوصاف الاهی، صفات خداوند
Divine realm	لاهوت
Divine realm of being	نشأهٔ الاهی
Divine recompense	ثواب
Divine reports	اَخبار الاهی
Divine return	رجوعِ الاهی
Divine reward	ثواب
Divine root	اصل الاهی
Divine Scale	میزان الاهی
Divine science	علم الاهی
divine sciences	الاهیات (= علوم الاهی)
Divine Secrets	اسرار الاهی، اسرار خداوند
Divine self-disclosures	فتوحات
divine service	عبادت
Divine Side	جناب الاهی
Divine signature	توقیع الاهی
Divine signing	توقیع الاهی
Divine signs	آیات الاهی
Divine singularity	فردانیّت

Divine love	حبّ الاهی، محبّت خداوند
divinely inspired knowledge	علم لدنّی
Divinely inspired master	عالِم ربّانی
Divinely learned man	عالِم ربّانی
Divinely preserved	معصوم
Divine Majesty	جلال الاهی
Divine man of courtesy	ادیب الاهی
Divine marriage	نکاح الاهی
Divine meanings	وطَنات
Divine mercy	رحمت الاهی، رحمةاللّه، کَرَم حقّ
Divine message	رسالت الاهی
Divine mission	رسالت الاهی
Divine Mystery	سرّ الاهی، سرّ ربّانی، سرّاللّه
Divine Names	اسماء الاهی
(Divine) Names and Attributes	اسماء و صفات
Divine nature	الوهیّت، لاهوت
Divine Omnipotence	قدرت خداوند
Divine ones	الاهیّون
Divine order	امر الاهی
Divine Path	راه خدا، سبیل‌اللّه
Divine Peace	سکینه
Divine Pedestal	کرسیّ
Divine physician	طبیب الاهی
(Divine) pleasure	رضوان
Divine Portal	درگاه الاهی
Divine power	ملکوت
Divine predestination	تقدیر ربّانی

Divine Form	صورت الاهی
Divine friendship	ولایت الاهی
Divine generosity	فضل الاهی
Divine gift	موهبت الاهی، هبهٔ الاهی
Divine gifts	مواهب
Divine glitterings	لَمَعات حقّ
Divine glory	فرّ یزدانی
Divine grace	عنایت حقّ، فضل الاهی، کرامت لطف الاهی، لطف ربوبیّت
Divine guardianship	ولایت الاهی
Divine guidance	هدایت الاهی
Divine illumination	کشف الاهی
Divine image	صورت الاهی
Divine influence	وارد الاهی، وارد حقّ
Divine insights	فتوحات
Divine inspiration	القاء الاهی، الهام حقّ، الهام ربّانی، وارد حقّ
Divine intuition	کشف الاهی
Divine jealousy	غیرت الاهی
Divine Knowledge	علم الاهی
divine knowledge	عرفان (= شناخت خدا)
Divine knowledge giving	تعریف (= دانا ساختن)
Divine Law	شریعت، ناموس (= شرع الاهی)
Divine limits	حدود الاهی
Divine loci of Self-manifestation	مظاهر الاهی
Divine Lordly condition	ربوبیّت
Divine Lordship	ربوبیّت

Divine decree and predestination	قضا و قدر الاهی
Divine deputyship	نیابت الاهی
Divine Descent	تنزّل الاهی
Divine description	وصف الاهی (≠ وصف کیانی)
Divine destiny	تقدیر ربّانی
Divine determination	تقدیر الاهی
Divine determinations	تعیّنات الاهی
Divine diffusions	فتوحات
Divine direction	هدایت الاهی
Divine Discourse	کلام‌اللّه
Divine domain of the heavens	ملکوت آسمان‌ها
Divine dream-vision	رؤیای رحمانی
Divine elocution (in the imaginal world)	فهوانیّت (خطاب مستقیم حقّ در عالم مثال)
Divine Empire	عالَم جبروت
Divine envoy	سفیر حقّ
Divine envoys	سفرای حقّ
Divine Essence	ذات حقّ [تعالیٰ]
Divine exemplification	تخلّق الاهی
Divine expansiveness	توسّع الاهی (= اتّساع الاهی)
Divine Face	وجه حقّ
Divine favour	عنایت حقّ، فضل خدا، لطف الاهی
Divine *Fiat*	امر الاهی
Divine flash	بارقهٔ الاهی
Divine Flashes	لَمَعات حقّ
Divine foreordination	قضا و قدر الاهی

disturbing	مزاحمت
diverse	مختلف
diversity in states	اختلاف احوال
divestiture	تجرید
divided attention	پراکندگی خاطر
Divine	الاهی، ایزدی، رحمانی
Divine Act	فعل الاهی
Divine address	خطاب الاهی
Divine Affair	امر ربّانی
Divine affirmation	تأیید الاهی، تأیید ربّانی
Divine aid	توفیق، توفیق یزدانی
Divine aspect	لاهوت
Divine assistance	امداد، توفیق الاهی،
Divine attention	توجّه الاهی
Divine Attribute of Sustaining	صفت قیّومی خداوند
Divine Beauty	جمال الاهی، جمال خداوندی
Divine bestowal	موهبت الاهی، هبهٔ الاهی
Divine blessing	برکت، توفیق
Divine bounty	کَرَم حقّ
Divine breathing	نفخ الاهی
Divine Command	امر الاهی
Divine concern	اعتناء الاهی
(Divine) contemplation	مشاهده
divine cup	جام الاهی
Divine deception	استدراج
Divine decree	تقدیر، حکم الاهی، قضا
Divine decree and destiny	قضا و قدر الاهی

dissemblance	ریا
dissimulation	ریا
dissipation	رندی
dissociable Imagination	خیال منفصل
dissolution	فنا
dissolved	محو [به معنای مفعولی]
distance (from God)	بُعد، دوری
distance of two bowstrings	قاب قوسین
distance oneself, to	دوری جستن
Distant, the	بعید [خداوند]
distinction	تمیّز
distinct light	نور خاصّ
Distinguisher, the	مفصِّل [خداوند]
distracted	سرگشته
distractedly in love	شیدا
distracting thought	وسواس
distraction	اضطراب، تفرقه، غفلت
distraction of one's heart	تفرقهٔ دل
distraught	دیوانه، شوریده
in a distraught state	شوریده‌حال
distraught heart	دل سودا زده، دل شیدا
distraught lover	عاشق شوریده، مجنون
distraughtness	شیدایی (= شدت غلیان عشق)
distress	اندوه، پریشانی، حُزن، شقاوت، غم،
distressed	رنجه‌دل
distribution	تفرقه
disturbance	فتنه (= جوش و خروش سالکان)

disequilibrium	انحراف
dishonour	ذلّت
disintegration	فنا
disinterested	فارغ‌دل
disinterestedness	انسلاخ، قطع علایق
disloyalty	بدعهدی، خیانت
dismayed	خاسر، زیان‌کار
dismissing	عزل (≠ تولیت)
disobedience	معصیت
disobedient	عاصی
disobeying the dictate of passions by constant efforts	مجاهده با نفس
disorientation	حیرت
disoriented	متحیّر
Dispenser, the	مُنعِم، منیل [خداوند]
dispersed thoughts	خواطر پراکنده
dispersion	تفرقه، تفریق
dispersion of will	تفرقهٔ همّت
display	ارائه
displaying gentleness	تحلّم، حلم‌ورزی
displeasure over the pre-decreed	نارضایتی به قضا
disposing	تدبیر
disposition	خُلق
dispositions of the senses	مشارب حسّی
dispositions of the unseen	مشارب غیبی
disputing	مراء
disquieting fear	ترس پریشان‌زا، خوف مُقْلِق

discipline	ادب، تأدیب، ریاضت، مجاهده
disclose, to	تجلّی کردن
Disclosed, the	جلیّ [خداوند]
disclosure	تجلّی، کشف، مکاشفه
disclosure of conjectures	تجلّی ظنون
discomfort	تکلّف (≠ انبساط)
discontiguous Imagination	خیال منفصل
discontiguous world of souls	عالَم نفس منفصل
discontiguous world of visibility	عالَم شهادت منفصل
discontinuance	مفارقت
discord	مخالفت
discouragement	ملالت
discourse	حدیث (= سخن)
discourtesy	اسائهٔ ادب، سوء ادب
discovery of states	کشف احوال
discovery of truths	کشف حقایق
discredit, to	جرح کردن (≠ تعدیل کردن)
discrepancy	تخلّف
discursive knowledge	علم قال، علم مقال
discursive reasoning	عقل
disease of the soul	بیماری روح
diseases of beliefs	امراض اعتقادات
diseases of deeds	امراض افعال
diseases of sayings	امراض اقوال
diseases of states	امراض احوال
disengaged	مجرّد
disengagement	تجرید، فراغ

directed	مهتدی
direct experience	ذوق
directing oneself toward God	توجّه به حقّ
direction	منهاج، هدایت
direction of the religious community	امامت امّت
direction toward God	توجّه به خدا
direct observation	رأی‌العین
director	مرشد
Director, the	مرشد [خداوند]
direct vision	رأی‌العین، مشاهده، معاینه
disagreeableness	منافرت
disallowed	منکَر
disappointment	دل‌شکستگی، نومیدی، یأس
disapproved (by the Law)	مکروه
disapproving	سخط
disassociation	تجرید
disaster	مهلکه
disbelief	بی‌ایمانی، زندقه
disbeliever	کافر، مُنکِر
disbursing	بخشش، بذل
discarding	ترک
discernment	بصیرت، تمییز، ذوق، فرقان
discharge	اداء، تصفیه
disciple	تلمیذ، صاحب، مرید
disciple of the mystical path	ناسک
discipleship	ارادت
disciples of the rational intellect	اصحاب عقول

diabolic suggestion	وسواس
diabolus	ابلیس
diagonal	قطر
dialogue with God	مسامره
dictation	املاء
differentiated	مفصَّل
differentiated perception	ادراک تفصیلی
differentiation	تفرقه، فرق
differentiation of address	فصل‌الخطاب
differentiation of differentiation	فرق‌الفرق [مقام]
Differentiator, the	مفصِّل [خداوند]
difficult ascent	عَقَبه
difficulties	مصائب
diffidence	حیا
diffusion	افاضه
dignity	آبرو، اهلیّت، حرمت، حضرت، منزلت، متانت، منصب، وقار
dilation	بسط
diligence	جُهد
dimension	ساحت
esoteric dimension	باطن [اسم]
external dimension	چهره مُلکی، ظاهر (≠ باطن)
inner dimension	باطن، بطن، سر، وجه باطنی
inward dimension	باطن [اسم]
inward dimension of man	لطیفهٔ انسانی (= نفس ناطقه)
outward dimension	ظاهر (≠ سرّ)
direct discourse with God	مخاطبهٔ حقّ

detachment of worldly causes	انقطاع اسباب
determination	تقدیر، تقیّد، عزم
determinations of souls	تعیّنات نفسانی
determinations of spirits	تعیّنات روحی
determined	مقدَّر
determined existence	وجود متعیّن
Deus revelatus	عقل اوّل
deviation	الحاد، انحراف [از طریق]
devil	شیطان
Devil, the	ابلیس
devilishness	شیطنت
devils	شیاطین
devising	مکر
devoid of knowledge	جهول
devoted	دل‌داده، عاکف
devoted lover	عاشق صادق
devoted to God	منقطع
devotee	عابد، متعبّد، مرید
devoting oneself	مواظبت
devotio sympathetica	همدمی با خدا
devotion	اخلاص، ارادت، طاعت، عبودیّت، فرمانبرداری مخلصانه، مِهر
devotions	اعتکاف
devotion through separation from the world	انقطاع
devout	دیندار
devout men	عُبّاد
devoutness	عبادت، وَرَع

desired — مُراد، مطلوب

desirer — مرید (= مشتاق)

desires of humanity — مرادات انسانی

desires of the soul — مرادات نفس

desiring — مرید (= مشتاق)

desirous — راغب

Desirous, the — مُرید [خداوند]

desirous ones — مشتاقان

desolate soul — جان مهجور

desolation — تنهایی

despair — قنوط، یأس

desperate — قنوط، نومیدی

destiny — تدبیر، قَدَر، قسمت (= تقدیر)

destitute — مفلِس

destitute condition — مجرّد

destitution — فقر

destruction — استهلاک، زوال، فنا، هلاک

destruction of the soul — زوال نفس

destructive — مُهلک

destructive qualities of the soul — مهلکات نفس

detached — مجرّد

detached from material entanglement — مجرّد

detached Imagination — خیال منفصل

detached lights — انوار مجرّد

detachment — استغناء، انقطاع، تجرّد، عدم تعلّق

detachment by attaching to God — انقطاع الی‌اللّه

detachment from worldly matters — تجرّد از شواغل دنیوی

descending degrees	درکات
descending degrees of hell	درکات دوزخ
descending journey	سیر رجوعی، سیر نزولی
descending movement	سیر نزولی
descent	تنزّل، نزول، هبوط
descent of angels	نزول فرشتگان
descent of the Quran	نزول قرآن
description	نعت
description of self	وصف نفسی
desert	بادیه [گذرگاه دشوار در سیر و سلوک]
deserted	مهجور
deserving	محق، مستحقّ
design	تدبیر، سودا
designation	تعیّن
designation of levels	تعیین مراتب
desirable	مُراد
desirable characteristics	خصال پسندیده
desire	آرزو، اراده، اشتیاق، تمنّی، شهوت، رغبت، شوق، غرض، کام، میل، هوس
desired for itself	مطلوب لذاته
desire for food	شهوت بطن
desire for good repute	سُمعه
desire of flesh	هویٰ
desire of the Friend	کام دوست
desire of the stomach	شهوت بطن
desire for union	هوای وصال
desire for wine	هوای می

denudation of the spirit	تجرید روح
denying God	الحاد
dependence	افتقار
dependence on God	اتّکال به خدا
dependent	محتاج
depending on God	توکّل به خدا
deployment	انبساط
depressed nature	افسردگی طبع
deprivation	فقر
deprived	محروم
depth of the heart	مَکْمَن دل
depth of the hidden	مَکْمَن غیب
depths of the human state	حضیض بشریّت
deputation	نیابت
deputy of God	نایب خدا
deputy of Imam	نایب امام
deputy of the Real	نایب حقّ
deputyship	نیابت
derision	استخفاف، استهزاء
derivatives of the religious Law	فروع شریعت
dervish	درویش
dervish-frock	خرقه
dervish mantle	خرقه
dervish monastery	خانقاه
descendants of Adam	بنی آدم
descending	نازل، نزول
descending arc	قوس نزولی

delivering	نجات
delivery	نجات
deluded man	مغرور (= فریفته)
deluding	تلبیس
deluge of calamity	توفان بلا
deluge of sea	توفان قلزم
deluge of wrath	توفان قهر
delusion	پندار، غرور (= فریب)
demand	مطالبه
demands of instinctual nature	مقتضای طبع
demeanour	حالت
demon	جنّ، شیطان، عفریت
demonic	شیطانی
demonical suggestion	وسوسۀ شیطانی
demonic cunning	حیلۀ شیطانی
demonic intrigue	حیلۀ شیطانی
demons	شیاطین
demons in human and jinn form	شیاطین جنّ و انس
demons in humans and jinns	شیاطین جنّ و انس
denial	انکار، جحد، نفی
denier	جاحد
denomination	فرقه
denotation	دلالت
dense	کثیف (≠ لطیف)
dense engendered beings	اکوان کثیفه (= اشیاء عالم حسّ)
dense world	عالَم کثیف (≠ عالَم لطیف)
denudation	تجرید

degrees of mystic perfection	منازل
degrees of the people of certainty	درجات اهل یقین
descending degrees	درکات
lofty degrees	درجات عُلیا
low degrees	درکات
deiformity	تألّه
deity	اله، ربوبیّت
delay	تأخیر
delegate, to	تفویض کردن
delegation	تفویض
deliberated intention	عزم
delicacy	رقّت
delight	شادی، طرب، فرح، نعمت
delighter of hearts	دل‌آرام
delightful	شاد
delight of certainty	راحت یقین
delight of one's eye	نور چشم
delights of the soul	مستلذّات نفس
delights of the visible world	مستلذّات عالم شهادت
delimitation	تقیّد، تقیید
delimited evil	شرّ مقیّد
delimited Father	اَب مقیّد
delimited Imagination	خیال مقیّد
delimited light	نور مقیّد
delinquency	خطیئه
deliverance	رستگاری، غوث، نجات
deliverer	رهایی‌بخش، منجی

evil deeds	سوء اعمال
frivolous deeds	ملاهی
lasting righteous deeds	باقیات الصّالحات
righteous deeds	صالحات
wondrous deeds	کرامات
deep emotion	شور
deepening one's thought	تعمّق
defective	ناقص
Deferrer, the	مؤخّر [خداوند]
deficient	ناقص
defiled	پلید
definite	محکم
definitive text	متن صریح، نصّ
degree	درجه، مرتبه، منزلت
degree of certainty	مرتبهٔ ایقان
degree of leadership	مرتبهٔ پیشوایی
degree of perfection	درجهٔ کمال
degrees of ascent	درجات
degrees of being	مراتب وجود
degrees of descent	درکات
degrees of determinations	مراتب تعیّنات
degrees of existence	مراتب وجود
degrees of felicity	مراتب سعادت
degrees of hell	درکات دوزخ
degrees of hellfire	درکات دوزخ
degrees of knowledge	مراتب معرفت
degrees of mystical perfection	منازل عرفانی

decisive address	فصل‌الخطاب
decisive argument	حجّت بالغه
decisive force	همّت
decisive speech	فصل‌الخطاب
declaration of faith	شهادت (= اِعلام ایمان)
declaration of God's Unity	توحید
declaration of incomparability	تنزیه
declaration of self-purity	تزکیهٔ نفس [به معنای مذموم]
declaring incomparability	تنزیه
decorum	ادب
decree	قضا
decree and destiny	قضا و قدر
decree and preordination	قضا و قدر
decree of fate and destiny	حکم قضا و قدر
decree of the Law	حکم شرع
decrees of fate and destiny	احکام قضا و قدر
deed	عمل
deed of the heart	عمل قلبی
bodily deed	عمل بدنی
carnal deed	عمل نفسانی
dark deed	عمل ظلمانی
evil deed	عمل زشت
good deed	عمل صالح
ugly deed	عمل زشت
wholesome deed	صالح (≠ طالح)
wrong deed	عمل سیّئ (≠ عمل صالح)
deeds	اعمال

Day of God	یوم‌اللّه
Day of Judgement	روز قیامت
Day of Upstirring	یوم‌النّشر
Days of God	ایام‌اللّه
days of life	ایام حیات
dazzled	مست
dead	فانی
deadly	مُهلک
death	فنا
Death-Giver, the	مُمیت [خداوند]
debased soul	نفس سُفلیٰ
debasement	خفّت
debauchee	رِند
debauchery	رندی
decadence	انحطاط
deceit	تزویر، خُدعه، فریب، کید، مکر
deceitful world	دنیای غدّار
deceit of fantasy	غرور پندار
deceit of the Devil	تسویل شیطانی
deceit of the soul	کید نفس
deceived	مغرور، فریفته، مفتون
deceiving	خیانت
decency	حیا
deception	خُدعه، فریب، مخادعه، مکر
deceptive world	دار غرور
decision	قضا
decisive	محکم

D

daily discourse	محاوره
Dajjal	دجّال
damned, the	اشقیاء
dance	رقص
dancing	رقص
dangerous	هایل
dark	ظلمانی
dark deed	عمل ظلمانی
dark mole	خال سیاه (کنایه از عالم غیب)
darkness	سیاهی (کنایه از ذات حقّ)، ظلمت، کدورت
darkness of createdness	ظلمت خلقیت
darkness of the created state	ظلمت خلقیت
dawn	صبوح، فجر
dawning	اشراق
Day of *Alast*	روز اَلَست
day of assembling	روز حشر
Day of Coming together	یوم‌الجمع
Day of Differentiation	یوم‌الفصل
Day of Exposure	یوم‌العرض

cut from the world	منقطع
cut-off	انقطاع
cutting off attachments	قطع علائق
cutting off of secondary causes	قطع اسباب
cycle of initiation	دائرهٔ ولایت
cycle of prophecy	دائرهٔ نبوّت
cycle of sanctity	دائرهٔ ولایت
cypress	سرو

demonic cunning	حیلهٔ شیطانی
God's cunning	مکر حقّ
hidden cunning	مکر خفیّ
cup	پیاله، پیمانه، جام، ساغر، قَدَح (کنایه از قلب عارف سالک)
cup of faith	جام ایمان
cup of gnosis	بادهٔ عرفان
cup of inner self	جام ضمیر
cup of intoxication	بادهٔ مست
cup of love	بادهٔ عشق، جام محبت
cup of non-existence	جام نیستی
cup of union	جام وصال
cup of wine	جام می، ساغر
cup of Witnessing	جام شهود
cup-bearer	ساقی
cupidity	تمنّی، حرص، شَرَه، شهوت
Cure-Giver, the	شافی [خداوند]
curl	زلف، جعد
currents of thought	خطورات ذهنی، خواطر
curse	لعنت، نفرین
cursing	قَدْح (= عیب‌جویی)، لعن
curtain	حجاب، ستر
curtained	مستور
curtaining	ستر
curtain of jealousy	پردهٔ غبطه
curve of tress	پیچ زلف، خم زلف
custom	آیین (= رسم)، عادت

Creator's Pen	قلم صنع
creature	خلق، كائن، مخلوق
creaturely darkness	ظلمت خلقيت
creaturely image	صورت كَوْنيه
creaturely Names	اسماء خَلقيّه
creed	ملّت (= آيين)
creeds and sects	مِلَل و نِحَل
crescent moon	هلال
crime	جرم، جريره، ذنب
criminal	مجرم
criterion	ضابطه، فارق
criterion (of right and wrong)	فرقان
crookedness	اعوجاج
cross	چليپا
crossing over	اعتبار
crowd	قوم
crudeness	خامى
cruelty	قساوت، قهر
cry for help	استغاثه
crying	بُكاء
culpable	مجرم
cultivation	تهذيب
cultivation of religion	دين‌پرورى
cultivation of the soul	تربيت نفس
culture	ادب (= فرهنگ)
cunning	پرتلبيس، حيله، مكر
cunning of the souls	مكر نفس

courtesy of service	ادب خدمت
courtesy of the Truth	ادب حقّ
Court of God	درگاه خدا
covenant	عهد، میثاق
covenant of *Alast*, the	عهدِ اَلَست
covenant of trust	عهد امانت
covering	احاطه، ستر، غشاوه، تُتُق (= حجاب)
covering of dignity	تُتُقِ عزّت
covering of the Invisible	تُتُقِ غیب
covering of the Unseen	تُتُقِ غیب
covetous, the	اهل منیه
covetousness	آز، شَرَه، شهوت
cream of the world	زبدهٔ عالم
created	محدَث
created being	حادث، کَون
created in time	حادث
created thing	مکوَّن
Creating, the	خالق [خداوند]
creating concordance among men	اصلاح بین مردم
creation	انشاء، تکوین، خلق، کَون
creational guidance	هدایت تکوینی
creation as determination	خلق تقدیر (≠ خلق ایجاد)
creation as existentiation	خلق ایجاد (≠ خلق تقدیر)
creation of deeds	خلق اعمال
creative will	مشیّت
Creator, the	باری، خالق، صانع کردگار، مبدِع، مصوِّر [خداوند]

correcting the limbs	تأدیب جوارح
correction	تهذیب
correctness of manner	ادب
correct opinion	رأی صائب
correlation	اضافه (≠ عین وجود)، نسبت
correspondence	مناسبت
corrupter	مفسد
corrupt fancies	خیالات فاسد
corruption	فسق
co-sharer	شریک
cosmic description	وصف کیانی (≠ وصف الاهی)
cosmic guidance	هدایت تکوینی
cosmic school	مدرسهٔ وجود
Cosmos, the	کَون
counsel	نصح، نصیحت
countenance	عنایت، کَرَم، لطف، هیأت
counterpart	مقابل
country	دیار، دیر
country of Friend	دیار دوست
couple	زوج
coupleness	زوجیّت
course	نشأه
court	ایوان، درگاه
courteous	ادیب
courteous, the	ادباء، اهل ادب
courtesy	احترام، ادب، تواضع، مدارا
courtesy according to the Law	ادب شریعت

core of the essence	کنه ذات
core of the heart	حبّةالقلب (= سویدای دل)
corpora	جسمانی
corporal form	جسد عنصری
corporal frame	قالب جسمانی
corporeal	جسمانی، جسیم
corporeal act	فعل جسمانی
corporeal attachments	تعلّقات جسمانی
corporeal being	جسم
(corporeal) body	جسم، جسمانی
corporeal contamination	کدورات جسمانی
corporeal domains	ممالک جسمانی
corporeal frame	جسم
corporeality	جسمیّت
corporealization	تجسّد، تجسّم، تجسیم
corporealization of the spirits	تجسّد ارواح
corporeal pleasures	مشتهیات جسمانی
corporeal union	اتصال جسمانی
corporeal world	مُلک (≠ ملکوت)
corporeous bodies	اجساد
(corporeous) body	جسد
corporeous forms	صُوَر جسدیّه
corpse	پیکر
corpses	اجساد
correct	درست (≠نادرست)، مصیب
correct attitude towards God	ادب
correct behavior	ادب

continence of heart	عفّت دل
contingency	امکان، حدوث
contingent	حادث، ممکن
continuance	بقا
continuous remembrance of God	مداومت ذکر
contract	عهد
contracting	قبض
contraction	انقباض، قبض
contraction of the spirit	قبض روح
contrariety	تقابل
contrition	حیا، ندامت
controlling	تسخیر
controlling the imagination	ضبط خیال
contumacy	طغیان
convention	وضع
conventional	وضعی
conventional religious scholars	علماء رسوم
conversation	حدیث (= سخن)، محاوره
conversation of the soul	حدیث نفس
Conversing with God	کلیم‌الله
conversion	انابه
Conversor with God	کلیم‌الله
conviction	یقین
coquetry	ناز
cordial presence	حضور قلب
core	فؤاد، لبّ
core of the core	لبّ‌اللّبّ

consummation of command ختم امر
contained مندرج
container for meaning ظرف معنا
containers اوعیه
containership ظرفیت
contemplate, to تأمّل کردن، شهود کردن
contemplated being مشهود
contemplated ones مناظر
contemplating مشاهده
contemplation تأمّل، مراقبه، معرفت، تدبّر،
contemplation and action علم و عمل
contemplative شاهد (= ناظر)
contemplative consciousness سرّ
contemplative meditation عیان
contemplatives اهل حضور
contemplative vision استبصار
contemplative voyage سیر
contemplator ناظر
content راضی، رضا، قانع، قناعت
contentment خوش‌دلی، رضا، سکون، طمأنینه، قناعت
contentment with destiny رضا به قضا
contentment with the decree of God رضا به قضا
contesting مراء
contiguous Imagination خیال متّصل
contiguous world of souls عالَم نفس متّصل
contiguous world of visibility عالَم شهادت متّصل
continence زهد

considerative thinkers	اهل نظر
consociation of the Godhead and the soul	منازَله
consolation	حسرت، دل‌داری، فَرَج، قرّةالعین
consolidated	کثیف (≠ لطیف)
conspiracy	مکر
con-spiration	همدمی
Constant, the	صمد، متین [خداوند]
constant ablution	دوام وضو
constant fasting	دوام صوم
constant invocation	هِجّیر (= ذکر مداوم)
constant knowledge	علم مستقرّ
constantly engaged in invocation	دائم‌الذکر
constantly engaged in *ṣalât*	دائم‌الصلاة
constantly present	دائم‌الحضور
constant practice of invocation	ملازمت ذکر
constant silence	دوام سکوت، دوام صمت
constant *zikr*	مداومت ذکر
constitution	شاکله، فطرت، مزاج
constrained	محصور
constraint	جبروت، ضیق
constricted abode of this world	تنگنای زندان سرای دنیا
constriction	ضیق
consuming	سوزان
consuming of the moth	سوختن پروانه
consummate Sufi	منتهی (≠ مبتدی)
consummation	شهوت

confused	متحيّر
confused dreams	اَضغاث احلام (= خواب‌های آشفته)
confusion	پریشانی، تحیّر، حیرت، دهشت
confusion of one's mind	تشویش خاطر
congregation	جمع
conjectural faculty	قوّهٔ وهم
conjecture	وهم
conjoined Imagination	خیال متّصل
conjunction	اجتماع، وصال، وصول
conlatio Gr.	همدمی
connect	پیوند
connected	متعلّق
connectedness	اتّصال (= به هم پیوستن)
connection	اتّصال (= پیوند)، پیوند، تعلّق
connexion	تعلّق، علاقه (= ارتباط)
connivance	تستّر
connoisseurs	خواصّ
Conquering, the	قهّار [خداوند]
conquering force	قهر
conquest	استیلاء
conscience	سرّ، سریره، نفس لوّامه
conscious awareness	حضور قلب
consciousness	خودآگاهی، سریره
consecrated pilgrim	مُحرِم
consent	رضا
considerateness	رفق
consideration	نظر (= توجّه)

Conditioner, the	حاکم [خداوند]
conditions of heart	اطوار دل
conditions of man	اطوار بشریّت
confess, to	اعتراف کردن
confession (of faith)	اقرار
confessor to the unity of God	موحِّد
confidant	مَحرم
confidant of heart	مَحرم دل
confidant of mystery	مَحرم راز
confidence	اعتماد، توکّل
confidence in God	توکّل به خدا
confidential prayer	مناجات
confidential psalm	مناجات
configuration	انشاء، نشأه
Configurer, the	مُنشِئ [خداوند]
confined	محجور
confinement	اختصاص
confirmation	تمکین (≠ تلوین)
confirmation of the heart	تصدیق دل
confirming	اقرار
conflict	مخالفت
conflict among the Names	تنازع اسماء
conforming	امتثال
conformity	متابعت، موافقت
confounding veil	حجاب فاتن
confrontation	تقابل، مواجهه
confronting	لقاء، مواجهه

concentration of religious ambition	جمع‌الهمّه
concentration of spiritual will	جمع‌الهمّه
concentration of the heart	همّت
concept and judgement	تصوّر و تصدیق
conception	تصوّر، وهم
conceptualization	تصوّر
concern	اعتنا، التفات، اهتمام، دل‌مشغولی، عنایت، همّ
conciliation	اصلاح
conclusive argument	حجّت بالغه
concomitant	لازم
concrete determination	تعیّن
concrete existence	وجود عینی
concrete language	لسان ظاهر
concupiscence	رغبت شدید، شهوت جنسی، هویٰ
concupiscent	شهوانی، شهوی
concupiscent faculty	قوّهٔ شهوانیّه
concupiscent soul	نفس امّاره، نفس شهوی
concupiscibility	شهوت
concupiscible	شهوی
condemned	مردود
condescendence	منازَله
condescension	تفضُّل
condition	حالت، وضع
conditional evil	شرّ مقیّد
conditional light	نور مقیّد
conditioned Imagination	خیال مقیّد

composure	آرامش، جمعیّت
compoundedness	ترکیب
comprehension	درْک
comprehensiveness	عمومیّت
comprehensive theosophy	حکمت جامعه
compression	قبض
compromising disputes among people	اصلاح ذات‌البین
compulsion	الجاء، جبر
compulsion and volition	جبر و اختیار
compulsory	فرض (= واجب)
compulsory return	رجوع اضطراری
compulsory servitude	عبودیّت اضطراری
comrade	دوست، رفیق، قرین
concealed	مستور
Concealed, the	باطن [خداوند]
concealed Unseen, the	غیب مکنون (= غیب مصون)
concealer	حاجب
Concealer of sins, the	ستّار [خداوند]
Concealing, the	غَفُور [خداوند]
concealing	تدلیس، تلبیس، ستر
concealment	احتجاب (≠ تجلّی)، کتمان
concealment of nonbeing	کتم عدم
concealment of secret	کتم سرّ، کتمان سرّ
conceit	زَهْو، ناز، نخوت
concentrated attention on God	مراقبه
concentration	اجتماع، جمع، محاسبه، همّت

compass of existence	پرگار وجود
compassion	امتنان، ترحّم، رحمت، رأفت، شفقت، مرحمت
compassionate	رحمانی
compassionateness	رحمانیّت، رحمت
Compassionate, the	حنّان، رحیم، رحمٰن [خداوند]
Compassionate Sigh	نَفَس‌الرّحمٰن
compatible	موافق (= سازگار)
Compelling, the	جبّار [خداوند]
competence	اهلیّت
complacency	عُجب
complaining	نیاز (= شکوه و درخواست)
complaint	فغان
complete	جامع
complete annihilation	فناء کلّی
complete bewilderment	کمال حیرت
complete devotion	انقطاع کامل
complete gnosis	معرفت تمام
complete indigence	فقر
completely intoxicated	مست خراب
complete man	انسان تامّ
complete negation	عدم محض، عین‌العدم
completeness	تمام
completion	استکمال، تمام
compliance	اتّباع
complying	اطاعت
comportment	ادب

common consent	عرف
commoners	عامّه
common folk\people	عامّه، عوام، عوام‌الناس
common sense	عقل سلیم
common usage	عرف
communicate, to	سریان یافتن
communication	ارتباط، بلاغ، سریان
communication with God	ارتباط با خدا
communion	ارتباط، وصال
communion (with God)	مناجات
community of dumb beast	امّت بهیمه
community of Islam	امّت
community of love	امّت عشق
community of Muslims	امّت
compact	عهد، میثاق
companion	جلیس، رفیق، صاحب، مصاحب
companion of subtlety	صاحب لطف
companions	یاران
companionship	الفت، صحبت، مجالست، مرافقت
companionship with God	مصاحبت حقّ
Companions of the Left (Hand)	اصحاب شمال
Companions of the Messenger	اصحاب رسول (ص)
companions of theophany	اصحاب تجلّی
Companions of the Prophet	اصحاب پیامبر، اصحاب نبیّ (ص)
Companions of the Right (Hand)	اصحاب یمین
companions of the Self-Disclosure	اصحاب تجلّی
company	صحبت، محفل

coming together	اجتماع
command	امر (≠ خلق)
command by intermediary	امر تکلیفی
commander	سَرْوَر
commanding	امّاره، امر
commanding soul	نفس امّاره
commanding to evil	امّارهٔ به سوء
commandment	امر، حُکم
commandment of the Law	امر شرع، حکم شرع
Command of Creation	امر ایجاد
Command of God	امراللّه
command of revealed Law	امر تشریعی
Command of the Desire	امر ارادی
command of the Law	فرمان شرع
commands	دستورات
commands and prohibitions	اوامر و نواهی
command spirit	روح امری
command without intermediary	حکم تکوینی
Commencer, the	مُبدئ [خداوند]
commendable characteristics	اخلاق محموده
commendable station	مقام محمود
commentary	تفسیر (≠ اعتبار)
commentator	مفسّر
commingling	امتزاج
commiserate	دل‌سوزی، رحم
commiseration	شفقت، غم‌خواری
common among the saints, the	عوام اولیاء

coat of honour	تشریف، خلعت
code of conduct	ادب
code of the Law	قانون شریعت
code of the Path	قانون طریقت
code of the Truth	قانون حقیقت
co-dependence	تعلّق
co-existence	معیّت، مقارنت
coextensive	مساوق
cognition	معرفت
cognitive	علمی
cognitive extinction	فناء علمی
cognitive gnosis	معرفت علمی
cognizant	خبیر
coincidence of opposites	جمع اضداد
coincidentia oppositorum	جمع اضداد
colour	رنگ
colloquy	مناجات
combatant	مجاهد
combined totality	مجموع (= حقّ و خلق)
comeliness	حُسن
comfort	رفق
coming close	تدلّی (= نزول حقّ به سوی مقرّبین)
coming closer	تقرّب
coming down	هبوط
coming from the Divine	خاطر الاهی
coming from the Lord	خاطر ربّانی
coming to be	تکوّن، کینونت

clear	صافی
clear intelligence	عقل صریح
clear judgement	فصل‌الخطاب
clear mind	عقل صریح
clear signs	آیات بیّنات
clear victory	فتح مبین
cleaving	تعلّق
Clemency, the	رحمانیّت، رحمت، رأفت، عفو، لطف [خداوند]
Clement, the	حلیم، رحمٰن، رؤوف [خداوند]
climbing	ترقّی (≠ تنزّل)
cling	اعتصام
clinging	تعلّق
cloak	خرقه، رِداء
cloak of blessing	خرقهٔ تبرّک
cloak of sainthood	خرقهٔ ولایت
cloister	خانقاه، دُیر، زاویه، صومعه
cloister-corner	کنج خانقاه
close disciple	ولیّ (= دوست)
close friend	صَدیق حمیم
closest abode, the	دار دنیا
closest life, the	حیات دنیا
cloud	غشاوه
Cloud	عماء (= مرتبت احدیّت)، غشاوه
coalition	ائتلاف
co-association of the Godhead and the soul	منازَله

Christian trinity	تثلیث عیسوی
Christic *Sophia*	حکمت عیسویّه
Christic Wisdom	حکمت عیسویّه
cipher	رمز
circle of existence	دائرهٔ وجود
circle of possibility	دایرهٔ امکان
circle of remembrance	حلقهٔ ذکر
circle of the initiated	حلقهٔ صوفیانه
circle of *wujûd*	دائرهٔ وجود
circles of Sufism	طوایف تصوّف
circular	مستدیر
circularity	استداره
circumambulation	طواف
circumscription	قضا
city of love	شهر عشق
city-censor	محتسب
claim	ادّعا
claimant	مدّعی
claimants to Sufism	مدّعیان تصوّف
claim divinity, to	دعوای خدایی کردن
clamour	فغان
clairvoyance	بصیرت
Clairvoyant, the	بصیر [خداوند]
Clarifier, the	مبیِّن [خداوند]
class	مرتبت، مرتبه
clean	پاکیزه
cleansed	مهذَّب

cheek	رخ
cheerful	بشّاش
cheerful submission	رضا
cherishing	حُبّ
Cherubim, the	کرّوبیان (= ملائکهٔ مهیّم)
chest	صدر
chief	نقیب
chilliness of certainty	بردالیقین
chin	زنخدان
chivalrous, the	اهل فتوّت
chivalrousness	جوان‌مردی، فتوّت
chivalry	جوان‌مردی، فتوّت، مروّت
choice	اصطفاء، برگزیدن
choice of Allah	صفوةاللّه، صفیّ‌اللّه
choice of creatures	زبدهٔ کاینات
choosing	اختیار، انتخاب، اصطفاء
chosen	برگزیده، صفیّ، مصطفی
chosen, the	اخیار (= برگزیدگان)، خاصّان
chosen bondsman	عبد خاصّ
chosen by God	صفیّ‌اللّه
chosen of God	صفوةاللّه
chosen of God, the	خاصّگان حقّ
Christian	ترسا
Christianity	ترسایی (کنایه از تجرید و تفرید از خلق)
Christian lad	ترسابچه (کنایه از جاذبهٔ روحانی)
Christians' belt	زُنّار
Christians' girdle	زُنّار

change	تبدّل، تلوین (≠ تمکین)
change of expression	تغیّر
change of states	تغیّر احوال
changing colouration	تلوین (≠ تمکین)، تغیّر احوال
changing of states	تلوین (≠ تمکین)، تغیّر احوال
channels for grace	مجاری فیض
chaos	عماء (= مرتبت احدیّت)
character	خصلت، خُلق، سیرت، منش
characteristic	نعت
characteristics of God as the Lord	اوصاف ربوبیّه
characterization	تعریف (≠ تنزیه)
character quality	خُلق
character trait	خُلق
character traits of God	اخلاق الاهی
charisma	کرامت
charismatic act	کرامت
charismatic favour	کرامت
charismatic gift	کرامت
charitable gifts	خیرات
charity	صدقه، مودّت
chaste	عفیف
chastening	تأدیب
chastening of the soul	ریاضت نفس
chaste of soul	عفیف‌النفس
chaste regard	مراقبت
chastisement	عذاب، عِقاب، عقوبت، کیفر
chastity	عصمت

degree of certainty	مرتبهٔ ایقان
delight of certainty	راحت یقین
essence of certainty	عین‌الیقین
Eye of certainty	عین‌الیقین
intuition of certainty	عین‌الیقین
reality of certainty	حقّ‌الیقین
science of certainty	علم‌الیقین
truth of certainty	حقّ‌الیقین
vision of certainty	عین‌الیقین
certificate	اجازه
certitude	اتقان، تیقّن، یقین
essence of certitude	عین‌الیقین
Eye of certitude	عین‌الیقین
knowledge of certitude	علم‌الیقین
light of certitude	نورالیقین
real certitude	حقّ‌الیقین
reality of certitude	حقّ‌الیقین
science of certitude	علم‌الیقین
truth of certitude	حقّ‌الیقین
vision of certitude	عین‌الیقین
chaff	پست
chain of spiritual masters	سلسله
chamber	سراپرده، محفل، مخدع (= موضع ستر قلب)
chamber of affection	محفل انس
chamber of love	سراپردهٔ محبت
chamber of secret	سراپردهٔ راز
chamber of vision	رواق منظر

cause upon an effect	جعل
cause upon the caused	جعل
causing division	تفرقه
causing to descend	انزال
causing to witness	إشهاد
creation	خلق (= مخلوقات)
celestial	سماوی، ملکوتی
celestial angels	ملائکهٔ سماویه
celestial Earth	ارض ملکوت
celestial garden	روضهٔ اخروی
celestial hierarchy	ملکوت
celestial souls	نفوس سماوی
celestial sphere	فلک
celibacy	تجرّد (≠ تأهّل)
celibates	مفردون
cellar	خمخانه
cell and church	دیر و کنشت
cell-door	خلوت
cell of seclusion	خلوت‌خانه
censure	انکار
censuring	معاتبه
ceremonial action	فعل به تکلّف
certain faith	ایمان قطعی
certain knowledge	علم‌الیقین، یقین
certain sight	عین‌الیقین
certain truth	حقّ‌الیقین
certainty	یقین

canonical prayer	صلات، نماز
capable of being done	مقدور
capacity	استحقاق، استعداد
caprice	هوس، هویٰ
capricious wind	هوس، هویٰ
captivator of hearts	دل‌بند
captivity	اسارت
carefree	مجرّد
careless	غافل
carelessness	اهمال، غفلت
caretaker	مربّی
carnal action	عمل نفسانی
carnal deed	عمل نفسانی
carnal desire	شهوت
carnal soul	نفس (= خود)، نفس امّاره
carriers of the Koran	حاملان قرآن
carrying the trust	حمل امانت
casters	ملقِیات
casting (away)	القاء
cast omen, to	فال زدن
catharsis	تجرّد، تجرید
caused	معلول
caused things	مسبَّبات
cause of Allah, in the	فی سبیل‌الله
Cause of all causes, the	مسبّب‌الاسباب [خداوند]
cause of perturbation	اسباب تفرقه
Causer of secondary causes, the	مسبّب‌الاسباب [خداوند]

C

cage	قفس (کنایه از تن آدمی)
calamity	بلا
call	دعا، دعوت، ذکر، ندا
caller	منادی
calling	دعا، دعوت، ندا
calling God	دعا
calling to God	دعوت به حقّ تعالیٰ
calling upon God	خدا را خواندن
calling upon the holy	تسبیح
call (to conversion)	دعوت [به آیین]
call towards God	دعوت به حقّ تعالیٰ
calmness of the heart	اطمینان قلب
calumny	افترا
camel-driver	ساربان
Canaan	کنعان (کنایه از جهان معنوی)
cancellation	الغاء
candle	شمع (کنایه از نور عرفان)
candle of the heart	شمع دل
canker of the soul	آفت نفس

brothers	اخوان
Brothers of Pure heart	اخوان‌الصّفا
brought near	مقرّب
brought nigh	مقرّب
brow	ابرو (کنایه از حاجب ذات)
Burâq	بُراق
Burâq of the inhalation	بُراق نفخه
Burâq of the soul	بُراق نفس
burdening oneself	تکلّف
burden of favour	بار منّت
burden of the trust	بار امانت
burning	احتراق، سوز
Burning, the	نار [جهنم]
burning and melting	سوز و گداز
burning heart	سینهٔ نالان
burning lights	انوار محرقه
burning of heart	سوز دل
burning of separation	سوز هجران
burnished mirror	آینهٔ صافی
byword	حدیث (= سخن)

Breath of the Merciful	نَفَس رحمانی
breaths	نفحات
breaths of Divine grace	نفحات الطاف حقّ
breaths of men	انفاس خلق
breaths of the creatures	انفاس خلائق
breeding	تأدیب
breeze	صبا، نسیم
breeze of dawn	نسیم صبحگاهی
breeze of Paradise	نسیم بهشت
breezes	نفحات
Brethren of Purity	اخوان‌الصّفا
bridge of trial	پل بلوئ
bridle of struggle	لجام مجاهده
brigand	عیّار
brigandage	عیّاری
brightness	صفا (= روشنی)، ضیا
brilliance	اشراق، بهاء
bringing forth by God	فطرةالله
bringing news	اِخبار
bringing of glad tidings	تبشیر، بشارت‌دهی
bringing of the dead to life	احیاء مردگان
bringing things into being	تکوین
bringing (things) to be	تکوین
bringing together	جامع
broken hearted	دلِ شکسته
brotherhood	اخوّت
brotherhood of catharsis	اخوان تجرید

bounteousness	تفضُّل
bounties	عطايا
Bountiful, the	وهّاب [خداوند]
bountifulness	سماحت
bounty	اِکرام، بخشش، جود، کَرَم، نعمت، نعیم
Bounty, the	فضل، کَرَم [خداوند]
bounty of paradise	نعیم بهشت
bowing down	رکوع
bowl	قَدَح
braggart	ریاکار
braggarts	اهل سمعه
branches of legal rules	فروع احکام
branches of the religion	فروع دین
branches of the rulings	فروع احکام
breaking the habit	خرق عادت
breaking the talisman	طلسم‌گشایی
breast	صدر
breast of the spheres	صدر افلاک (= کرسیّ)
breath	دَم، نَفَس
breathing	نفخ
breathing of the spirit	نفخ روح
Breath of Clemency	نَفَس رحمانی
Breath of the All-Merciful	نَفَس‌الرّحمٰن
Breath of the Clement	نَفَس‌الرّحمٰن
Breath of the Compassionate	نَفَس‌الرّحمٰن
Breath of the Divine Compassion	نَفَس‌الرّحمٰن



bodily torment	عذاب حسّی
body	بدن، پیکر
apparitional body	صورت مثالی
(corporeal) body	جسم
(corporeous) body	جسد
elemental body	جسم عنصری
subtle body	جسد مثالی
Universal Body	بدن کلّی، جسم کلّی
bold eye	چشم مخمور
bond	پیوند
bond of hylé	بند هیولی
bond of property	بند مال
bond of rank	بند جاه
bondage	بندگی
bondsmen	عِباد
book	صحیفه، کتاب [هر یک از عوالم]، مصحف
boon	خیر، موهبت
boredom	ملال
borrowed existence	وجود عاریتی
bosom	آغوش
bound	حدّ
boundary of the Presence	حدّ حضرت
bound non-existence	عدم مقیّد
bound prophethood	نبوّت خاصّه (= رسالت)
bound retreat	خلوت مقیّد
Bounteous, the	مفضِّل [خداوند]

blights of deeds	امراض افعال
blights of sayings	امراض اقوال
blights of states	امراض احوال
blindness	عمیٰ (= نابینایی، کنایه از حقیقت حقایق)
bliss	ابتهاج، سعادت، نعمت، نعیم
blissful	سعید
bliss of perfection	ابتهاج کمالی
bliss of union	سعادت وصال
blood of the heart	مُهجةُالقلب
blowing	نفخ
blowing of Trumpet	نفخ صور
blowing on the Trumpet	نفخ صور
boast of love	لاف عشق
boastfulness	تفاخر
boastful wiles of one's soul	عشوهٔ نفس
boasting	فخر
bodies of fire	اجسام ناری
bodies of light	اجسام نوری
bodily action	عمل بدنی، عمل جوارح
bodily deed	عمل بدنی
bodily diseases, the	امراض بدن
bodily form	صورت جسمانی
bodily nature	طبیعت جسمانی
bodily physician	طبیب جسمانی
bodily punishment	عذاب حسّی
bodily realm	نشأهٔ جسمانیه
bodily stage	مرتبهٔ جسد

blameworthy attributes	صفات ذمیمه، صفات مذموم
blameworthy character	خُلق مذموم
blameworthy disposition	خُلق مذموم
blaming soul	نفس لوّامه
blasphemous	ضالّه، کفرآمیز
blessed	سعید، مبارک، مقدّس
blessed, the	اهل سعادت، سعداء، نیک‌بختان
Blessed Messenger, the	پیامبر اکرم (ص)
blessedness	تبرّک
blessedness and auspiciousness	تبرّک و تیمّن
blessed night	لیلهٔ مبارک
Blessed Night, the	شب قدر
Blessed Prophet, the	پیامبر اکرم (ص)
blessed with the grace of initiation	متبرّک
Blesser, the	مُنعِم [خداوند]
blessing	برکت، تبرّک، رحمت، عنایت، لطف، نعمت
Divine blessing	برکت، توفیق
esoteric blessing	نعمت باطنی
exoteric blessing	نعمت ظاهری
inner blessing	نعمت باطنی
outward blessing	نعمت ظاهری
passing blessing	نعیم فانی
Blessing-Giver, the	مُنعِم [خداوند]
blest	سعید
blight	آفت
blights of beliefs	امراض اعتقادات

bestowal of existence	ایجاد
bestowal of honour	تشریف
bestowal of success	توفیق
bestowals	عطایا، مواهب
bestowed science	علم موهوب (≠ علم کسبی)
Bestower of life, the	مُحیی [خداوند]
bestowing	ایجاد
Bestowing, the	واهب [خداوند]
bestowing of Divine knowledge	تعریف (= دانا ساختن)
bewildered	حیران، مبهوت، متحیّر
bewilderment	بُهت، تحیّر، حیرت، سرگشتگی
beyond the stage of reason	ورای طور عقل
bidding	امر
bigotry	ریا
binding	تقیید
biography	سیره، شرح حال
bird	طائر
bird of union	مرغ وصال
bird's eye	دید اجمالی
black death	موت اسود (= تحمّل آزارمردمان)
black light	نور اسود
blamable	ذمیم
blame	ملامت
blame, to	مذمّت کردن
blamelessness	سلامت
Blameworthy, the	ملامتیّه (= ملامیّه)
blameworthy action	فعل مذموم

beloved friend of God	خلیل‌اللّه
beloved of God	حبیب‌اللّه
beloved ones	احباب، یاران
Beloved's street	کوی یار
benediction	برکت، رحمت
benefaction	نعمت
Benefactor, the	مُنعِم، نافع [خداوند]
beneficence	احسان
Beneficent, the	محسن [خداوند]
benefit	لطف، نعمت
Benefiter, the	نافع [خداوند]
benefit from God	لطف الاهی
benevolence	احسان، ارادت، تفضُّل، رحمت، لطف
benevolent	خیرخواه
Benevolent, the	منّان [خداوند]
benevolent assistance	لطف
"Be" of existentiation	امر ایجاد
bereaved	دل‌سوخته
beseecher	راغب
beseeching God	خدا را خواندن
Be! so it comes to be	کُنْ فَیَکون
bestial abode	منزل بهیمی
bestial pleasure	شهوت
bestial soul	نفس بهیمی
best interest, the	مصلحت
Best of the Deceivers, the	خیرالماکرین [خداوند]
bestowal	اعطاء، ایثار، عطا، موهبت

being overthrown	انقلاب
being perplexed	سرگشتگی
being purified	تزکّی
being puzzled	سرگشتگی
beings	کائنات
beings endowed with spirit	ذوات‌الرّوح (= موجودات روحانی)
being thwarted	نومیدی، یأس
being united with God	وصول به خدا
being wary	اتّقاء
being wrapped	اندراج
belief	اعتقاد، باور، عقیده
belief in eschatology	ایمان به اخرویات
belief in God's Oneness	توحید
belief in God's Unity	توحید
belief in the afterlife	ایمان به اخرویات
belief in the heart	باور قلبی
belief with the heart	ایمان قلبی، باور قلبی
believer	مؤمن، معتقد
believer in God's Unity	موحِّد
believing	اعتقاد، ایمان، مؤمن
Bell, the	جرس، ناقوس (کنایه از خطاب الاهی وارد بر قلب)
bellies	بطون
belonging	تعلّق، متعلّق
belongingness	تعلّق
beloved	جانان، حبیب، دل‌ستان، دوست، محبوب، نگار معشوق، نازنین، یار
beloved, the	حبیب [خداوند]

becoming more remote from God	استدراج
becoming qualified	اتّصاف
becoming similar	تشّبه
before God	پیشگاه خدا
befriending	تولّی
beggar	مسکین
beggars	صعالیک
beggary	گدایی
begging	گدایی
beginner	مبتدی
Beginning and the End, the	مبدأ و معاد
beginningless non-existence	عدم ازلی
beginning of wisdom	رأس‌الحکمه
beg to be forgiven, to	استغفار کردن
behind the veil	ورای حجاب
Being	انّیّت، کینونت، نشأه، وجود، هستی
being acted upon	انفعال
being alone with God	انقطاع الی‌اللّه
being consumed	اصطلام (= وَلَه وارد بر قلب و مسلّط بر آن)
being distraught	اضطراب
being gratuitously bountiful	تفضُّل
being hardened	قساوت
being indifferent towards the life hereafter	زهد در آخرت
being indifferent towards the world	زهد در دنیا
being in want of God	افتقار
being led on step by step	استدراج

Be! and it is	کُنْ فَیَکون
bearers of the Throne	حاملان عرش
bearing testimony	تصدیق
beast-like soul	نفس بهیمه‌صفت
beastly community, the	امّت بهیمه
beautiful fawn	غزال رعنا
beatific vision	رؤیت خداوند، لقاءاللّه
beatitude	سعادت
beautification	تحلیه
beautiful	جمیل
Beautiful, the	جمیل [خداوند]
beautiful act	حسنه
beautiful and the ugly, the	حسن و قبح
beautiful being	شاهد (= زیباروی)
beautiful character traits	حسن اخلاق
Beautiful Names	اسماء حسنیٰ
beauty	جمال، حُسن
beauty-displaying mirror	آینهٔ جمال‌نما
beauty of disposition	حسن خلق
beauty-perceiving eye	دیدهٔ جمال بین
becolour, to	رنگین کردن
become expansive, to	انبساط یافتن
become incarnated, to	حلول کردن
become permeated, to	سریان یافتن
become restless, to	بی‌قرار شدن
becoming draped	اکتساء
becoming God-like	تألّه

B

backsliding	زلّت، لغزش
bad	بد، خبيث، سوء
bad character qualities	اخلاق رذيله
bad manners	اسائهٔ ادب، سوء ادب
bad temper	بدخويى
bad will	شرّ
balanced constitution	مزاج متعادل
balancing	تعديل
bankrupt	مفلِس
banner of praise	لواء حمد
banquet	بزم
barrier	حجاب
base	پست، ذليل
base nature	خسّت طبع
baseness	پستى، خسّت
bashful	با حيا
bashfulness	حيا
Bâtiniyyah	باطنيّه
beacon	راهنما

Awe of the Compassionate	هيبةالرّحمٰن
awesome blow	سَطوت
awesome chasm	ورطهٔ هایل شبهات
awesomeness	هیبت
Awful, the	جبّار [خداوند]
awfulness	هیبت
axiality	قطبیّت
axis mundi	قطب عالم
Azrael	عزرائیل

Author, the	باری، مبدِع [خداوند]
authorities in the transmission of *Ḥadîth*	اصحاب نقل
authority	اِذن، اقتدار، ریاست، صاحب نظر، مصدر و مقتدا، ولایت
on authority	تعبّداً
Authority, the	سلطان [خداوند]
Author of all causes, the	مسبّب‌الاسباب [خداوند]
autonomous Imagination	خیال منفصل
avarice	آز، طمع
avarice indulged	شُحّ مطاع
avaricious	بخیل
avariciousness	طمع
Avenger, the	منتقم [خداوند]
aveternal	ازلی
aveternity	دهر
avid person	حریص
avoidance	ترک
awaited Imam	امام منتظر
awakeness	یقظه
awakening	انتباه، یقظه
aware	منتبّه
Aware, the	خبیر [خداوند]
awareness	حضور قلب
awe	ابهت، خشیت، خوف، رهبت، هیبت
awe-inspiring gaze	نظر هیبت
awe-inspiring plain	بساط هیبت

Attributes of the Divinity	اوصاف الاهی
attributes of the human domain	صفات ناسوتی
blameworthy attributes	صفات ذمیمه، صفات مذموم
Dominical Attributes	صفات ربوبی
external attributes	صفات ظاهر
fair attributes	اوصاف جمیله
good attributes	حسنات
internal attributes	صفات باطن
Lordly Attributes	اوصاف ربوبیّه
man's attributes as a servant of God	اوصاف عبودیّه
negative attributes	صفات سلبی
positive attributes	صفات ثبوتی
positive attributes of the Self	صفات نفسانی ثبوتیّه
praiseworthy attributes	صفات حمیده
attribution	اضافه (≠ عین وجود)، نسبت
attrition	توبه
audition	سماع، سمع
audition of poetry	سماع شعر
audition of the Koran	سماع قرآن
audition of voices and songs	سماع اصوات و الحان
augury	زجر
auspicious	سعید
auspicious fortune	دولت
auspiciousness	تیمّن
auspicious union	سعادت وصال
austere	ریاضت‌کش
austerity	ریاضت، ریاضت‌کشی، زهد، مجاهده

attention	مراعات، نظر، توجّه، همّ
attentive control of oneself	مراقبه
attentiveness	توجّه
attentive observation	مراقبه
attestation	اشهاد، شاهد، دلیل و بیّنه
attesting	تصدیق
attracted wayfarer	سالک مجذوب، مجذوب سالک
attraction	جذبه
attraction by God	جذبه
attribute	نعت
attribute of action	صفت فعل
attributed spirit	روح اضافی، روح مضاف [مثل روح‌اللّه]
attribute of self	وصف نفسی
attributes	صفات
attributes of acts	صفات افعال
attributes of animality	صفات بهیمی
attributes of favour	صفات لطف
Attributes of God	صفات خداوند
attributes of human nature	اوصاف بشریّه
attributes of incomparability	صفات تنزیه
Attributes of Lordship	اوصاف ربوبیّه
attributes of operations	صفات افعال
attributes of perfection	صفات کمال
attributes of servanthood	اوصاف عبودیّه
attributes of similarity	صفات تشبیه
attributes of the Divine domain	صفات لاهوتی

astounded	حیران
assuming shape	تشکّل
assuming the character traits of God	تخلّق به اخلاق‌اللّه
assuming the Divine character	تخلّق به اخلاق حقّ
assuming the traits of God's Names	تخلّق به اسماء الاهی
assuming traits	تخلّق
assumption of dominical traits	تخلّق به اخلاق ربوبیّت
assumption of traits	تخلّق
assurance	اطمینان، یقین
astonishing	مدهِش، حیرت‌انگیز
astonishment	حیرت، دهشت
astray	خطا
asylum	ملاذ، ملجأ
atheism	الحاد، زندقه
atheist	زندیق، ملحد
atheistic	الحادی
at-ness	عندیّت
attachment	اُنس، تعلّق، وصل
attachments	علائق
attachment to God	انقطاع الی‌اللّه
attach the heart to worldly things, to	دل به دنیا بستن
attainment	اتّصال، درک، وصول
attain perfection, to	به کمال رسیدن
attain union, to	واصل شدن
attendant	تابع
attending	ولایت

aspirants to the Path and the Truth	مدّعیان راه طریقت و حقیقت
aspirant to Sufism	متصوّف
aspirant to the Way	مرید
aspiration	همّت
assault	سَطوت، صولت
assemble	حشر
assembly	مجلس، محفل
assembly of intimacy	مجلس انس
assembly of lovers	محفل عاشقان
assembly-room	مجلس
assent	تسلیم
assent by the heart	تصدیق قلبی
Assenter, the	مجیب [خداوند]
assiduous	عاکف
assimilation	تشبّه
assist	مَدَد
assistance	امداد، توفیق، عنایت
associate	شریک
associating other gods with God	شرک
associating others with God	شرک
association	تولّی
associationism	شرک
associationist	مشرک
associator	مشرک
associator (of gods with God)	مشرک
astonished	حیران

ascetic practice derived from Shari'ah	ریاضت شرعی
ascetics	زُهّاد، گوشه‌نشینان
ascetic striving	مجاهدت
ascetic struggle	مجاهده
ascribed spirit	روح اضافی، روح مضاف [مثل روح‌اللّه]
ascribing partner to God	شرک
ascription	اطلاق (= اسناد)
asking by being in a state	سؤال به حال، سؤال حال
asking by capacity	سؤال به استعداد
asking by one's essence	سؤال ذاتی
asking for forgiveness	استتابه
asking for mercy	طلب رحمت
asking for recantation	استتابه
asking God for forgiveness	استغفار
asking pardon of God	استغفار
ask pardon, to	استغفار کردن
aspect	جنبه، طور، وجه
aspects of heart	اطوار دل
Divine aspect	لاهوت
esoteric aspect	باطن [اسم]
human aspect	ناسوت
inner aspect	باطن [اسم]
internal aspect	باطن [اسم]
literal aspect	ظاهر [معنا]
shared aspect	وجه مشترک (≠ وجه اخصّ)
aspirant	طالب

artifice	تصنّع
artificial ecstasy	تواجد (= اظهار حالت وجد)
artificial effort	تکلّف (≠ انبساط)
artificial intoxication	تساکر (= خود را به مستی زدن)
artisanry	صنعت
art of polemics	فن مباحثه
ascend, to	به معراج رفتن
ascending arc	قوس صعودی
ascending degrees	درجات، مدارج
ascending degrees of perfection	مدارج کمال
ascending journey	سیر صعودی، سیر عروجی
ascending movement	سیر صعودی
ascension (to the heavens)	ترقّی، معراج
ascent	ترقّی، عروج، معراج
ascent of creatures	معراج خلایق
ascention of deeds	صعود اعمال
ascents	معارج
ascetic	پارسا، پرهیزگار، ریاضت‌کش، زاهد، متعبّد
ascetic combat	ریاضت و مجاهدت
ascetic devotion	زهد
ascetic discipline	ریاضت
ascetic exercise	ریاضت
asceticism	پارسایی، پرهیزگاری ریاضت، ریاضت‌کشی، زهد
asceticism and ascetic combat	ریاضت و مجاهدت
ascetic practice	ریاضت، مجاهده
ascetic practice according to Shari‘ah	ریاضت شرعی

archangels	ملائکهٔ مقرّب
Arch-pole	قطب‌الاقطاب
Archetypal Book	امّ‌الکتاب
archetype	معنا
archetypes	اعیان ثابته، مُثُل
archetypes of the names	اعیان اسماء
arc of ascent	قوس صعودی
arc of descent	قوس نزولی
ardent	غیور، مشتاق
ardent love	حرقتِ محبّت
ardor	شوق
ardour	حمیّت، شور، همّت
areal region	صُقع
arena of the soul	میدان [مقام شهود معشوق]
argument	دلیل
argument from providence	دلیل عنایت
arithmeticians	اصحاب عدد
arrival	ورود، وصال، وصول
arriving at God	وصول به حقّ
arriving thought	خاطر
arrogance	استکبار، تکبّر، صولت، عُجب، غرور، کِبْر، نخوت
arrogance and disdain	ناز و تعزّز
arrogant fancy	پندار مغرورانه
arrogant thought	پندار مغرورانه
art	صنعت، فن، هنر
articles of faith	ارکان ایمان، اعتقادات

appointed time	اجل (= سرآمد)
Appointer, the	جاعل [خداوند]
appointing	تولیت (≠ عزل)
apprehender	مُدرِک
apprehending	مُدرِک
apprehension	توهّم، هیبت
approach	اقبال، تدانی (= معراج مقرّبین)، قرب
approach to divine precepts approaching to God	قرب فرائض
approach to spontaneous acts of devotion	قرب نوافل
approaching	قرب
with obligatory rituals	تقرّب به فرائض
approaching to God with supererogatory works and rituals	تقرّب به نوافل
approach to God	تقرّب به خدا
approval	رضا
approve, to	راضی بودن
approving	راضی
approximating	مقرِّب
approximation	قرب، نزدیکی
appurtenances	متعلّقات
aptitude	استعداد، اهلیّت
arbitrary will	ارادهٔ گزاف
Arbitrator, the	حَکَم [خداوند]
arcane	خفیّ
archangel	ناموس اکبر (= جبرائیل)

anthropos teleios	انسان کامل
Anti-Christ	دجّال
antinomians	اباحیّه، اهل اباحت
antinomism	اباحه‌گری
anxiety	رعب
anxiety of love	قلق عشق
anxious	قَلِق (= انسان ناآرام)
apex of grandeur	اوج کبریا
apex of magnificence	اوج کبریا
apodicticity	حقّ‌الیقین
apophasis	تجاهل عارف
apostle	پیامبر، پیغمبر
apparel	جبّه
apparent	ظاهر (≠ خفیّ)
Apparent, the	ظاهر [خداوند]
apparent world	عالَم شهادت
apparition	تمثّل، خیال، شبح
apparitional body	صورت مثالی
apparitional figure	صورت مثالی
appear, to	تمثّل یافتن
appearing (in likeness)	تمثّل
appeased soul	نفس مطمئنّه
appetite	شهوت
appetitive soul	نفس امّاره
application	اطلاق (= اسناد)
appointed hour	اجل (= سرآمد)
appointed place	میقات

animal realm	عالَم حیوانی
animal soul	روح حیوانی، نفس حیوانی
animal world	عالَم حیوانی
animated	نفسانی
animator of the religion	محییالدّین
annihilated	فانی، هالک
annihilating	افناء
annihilating agent	مُعدِم
annihilation	صعق، فنا، محو،
annihilation in Allah	فناء فیاللّه
annihilation in annihilation	فناء در فنا
annihilation in Divine Unity	فناء در توحید
annihilation in God	فناء در خدا، فناء فیاللّه
annihilation in the Essence	فناء در ذات
annihilation in Unity	فناء در توحید
annihilation of annihilation	فناءالفناء
announced expression	عبارت (≠ اشارت)
annulment	فنا
annunciation	تبشیر
answer	اجابت (= پاسخ)
Answerer, the	مجیب [خداوند]
answering	استجابت (= پاسخ)
(anterior) eternity	قِدَم
anthropomorphic signs	آیات تشبیه
anthropomorphism	تشبیه
anthropomorphists	اهل تشبیه، مجسّمه
anthropomorphosis	تشبیه

Angelic World	عالَم ملکوت
angelic world of determinations	تعیّنات روحی
Angel of death	مَلَک‌الموت
angel of Divine Proximity	مَلَک مقرَّب
angel of revelation	فرشتهٔ وحی
angels	ملائک
angels of ascent	ملائکهٔ عروج
angels of dominion	ملائکهٔ تسخیر
angels of governance	ملائکهٔ تدبیر
angels of hearts	ملائکهٔ قلوب
angels of life	ملائکهٔ حیات
angels of the air	ملائکهٔ هوا
angels of the circles of remembrance of God	ملائک حلقه‌های ذکر
angels of the gatherings of remembrance of God	ملائک مجالس ذکر
anger	تندخویی، سخط، غضب، غیظ
anima mundi	نفس عالَم
animal	حیوانی
animal desire	هویٰ
animal enjoyments	تمتّعات حیوانی
animal human being	انسان حیوان (≠ انسان کامل)
animality	بهیمیّت، حیوانیّت
animal passion	شهوت حیوانی
animal passions	شهوات حیوانی
animal pleasures	لذات حیوانی
animal qualities	صفات بهیمی

amiable disposition	لطافت طبع
"Am I not" compact	عهد ألست
amorous communications	مکالمات عاشقانه
amorous conversations	مکالمات عاشقانه
amorous discourse	مخاطبات عاشقانه
amorous glance	غمزه، کرشمه (کنایه از تجلّی جلالی)
amusement and play	لهو و لعب
analogy	مثال
anamnesis	یادآوری
anathema	تکفیر، کافر شمردن
ancestors	اعقاب
anchorite	زاهد
Ancient, the	قدیم [خداوند]
ancient House	بیت عتیق
Ancient Man	انسان قدیم
ancientness	قِدَم
angeli intellectuales	عقول مَلَکی
angelic	فرشته‌صفت، مَلَکی
Angelic Adam	آدم جبروتی
angelic dream	رؤیای مَلَکی
angelic incoming thoughts	خواطر مَلَکی
angelic inspiration	القاء مَلَکی
angelic intelligence	عقل مَلَکی
angelic soul	نفس مَلَکی
angelic spirit	روح مَلَکی
angelic state	مقام مَلَکی
angelic thought	خاطر مَلَکی

All-Subjugating, the	قهّار [خداوند]
all that is familiar to instinctual nature	مألوفات طبع
all the early Muslims	سَلَف
allurement	اغرا، اغوا، کشش
alluring	دل‌کش
allusion	اشارت، اشاره
allusive meaning	اشارت
All-Wise, the	حکیم [خداوند]
Almighty, the	جبّار، قیّوم [خداوند]
almighty eternal	قیّوم مطلق
alone	متفرّد، مُتوحِّد، وحید
Alone, the	اَحَد [خداوند]
aloof	منزّه
alteration	تحریف
altruism	ایثار
amazement	تحیّر، حیرت
amazing	مدهِش
ambassador	رسول، فرستاده
ambiguity	تلبیس
ambiguous	متشابه (≠ محکم)
ambiguous verses	آیات متشابه، متشابهات
ambition	طلب جاه، غرض
ameliorating	اصلاح، تعدیل
amelioration	اصلاح، تعدیل
Amen	آمین
amiability	انبساط، مودّت

All-Encompassing, the	محیط [خداوند]
all-encompassingness	احاطه، شمول، عمومیّت
all eternity	ابدالآباد
alley	کوی
All-Forgiving, the	غفّار [خداوند]
All-Good, the	رحمٰن [خداوند]
All-Great, the	کبیر [خداوند]
All-High, the	علیّ [خداوند]
All-Highest, the	علیّ [خداوند]
All-Holy, the	قُدّوس [خداوند]
alliance	عهد
all-inclusive	عامّ (≠ خاصّ)
all-inclusive being	وجود عامّ
all-inclusive mercy	رحمت عامّ
All-Knowing, the	علیم [خداوند]
All-Merciful, the	رحمٰن [خداوند]
all-mighty	قادر مطلق
allotment	قسمت (= امر مقدّر)
allotted share	نصیب
allowed	حلال
All-Pardoning, the	عَفُوّ [خداوند]
all-powerful	قادر مطلق
All-Powerful, the	جبّار، قادر [خداوند]
All-Provider, the	رزّاق [خداوند]
All-Rich, the	غنیّ [خداوند]
All-Seeing, the	بصیر [خداوند]
all-spreading mercy	رحمت انتشاری

agreement	موافقت
aid	استعانت، عنایت، مَدَد
Aider of the seekers of aid, the	غیاث‌المستغیثین [خداوند]
aim	غایت، قصد
alacrity	بشاشت
alchemy	کیمیا
alchemy of happiness	کیمیای سعادت
alchemy of love	کیمیای محبّت
alertness of the heart	حضور قلب
alive	زنده
Alive, the	حیّ [خداوند]
All-Bestower, the	وهّاب [خداوند]
All-Compassionate, the	رحمٰن [خداوند]
all-comprehensive engendered being	کَون جامع (= انسان کامل)
all-comprehensive Name	اسم جامع (= اسم اعظم)
all-comprehensiveness	جامعیّت، جمع، جمعیّت
all-comprehensive Presence	حضرت جامع
all-comprehensive son	ابن جامع
All-Concealing, the	غفّار [خداوند]
All-Dominating, the	جبّار [خداوند]
allegiance	بیعت
allegory	اشارت، اشاره
all else than God	ماسوی اللّه
all-emanating	فیّاض
All-Embracing, the	واسع [خداوند]
all-embracing knowledge	علم واسع
all-embracing mercy	رحمت واسعه

Affectionate, the	رؤوف [خداوند]
affinity	الفت
affirmation	اثبات (≠ محو)، تأیید
affirmation of God's Unity	توحید
affirmative qualities	صفات ثبوتی
affirmative qualities of the soul	صفات نفسانی ثبوتیّه
affirmer of God's Unity	موحِّد
affirmers of God's Unity	اهل توحید
affirming similarity	تشبیه
affirming the truth	تصدیق
afflicted	بلاکش، رنج‌دیده، شقیّ، مبتلا، محزون
afflicted, the	اهل بلا، دردمندان
afflicted heart	دل رنجور
affliction	ابتلاء، بلا، شقاوت، فتنه
affrighted	خائف
Affrighter, the	مهیل [خداوند]
agens	فعّال
agent	فاعل
annihilating agent	مُعدِم
agents	اعوان
age of ignorance	جاهلیّت
agitated	مضطرب
agitating fear	خوف بی‌قرار، ترس هیجان‌انگیز
agitation	اضطراب، پریشانی، تلوین (≠ تمکین)
agnostic	لاادری، معطِّل [در شناخت]
agnosticism	تعطیل [در معرفت]
agreeableness	ملائمت

adorned	آراسته، متحلّی
adorning	تحلّی
adornment	بهاء، تحلیه
adornments of this world	زخارف دنیوی
adult	بالغ
advance	اقبال
(advanced) saints	اَبدال
Advancer, the	مقدِّم [خداوند]
advancing	اقبال
advantage	مزیت
adversity	بؤس (= گرفتاری)
advice	اشاره، اندرز، موعظه، نصح، نصیحت، وعظ
adviser	ناصح
Advocate, the	وکیل [خداوند]
adytum of proximity	خلوت‌خانهٔ قرب
adytum of *tawḥîd*	خلوت‌خانهٔ توحید
adytum of the friends	خلوت‌خانهٔ دوستان
adytum of the pure	خلوت‌خانهٔ پاکان
Aeon	دهر
Aeonists	دهریّون
Aeon of Aeons	دهرالدّهور (= دهر اوّل)
affability	اُنس
affair	امر، شأن، معاملت
affectation	تحلّی
affection	دل‌داری، شفقت، محبّت، معاشقه، مودّت

act of will(ing)	اراده
actual experience	معاینه
actual face	وجه حاصل
actual fact	نفس‌الامر
actualization	تحصیل
actualized in God	متحقق بالحق
actualized in the Truth	متحقق بالحق
actual vision	عیان
acuteness	فراست
Adamic	آدمی [وصف]
Adam of spirits	آدم ارواح
Adam of the age	آدم وقت
address	خطاب، مخاطبه
adept in renunciation	متحقق در زهد
adherent	مرید
adherents of incarnation	حلولیّه
adherents of the Truth	اهل حقّ
adhesion of faith	تصدیق
adjacency	مجاورت
admiration	تمجید
admonisher	واعظ
admonishment	وعید
admonition	اخطار، تذکّر، تنبیه
adopting character traits	تخلّق
Adorable, the	معبود [خداوند]
adoration	بندگی، عاشقی، عبودیّت
adorer	عبد

internal action	عمل باطن
outer action	عمل ظاهر
outward action	کار ظاهر
secret action	عمل سرّ
sincere action	عمل خالص
spiritual action	عمل سرّ
active	فعّال
Active, the	فعّال [خداوند]
Active Imagination	حضرت خیال
Active Intellect	عقل فعّال
activity	فاعلیّت
act of bestowing Divine influence	فیض اقدس
act of derision	استهزا
act of devotion	طاعت، عبادت
act of disobedience	عصیان، نافرمانی
act of God	فعل حقّ، فعل خدا
act of man	فعل بنده
act of miraculous grace	کرامت
act of obedience	طاعت
act of obligation	فعل به تکلّف
act of piety	طاعت
act of remembrance	ذکر
act of self-denial	ریاضت
act of self-mortification	مجاهدت
act of showing	ابداء
act of the creature	فعل بنده
act of the heart	عمل قلبی

acquired	مستفاد
acquire Divine qualities, to	متخلّق به اخلاق حقّ شدن
acquired knowledge	علم مکتسَب
acquired science	علم دراست (≠ علم وراثت)
	علم کسبی (≠ علم موهوب)
acquiring knowledge of religion	تفقّه در دین
acquisition	اکتساب، کسب (≠ خلق)
acquisition of God's characteristics	تخلّق به
	اخلاق الاهی
acquisition of happiness	کسب خشنودی
acquisition of rank	کسب جاه
acquisition of wealth	کسب مال
act	عمل، فعل، کار
beautiful act	حسنه
Divine act	فعل الاهی
Divine Acts	افعال الاهی
evil act	سیّئه، عمل بد
pious acts	خیرات
ugly act	سیّئه
action	عمل، فاعلیّت
blameworthy action	فعل مذموم
bodily action	عمل بدنی، عمل جوارح
carnal action	عمل نفسانی
ceremonial action	فعل به تکلّف
external action	عمل ظاهر
good action	حسنه
inner action	عمل باطن

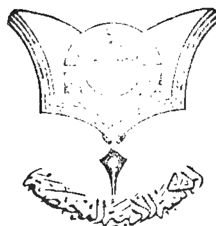
abstemious	پرهیزگار، زاهد
abstemiousness	زهد
abstinence	اجتناب، احتراز، امساک، ریاضت، زهد، وَرَع
abstinent	زاهد
abstract, to	انتزاع کردن
abstruse	غامض
abundance	غنا، فیض
abundant reward	ثواب جزیل
abyss	ورطه
abyss of destruction and errors	ورطهٔ هلاک و مزلّات
acceptable	مرضیّ
acceptance	رضا
acceptance by the heart	تصدیق قلبی
acceptance of destiny	رضا به قضا
acceptation	تسلیم
accepted	مرضیّ
Acceptor of repentance, the	توّاب، قابل‌التّوب [خداوند]
accidental names	اسماء عَرَضیّه
accidental worship	عبادت عرضی
account	حساب [قیامت]
account for, to	تعلیل کردن
accursed	لعین
accusation	تُهمت
acquaintance	آشنایی، معرفت
acquiescence	انقیاد، رضا
acquiescent	راضی

absolutely rich	غنیّ مطلق
absolutely subsistent	قیّوم مطلق
absolute man	انسان مطلق
absolute marriage	نکاح مطلق (= نکاح ساری)
absoluteness	اطلاق (= مطلق بودن)
absoluteness of being	اطلاق وجود
absolute non-manifestation	غیب مطلق
absolute oneness	توحید مطلق، وحدت مطلقه
Absolute Owner, the	مالک مطلق [خداوند]
absolute perfection	کمال مطلق
absolute sainthood	ولایت مطلقه
absolute seclusion	خلوت مطلق
absolute solitude	خلوت مطلق
absolute theophanic Imagination	خیال مطلق
absolute thrall of God	مألوه مطلق
absolute Truth	حقّ مطلق
absolute unconditioned Imagination	خیال مطلق
absolute unification	توحید، توحید مطلق
absolute Unity	توحید، وحدانیّت
Absolute Unseen, the	غیب مطلق
absolution	رهایی
absolved	آمرزیده
be absolved, to	آمرزیده شدن
absorbed	محو، مستغرق
absorbing	استغراق
absorption	اتّحاد، اتّصال، فنا
abstainer	زاهد

abode of unity	مقام وحدت
abominable	منکَر
abomination	سخط، غضب
abrogation	نسخ
absence	غیاب، غیبت، هجران
absence of ipseity	غیب هویّت
absence of relatedness	غیبت مضافت
absence of selfhood	غیبت هویّت
absence of the essence	غیبت ذات
absence of the heart	غیبت قلب
absent	غائب (≠ شاهد)
Absent, the	عالَم غیب، غیب [عالَم]
Absent and Witnessed, the	غیب و شهادت
absolute	مطلق
Absolute Author of action	فعّال
absolute authority	استقلال
absolute being	عین‌الوجود، وجود صرف، وجود محض، وجود مطلق
absolute delegation of power	تفویض
absolute determination	جبر
absolute Divine Presence	حضرت شهادت مطلق
absolute good	خیر مطلق
absolute goodness	خیر مطلق
absolute knower	عالِم مطلق
absolute knowledge	علم مطلق
absolute light	نور مطلق
absolutely encompassing Presence	حضرت جمع

abiding monarchy	سلطنت سرمدی
abiding of abiding	بقاءالبقاء
abjection	دنائت، رکاکت
abnegation	زهد
abnormal phenomenon	خرق عادت
abode	جایگاه، عالَم، مسکن، مقام، منزل، موطن
abode of abiding	دیار باقی، دار بقا (= آخرت)
abode of annihilation	دار فانی، دار فنا (= دنیا)
abode of destruction	خراب‌آباد
abode of discernment	دار تمییز (= آخرت)
abode of felicity	دار سعادت
abode of generation and corruption	دارکون و فساد
abode of glory	دار جلال
abode of good pleasure	دار رضوان
abode of happiness	دار سعادت
Abode of Islam	دارالاسلام
abode of obligation	دار تکلیف
Abode of Peace	دارالسلام
abode of permanence	دارالقرار، دیار باقی
abode of pride	دار غرور
abode of subsistence	دار بقا (= آخرت)
Abode of the All-Merciful	دارالرحمٰن
abode of the hereafter	دار آخرت
abode of the living	دار حَیَوان
abode of the world	دار دنیا
abode of trial	دار ابتلاء (= دنیا)

A



a patre ante	قِدَم
abandoned	مخذول
abandoning	خذلان
abandoning fear	ترک خوف
abandoning the examination	ترک مراقبت
abandonment	تسلیم، تفویض، فراق، مفارقت، واگذاری
abandonment of sin	ترک زلّت
abandonment of the world	ترک دنیا
abasement	استکانت، افتادگی، تذلّل، ذلّت، فروتنی، مذلّت
abasements of loss	درکات خسران
Abaser, the	خافض، مُذلّ [خداوند]
abating passions	خمود شهوت
aberration	ضلالت
abhorred	مکروه
abhorrence	اکراه
abiding	بقا، جاودانه، ساکن
Abiding, the	باقی، قیّم [خداوند]

A Glossary of Islamic Mysticism

pains in assembling the raw materials. Dr. Hossein-Alî Sheidânshîd made a significant contribution by preparing the original notes and particularly in completing the entries of theoretical mysticism. Other scholars who helped us in the preparatory stage are: Mr. Muhammad Ja'far Sadri, Mr. Ahmad Rezâ Jalîlî, Dr. Qâsim Kâkâ'î, Mr. Hossein 'Oshshâqî, Mr. Alî Mullâ Hosseinî, all of whom took much time and trouble to extract words from original sources.

I am deeply indebted to Professor Dr. Mustafâ Malikiyân who has a great role in the creation of this Glossary. He provided us, throughout the process of preparation, with his invaluable experience and constructive suggestions, all of which were of great benefit to the final text.

I owe a special debt to the distinguished professor Dr. Seyyed Hossein Nasr who generously accepted our request and reviewed the entire text and made constructive suggestions and crucial improvements, to which these few lines can hardly do justice. I thank him for his encouraging comments and particularly for his scholarly forward to the Persian-English version.

I must also thank Mr. Ahmad Yusufi for writing a special computer program for this work and for providing support and service crucial to the production of the text.

I should like to further thank all those involved in this work, Brother Shujâ' Alî Mîrzâ for his helpful comments, Mr. Yazdiyân and Mrs. Marzeyeh Tavakkulî for their assistance in typesetting.

I am also grateful to Director of the Suhrawardî Research and Publication Center, Muhammad Ja'far Sadrî for his continued interest in the work of this *Glossary* as well as for his endeavors in raising the necessary funds and providing access to the required resources.

Finally, although great care and much trouble has been taken to present a reliable and as complete a resource as possible for translators and authors in the field of Islamic mysticism, there might still be some shortcomings and the ultimate responsibility for the *Glossary*, and any and all errors that it contains, rests with me.

Seyyed Mahmûd Musavî

combinations are listed first and âlim and its related phrases later, so one should consider the vowels in addition to the letters.

9 - It should be noted that the words listed for one entry might not seem synonymous; this is partly because these words were separated from their original contexts and cannot be judged properly in isolation. Another reason is that the authors of these words have different tendencies. Some take into consideration the original literal meaning, while others give more importance to the current usage of the word.

10 - The English-Persian version is different from Persian-English in some aspects. The Arabic and Persian terms not current in modern Persian have been intentionally deleted. Also, for the convenience of users some repetitions were allowed, i.e. adjectival combinations are to be found under both the adjective and the related noun.

Last but not least, despite all its positive points, much can be done to improve this Glossary by contextualizing it through illustrative examples, sentences etc. In fact, the publication of this work was put off by one year so as to include words from classical works of literature. These words are especially difficult to translate and must often be rendered in their figurative sense. It must be noted that not all poetic terms and expressions were covered in this volume. The most common and important words, though, were included— numbering approximately a thousand. Much more work is needed to complete the job but its publication could not be deferred any longer, not to mention the fact that a comprehensive glossary of such work would be as large as the present book.

It is hoped that this humble work will contribute to the improvement as well as the acceleration of rendering Islamic mystical texts into English for the use of those who are eager for first-hand sources of Islamic mystical knowledge.

Glossaries, like language itself are changing and developing, so once in a while there is an urgent need to revise, a task which my colleagues and I hope to be able to fulfill in later editions.

Acknowledgements

My first acknowledgement, by far, is to colleagues who took great

short explanation in parentheses or brackets; the detailed description of some strange words lies outside the province of this work.

Some points in particular deserve mention:

1 - For the sake of brevity and a number of other reasons the words appearing in every entry of the *Glossary* were not cross-referenced to their sources, mainly because the works used were reliable ones – the inappropriate terms having been omitted during editing.

2 - There is a marked tendency on behalf of some English authors to use the original Arabic terms which they think convey better the intended meanings. This is a welcome tendency. Such words were transliterated and along with other loanwords are to be found in *italic* type.

3 - The use of definite article "the", due to its being a matter of dispute and controversy, was consistently left out except in the case of the Divine Names and Attributes, superlative adjectives, and in such phrases as "the Pious", which indicate an entire class.

4 - Capitalization is another area of particular difficulty in English. In many instances no hard and fast rule can be followed to help in this case. Still we tried our best to be consistent

5 - Spellings shown throughout the *Glossary* are those preferred in the *Oxford English Dictionary*.

6 - The *Glossary* contains only a few cross-references between entries. Their number was kept to a minimum for the convenience of the users.

7 - In both sections of this edition, where there is more than one equivalent, they are separated by a semi-colon and given in alphabetic order, without any indication of preference, under the assumption that users can choose the best among the existing words according to their own needs and taste.

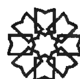
8 - It would be difficult and perhaps impossible to arrange the listed words in terms of appropriateness, so as a rule, the words in both version are in letter-by-letter alphabetical order, but in rare cases especially in the Persian-English version when one word with the same letters but different vowels has different meaning, the rule was not observed and the Arabic vowels were taken into consideration and for example âlam and its adjectival

Preface

The present book is the first volume of *the Library of Glossaries of the Islamic Sciences*. It assembles within itself a vast compendium of Islamic mystical terms, with the overall intent to improve the English translation of classical Arabic and Persian texts as well as facilitating the writing of original works in the field.

The work of compiling *the Library* first began 7/8 years ago (1996) through the attempts and contribution of some distinguished scholars and the present book is the first product of their labour. The central feature of this *Glossary* is its comprehensiveness, thoroughness, consistency and precision. The content has been to a great extent assembled from a number of sources, ranging from specialized dictionaries to technical works written on the subject. The complete list of these works can be found in the *Bibliography*. This work contains a vast number of technical, semi-technical terms of Islamic mysticism with a considerable overlap with other branches. Our criterion in the choice of words was their frequency of occurrence in typical mystical discourse and writings. Therefore, some of the vocabularies and usages which may not be regarded as particularly belonging to Islamic mysticism, are included in the *Glossary* in accordance with our general aim of coordinating and communicating the rich and deep spiritual Islamic heritage to the English-speaking world– English being one of the most popular of living languages. (The English-Persian section contains over 9500 entries with their 12,000 equivalents and the Persian-English section has over 6500 entries and 13000 equivalents).

However, this is a glossary not a descriptive dictionary. Mystics, like any other class, have their own language. So you might find some specialized words that are not commonly encountered in ordinary language. We have tried to explain, where necessary, the meaning and usage by providing a very



2003 / 1382 / 1423
ISBN 964-6980-31-7

A Glossary of Islamic Mysticism - English–Persian & Persian–English; Compiled by A Group of Researchers in Suhrawardî Research and Publication Center; With an Introduction and Corrections by Seyyed Hossein Nasr; edited by Seyyed Mahmûd Mûsavî, 1st edition -- Tehran: Suhrawardî Research and Publication Center; 2003.

780 p. -- (The Library of Glossaries of the Islamic Sciences (1))

Includes bibliographies p. 481.

ISBN 964-6980-31-7

1. Islamic Mysticism -- Tecnical Terms. 2. Persian -- Dictionaries -- English 3. English Language -- Dictionaries -- Persian I. Seyyed Hossein Nasr, II. Seyyed Mahmûd Mûsavî, III. Suhrawardî Research and Publication Center.

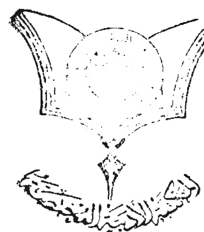
BP 274 / 3 / F 356 298 / 803

M 82-805 Iranian National Library

Published by
Suhrawardî Research and Publication Center
P. O. Box 15855-413
Tel & Fax : + 98-21- 8028953-4
Tehran - Iran

A Glossary of Islamic Mysticism

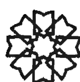
(English - Persian)
(Persian - English)



Compiled by
A Group of Researchers

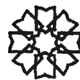
Edited by
Seyyed Mahmûd Mûsavî

With an Introduction and Corrections by
Dr. Seyyed Hossein Nasr



Suhrawardî
Research and Publication Center
2003 / 1382 / 1423

In the Name of Allah
the Mercy-Giving, the Merciful



The Library of
Glossaries of the Islamic Sciences
(1)